



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



در کلام علوی

نگرشی در آخرین وصایای

مولی الموحدين امیرالمومنین (علیه السلام)

علی مهدوی دامغانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیین بندگی در کلام علوی

نویسنده:

علی مهدوی دامغانی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۱۹ | آیین بندگی در کلام علوی |
| ۱۹ | مشخصات کتاب |
| ۲۰ | اشاره |
| ۲۴ | فهرست مطالب |
| ۴۶ | تقریظ استاد عالی قدر دانشمند معظم دکتر احمد مهدوی دامغانی دامت برکاته |
| ۵۰ | مقدمه ی مؤلف |
| ۵۴ | پیش گفتار |
| ۵۸ | بخش اول |
| ۵۸ | فصل اول: تاملی کوتاه در شخصیت امیرالمومنین علی (ع) |
| ۵۸ | اشاره |
| ۶۰ | تاملی کوتاه در شخصیت امیرالمومنین علی (ع) |
| ۶۴ | مقام امیرالمومنین (ع) در آیات قرآن |
| ۶۶ | شخصیت امیرالمومنین (ع) در کلام پیامبر (ص) |
| ۶۷ | حدیث غدیر |
| ۶۹ | امام مبین |
| ۷۱ | جایگاه امیرالمومنین (ع) در کلام خود آن حضرت |
| ۷۵ | امیرالمومنین (ع) از دیدگاه اهل سنت |
| ۷۸ | فصل دوم: اهمیت وصیت از نگاه اسلام |
| ۷۸ | اشاره |
| ۸۰ | وصیت در لغت و اصطلاح |
| ۸۰ | اشاره |
| ۸۱ | ۱- اهمیت وصیت در مسایل مالی از دیدگاه قرآن و نگاه روایات |
| ۸۱ | اشاره |

| | |
|-----|--|
| ۸۲ | آثار وصیت |
| ۸۳ | ۲- وصیت در مسایل اخلاقی از لسان قرآن و عترت |
| ۸۸ | فصل سوم: وصیت امیرالمومنین (ع) در کتب احادیث |
| ۸۸ | اشاره |
| ۹۰ | وصیت امیرالمومنین (ع) در کتب احادیث |
| ۹۲ | مخاطبان امیرالمومنین به هنگام وصیت |
| ۹۴ | فصل چهارم: سخنی با قصاص کنندگان |
| ۹۴ | اشاره |
| ۹۶ | سخنی با قصاص کنندگان |
| ۹۶ | مساله ی ولایت بعد از امیرالمومنین (ع) |
| ۹۸ | جایگاه قتل نفس در اسلام |
| ۹۹ | حکم قتل نفس در احکام اسلام |
| ۹۹ | حقوق بازماندگان مقتول در احکام اسلامی |
| ۱۰۴ | متن کامل وصیت به همراه ترجمه |
| ۱۰۶ | آغاز وصیت |
| ۱۱۳ | بخش دوم |
| ۱۱۳ | اشاره |
| ۱۱۵ | فصل اول: ذکر و یاد خداوند در کلام امیرالمومنین (ع) |
| ۱۱۵ | ذکر و یاد خداوند در کلام امیرالمومنین (ع) |
| ۱۱۷ | اهمیت نام خداوند در آغاز کارها |
| ۱۱۹ | اقرار به شهادتین در ابتدای وصیت |
| ۱۲۵ | فصل دوم: وصیت به تقوا و سرانجامی همراه با تسلیم |
| ۱۲۵ | اشاره |
| ۱۲۷ | وصیت به تقوا در کلام امیرالمومنین (ع) |
| ۱۲۷ | اشاره |
| ۱۲۷ | قسم اول: پدر مهربان امت |

- ۱۲۸ قسم دوم: تبیین اصول اخلاقی
- ۱۲۸ اشاره
- ۱۲۹ فراز اول: تقوای الهی
- ۱۳۱ حقیقت تقوا
- ۱۳۱ اهمیت و آثار تقوا در بعضی از آیات قرآن
- ۱۳۱ اشاره
- ۱۳۲ ۱. گنج با ارزش قرآن در اختیار متّین
- ۱۳۲ ۲. معیت خداوند با متّین
- ۱۳۳ ۳. محبت خداوند به پرهیزکاران و اهل تقوی
- ۱۳۳ ۴. پرهیزکاری تنها راه نجات
- ۱۳۴ ۵. امنیت در سایه ی تقوا
- ۱۳۴ ۶. آسان شدن کارها در سایه ی تقوا
- ۱۳۴ ۷. تقوا عامل زدودن گناهان و اصلاح در کارها
- ۱۳۵ ۸. تقوا عامل پذیرش اعمال
- ۱۳۵ ۹. تقوا معیار سنجش انسان ها
- ۱۳۶ ۱۰. بهشت در انتظار متّین
- ۱۳۶ اهمیت تقوا در کلام اهل بیت عصمت و طهارت(ع)
- ۱۴۲ راه های کسب تقوا
- ۱۴۳ محاسبه ی نفس
- ۱۴۴ فراز دوم: پایانی سیز در زیر لوای اسلام در کلام امیر کلام(ع)
- ۱۴۷ راه دست یابی به حسن عاقبت و مرگ سلیم
- ۱۴۷ اشاره
- ۱۵۲ ۱. زبیر بن عوام
- ۱۵۴ ۲. طلحه
- ۱۵۹ فصل سوم: اهمیت اتحاد و همبستگی در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۱۵۹ اشاره

- ۱۶۱ اهمیت اتحاد و همبستگی در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۱۶۱ اتحاد در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۱۶۱ اشاره
- ۱۶۲ الف: اتحاد در فرهنگ دین و کیفیت آن
- ۱۶۲ اشاره
- ۱۶۲ اهمیت اتحاد از دیدگاه قرآن کریم
- ۱۶۶ مروری کوتاه در تاریخ
- ۱۶۷ عقد اخوت
- ۱۶۹ سیره ی امیرالمومنین(ع) در تحکیم اتحاد
- ۱۷۰ ب: لزوم اصلاح ذات البین
- ۱۷۰ اشاره
- ۱۷۰ اهمیت اصلاح ذات البین در قرآن کریم
- ۱۷۰ اشاره
- ۱۷۱ ۱- اثر فردی
- ۱۷۲ ۲- اثر اجتماعی
- ۱۷۴ اهمیت اصلاح ذات البین در کلام معصومین(ع)
- ۱۷۵ تفرقه افکنی علامت بدترین مردم
- ۱۷۷ پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع)
- ۱۷۹ فصل چهارم: اهمیت صله ی رحم در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۱۷۹ اشاره
- ۱۸۱ اهمیت صله ی رحم در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۱۸۱ اهمیت صله رحم در اسلام
- ۱۸۱ اشاره
- ۱۸۲ ۱- اهمیت صله ی ارحام در بعضی از آیات قرآن
- ۱۸۳ ۲- اهمیت صله ی ارحام در برخی از روایات
- ۱۸۵ مذمت قاطع رحم در فرهنگ اسلام

- الف: آیات ۱۸۵
- ب: روایات ۱۸۶
- آثار نیک دنیوی و آخروی صله ی رحم ۱۸۶
۱. آسانی در حساب ۱۸۶
۲. عمر طولانی ۱۸۸
۳. اخلاق شایسته ۱۸۹
۴. زیادی رزق ۱۸۹
۵. آبادانی شهرها ۱۸۹
- آثار سوء دنیوی و آخروی قطع رحم ۱۹۰
- اشاره ۱۹۰
۱. کوتاهی عمر ۱۹۰
۲. مانع استجابت دعا ۱۹۰
۳. تسلط اشرار ۱۹۱
۴. محرومیت از بوی خوش بهشت ۱۹۱
- والدین مصداق مهم صله ی رحم ۱۹۱
- احترام به والدین در بعضی از آیات قرآن ۱۹۲
- احترام به والدین در روایات خاندان وحی ۱۹۵
- آثار دنیوی و آخروی احترام به والدین ۱۹۶
- اشاره ۱۹۶
۱. موجب نزول رحمت آسمانی ۱۹۶
۲. سبب بهره مندی از سایه ی عرش الهی ۱۹۷
۳. یکی از اوصاف شیعیان ۱۹۷
- پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع) ۱۹۸
- فصل پنجم: ایتام در کلام نورانی امیرالمومنین (ع) ۱۹۹
- اشاره ۱۹۹
- ایتام در کلام نورانی امیرالمومنین (ع) ۲۰۱

- ۲۰۱ تکریم یتیم از دیدگاه دین
- ۲۰۲ لفظ یتیم در لغت و در اصطلاح
- ۲۰۳ پیشینه ی تکریم ایتم در ادیان آسمانی
- ۲۰۳ منزلت ایتم در قرآن کریم
- ۲۰۴ جایگاه احترام و تکریم ایتم در شماری از روایات عترت طاهرین (ع)
- ۲۰۶ پیش گیری حکیمانه ی دین اسلام از عواقبی تلخ
- ۲۰۶ اشاره
- ۲۰۶ ۱. حفظ و سرپرستی ایتم
- ۲۰۷ ۲. کیفیت رفتار ایتم
- ۲۰۸ ۳. حفظ اموال ایتم
- ۲۰۸ پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)
- ۲۱۱ فصل ششم: عمل به قرآن کریم در وصیت امیرالمومنین (ع)
- ۲۱۱ اشاره
- ۲۱۳ عمل به قرآن کریم در وصیت امیرالمومنین (ع)
- ۲۱۳ مقدمه
- ۲۱۵ عظمت قرآن از کلام قرآن
- ۲۱۷ اهمیت توجه به قرآن کریم در کلام معصومین (ع)
- ۲۲۱ نقش قرآن در زندگی انسان
- ۲۲۱ آثار اعجاز آمیز قرآن در روح و روان انسان
- ۲۲۳ پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)
- ۲۲۷ فصل هفتم: همسایگان در کلام امیرالمومنین (ع)
- ۲۲۷ اشاره
- ۲۲۹ همسایگان در کلام امیرالمومنین (ع)
- ۲۲۹ جایگاه همسایه در اسلام
- ۲۳۰ آثار و عظمت تکریم همسایگان
- ۲۳۰ جایگاه همسایه در قرآن کریم

| | |
|-----|--|
| ۲۳۲ | اهمیت همسایه در بعضی از روایات |
| ۲۳۲ | اشاره |
| ۲۳۲ | حدود همسایگی |
| ۲۳۳ | حقوق همسایه |
| ۲۳۴ | دعا نمودن در حق همسایگان |
| ۲۳۶ | اقسام همسایگان |
| ۲۴۰ | پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع) |
| ۲۴۱ | فصل هشتم: عظمت حج و کعبه معظّمه در کلام امیرالمومنین (ع) |
| ۲۴۱ | اشاره |
| ۲۴۳ | عظمت حج و کعبه معظّمه در کلام امیرالمومنین (ع) |
| ۲۴۳ | مقدمه |
| ۲۴۵ | عظمت حج و کعبه ی معظّمه در کلام وحی |
| ۲۴۵ | ۱- عظمت حج |
| ۲۴۶ | ۲- عظمت کعبه معظّمه و بیت الله الحرام |
| ۲۴۷ | ۳- پیامبران الهی خادمان کعبه |
| ۲۴۸ | ۴- حرمت کعبه ی معظّمه |
| ۲۴۹ | ۵- اولین و مهم ترین مکان عبادت |
| ۲۴۹ | ۶- کعبه ی معظّمه محور هدایت |
| ۲۵۰ | حج و عظمت کعبه در کلام عترت (ع) |
| ۲۵۰ | اشاره |
| ۲۵۰ | الف: مَهر کفر بر پیشانی تارک حج |
| ۲۵۱ | ب: حج از ارکان مهم اسلام |
| ۲۵۲ | ج: حج و توصیف کعبه در کلام امیرالمومنین (ع) |
| ۲۵۵ | د: بر پایی دین بر پایه ی کعبه |
| ۲۵۵ | آثار و برکات حج |
| ۲۵۵ | الف: مغفرت و آمرزش گناهان |

- ب: مهمانی پروردگار ----- ۲۵۶
- محل نزول برکات ----- ۲۵۷
- عظمت حج در ادعیه ی ماه مبارک رمضان ----- ۲۵۸
- پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ----- ۲۶۰
- فصل نهم:اهمیت نمازدر کلام امیرالمومنین(ع) ----- ۲۶۳
- اشاره ----- ۲۶۳
- اهمیت نماز در کلام حضرت مولی الموحدين امیرالمومنین(ع) ----- ۲۶۵
- اهمیت نماز ----- ۲۶۵
- تاکید بر نماز در بعضی از آیات قرآن ----- ۲۶۶
- نماز در سیره و بعضی از کلمات معصومین(ع) ----- ۲۶۷
- نماز برای تعظیم پروردگار ----- ۲۶۹
- اهمیت نماز اول وقت ----- ۲۷۱
- برخی از آثار نماز در کلام عترت(ع) ----- ۲۷۲
- مهم ترین آثار ----- ۲۷۲
- اشاره ----- ۲۷۲
- نماز عامل کبرzdایی ----- ۲۷۴
- نماز سبب قبولی اعمال ----- ۲۷۵
- آثار ترک و سبک شمردن نماز ----- ۲۷۵
- الف: در کلام خداوند ----- ۲۷۵
- ب: در لسان روایات معصومین(ع) ----- ۲۷۶
- کفر تارک الصلاه ----- ۲۷۶
- محرومیت از شفاعت ----- ۲۷۷
- پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ----- ۲۷۸
- فصل دهم:زکات در وصیت امیرالمومنین(ع) ----- ۲۸۱
- اشاره ----- ۲۸۱
- زکات در وصیت امیرالمومنین(ع) ----- ۲۸۳

- ۲۸۳ اهمیت زکات در اسلام
- ۲۸۴ واژه ی «زکات» در لغت و اصطلاح
- ۲۸۵ علت وجوب زکات در احکام اسلام
- ۲۸۷ جایگاه زکات در کلام وحی
- ۲۸۸ زکات در آیینہ ی احادیث
- ۲۹۳ آثار و برکات پرداخت زکات
- ۲۹۳ ۱- فرو نشاندن غضب پروردگار
- ۲۹۴ ۲- افزایش مال
- ۲۹۵ ۳- زیادی روزی
- ۲۹۶ ۴- حفظ اموال
- ۲۹۶ نتیجه ی ترک زکات
- ۲۹۹ پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع)
- ۳۰۲ فصل یازدهم: عظمت ماه صیام در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۳۰۲ اشاره
- ۳۰۴ عظمت ماه صیام در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۳۰۴ واژه ی «رمضان» در لغت
- ۳۰۵ واژه ی «برکت» و «مبارک» در لسان وحی
- ۳۰۷ معرفت مقام و عظمت ماه مبارک رمضان
- ۳۰۸ جایگاه و عظمت ماه صیام در کلام رسول الله (ص)
- ۳۱۰ حکمت وجوب روزه در قرآن کریم
- ۳۱۱ حکمت وجوب روزه از لسان کوثر قرآن فاطمه ی زهرا(س)
- ۳۱۲ آثار مادی و معنوی صوم
- ۳۱۲ اشاره
- ۳۱۲ الف: وجود مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) و اجر مجاهدین مخلص
- ۳۱۴ ب: عطیه ی بی بدیل ویژه ی صائمین مخلص
- ۳۱۵ پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع)

| | |
|-----|---|
| ۳۱۸ | فصل دوازدهم: جایگاه مساکین در وصیت امیرالمومنین(ع) |
| ۳۱۸ | اشاره |
| ۳۲۰ | جایگاه مساکین در وصیت امیرالمومنین(ع) |
| ۳۲۰ | اهمیت و جایگاه فقرا و مساکین در فرهنگ اسلامی |
| ۳۲۱ | تفاوت میان فقیر و مسکین |
| ۳۲۱ | اهمیت کمک به نیازمندان در برخی از آیات قرآن کریم |
| ۳۲۴ | کیفیت انفاق از نگاه قرآن |
| ۳۲۴ | آثار انفاق در برخی از آیات الهیه ی قرآن کریم |
| ۳۲۶ | آثار انفاق در برخی از احادیث |
| ۳۲۹ | هدف از انفاق به فقرا و مساکین در فرهنگ اسلام |
| ۳۳۱ | انفاق کنندگان نمونه |
| ۳۳۱ | پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) |
| ۳۳۶ | فصل سیزدهم: اهمیت جهاد در کلام امیرمؤمنان علی(ع) |
| ۳۳۶ | اشاره |
| ۳۳۸ | اهمیت جهاد در کلام امیرمؤمنان علی(ع) |
| ۳۳۸ | اهمیت جهاد از منظر دین مبین اسلام |
| ۳۴۰ | اهمیت جهاد در کلام عترت طاهریں(ع) |
| ۳۴۲ | اقسام جهاد |
| ۳۴۲ | اشاره |
| ۳۴۲ | الف: جهاد ابتدایی |
| ۳۴۳ | ب: جهاد دفاعی |
| ۳۴۴ | ج: جهاد با نفس |
| ۳۴۵ | جهاد اکبر |
| ۳۴۷ | فضیلت مجاهد از منظر قرآن و عترت(ع) |
| ۳۴۸ | پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) |
| ۳۵۲ | فصل چهاردهم: عظمت اهل بیت پیامبر(ص) در کلام امیرالمومنین(ع) |

| | |
|-----|---|
| ۳۵۲ | اشاره |
| ۳۵۴ | عظمت اهل بیت پیامبر(ع) در کلام امیرالمومنین(ع) |
| ۳۵۴ | مقدمه |
| ۳۵۶ | اهل بیت عصمت و طهارت(ع) در قرآن مجید |
| ۳۵۶ | اشاره |
| ۳۵۷ | ۱. آیات سوره ی انسان |
| ۳۶۰ | ۲- آیه ی مبارکه تطهیر |
| ۳۶۵ | ۳- آیه ی مبارکه ی مباحله |
| ۳۷۲ | ۴- آیه ی مبارکه ی مودت |
| ۳۷۲ | اشاره |
| ۳۷۲ | شان نزول |
| ۳۷۴ | ذوی القربی |
| ۳۷۶ | نگاهی به دو روایت |
| ۳۷۶ | الف: حدیث شریف ثقلین |
| ۳۷۸ | ب: حدیث شریف سفینه |
| ۳۷۹ | پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) |
| ۳۸۴ | فصل پانزدهم: اصحاب پیامبر در کلام امیرالمومنین(ع) |
| ۳۸۴ | اشاره |
| ۳۸۶ | اصحاب پیامبر در کلام امیرالمومنین(ع) |
| ۳۸۷ | بدعت در لغت و اصطلاح |
| ۳۸۹ | بدعت در برخی روایات |
| ۳۹۰ | ظهور بدعت در جامعه ی اسلامی |
| ۳۹۲ | بدعت و آثار سوء آن |
| ۳۹۳ | بدعت عامل پایمال شدن سنت ها |
| ۳۹۳ | واژه ی صحابه در لغت و اصطلاح |
| ۳۹۵ | جامعه در زمان پیامبر(ع) |

- ۴۰۰ مقصود از صحابه در کلام پیامبر اکرم(ص) و امیرالمومنین(ع)
- ۴۰۳ فصل شانزدهم: اهمیت حقوق زنان در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۴۰۳ اشاره
- ۴۰۴ اهمیت حقوق زنان در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۴۰۴ مقدمه
- ۴۰۵ جایگاه و اهمیت زنان در قرآن کریم
- ۴۰۵ اشاره
- ۴۰۶ ۱ - خلقت مادی انسان از نگاه بعضی از آیات قرآن
- ۴۰۷ ۲ - آفرینش روح در بعضی از آیات
- ۴۱۰ ابعاد معنوی زن
- ۴۱۲ جایگاه زن در احادیث
- ۴۱۴ پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع)
- ۴۱۶ فصل هفدهم: شیوه گفتار و امر به معروف در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۴۱۶ اشاره
- ۴۱۸ شیوه گفتار و امر به معروف در کلام امیرالمومنین(ع)
- ۴۱۸ تکلم از ویژگی های انسان
- ۴۲۲ اهمیت امر به معروف و نهی از منکر
- ۴۲۲ اشاره
- ۴۲۲ الف: دستور الهی
- ۴۲۳ ب: از ویژگی های رسول اکرم(ص)
- ۴۲۴ ج: امر به معروف شرط رسیدن به مقام صالحان
- ۴۲۵ جایگاه امر به معروف و نهی از منکر
- ۴۲۶ اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در روایات
- ۴۲۸ مراتب امر به معروف و نهی از منکر
- ۴۲۸ اشاره
- ۴۲۹ مرتبه ی اول آغاز از خویشتن

- مرتبۀ ی دوم خانواده ۴۳۰
- مرتبۀ ی سوم خویشاوندان ۴۳۰
- مرتبۀ ی چهارم عموم مردم ۴۳۱
- مذمت ترک امر به معروف و نهی از منکر ۴۳۱
- پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۴۳۲
- اشاره ۴۳۲
- ۱- وظیفه ی همگانی ۴۳۲
- ۲- انذار حضرت در ترک آن ۴۳۳
- اشاره ۴۳۳
- رابطه ی میان ترک امر به معروف و نهی از منکر و تسلط اشرار ۴۳۳
- ۳- سبب عدم استجابت دعا ۴۳۳
- فصل هجدهم: اهمیت تعاون و همکاری در کلام امیر مؤمنان(ع) ۴۳۶
- اشاره ۴۳۶
- اهمیت تعاون و همکاری در کلام امیر مومنان(ع) ۴۳۸
- مقدمه ۴۳۸
- واژه شناسی ۴۴۰
- اهمیت تعاون در بعضی از آیات قرآن کریم ۴۴۳
- نهی از تکبر و فخر فروشی ۴۴۵
- تعاون یک ضرورت اجتماعی ۴۴۶
- تعاون و همکاری در روایات عترت طاهرین(ع) ۴۴۸
- اشاره ۴۴۸
۱. حیات پر خیر ۴۴۸
۲. حق واجب ۴۴۸
۳. آداب اجتماعی ۴۴۹
۴. امنیت در آخرت ۴۴۹
۵. خیانت کار به خدا و رسول او ۴۵۰

| | |
|-----|---|
| ۴۵۱ | آثار قهر و آشتی در آیینه ی روایات |
| ۴۵۲ | پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) |
| ۴۵۴ | خاتمه |
| ۴۵۴ | پایانی رستگاران |
| ۴۵۶ | کتاب نامه |
| ۴۷۴ | فهرست آیات |
| ۴۹۳ | فهرست روایات |
| ۵۱۷ | درباره مرکز |

آیین بندگی در کلام علوی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی دامغانی، علی، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : آیین بندگی در کلام علوی: نگرشی در آخرین وصایای مولی الموحدين امیرالمومنین (علیه السلام) / علی مهدوی دامغانی.

مشخصات نشر : تهران: دلیل ما، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۴۷۲ ص.

شابک : ۲۶۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۲-۰۵۴-۹

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۴۲۵] - ۴۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت : نمایه.

عنوان دیگر : نگرشی در آخرین وصایای مولی الموحدين امیرالمومنین (علیه السلام).

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- وصیت نامه

موضوع : Wil -- Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

موضوع : 'Ali ibn abi-Talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- فضایل

موضوع : Virtues -- Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱

رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ۹م۹۲/BP۱۴۲/۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۵

شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۰۶۶۱۸

ص: ۱

اشاره

تقریظ ۱۷

مقدمه ی مؤلف ۲۱

پیشگفتار ۲۵

بخش اول

فصل اول

تأملی کوتاه در شخصیت امیرالمومنین علی(ع) ۲۹

تأملی کوتاه در شخصیت امیرالمومنین علی ۳۱

مقام امیرالمومنین(ع) در آیات قرآن ۳۵

شخصیت امیرالمومنین(ع) در کلام پیامبر(ص)

حدیث غدیر ۳۸

امام مبین ۴۰

جایگاه امیرالمومنین(ع) در کلام خود آن حضرت ۴۲

امیرالمومنین(ع) از دیدگاه اهل سنت ۴۶

فصل دوم

اهمیت وصیت از نگاه اسلام ۴۹

وصیت در لغت و اصطلاح ۵۱

ص: ۵

۱- اهمیت وصیت در مسایل مالی از دیدگاه قرآن و نگاه روایات ۵۲

آثار وصیت ۵۳

۲- وصیت در مسایل اخلاقی از لسان قرآن و عترت ۵۴

فصل سوم

وصیت امیرالمومنین(ع) در کتب احادیث ۵۹

وصیت امیرالمومنین(ع) در کتب احادیث ۶۱

مخاطبان امیرالمومنین(ع) به هنگام وصیت ۶۳

فصل چهارم

سخنی با قصاص کنندگان ۶۵

سخنی با قصاص کنندگان ۶۷

مساله ی ولایت بعد از امیرالمومنین ۶۷

جایگاه قتل نفس در اسلام ۶۹

حکم قتل نفس در احکام اسلام ۷۰

حقوق بازماندگان مقتول در احکام اسلامی ۷۰

متن کامل وصیت به همراه ترجمه ۷۴

آغاز وصیت ۷۶

بخش دوم

فصل اول

ذکر و یاد خداوند در کلام امیرالمومنین(ع) ۸۳

ذکر و یاد خداوند در کلام امیرالمومنین(ع) ۸۵

اهمیت نام خداوند در آغاز کارها ۸۷

اقرار به شهادتین در ابتدای وصیت ۸۹

ص: ۶

فصل دوم

وصیت به تقوا و سرانجامی همراه با تسلیم در کلام امیرالمومنین (ع) ۹۵

وصیت به تقوا در کلام امیرالمومنین (ع) ۹۷

حقیقت تقوا ۱۰۱

اهمیت و آثار تقوا در بعضی از آیات قرآن ۱۰۱

گنج با ارزش قرآن در اختیار متّین ۱۰۲

معیت خداوند با متّین ۱۰۲

محبت خداوند به پرهیزکاران و اهل تقوی ۱۰۳

پرهیزکاری تنها راه نجات ۱۰۳

اهمیت در سایه ی تقوا ۱۰۴

آسان شدن کارها در سایه ی تقوا ۱۰۴

تقوا عامل زدودن گناهان و اصلاح در کارها ۱۰۴

تقوا عامل پذیرش اعمال ۱۰۵

تقوا معیار سنجش انسان ها ۱۰۵

بهشت در انتظار متّین ۱۰۶

اهمیت تقوا در کلام اهل بیت عصمت و طهارت (ع) ۱۰۶

راه های کسب تقوا ۱۱۲

محاسبه ی نفس ۱۱۳

فراز دوم: پایانی سبز در زیر لوای اسلام در کلام امیر کلام ۱۱۴ □

راه دست یابی به حسن عاقبت و مرگ سلیم ۱۱۷

اهمیت اتحاد و همبستگی در کلام امیرالمومنین (ع) ۱۲۹

اهمیت اتحاد و همبستگی در کلام امیرالمومنین (ع) ۱۳۱

اتّحاد در کلام امیرالمومنین (ع) ۱۳۱

الف: اتّحاد در فرهنگ دین و کیفیت آن ۱۳۲

اهمیت اتّحاد از دیدگاه قرآن کریم ۱۳۲

مروری کوتاه در تاریخ ۱۳۶

عقد اخوّت ۱۳۷

سیره ی امیرالمومنین □ در تحکیم اتحاد ۱۳۹

ب: لزوم اصلاح ذات البین ۱۴۰

اهمیت اصلاح ذات البین در قرآن کریم ۱۴۰

الف: اثر فردی ۱۴۱

ب: اثر اجتماعی ۱۴۲

اهمیت اصلاح ذات البین در کلام معصومین (ع) ۱۴۴

تفرقه افکنی علامت بدترین مردم ۱۴۵

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع) ۱۴۷

فصل چهارم

اهمیت صله ی رحم در کلام امیرالمومنین (ع) ۱۴۹

اهمیت صله ی رحم در کلام امیرالمومنین (ع) ۱۵۱

اهمیت صله رحم در اسلام ۱۵۱

مذمت قاطع رحم در فرهنگ اسلام ۱۵۵

آثار نیک دنیوی و أُخروی صله ی رحم ۱۵۶

آثار سوء دنیوی و أُخروی قطع رحم ۱۶۰

والدین مصداق مهم صله ی رحم ۱۶۱

احترام به والدین در بعضی از آیات قرآن ۱۶۲

احترام به والدین در روایات خاندان وحی (ع) ۱۶۵

ص: ۸

آثار دنیوی و اُخروی احترام به والدین ۱۶۶

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۱۶۸

فصل پنجم

ایتام در کلام نورانی امیرالمومنین(ع) ۱۶۹

ایتام در کلام نورانی امیرالمومنین(ع) ۱۷۱

تکریم یتیم از دیدگاه دین ۱۷۱

لفظ یتیم در لغت و در اصطلاح ۱۷۲

پیشینه ی تکریم ایتام در ادیان آسمانی ۱۷۳

منزلت ایتام در قرآن کریم ۱۷۳

جایگاه ایتام در شماری از روایات عترت طاهرین(ع) ۱۷۴

پیشگیری حکیمانه ی دین اسلام از عواقبی تلخ ۱۷۶

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۱۷۸

فصل ششم

عمل به قرآن کریم در وصیت امیرالمومنین(ع) ۱۸۱

عمل به قرآن کریم در وصیت امیرالمومنین(ع) ۱۸۳

مقدمه ۱۸۳

عظمت قرآن از کلام قرآن ۱۸۵

اهمیت توجه به قرآن کریم در کلام معصومین(ع) ۱۸۷

نقش قرآن در زندگی انسان ۱۹۱

آثار اعجاز آمیز قرآن در روح و روان انسان ۱۹۱

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع) ۱۹۳

فصل هفتم

همسایگان در کلام امیرالمومنین (ع) ۱۹۷

همسایگان در کلام امیرالمومنین (ع) ۱۹۹

جایگاه همسایه در اسلام ۱۹۹

ص: ۹

آثار و عظمت تکریم همسایگان ۲۰۰

جایگاه همسایه در قرآن کریم ۲۰۰

اهمیت همسایه در بعضی از روایات ۲۰۲

اقسام همسایگان ۲۰۶

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۲۱۰

فصل هشتم

عظمت حج و کعبه معظّمه در کلام امیرالمومنین(ع) ۲۱۱

عظمت حج و کعبه معظّمه در کلام امیرالمومنین(ع) ۲۱۳

مقدمه ۲۱۳

عظمت حج و کعبه ی معظّمه در کلام وحی ۲۱۵

پیامبران الهی خادمان کعبه ۲۱۷

حرمت کعبه ی معظّمه ۲۱۸

اولین و مهم ترین مکان برای عبادت ۲۱۹

کعبه‌ی معظّمه محور هدایت ۲۱۹

حج و عظمت کعبه در کلام عترت(ع) ۲۲۰

مُهر کفر بر پیشانی تارک حج ۲۲۰

حج از ارکان مهم اسلام ۲۲۱

حج و توصیف کعبه در کلام امیرالمومنین(ع) ۲۲۳

بر پایی دین بر پایه ی کعبه ۲۲۵

آثار و برکات حج ۲۲۵

محل نزول برکات ۲۲۷

عظمت حج در ادعیه ی ماه مبارک رمضان ۲۲۸

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۲۳۰

ص: ۱۰

فصل نهم

اهمیت نماز در کلام امیرالمومنین (ع) ۲۳۳

اهمیت نماز در کلام حضرت مولی الموحدین امیرالمومنین (ع) ۲۳۵

اهمیت نماز ۲۳۵

تاکید بر نماز در بعضی از آیات قرآن ۲۳۶

نماز در سیره و بعضی از کلمات معصومین (ع) ۲۳۷

اهمیت نماز اول وقت ۲۴۱

برخی از آثار نماز در کلام عترت (ع) ۲۴۲

نماز عامل کبرزدایی ۲۴۴

نماز سبب قبولی اعمال ۲۴۵

آثار ترک و سبک شمردن نماز ۲۴۵

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع) ۲۴۸

فصل دهم

زکات در وصیت امیرالمومنین (ع) ۲۵۱

زکات در وصیت امیرالمومنین (ع) ۲۵۳

اهمیت زکات در اسلام ۲۵۳

واژه ی «زکات» در لغت و اصطلاح ۲۵۴

علت وجوب زکات در احکام اسلام ۲۵۵

جایگاه زکات در کلام وحی ۲۵۷

زکات در آئینه ی احادیث ۲۵۸

آثار و برکات پرداخت زکات ۲۶۲

نتیجه ی ترک زکات ۲۶۵

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۲۶۸

ص: ۱۱

فصل یازدهم

عظمت ماه صیام در کلام امیرالمومنین (ع) ۲۷۱

عظمت ماه صیام در کلام امیرالمومنین (ع) ۲۷۳

واژه ی «رمضان» در لغت ۲۷۳

واژه ی «برکت» و «مبارک» در لسان وحی ۲۷۴

معرفت مقام و عظمت ماه مبارک رمضان ۲۷۶

جایگاه و عظمت ماه صیام در کلام رسول الله (ع) ۲۷۷

حکمت وجوب روزه در قرآن کریم ۲۷۹

حکمت وجوب روزه از لسان کوثر قرآن فاطمه ی زهرا (س) ۲۸۰

آثار مادی و معنوی صوم ۲۸۱

وجود مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و اجر مجاهدین مخلص ۲۸۱

عطیه ی بی بدیل ویژه ی صائمین مخلص ۲۸۳

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع) ۲۸۴

فصل دوازدهم

جایگاه مساکین در وصیت امیرالمومنین (ع) ۲۸۷

جایگاه مساکین در وصیت امیرالمومنین (ع) ۲۸۹

اهمیت و جایگاه فقرا و مساکین در فرهنگ اسلامی ۲۸۹

تفاوت میان فقیر و مسکین ۲۹۰

اهمیت کمک به نیازمندان در برخی از آیات قرآن کریم ۲۹۰

کیفیت انفاق از نگاه قرآن ۲۹۳

آثار انفاق در برخی از آیات الهیه ی قرآن کریم ۲۹۳

آثار انفاق در برخی از احادیث ۲۹۵

هدف از انفاق به فقرا و مساکین در فرهنگ اسلام ۲۹۸

ص: ۱۲

انفاق کنندگان نمونه ۳۰۰

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۳۰۰

فصل سیزدهم

اهمیت جهاد در کلام امیرمومنان علی(ع) ۳۰۵

اهمیت جهاد در کلام امیرمومنان علی(ع) ۳۰۷

اهمیت جهاد از منظر دین مبین اسلام ۳۰۷

اهمیت جهاد در کلام عترت طاهرین(ع) ۳۰۹

اقسام جهاد ۳۱۱

جهاد اکبر ۳۱۴

فضیلت مجاهد از منظر قرآن و عترت(ع) ۳۱۶

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۳۱۷

فصل چهاردهم

عظمت اهل بیت پیامبر(ص) در کلام امیرالمومنین(ع) ۳۲۱

عظمت اهل بیت پیامبر(ع) در کلام امیرالمومنین(ع) ۳۲۳

مقدمه ۳۲۳

اهل بیت عصمت و طهارت(ع) در قرآن مجید ۳۲۵

نگاهی به دو روایت ۳۴۵

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان ۳۴۸ □

فصل پانزدهم

اصحاب پیامبر در کلام امیرالمومنین(ع) ۳۵۳

اصحاب پیامبر در کلام امیرالمومنین (ع) ۳۵۵

بدعت در لغت و اصطلاح ۳۵۶

بدعت در برخی روایات ۳۵۸

ص: ۱۳

ظهور بدعت در جامعه ی اسلامی ۳۵۹

بدعت و آثار سوء آن ۳۶۱

بدعت عامل پایمال شدن سنت ها ۳۶۲

واژه ی صحابه در لغت و اصطلاح ۳۶۲

جامعه در زمان پیامبر(ص) ۳۶۴

مقصود از صحابه در کلام پیامبر اکرم(ع) و امیرالمومنین(ع) ۳۶۹

فصل شانزدهم اهمیت حقوق زنان در کلام امیرالمومنین(ع) ۳۷۱

اهمیت حقوق زنان در کلام امیرالمومنین(ع) ۳۷۳

مقدمه ۳۷۳

جایگاه و اهمیت زنان در قرآن کریم ۳۷۴

۱ - خلقت مادی انسان از نگاه بعضی از آیات قرآن ۳۷۵

۲ - آفرینش روح در بعضی از آیات ۳۷۶

ابعاد معنوی زن ۳۷۹

جایگاه زن در احادیث ۳۸۱

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۳۸۳

فصل هفدهم

شیوه گفتار و امر به معروف در کلام امیرالمومنین(ع) ۳۸۵

شیوه گفتار و امر به معروف در کلام امیرالمومنین(ع) ۳۸۷

تکلم از ویژگی های انسان ۳۸۷

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر ۳۹۱

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر ۳۹۴

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در روایات ۳۹۵

مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۳۹۷

ص: ۱۴

مذمت ترک امر به معروف و نهی از منکر ۴۰۰

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۴۰۱

رابطه ی میان ترک امر به معروف و نهی از منکر و تسلط اشرار ۴۰۲

فصل هجدهم

اهمیت تعاون و همکاری در کلام امیر مؤمنان(ع) ۴۰۵

اهمیت تعاون و همکاری در کلام امیر مومنان(ع) ۴۰۷

مقدمه ۴۰۷

واژه شناسی ۴۰۹

اهمیت تعاون در بعضی از آیات قرآن کریم ۴۱۲

نهی از تکبر و فخر فروشی ۴۱۴

تعاون یک ضرورت اجتماعی ۴۱۵

تعاون و همکاری در روایات عترت طاهرین(ع) ۴۱۷

۱.حیات پرخیر ۴۱۷

۲.حق واجب ۴۱۷

۳.آداب اجتماعی ۴۱۸

۴.امتیت در آخرت ۴۱۸

۵.خیانت کار به خدا و رسول او ۴۱۹

آثار قهر و آشتی در آینه ی روایات ۴۲۰

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع) ۴۲۱

خاتمه ۴۲۳

کتابنامه ۴۲۵

ص: ۱۵

تقریظ استاد عالی قدر دانشمند معظم دکتر احمد مهدوی دامغانی دامت برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا ونبينا محمد وآله الطاهرين والسلام على سيد الأوصياء والأولياء والشهداء والمظلومين على أمير المؤمنين وعلى أولاده المعصومين.

خداوند متعال را شکر می کنم که به لطف و عنایت و رحمت و منت خود به نور چشم معظم این بنده ناچیز، برادر زاده ی عزیز فاضل دانشمندم حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی مهدی دامغانی دامت برکاته، استعداد و دانش و همتی مرحمت فرموده است که بتواند با استمداد از کلام الله حمید مجید و استفاده از علوم و احادیث معصومین (ع) که حمله ی وحی و مفسران واقعی قرآن اند، بقدر الوُسع در مقام تفسیر و تشریح معانی قرآن مجید و تبیین و توضیح کلمات رسول اکرم و ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين برآید و با زحمت و دقت در این کار سودمند صرف وقت کند و آن معانی والا را به نحو مطلوبی بیان کند و از این طریق، مانند پدر و اجداد پدری و مادری خود □ که به قول سعدی (رحمه الله علیه) «همه قبیله او عالمان دین بودند» به خدمتگزاری به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) موفق شود- و لله الحمد.

آنچه در این کتاب به نظر خوانندگان فاضل و محترم می رسد توضیح و تفسیری است که ایشان از سخنان گهربار حضرت مولی الموالی صلواه الله علیه - که در وصف سخن آن حضرت گفته اند: دُونَ كَلَامِ الْخَالِقِ وَفَوْقَ كَلَامِ الْمَخْلُوقِ و این سخنان به صورت آخرین «وصیت» آن وجود مبارک است که در آخرین لحظات زندگانی این جهانی اش و در حال اشتیاق شدیدی که به عروج

به «رفیق اعلا» و رُجوع به الله تعالی را از حضرتش مشاهده می شد، فرموده است و در حقیقت بیانِ تفصیلی سخنانی است که پیش تر از آنکه آن ضربه گشوده بر تارک همایونش فرود آید و عاشقانه و سپاسگزارانه بگوید: «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» به مردمان فرموده بود:

«أَمَّا وَصِيَّتِي: فَاللَّهُ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ مُحَمَّدًا ﷺ، فَلَا تُضَيِّعُوا سُنَّتَهُ، أَقِيمُوا هُدَى الْعَمُودَيْنِ وَأَوْقِدُوا هُدَى الْمَصْبَاحِينَ.» (۱)

که به تفصیل بیشتر به دو فرزند، دو نور چشم خود دو پسر حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (س)، حضرت مجتبی و حضرت سید الشهداء (ع) به تأکید وصیت می فرماید.

اینک آقای حاج شیخ علی دامت برکاته آن آخرین سخنان حضرت مولی الموالی را که امام (ع) در طول عمر شریفش همواره برای احیاء و اقامه و ترویج آن به معنای واقعی مجاهدت فرموده است و اکنون با سُبُكُون و آرامش، به تعبیر رسول اکرم (ص): به «رفیق أعلاء» و لقاء الله مشرف می شود، به بهترین وجهی برای علاقه مندان به قرآن و عترت به فارسی تشریح و تفسیر کرده است الهی که حق تعالی این خدمتش را به لطف و عنایت خود بپذیرد و ثواب آن را بر او ارزانی دارد و إن شاء الله توفیق مستمر و مزید سعی در ترویج معارف اسلامی و خدمتگزاری به محمد و آل محمد (ص) را به ایشان مرحمت فرماید بالنبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

فقیر فانی - احمد مهدی دامغانی

ص: ۱۸

تصویر دست خط مبارک حضرت استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی دامت برکاته

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 الحمد لله رب العالمین ربنا وربنا محمد وآله الطاهرین و سلم علی سید المرسلین و اولادهم و اولادهم و اولادهم
 علی ایامهم و صلواتهم علیهم اجمعین .

فداوند تعالی را شکر می‌کنم که به لطف و عنایت و رحمت و رحمت خود بر فرزند مسلم زنده بماند و برادر زاده
 عزیز فاضل دانشمند محمدتوسعه و سلمین را در عین حال مسدود در معارف دامت برکاته، استعاده دانش و عین رحمت
 فرموده است که بتواند با استمداد از کلام ابراهیم مجید و استفاده از علوم و احادیث معصومین علیهم السلام که حکم روحی
 و مستتران و اقیانان بعد از اوسع در مقام تفسیر و تشریح معانی قرآن مجید و تبیین و توضیح کلمات بر کلام و
 آنکه طاهرین مسلمین علیهم اجمعین برآید و باز رحمت و رحمت در این کار سودمند صرف وقت کند و آن معانی
 و الی را به نحو مطلوبی بیان کند و از این طریق، مانند پدر و اجداد پیری و ادری و غیره که بر قول حضرت
 و غیره قبلیه او عالمان دین بودند به خود نگارای بر عمل است محبت و طهارت سلام و تعظیم موقوف شود. و لکن کلام
 آنچه در این کتاب به نظر خواننده همان فاضل و محرم میرسد توضیح و تفسیری است که ایشان از سخنان
 گهربار حضرت مولی الموالی صلواته علیه که در وصف سخن آن حضرت گفته اند: «ذو کلام الخاقی ذو کلام الخلق
 و این سخنان به صورت آخرین و اهمیت به آن وجود بزرگ است که در آخرین لحظات زندگی این جهانی
 اش و در حال اشتیاق شامی که به خروج به رفیق اطلاق و ترجیح به اللہ تعالی را از حضرت مشاهده می‌نماید. ۱۴۰۱
 و در حقیقت بیان تفصیلی سخنانی است که پیش از آنکه آن عزیز بگردد بر تارک همایش فرود آید دعا
 و سپاسگزاران گوییم: «فرزت و رب العزت» برده فرموده خود: «اما وصیتی: فالله لا شریک له و لا
 و محمد آصلی و علیه و آله، فلا تضیعوا سنته، انتموا هدیة العودین و اودقوا هدیة المصباحین»^(۱)
 که در تفصیل بیشتر به دو فرزند و در چشم خود بر حضرت صدیق کبری فاطمه زهرا سلام علیها حضرت عجبی و حضرت
 سید اشهدا علیها السلام بناگید و وصیت می‌نماید
 (۱) غلبه ۱۴۰۱ خراج

تصویر دست خط مبارک حضرت استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی دامت برکاته

تصویر دست خط مبارک حضرت استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی دامت برکاته

۲
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اینک در صبح طریق علی دست سزا است آن آفرینش حضرت علامه را که در طول عمر شریفش بحجاب برادر اجداد و امامان و ترویج
آن معنی واقعی مجاهدت فرموده است و اکنون با سکون و آسایش بر تعبیر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:
به در پیش ائمه شریف می شود به بهترین وجهی برابر علم و دینان به قرآن و معرفت به فارسی تشریح و تفسیر کرده است
الی که حق تعالی این خدمت شریف را به لطف و عنایت خود پذیرد و ثواب آنرا بر او ارزانی فرماید و ان شاء الله تعالی مستتر
و مزید می آید ترویج معارف سعادت و خدمتگزاری به قهر و آل محمد علیهم السلام را به ایشان رحمت فرماید باینجه و آنرا بجا
فیقرطانی - احمد مهدوی دامغانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على هدايته لدينه، و التوفيق لما دعى إليه من سبيله، وخير الصلاه و السلام على خير خلقه و خاتم رسله سيدنا أبى القاسم محمد و على أهل بيته الطاهرين سيما على مولانا بقيه الله الأعظم أرواحنا و أرواح العالمين له الفداء، واللعن على أعدائهم و غاصبى حقوقهم من الآن إلى لقاء يوم الدين.

أما بعد، عن رسول الله(ص):

يا عَلَى أَنَا وَ أَنْتَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ (١)

كلام امير كلام امام المتقين اميرالمومنين عليه أفضل صلوات المصلين فوق كلام مخلوق ودون كلام خالق است، و اين حقيقتى است كه كسى به آن نمى رسد مگر آن كه احاطه برفنون كلام عرب داشته باشد، و در كلمات بلغا و فصحاى شان غور نموده، آن گاه در مى يابد كه آنچه از آن مصدر علم و نور و طهارت صادر شده است ممكن نيست از غير حضرتش صادر شود.

و در بين كلمات آن علم علم و حلم، وصيت آن حضرت داراى خصايصى است كه ابتدا بايد توجه داشت كه گوينده ي اين كلمات پدر جميع أمت مرحومه است آن طور كه رسول اكرم(ص) فرمود:

ص: ٢١

١- امالى شيخ صدوق ص ٦٥٧، روضه الواعظين ج ٢ ص ٣٢٢، مناقب آل ابى طالب ج ٣ ص ١٠٥، بحار الانوار ج ٢٣ ص

يا عَلِيَّ اَنَا وَ اَنْتَ اَبُو هِدِهِ الْاَمَةِ.

اگر تأمل شود که هر پدری چه درجه ای از محبت و خیرخواهی نسبت به فرزندان خود دارد، به نحوی حتی حاضر است برای حفظ او خود را در مخاطره افکند، آن گاه چگونه است درجه ی محبت پدر این اُمت که همانا رسول اکرم (ص) فرمود.

و نیز باید توجه به ظرف صدور این وصیت داشته باشیم که فرق مبارک حضرتش به شمشیر ملعون ازل و ابد شکافته شده، و خداوند متعال فقط می داند چه گذشت در آن لحظات بر اوّل مظلوم عالم، در آن لحظاتی که از شدت درد و تاثیر سمّ بر خود می پیچید، آن گاه اهمیت آنچه در خیرخواهی اُمت در آن حالت فرموده تا حدی معلوم می گردد.

و در این مقام باید توجه داشت که وصیت مذکور متوجه به جمیع افراد اُمت اسلامی است چنانچه که خود تصریح می فرماید: «ومن بلغه کتابی».

ابتدا وصیت را به اظهار شهادتین و امر به تقوای الهی آغاز فرموده، و سرّش این است که آنچه موجب سعادت ابدی هر بشری است، دو پایه و اساس آن ایمان و عمل صالح است، و بر هر مومن لازم است که دائماً و در جمیع حالات تحفّظ بر این دو رکن اساسی نماید.

لذا در آیات متعددی از قرآن کریم فوز به نِعَم اُخروی که غایت آمال المومنین است، اناطه شده بر تحقق این دو رکن رکن، و حقیقت تقوا محقق نمی شود مگر به اتیان واجبات و ترک محرمات که گرچه بر لسان آسان ولی در عمل در غایت صعوبت است.

و در مرحله ی بعد امر به صلاح ذات البین و رعایت صله ی رحم فرموده، و این ناشی از کمال اهمیت این امر است، و بعد حضرت توصیه فرموده به مواردی از لزوم رعایت حال یتامی، و توجه به قرآن کریم، و رعایت حال همسایگان، و نیز حج

بیت الله الحرام، و اتیان صلاه و زکاه و صوم ماه رمضان، و رعایت فقرا و مساکین، و لزوم جهاد که به اموال و آنفس و آلسنه، و توجه به ذریه ی رسول اکرم(ص)، و لزوم رعایت احوال آن دسته از صحابه ی رسول مکرم(ص) که احداث حدیثی نکرده باشند، کنایه از این که از طریق آن حضرت تخطی ننموده باشند نه جمیع صحابه، و در عین حال اشاره فرموده که آن گروه آخر مورد لعن آن حضرت واقع شده اند، و سایر اموری که آن حضرت با توجه به درجات اهمیت یکی بعد از دیگری بیان فرموده اند.

اکنون جای دو سوال است: آیا هر یک از ما اگر این وصیت را در جمیع شئون زندگی دائماً مدّ نظر قرار داده و به آن عمل نماییم چه تحوّل عظمی در هر یک اتفاق خواهد افتاد؟

و دیگر این که اگر تمامی افراد جامعه به آن عمل نمایند چگونه خواهد بود حال آن مجتمع؟

و این آن مدینه ی فاضله ای است که نتیجه ی بعثت جمیع انبیا صلوات الله علیهم اجمعین می باشد، قهراً اگر خللی در هر یک از اشخاص و در جامعه به نحو عموم مشهود باشد، به هر مرتبه ای همگی از قصور و تقصیر خود ماست و الا حجج الهیه همه ی حقایق نورانیه را بیان فرموده و خود اول عامل به آن بوده اند.

اللهم وفقنا لما تحبّ وترضى، و أعنا على أنفسنا بما تعين به الصالحين على أنفسهم، واختم أعمالنا بأحسنها، واجعل ثوابنا منها الجنة برحمتك، و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمين.

علی مهدوی دامغانی

عفی عنه وعن والديه

۱۴ ربیع المولود ۱۴۳۸

ص: ۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين،

و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين

پیش گفتار

وصیت پیش رو، وصیت انسانی است که تمام قرآن و انوار وحی از وجود مبارکش متجلی می گردد، و خود می فرماید:

وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضُلُّ بِي؛ (۱)

نه هرگز گمراه شدم و نه دیگران به واسطه ی من گمراه شدند.

بلکه نور پر فروغ هدایت و معرفت و حقانیت از وجود من پرتو افشان است که فرمود:

إِنَّمَا مَثَلِي بَيْنَكُمْ كَمَثَلِ السَّرَاحِ فِي الظُّلْمَةِ؛ (۲)

کسی که در ظلمت به آن چراغ نزدیک شود همانا از آن نور برخوردار می گردد.

این توصیه های حکیمانه، سفارش انسانی است که با روشنایی باطن، و

ص: ۲۵

-
- ۱- نهج البلاغه حکمت ۱۸۵، امالی شیخ صدوق ص ۴۰۷ ضمن حدیث ۱۰، امالی شیخ طوسی ص ۲۶۱ ضمن حدیث ۴۷۳، شواهد التزیل ج ۱ ص ۳۶۳، بحار الانوار ج ۳۰ ص ۶۷ حدیث ذیل حدیث ۱.
 - ۲- نهج البلاغه خطبه ی ۱۸۷، بحار الانوار ج ۳۴ ص ۲۱۲: مثل من در میان شما مانند چراغی در تاریکی است.

محاسبه ای دقیق و بی نظیر، دنیای فانی را رصد کرده، و بدون هیچ تردیدی به طور کامل آگاهست که خوشبختی و سعادت واقعی و جاودان، تنها در سایه ی اطاعت آگاهانه از فرمان خداوند سبحان تحقق می یابد؛ زیرا او خود سالار کاروان انسانیت است، مبدا و مقصد را به خوبی می شناسد، و خود را نیز عضوی از آن کاروان می داند، و از تمام جزئیات در طی طریق آن مطلع است، و حقایق پنهان و آشکار همه ی دیدنی ها و نادیدنی ها در برابر دید گانش مساوی و یک سان هستند که فرمود:

لَوْ كَشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا؛ (۱)

او در طول زندگی خویش، با بینش صحیح و علم لدنی و یقین ربّانی زندگی کرد، و صفحه ی پاک و مطهر دل را - که عرش کبریایی خداوندگار است (۲) - از هر گونه وابستگی و آلودگی حفظ نمود، و لحظه ای و حتی کم تر از لحظه ای در وجود حق شک نکرد و فرمود:

مَا شَكَّتُ فِي الْحَقِّ مَذْ أَرَيْتُهُ؛ (۳)

و تنها در توحید محض مستغرق شد.

در نتیجه، دنیا در نزد دید گانش به اندازه ای دنی و پست جلوه کرد که او را سه طلاقه نمود (۴)، و فقط قلب نازنین و پاکیزه ی خود را، لبریز از عشق معبودش نمود،

ص: ۲۶

۱- غرر الحکم ص ۱۱۹ حدیث ۲۰۸۶: اگر پرده برداشته شود (و عالم غیب عیان گردد و در باره ی امور مبدا و معاد و معرفت به خدا) بر یقینم چیزی نیفزایم.

۲- «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَوْسُ الرَّحْمَنِ». بحار الانوار ج ۵۸ ص ۳۹ ذیل حدیث ۶۱.

۳- نهج البلاغه خطبه ی ۴ حکمت ۱۸۴، ارشاد مفید ج ۱ ص ۲۵۳، بحار الانوار ج ۳۲ ص ۳۴۲ حدیث ۱۱۶۱.

۴- نهج البلاغه حکمت ۷۶، بحار الانوار ج ۳۴ ص ۲۸۵ حدیث ۱۰۳۳.

مشتاقانه و بی صبرانه، لقای ربّ العالمین را انتظار می کشید.

طبق سنت هر ساله که والد معظّم حضرت آیت الله شیخ علی مهدوی دامغانی دامت برکاته در ماه مبارک رمضان بعد از نماز ظهر و عصر، بحث تفسیر قرآن کریم را دارند، برای رعایت همه امور و جوانب در ایام شهادت حضرت امیرالمومنین صلوات الله وسلامه علیه (رمضان المبارک ۱۴۳۶ ق) برای مدت چند جلسه با بیان شیوا و نافذ خویش به تبیین و توضیح آخرین وصیت حضرت مولی الموالیؑ پرداختند، و خوشا به حال آنان که توفیق اندیشه و تدبّر در کلمات اول مظلوم عالم را دارند، و از چشمه ی زلال معارفش جرعه جرعه سیراب می گردند.

و بحمد الله تمام مطالب و درس های ارزشمند و پُر محتوایی که در آن جلسات مطرح گردید، جمع آوری شده، و بعد از تحقیق و پژوهش در منابع آن، و شرح بیش تر بعضی مباحث آن، و منظّم و مدوّن نمودن سخنان معظّم له، اکنون به صورت کتاب حاضر به زیور طبع آراسته گردیده است.

بیان چند نکته را لازم می دانم:

۱- وصایا و سفارشات مختلف و متعددی از حضرت امیرالمومنین(ع) به دست شیعیان رسیده است، اما این وصیت متمایز از دیگر فرمایشات حضرت است؛ زیرا در آخرین لحظات غم بار عمر شریف و با فرقی شکافته به عنوان پدری دلسوز، تمام راه و روش بندگی و رسیدن به سعادت ابدی را با کوتاه ترین کلمات بیان فرموده اند.

۲- در این کتاب مواردی که مربوط به نقل قضایای تاریخی در صدر اسلام و بعد از آن بوده که محل اختلاف آرا و انظار است، سعی و همت بر آن شده که از کتب معتبر اهل سنت مطالب آن نقل شود.

ص: ۲۷

۳- مطالب این کتاب در دوبخش دسته بندی شده و عمده مباحث آن در بخش دوم می باشد که شامل هجده فصل است.

بخش اول: تاملی کوتاه در شخصیت مولی الموحدین امیرالمومنین(ع) و اهمیت وصیت در اسلام.

بخش دوم: شرح و بررسی وصیت حضرت امیر(ع).

در خاتمه از همه ی بزرگوارانی که به نوعی در تهیه و آماده سازی این اثر ما را یاری نمودند کمال تشکر و سپاس را دارم، و برای آنان حُسن عاقبت از خدای رحمان خواستارم، و از شما خوانندگان فاضل و ارجمند که با قبول زحمت خواندن این کتاب شریف بر ما ممتّ نهاده اید، در رفع نواقص و عیوب احتمالی مدد و یاری خواسته تا در چاپ های بعد لحاظ گردد.

ان شاء الله این تلاش مورد رضایت پروردگار متعال سبحانه و تعالی و موجب خشنودی قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قرار گیرد.

محمدجواد مهدوی دامغانی

ص: ۲۸

بخش اول

فصل اول: تاملی کوتاه در شخصیت امیرالمومنین علی (ع)

اشاره

ص: ۲۹

بعد از رسول اکرم(ص) اولین شخصیت بی همتا و بی نظیر عالم خلقت، ثانی وجود پیامبر خاتم(ص)، امیرالمومنین علی بن ابی طالب(ع) است.

همان گونه که توصیف وجود مبارک پیامبر اکرم(ص) از حدود مراتب خارج و مقدور کسی نیست، وصف مقام با عظمت امیرالمومنین و سایر معصومین □ هم جز از زبان پیامبر گرامی اسلام(ص) مقدور احدی نخواهد بود.

هنگامی که خاتم پیامبران(ص) در خطاب به امیرالمومنین علی بن ابی طالب(ع) می فرماید:

يا عَلِيُّ مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرِكَ ، وَ مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ أَهْلِهِ وَ غَيْرِي؛ (۱)

یا علی! کسی به غیر از من و تو خدا را نشناخت، و کسی جز من و خدا تو را نشناخته است (یعنی از مخلوقات کسی جز پیامبر نمی تواند علی را بشناسد).

این کلام از لسان انسانی بیان شده است که قرآن در وصف او می فرماید:

□ وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۲)

ص: ۳۱

۱- مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۲۶۷، بحار الانوار ج ۳۹ ص ۸۴

۲- سوره ی نجم آیه ی ۳ و ۴: و از سر هوس سخن نمی گوید، این سخن به جز وحی نیست.

پیامبری که در کلامش نه اضافه می گوید و نه از آن کم می کند، و هر کلمه را در جای خود استفاده می نماید، و آیه ی وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۱) در شان او نازل شده است.

با توجه به مقام و مرتبت رسول اکرم (ص) در این دو آیه، روشن خواهد شد که دیگری را که به مبدأ وحی اتصال نباشد، توان وصف و معرفی شخصیت امیرالمومنین (ع) را که «باب الله» (۲)، «وجه الله» (۳)، «ولی الله» (۴) «کلمه الله» (۵) و «آیه الله العظمی» (۶) در عالم خلقت است، را ندارد.

این تعبیر زیبا و درست دارای اسرار و مفاهیم بلند است که ریشه در آیات و حیانی دارد؛ زیرا در قرآن کریم درباره ی توصیف کلمه ی الله آمده است:

«اگر کسی بخواهد کلمات پروردگار را ثبت کند، اگر تمام آب دریاها مرکب شوند و دریاها ی دیگر هم بر آن افزوده شوند، و تمام درختان روی زمین قلم شوند، باز عظمت کلمات آن ذات مقدس به قدری است که هرگز موفق به ثبت کلمات الله نخواهند شد».

و به نص قرآن که فرموده است:

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (۷)

ص: ۳۲

۱- .سوره ی تکویر آیه ی ۲۴: او در امر غیب بخیل نیست

۲- کافی ج ۱ ص ۱۴۵ حدیث ۸

۳- البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۱۸۴.

۴- کافی ج ۴ ص ۲۲۰ ضمن حدیث ۷.

۵- امالی شیخ صدوق ص ۱۱ ضمن حدیث ۶.

۶- اقبال الاعمال ج ۳ ص ۱۳۰ و ۱۳۱، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۳۷۳ ضمن حدیث

۷- سوره ی کهف آیه ی ۱۰۹: بگو: اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می گیرد پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان یابد، هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم.

و هم چنین در آیه ی دیگر می فرماید:

(وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ) (۱)

و اگر همه ی درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، این ها همه تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی گیرد.

جابر می گوید: از حضرت امام محمد باقر(ع) در باره ی تفسیر این آیه ی کریمه از قرآن کریم که فرمود: (ع) يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَحَقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (۲) سوال کردم، امام(ع) فرمود:

«تفسیر آیه در باطن این است که خداوند اراده دارد یعنی هنوز انجام نداده، و معنای «يَحَقُّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ» یعنی احقاق حق آل محمد(ص) را کند، اما «بِكَلِمَاتِهِ» در باطن، علی(ع) کلمه ی الله است، «وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» منظور بنی امیه است که خداوند دمار از روزگار آن ها می کشد، و این که فرموده: «لِيَحَقَّ الْحَقُّ» یعنی تا احقاق حق آل محمد را بکند هنگام قیام حضرت قائم(۳)

از این رو، با توجه به فرمایش حضرت امام محمد باقر(ع)، مفهوم کلام

ص: ۳۳

۱- سوره ی لقمان آیه ی ۲۷

۲- سوره ی انفال آیه ی ۷: خداوند می خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه ی کافران را قطع کند.

۳- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۵۰ حدیث ۲۴، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۲، ص ۶۵۹، بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۷۸ حدیث ۱۰.

حضرت(ع) این است همان گونه که همگی در شمارش و ثبت «کلمه ی الله» عاجز و ناتوانند، آگاهی و احاطه به مقام با عظمت و ملکوتی نفس نفیس پیامبر اکرم(ص) هرگز ممکن نخواهد بود.

اگر تمام آب دریاها مرکب و تمام درختان قلم شوند و بخواهند فضایل علی بن ابی طالب(ع) را بنویسند، هرگز کارشان پایان نخواهد داشت، و آن ها نیز از نوشتن آن عاجز و ناتوان خواهند بود؛ زیرا او به جز مقام منبع نبوت، در سایر مراتب کمال و معنویت، همتای مقام پیامبران الهی هم چون حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی(ع) و محمد(ص) می باشد.

چگونه می توان در باره ی شخصیتی سخن گفت در حالی که او دومین پایه و اساس جهان خلقت و دین الهی است! زبان ها الکن و قلم ها قاصرند که بتوانند امیرالمومنین(ع) را وصف و یا معرفی کنند.

شاعر می گوید:

چو عقول و افئده را نشد، لمعات سرّ تو منکشف

ز بیان وصف تو هر کسی، رقم گمان زده مختلف

همه گفته اند و نگفته شد، ز بیان وصف تو یک الف

فصحای دهر و به عجز خود، ز ادای وصف تو معترف

بلغای عصر و به نطق خود، شده اند لال تو یا علی

فضایل آن بزرگوار از حد شمارش خارج است، تنها کلام و حیانی قرآن کریم و بیان ربّانی حضرت پیامبر خاتم(ص) و نفس و جان رسول الله، یعنی شخص امیرالمومنین می توانند وجود نورانی آن حضرت را وصف کنند، و لکن ما در این مقام، به تعدادی چند از فضایل او، از کتاب خدا و لسان رسول اکرم(ص) و ولّیش یعنی امیرالمومنین(ع) اکتفا می کنیم.

ابن عباس مفسّر قرآن، و از راویان حدیث است که در نزد شیعه و سنی از جایگاه قابل اعتمادی برخوردار است، طبق گفتار او بیش از سیصد آیه از آیات قرآن کریم، در شان علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است (۱).

یکی از آیات مهم قرآن که ولایت و رهبری امیرالمومنین را بر همه حجّت می کند، و در پرتو آن، اطاعت و پیروی مردم را از امام معصوم لازم می شمارد، آیه ی شریفه ی (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (۲) می باشد.

این آیه ی کریمه در میان علمای شیعه مشهور و معروف به آیه ی ولایت است، و به اتفاق اکثر مفسّرین شیعه و سنی این آیه در شان و منزلت امیرالمومنین (ع) نازل شده است (۳) در آن هنگامی که امیرالمومنین علی (ع) انگشتر خود را در نماز در حال رکوع به سائل عطا فرمود.

ثعلبی نیشابوری در تفسیر «الکشف و البیان» در ذیل آیه ی شریفه ی (إِنَّمَا

ص: ۳۵

-
- ۱- تاریخ بغداد ج ۶ ص ۲۱۹ شماره ی ۳۲۷۵، ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۷۷، تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۳۶۴.
 - ۲- سوره ی مائده آیه ی ۵۵: سرپرست و ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند، همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.
 - ۳- تفسیر فرات کوفی ص ۱۲۴-۱۲۸ حدیث ۱۳۵-۱۴۵، تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۷۰، تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۲۷، حدیث ۱۳۷، تفسیر قرطبی ج ۶ ص ۲۲۱، تفسیر درّ المنثور ج ۲ ص ۲۹۳، تفسیر روح المعانی ج ۲ ص ۳۳۴ و ۳۳۷ و ۳۵۲، شواهد التنزیل ج ۱، ص ۱۶۱، تفسیر طبری ج ۶، ص ۲۸۸، تفسیر کشاف (زمخشری) ج ۱، ص ۶۴۹.

وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ (ص) می گوید: مقصود خداوند متعال از این آیه، حضرت علی بن ابی طالب (ع) است، هنگامی که آن حضرت در حال رکوع بود، سائلی وارد مسجد شد، آن امام (ع) انگشتر خود را به او اعطا فرمودند.

و هم چنین این مفسر قرآن در ادامه، از لسان ابوذر غفاری نقل می کند که او گفت: روزی با رسول خدا ﷺ مشغول نماز بودیم، سائلی به کنار در مسجد آمد و تقاضای کمک کرد، اما کسی به او چیزی عطا نکرد.

در این هنگام امیرالمومنین (ع) در حال رکوع بود، پس او با خنصر دست راست خود به آن سائل اشاره کرد، انگشتری در آن دست داشت، سائل به اشاره ی آن حضرت متوجه شد، پیش آمد و انگشتر را از انگشت آن حضرت گرفت و رفت.

وقتی رسول خدا (ص) این صحنه را مشاهده نمود، سر به سوی آسمان بلند کرد و فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّ نَبِيكَ مُوسَى ابْنَ عِمْرَانَ سَأَلَكَ فَقَالَ: (رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ اخْلَعْ عُقْمَةَ مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي * وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَ اشْرِكْهُ فِي أَمْرِي) (۱)

اللَّهُمَّ أَنَا مُحَمَّدٌ نَبِيكَ وَ صَفِيكَ، اللَّهُمَّ فَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي عَلِيًّا، اشْدُدْ بِهِ ظَهْرِي؛

خدایا در حقیقت پیامبرت موسی بن عمران از تو تقاضا کرد و گفت: پروردگارا! سینه ی مرا بگشای، و کارم را به من آسان کن، و گره از زبان من باز کن، تا گفتارم را بفهمند، و برای من وزیری از کسانم مقرر فرما،

ص: ۳۶

هارون برادر من را، و پشت من به او محکم کن، و او را شریک کارم گردان.

تو دعای او را مستجاب کردی در جواب او این آیه را نازل فرمودی:

(سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ) (۱)

به زودی بازویت را به وسیله ی برادرت قوی می کنیم.

پروردگارا من محمد نبی و برگزیده ی تو هستم، خداوندا! صدر مرا شرح بده، و امر مرا سهل و آسان بفرما، برای من وزیری از اهل من قرار ده که او علی بن ابی طالب باشد، و با او پشت مرا محکم گردان.

هنوز دعای حضرت تمام نشده بود که جبرئیل این آیه را بر او نازل کرد (۲)

شخصیت امیرالمومنین (ع) در کلام پیامبر (ص)

رسول خدا (ص) در طول رسالت خویش، همواره امیرالمومنین (ع) را در کنار خود قرار می داد، و در هر فرصت مناسبی جایگاه و مقام و منزلتش را در نزد خداوند متعال و خود به مردم گوشزد می کرد، و عشق و محبت خود را نسبت به او ابراز می داشت.

وقتی دعوت خویش را آغاز نمود، مقام امامت و جانشینی او را به همراه رسالت خود برای مردم بازگو کرد، رسول اکرم (ص) فضیلتی را که برای امیرمومنان (ع) بیان فرمود، برای احدی از مردم بیان نکردند.

ص: ۳۷

۱- سوره ی قصص آیه ی ۳۵.

۲- الکشف والبیان ج ۴ ص ۸۰ و ۸۱.

مهم ترین و جامع ترین بیان او که جایگاه و منزلت امیرمومنان حضرت علی(ع) را به طور کامل برای همه ی مردم معرفی می کند؛ حدیث غدیر است، این حدیث شریف از سوی راویان دو فرقه ی شیعه و سنی روایت شده است.

و نقل آن به گونه ای است که به حد تواتر رسیده، و ما اکنون به چند فراز آن بسنده می کنیم.

رسول مکرم اسلام(ص) فرمود:

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ وَ أَفْهَمُوهُ! وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَّ بِهٖ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُّفْتَرَضَةً طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ، وَ عَلَى التَّابِعِينَ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَى الْبَادِيِّ وَ الْحَاضِرِ وَ الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَّا ضِ حُكْمُهُ، جَائِزٌ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ صَدَّقَهُ، قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لِمَنْ سَمِعَ لَهُ وَ أَطَاعَ لَهُ؛

ای مردم! بدانید که خداوند علی(ع) را بر شما ولی و امام قرار داده و اطاعت از او را بر مهاجران و انصار، و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می کنند، و بر هر صحرانشین و شهرنشین، و بر هر عجم و عرب، و بر هر آزاد و بنده، و بر هر کوچک و بزرگ، و بر هر سیاه و سفید و بر هر موحدی واجب نموده است، و حکم او را مشروع، و سخن او را مجاز، و امر او را نافذ گردانیده است.

کسی که با او مخالفت کند ملعون و از رحمت خداوند دور است، و کسی که از او پیروی نماید مورد رحمت خداست، و کسی که سخن او را تصدیق کند خداوند او و کسانی که آن سخن را از او می شنوند و اطاعت

می کنند، می آموزد.

در فرازی دیگر از آن حدیث، جایگاه با عظمت امامت او را با بیانی شفاف اعلام کرده و فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ، وَ مَوْلَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلِيٌّ؛ (۱)

ای مردم! هر کس را که من مولای او هستم این علی □ مولای اوست؛ زیرا که علی برادر و وصی من، و دوستی او بر من، به حکم پروردگار است.

و هم چنین در برتری امیرالمومنین □ نسبت به سایر مردم می فرمایند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضُّلُوا عَلِيًّا؛ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى، بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ؛

ای مردم! علی (ع) را افضل و برتر بدانید؛ برای این که او بعد از من، افضل از جمیع اهل عالم است، چه مرد باشند یا زن، روزی خلاق به وسیله ی ذوات کامله ی ما از حضرت واهب العطایا به شما می رسد، و به واسطه ی ما مردم زنده هستند.

در فرازی دیگر، به موضوع علم و دانش مولای متقیان علی □ می پردازد، و در شیوه ی کسب دانش او می فرماید:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ؛ (۲)

ص: ۳۹

۱- روضه الواعظین ج ۱ ص ۹۳ و ۹۴، احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۵۹ و ۶۰، بحار الانوار ج ۳۷ ص ۲۰۷ - ۲۰۹ ضمن حدیث ۸۶.

۲- اصل ماجرای غدیر خم را بسیاری از علمای اهل سنت نقل کرده اند، در این جا چند مورد ذکر می شود: مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۱۱۸ و ۱۵۲، ج ۴ ص ۲۸۱، ج ۵ ص ۴۱۹، مستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۰۹ و ۱۰۱۰، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

ای گروه مردم! بدانید که هیچ علمی نیست مگر آن که خداوند آن را در من احصا نمود و به شمار آورده است، و من آن را در امام پرهیزکاران احصا کردم، و هیچ علمی نیست مگر این که آن را به علی (ع) آموخته ام، و او همان امام مبین و پیشوای روشنگران است.

امام مبین

در قرآن کریم درباره ی اسرار الهی آمده است:

(وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ) (۱)

و هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتابی روشن ثبت است.

و در آیه ی دیگر نیز فرموده است همه ی موجودات عالم، در محضر امام مبین احصا شده است:

(كُلُّ شَيْءٍ أَخْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ) (۲)

همه ی اشیا را در امام مبین احصا کردیم.

آن امام مبین، مولی الموالی حضرت علی بن ابی طالب است.

در کتاب «معانی الاخبار» به سندی از امام باقر (ع) از پدر بزرگوارش، از جدش (ص) روایت نموده که حضرت فرمود:

«آیه ی (وَكُلُّ شَيْءٍ أَخْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ) بر رسول خدا (ص) نازل شد، ابو بکر و عمر سوال کردند که: «امام مبین» تورات است؟

ص: ۴۰

۱- سوره ی انعام آیه ی ۵۹)

۲- سوره ی یس آیه ی ۱۲: و هر چیزی را در کارنامه ای روشن برشمرده ایم

رسول خدا ﷺ فرمود: نه.

آن ها گفتند: انجیل است؟

حضرت فرمود: نه.

عرض کردند: قرآن است؟

پیامبر فرمود: نه.

گفتند: پس امام مبین چیست؟

در آن هنگام امیر مومنان (ع) وارد شد، رسول خدا ﷺ (به حضرت امیر اشاره کرد و) فرمود:

هُوَ هَذَا؛ إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ؛

امام مبین این شخص است که خداوند تبارک و تعالی علم هر چیزی را در او احصا فرموده است (۱)

ص: ۴۱

۱- معانی الاخبار ص ۹۵، مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۶۴، البرهان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۵۶۹ حدیث ۸۹۰۵، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۴۲۸. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَيْدِهِ (ع) قَالَ: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ عَلِيِّ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامِ مُبِينٍ قَامَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ مِنْ مَجْلِسِهِمَا فَقَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ التَّوْرَةُ؟ قَالَ: لَا. قَالَا: فَهُوَ الْإِنْجِيلُ؟ قَالَ: لَا. قَالَا: فَهُوَ الْقُرْآنُ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَأَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): هُوَ هَذَا؛ إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ»

امیرالمومنین (ع) حقیقت هر چیزی را آن طور که هست، بدون هیچ گونه ابهام و تغییر و تبدیلی اظهار می کند، بعد از رسول خدا (ص) فقط او می تواند جایگاه خود را برای همه معرفی نماید، شاهد این مدعا این نقل تاریخ است که روزی آن حضرت □ در شهر بصره بر فراز منبر نشسته بود، فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، سَلُونِي عَنْ طُرُقِ السَّمَاوَاتِ؛ فَإِنِّي أَعْرِفُ بِهَا مِنْ طُرُقِ الْأَرْضِ؛

ای مردم! پیش از آن که مرا از دست بدهید از من پرسید، از راه های آسمان از من پرسش کنید؛ زیرا من راه های آن را از راه های زمین بهتر می شناسم (۱)

او شخصیتی است که دانش او به تمام کتب آسمانی محیط است، و تمام تاویلات و تمثیلات و بطون تورات موسی، انجیل عیسی، زبور داود (ع)، و فرقان محمد (ص) در قلب او جای دارد.

در یکی از ایام در میان مردم خطبه ای خواند، و راجع به شان و منزلت خود فرمودند:

وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ طَوَى لِي الْوِسَادَةَ فَأَجْلِسُ عَلَيْهَا لَقَضَيْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ، وَ لَأَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ، وَ لَأَهْلِ الزُّبُورِ بِزُبُورِهِمْ، وَ لَأَهْلِ الْفُرْقَانِ بِفُرْقَانِهِمْ؛ (۲)

به خدا قسم! اگر تکیه گاه حکومت برای من آماده می شد، بین اهل تورات با تورات شان، و بین اهل

ص: ۴۲

۱- فضایل ابن شاذان ص ۹۸.

۲- کتاب سلیم بن قیس ج ۲ ص ۸۰۳ حدیث ۳۲، توحید شیخ صدوق ص ۳۰۵ ضمن حدیث ۱، فصول المختار شیخ مفید ص

۷۷، بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۵۳ حدیث ۴۰

انجیل با انجیل شان و بین اهل زبور با زبورشان، و اهل قرآن با قرآن شان قضاوت می کردم.

امیر المومنین (ع) نیز درباره ی علم و دانشی را که رسول خدا ﷺ به او اعطا نموده است می فرماید:

عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ، فِي كُلِّ بَابٍ أَلْفُ بَابٍ؛ (۱)

رسول خدا ﷺ هزار باب از دانش را به من آموخت، و در هر باب هزار باب وجود داشت.

آنچه را که از آیات وحی و کلام گهربار پیامبر خاتم (ص) و از لسان خود آن حضرت (ع) در مقام و منزلت او بیان کردیم، قطره ای از دریای بیکران فضایل آن وجود مقدس و آسمانی است.

برای آشنایی بیش تر از میزان علوم امیرالمومنین ﷺ، اشاره ای به داستان حضرت سلیمان ﷺ در قرآن کریم نیز لازم است؛ زیرا حضرات معصومین (ع) در ذیل این آیات در باره ی فضیلت امیرالمومنین (ع) بیانات متعدد و سخنان فراوانی دارند.

قرآن کریم قصه ی حضرت سلیمان نبی (ع) را با گویش شیرین و حکیمانه ای بیان می فرماید: آن گاه که حشمت الله یعنی حضرت سلیمان نبی (ع) می گوید:

«چه کسی قادر است که تخت بلقیس را نزد من حاضر کند؟».

ص: ۴۳

۱- کتاب سلیم بن قیس ج ۲ ص ۹۱۱ حدیث ۶۴، خصال شیخ صدوق ج ۲ ص ۵۷۲ ضمن حدیث ۱، ارشاد شیخ مفید ج ۱ ص ۳۴، نهج الحق علامه ی حلی ص ۲۴۰، عوالی اللئالی ج ۴ ص ۱۲۳ حدیث ۴.

در آن هنگام کسی که نزد او دانشی از کتاب الهی بود گفت: پیش از آن که چشم خود را برهم زنی من آن را برای حاضر می‌کنم:

(قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ) (۱)

هنگامی که از فرسنگ‌ها راه آن را برای او حاضر کرد، و سلیمان آن تخت را نزد خود مستقر دید گفت:

این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم یا ناسپاسی می‌کنم، و هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد، و هر کس ناسپاسی کند، بی‌گمان پروردگارم بی‌نیاز و کریم است.

(فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِي كَرِيمٌ) (۲)

مورخان و مفسران با نقل روایات از معصومین (ع) می‌گویند: مرد صالح و با ایمانی که در کنار حضرت سلیمان نشسته بود - که به نقل تاریخ خواهر زاده و وصی و وزیر حضرت سلیمان (ع) بود، و نام او را آصف بن برخیا نوشته‌اند - مقداری از «علم کتاب الهی» داشت، چنان که قرآن در باره‌ی او می‌فرماید:

(قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ)؛

کسی که علم و دانشی از کتاب داشت گفت: من تخت او را قبل از آن که چشم برهم زنی نزد تو خواهم آورد.

ص: ۴۴

۱- سوره‌ی نمل آیه‌ی ۴۰)

۲- سوره‌ی نمل آیه‌ی ۴۰

چنین شخصیتی با بهرمندی از آن «علم من الكتاب» که در اختیار اوست، خود مظهري از اسمای اعظم الهی گشته و در پرتوی آن اسم اعظم الهی، قادر بود چنین کار خارق العاده را انجام دهد، و در یک چشم به هم زدن، تخت بلقیس را در مقابل چشمان حضرت سلیمان(ع) حاضر کند (۱).

اما نکته ای بسیار ظریف و با اهمیت این است کسی که مقداری از علم کتاب در اختیار اوست چنین قدرت نمایی می کند، آن وقت کسی که علم و دانش تمام کتاب آسمانی در اختیار اوست و با جان او عجین شده است، دارای چگونه قدرت و توانایی خواهد بود؟!

امام صادق^ع فرمود: «آصف بن برخیا که تخت بلقیس را در نزد حضرت سلیمان(ع) حاضر نمود، علمش در مقابل علم امیرالمومنین(ع) مانند پشه ای است که اگر خودش را به دریا بزند، چه مقدار می تواند از آب دریا بهره بگیرد؟! علم علی بن ابی طالب(ع) همانند آب دریاست، و علم آصف بن برخیا به اندازه ی رطوبتی است که اندام پشه از دریا کسب می کند (۲).

حضرت موسی(ع) در کنار دریا نشسته بود، ناگهان دید مرغی با منقار خود به آب دریا نوک زد، قطره ای آب از نوک مرغ در آب دریا ریخت، پروردگار عالم به

ص: ۴۵

۱- تفسیر شریف لاهیجی ج ۳ ص ۴۲۴، تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۹۱.

۲- تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۶۷، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۴۲۹ حدیث ۲: قَالَ: «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)»، وَ سُئِلَ عَنِ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَعْلَمُ أَمْ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ؟ فَقَالَ: «مَا كَانَ عِلْمُ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ عِنْدَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ إِلَّا بِقَدْرِ مَا تَأْخُذُ الْبُعُوضُ بِجَنَاحِهَا مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ»

پیامبر خود حضرت موسی (ع) فرمود: این صحنه برای توضیح و روشن نمودن توست تا از چیزی آگاه شوی، آن قطره ی آبی که از منقار این پرنده به آب دریا ریخت، به منزله ی علم توست، و این دریا به منزله ی علم محمد و آل محمد(ص) است (۱).

امیرالمومنین(ع) از دیدگاه اهل سنت

احمد بن حنبل پیشوای بزرگ فرقه ی حنبلی ها از اهل سنت که از شاگردان ابن ادریس شافعی است، از نظر آگاهی جزو دانشمندان بزرگ است که بر علوم مختلفه، از جمله علم عروض و علم لغت، تسلط قابل ملاحظه ای داشت.

او درباره ی امیرالمومنین (ع) می گوید: راجع به هیچ یک از اصحاب پیامبر(ص) به اندازه ی علی بن ابی طالب فضایی از رسول الله نقل نشده است (۲).

عبدالله فرزند احمد بن حنبل می گوید: روزی پیش پدرم نشسته بودم، گروهی از اهل کوفه وارد شدند و در باره ی خلافت خلفا صحبت کردند، ولی راجع به خلافت امام علی(ع) کلام طولانی شد، پدرم سر بلند کرد و گفت: در باره ی علی(ع) و خلافت بحث می کنید؟! خلافت علی را زینت نداد، بلکه علی □ خلافت را زینت داده است (۳).

ص: ۴۶

-
- ۱- قصص الانبیا جزایری ص ۳۰۰، بحار الانوار ج ۱۳ ص ۳۱۲ حدیث ۵۲ و ج ۲۶ ص ۲۰۰ حدیث ۱۲.
 - ۲- مناقب خوارزمی ص ۳۴ حدیث ۴، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۹، ترجمه ی امام علی □ از تاریخ مدینه دمشق ج ۳ ص ۸۳ حدیث ۱۱۱۷، الکامل فی التاریخ ج ۳ ص ۳۹۹، فرائد السمطین ج ۱ ص ۳۷۹ حدیث ۳۰۹.
 - ۳- اعیان الشیعه ج ۱ ص ۳۳۳، تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۴۴۵، اسد الغابه ج ۴ ص ۳۲، تاریخ الخلفا سیوطی ص ۱۹۸، فیض القدیر ج ۴ ص ۴۶۹ شماره ی ۵۵۹۱، ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۰۷ شماره ی ۷۸.

هم چنین بسیاری از اهل سنت حدیث تشبیه را از پیامبر اکرم (ص) درباره ی امیرالمومنین نقل نموده اند که پیامبر (ص) فرمود:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ نُوحًا فِي طَاعَتِهِ، وَ إِبْرَاهِيمَ فِي خَلَّتِهِ، وَ مُوسَى فِي قُرْبَتِهِ، وَ عِيسَى فِي صَفْوَتِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ (۱)

هر کس می خواهد حضرت آدم (ع) را در علمش، و ابراهیم خلیل (ع) را در خلقتش، و حضرت موسی (ع) را در قربتش، و حضرت عیسی (ع) را در صفوتش ببیند، به حضرت علی بن ابی طالب (ع) بنگرد.

گویا همه ی فضایل انبیای الهی (ع) مانند: علم، حلم، مناجات و صبر و دیگر اوصاف آن ها، در وجود مبارک ایشان جمع شده است.

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری.

ص: ۴۷

۱- بحار الانوار ج ۲۱ ص ۲۸۳، این حدیث با تعابیر مختلف در منابع دیگر از شیعه و اهل سنت نقل شده است. مراجعه شود به امالی شیخ طوسی ص ۴۱۷ حدیث ۹۳۷، فضایل ابن شاذان ص ۸۸ و ۸۹، تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۳۱۳، تفسیر فخر رازی ج ۸ ص ۲۴۸، تفسیر بحر المحيط ج ۳ ص ۱۹۰، تفسیر غرائب القرآن ج ۲ ص ۱۷۹، اللباب فی علوم الکتاب ج ۵ ص ۲۹۱.

«وصیت» در لغت به معنای اندرز دادن و نصیحت کردن است (۱)، و در اصطلاح فقه و حقوق، عملی است که به موجب آن، شخص مالی را برای زمان بعد از فوتش به دیگری تملیک می‌کند، و یا این که فرد یا افرادی را برای زمان پس از فوتش مامور انجام کاری می‌نماید (۲).

و در اصطلاح علم اخلاق، به معنای سفارش کردن و توصیه نمودن به انجام کارهای پسندیده و معروف، و هم چنین بازداشتن از کارهای ناهنجار و منکر است (۳).

دین مقدّس اسلام به عنوان یک دین حنیف و سرآمد همه ی ادیان الهی که اساس آن ارائه و حفظ ارزش های انسانی، و هم چنین نفی تمام ضد ارزش هاست در باره ی مسایل عقیدتی، اخلاقی، مالی، حقوقی، احکام و در سایر زمینه ها، راهکارهایی را ارائه داده و قوانینی را وضع نموده است، و حتی از بیان کوچک ترین امور نیز فروگذار نکرده است.

این دین الهی و آیین آسمانی، در باره ی وصیت هم، چه در مسایل حقوقی و

ص: ۵۱

۱- فرهنگ معین ج ۴ ص ۲۰۵۹.

۲- فرهنگ بزرگ سخن انوری ج ۸ ص ۸۲۴۰.

۳- مراجعه شود به مفردات راغب اصفهانی ص ۸۷۳.

مالی و چه در زمینه ی اخلاقی و سلوک انسانی، سخن ها گفته است که در این نوشتار به طور اختصار به هر دو بُعد آن اشاره می کنیم.

در قرآن کریم لفظ «وصیت» هم در مسایل حقوقی و هم در مسایل اخلاقی استعمال شده است.

۱- اهمیت وصیت در مسایل مالی از دیدگاه قرآن و نگاه روایات

اشاره

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

(كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) (۱)

بر شما نوشته شده هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی (مالی) از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، به طور شایسته وصیت کند، این حقی بر پرهیزکاران است.

وصیت اگر چه در دین اسلام به عنوان یک حکم الزامی در باره ی مسایل مالی، واجب شمرده نشده ولی جزو مستحبات مؤکد، و به عنوان امری مشروع و دارای آثار فقهی مثبت شمرده شده است، شرع مقدس اسلام با اصرار در این امر و اهتمام به آن، هم معرّف جایگاه معنوی وصیت کننده است که می فرماید: انسان های متقی و پرهیزکار توفیق عمل به آن را پیدا می کنند، و هم اهمّیت توجه به نزدیکان و ذوی الحقوق را معین نموده است.

حضرت رسول اکرم ﷺ می فرمایند:

مَنْ مَاتَ بَغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً؛ (۲)

ص: ۵۲

۱- سوره بقره آیه ی ۱۸۰.

۲- المسترشد فی إمامه ص ۵۷۵، وسائل الشیعه ج ۱۹ ص ۲۵۹ حدیث ۲۴۵۴۶.

«کسی که بدون وصیت این دنیای فانی را ترک کند، او به مرگ دوران جاهلیت از این دنیا وداع کرده است».

به این ترتیب، شایسته است انسان به انجام این امر مهم اهتمام ورزد و وصیت نماید.

و هم چنین از سفارش های رسول اکرم ﷺ این است:

مَا يَتَّبِعِي لِأَمْرِي مُسْلِمٌ أَنْ يَبِيتَ لَيْلَةً إِلَّا وَ وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ؛ (۱)

برای انسان مسلمان شایسته است هنگامی که شبان گاهان سر به بالشت استراحت می گذارد و می خوابد، وصیتش در زیر سرش باشد.

که این کلام رسول خدا(ص) به اهمیت امر وصیت دلالت دارد.

زید شحام می گوید: از امام صادق(ع) در باره ی وصیت پرسیدم، حضرت(ع) فرمودند:

هِيَ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛

وصیت حق هر مسلمانی است. (۲)

آثار وصیت

تشریح قانون وصیت برای حفظ اموال شخص و تکریم حقوق دیگران برای بعد مرگ اوست، و یکی از مهم ترین آثار وصیت این است که علاوه بر بستگان نزدیک - که هر کدام سهم معینی دارند - آن دسته از کسانی که نیاز مبرم به کمک های مالی دارند نیز می توانند از آن بهره مند شوند.

ص: ۵۳

۱- وسائل الشیعه ج ۱۹ ص ۲۵۹ حدیث ۲۴۵۴۵

۲- وسائل الشیعه ج ۱۹ ص ۲۵۸ حدیث ۲۴۵۴۲.

از آثار دیگر این که ممکن است شخص در زمان حیاتش به خاطر نیازهای مالی و مشکلات دیگر موفق به انجام امور خیریه نشده باشد، وصیت نمودن فرصتی را برای وصیت کننده فراهم می کند که کارهای خیری را که در زمان حیاتش موفق نشده است، بعد از مرگش از آثار و پاداش آن امور محروم نماند.

یکی دیگر از آثار وصیت، جلوگیری از تضییع حقوق دیگران است که هر یک از ذوی الحقوق بر طبق نظر وصیت کننده به حق خود برسند.

از جمله آثار دیگر وصیت، اثر دفعی آن است که وصیت کننده با وصیت پیشاپیش خود، از خطر اختلاف و تفرقه، نسبت به بازماندگان جلوگیری می کند، و ظلم آن ها بر یک دیگر را دفع و پیوند میان بستگان و خویشاوندان را مستحکم تر می کند.

۲- وصیت در مسایل اخلاقی از لسان قرآن و عترت

در قرآن کریم، در راستای سفارش به بعضی از مسایل مهم عقیدتی اخلاقی، از لفظ و ماده ی «وصیت» استفاده شده است که مواردی چند از آن را یادآور می شویم.

در باره ی احسان و تکریم به پدر و مادر می فرماید:

(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا) (۱)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند.

هم چنین در آیات دیگر درباره ی تکریم والدین و رعایت حقوق آنان، همین واژه بکار رفته است. (۲)

ص: ۵۴

۱- سوره ی عنکبوت آیه ی ۸.

۲- در سوره ی مبارکه ی لقمان آیه ی ۱۴ می فرماید: (وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ) و ما به انسان در باره ی پدر و مادرش سفارش کردیم. و هم چنین در سوره ی احقاف آیه ی ۱۵ فرمود: (وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا) ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند.

خداوند متعال در سفارش به یکی از مهم ترین ارزش های معنوی یعنی تقوا، لفظ وصیت را بکار برده و می فرماید:

(وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ) (۱)

و در حقیقت ما به کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آن ها داده شده بود، و هم چنین به شما نیز سفارش کردیم که از نافرمانی خداوند بپرهیزید.

یکی از موارد دیگر آن است که وقتی خدای تبارک و تعالی می خواهد به همه ی مردم، و علی الخصوص به شخص حضرت رسول اکرم (ص) فرمان دهد تا در اقامه ی احکام دینی و حفظ و اتحاد، اهتمام ورزند، و از هم پاشیدگی جلوگیری کنند، آنچه را که به پیامبران عظیم الشان گذشته سفارش فرموده با واژه ی وصیت در جمله ی خبریه به پیامبر اکرم (ص) امر می کند و می فرماید:

(شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ) (۲)

(پروردگار متعال) آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود، و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی

ص: ۵۵

۱- سوره ی نسا آیه ی ۱۳۱.

۲- سوره ی شوری آیه ی ۱۳.

سفارش کردیم این بود که دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید.

در قرآن کریم وصیت را به عنوان سیره ی پاک پیامبران گذشته برشمرده و فرمود:

(وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ) (۱)

و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند، (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند:) فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است، و شما جز به آیین اسلام (تسلیم در برابر فرمان خدا) از دنیا نروید.

با توجه به آیات قرآن کریم، وصیت یکی از برنامه ها حکیمانه و از اعمال بسیار پسندیده و خوب آیین مقدس اسلام است.

امیرالمومنین علی بن ابی طالب(ع) - که تمام آیات الهی و همه ی حقایق قرآنی از وجود مبارک او تجلی و ظهور می کند - به عنوان یک پدری دلسوز و مهربان، و مربي حکیم فرزانه و یک زمامدار عادل و انسان کامل در طول زندگی با برکت خویش، در فرصت های مناسب، با خطبه های فصیح و بلیغ و نامه های خردمندانه و نصایح حکیمانه، راه بندگی و روش های سلوک معنوی را، به همه ی حاضرین زمان خود، و آیندگان معرفی نموده اند.

در لحظات آخر عمر شریف و گرانقدرش نیز، وصیتی کوتاه و پر محتوایی را به عنوان سرمایه ای گران بها، برای امت اسلام به یادگار گذاشت، وصیتی که گرچه از حیث کمیت دارای حجمی اندک است، اما از نظر کیفیت، تمام محتوای بنیادی و اصولی، علمی و عملی، اعم از اعتقادی، اخلاقی و عبادی و اجتماعی قرآن در آن نهفته است.

ص: ۵۶

اگر بگوییم: وصیتی است که عصاره ی قرآن کریم و خلاصه ی کلام الله مُنزل است، گزاف نگفته ایم.

حضرت(ع) در این وصیت، ابتدا به مسایل اصولی و اساسی دین یعنی توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت اشاره دارد، و بعد از آن به سفارش-های اخلاقی و هم چنین اعمال عبادی می پردازد.

آن امام همام(ع) در آستانه ی مرگ، مهم ترین جوهر معارف دینی و پیوند ناگسستنی میان اعتقاد، اخلاق و عبادت را بیان، و تقابل میان امور اعتقادیّه و اخلاق کریمه و اعمال صالحه را به عنوان یک زنجیر به هم پیوسته، از یک دیگر جدایی ناپذیر دانست، و آن سه اصل را به مانند سه ضلع یک مثلث مایه ی قوام یک دیگر برشمرد.

ص: ۵۷

اشاره

ص: ۵۹

در متون روایی، تعدادی چند از توصیه ها و سفارشات، تحت عنوان وصیت از امیرالمومنین(ع) روایت شده است که بعضی از آن ها در کتاب قیم و ارزشمند «نهج البلاغه» و تعدادی از آن ها در کتب دیگر حدیثی نقل شده است.

یکی از آن وصیت های معروف آن است که امیرمؤمنان علی(ع) در آخرین لحظات غروب غم انگیز عمر شریفش، در حالی که در بستر شهادت بود، بیان فرمودند.

نویسندگان و راویان احادیث، گاه به صورت مُسند و گاه به صورت مرسل، این وصیت را در کتاب های خود نقل نمودند، (۱) یکی از آن ها مرحوم شیخ صدوق(ع) است.

شیخ صدوق از علمای برجسته ی جهان تشیع که عمر شریف و گرانقدر خود را در تبلیغ و ترویج دین مبین اسلام و مذهب حقه ی شیعه سپری نمود، و آثار بسیار ارزشمندی را از خود به یادگار گذاشت.

ص: ۶۱

۱- اکنون به تعدادی چند از آن آثار اشاره می کنیم: سلیم بن قیس هلالی در کتاب خود معروف به کتاب سلیم بن قیس یا اسرار آل محمد(ص) ج ۲ ص ۹۲۵ و ۹۲۶، فتیال نیشابوری در روضه الواعظین ج ۱ ص ۱۳۶، طبرانی در معجم کبیر ج ۱ ص ۱۰۲، ابوجعفر طبری در حوادث سال چهارم تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۱۳، ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۱۲۰، ابن کثیر در البدایه و النهایه ج ۷ ص ۳۶۳ و ۱۳۶، هیشمی در مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۴۳

از ویژگی های منحصر به فرد شیخ صدوق (ره) این است که ایشان در نقل حدیث، بسیار دارای وسواس و دقت نظر بود، و برای این که یک راوی از سلسله روایت در سند حدیث کم شود، تا واسطه ها به حداقل برسند، مشقت های طاقت فرسا را متحمل شده و سفرهای طولانی را طی می کرد، ایشان در کتاب «من لا یحضره الفقیه»^(۱) این وصیت حضرت (ع) را از سلیم بن قیس هلالی روایت کرده است.

از جمله کسانی که این وصیت امیرالمومنین (ع) را نقل فرموده ثقه الاسلام مرحوم شیخ یعقوب کلینی^(۲) است، ایشان نیز یکی از علما و موثق ترین راویان احادیث است، و از آثار بسیار گران سنگ ایشان، کتاب شریف «کافی» می باشد که آن نیز یکی از کتب اربعه ی شیعه است، و در میان علما و فقها جایگاه بسیار والایی را به خود اختصاص داده است.

مرحوم کلینی^(۲) بخش آغازین از این وصیت را - که توصیه ی شخصی و ودیعت نمودن کتاب و سلاح و ابلاغ سلام به امام محمد باقر^(۳) است - در کتاب «کافی» ذکر نفرمود، ولی بخش دوم آن را که با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع و آخر آن با «لا اله الا الله» خاتمه می یابد همانند مرحوم صدوق (ع) به طور کامل بیان فرمودند^(۲).

مرحوم مجلسی (ع) نیز در کتاب شریف «بحار الانوار» این وصیت ارزشمند را به طور کامل روایت کرده است، و ما در این نوشتار ابتدا اصل این وصیت را نقل، و بعد به شرح مختصر آن می پردازیم.

ص: ۶۲

۱- من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۱۸۹ حدیث ۵۴۳۳.

۲- کافی ج ۷ ص ۵۱ حدیث ۷.

حضرت علی بن ابی طالب (ع) در این وصیت، دو گروه حاضر و غایب را مخاطب خود را قرار داده که گروه اول از مخاطبان او، فرزندان و اهل خانه و هم چنین از اصحاب و انصاری بودند که برای عیادت حضرت (ع) در کنار آن بزرگوار حضور داشته اند، و دسته ی دوم، آینده گانی را مورد مخاطب خود قرار داده که این پیام ارزشمند به دست آن ها می رسد و آن را استماع می کنند.

امیرالمومنین (ع) در هنگام وصیت، همه ی حاضران را به شهادت گرفت، و سپس امام مجتبی (ع) را به عنوان وصی و جانشین خود قرار داد، و بعد سلاح و کتاب خود را به آن حضرت سپرد، اما او در واپسین لحظات عمر خود، به نکته ای اشاره نمودند که بسیار جای تأمل و دقت دارد، و آن این که وصیت من همانند وصیت رسول خدا (ص) است که به من وصیت فرمود، و من نیز هر عملی را که انجام می دهم به سفارش آن وجود مقدس است، از این رو می فرمایند:

«همان گونه که رسول خدا (ع) سلاح و کتاب خود را به دست من سپرد، من نیز به تبعیت آن وجود مقدس آن را به شما تقدیم می کنم تا این که شما نیز، یکی پس از دیگری این سنت را ادامه دهید و آن را به شخص بعد از خود بسپارید.

آن گاه رو به حضرت سید الساجدین امام زین العابدین ؑ کرد و فرمود:

«آن را به دست فرزند برومند خود حضرت امام محمد باقر ؑ بسپار، و سلام رسول خدا (ع) و مرا هم به او ابلاغ فرما».

از لطف و عنایت بی پایان امیرالمومنین ؑ در این وصیت این است که در کنار اهل بیت خویش، آینده گان را نیز مورد خطاب قرار داده و همه را با لطف و

مرحمت، از فرزندان معنوی و خویشاوندان خود دانسته و فرمودند:

«ثُمَّ إِنِّي أَوْصِيكَ يَا حَسَنُ وَ جَمِيعَ أَهْلِ بَيْتِي وَ وُلْدِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي» تا با این بیان شیرین به کلام رسول رحمت، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) نیز جامه عمل بپوشاند که فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (۱)

آن حضرت (ع) خان کرم خویش را آن گونه گسترده کرد تا حتی کسانی که در آینده به این وصیت دست می یابند، از آن منتعم شوند.

آری! آسمان رحمت و برکت وجود مبارک حضرت (ع) مانند ابر بهاران باریدن گرفت، تا همه ی کسانی را که حبّ حیدر را در دل دارند، از وسعت رحمت بی انتهای او بهرمنند شوند، کلام گهربارش مانند آبی زلال از ابر پر بار لطف وجودش در گستره ی زمان نازل شد، تا در بستر آن جاری شود و به ابدیت به پیوندد، و عاشقان نسل های آینده را نیز از آن بهرمند کند، و عطش حقیقت طلب وجودشان را فرو بنشانند.

ص: ۶۴

امیرالمومنین (ع) در آن واپسین لحظات عمر، در ادامه ی وصیت خویش سخنی با قصاص کنندگان دارد و در باره ی سرنوشت قاتل خود پیامی کریمانه و بسیار محبت آمیزی را به فرزندان و یاران خود توصیه می کند، لذا رو به فرزندش حضرت امام حسن مجتبی (ع) کرد و فرمودند:

«فرزند عزیزم! تو ولی امر و ولی دم هستی، پس اگر عفو کنی حقّ تو است، و اگر من از ضربت ابن ملجم کشته شوم، پس کیفر او ضربتی به جای ضربتی خواهد بود، و در انتقام مرتکب گناه مشو (و زیاده روی مکن)».

مساله ی ولایت بعد از امیرالمومنین (ع)

نکته ی قابل توجه و در خور تأمل در بیان امیرالمومنین \square این است که حضرت (ع) فرمود:

«پسرم! تو ولی امر هستی «یا بَنِي أَنْتَ وَوَلِي الْأَمْرِ» نه ولی امر من».

در واقع امیرمومنان (ع) در خطاب به امام مجتبی (ع) مساله ی ولایت و امامت پس از خود را بیان فرموده که بیانگر این است که ولایت و امامت امام مجتبی (ع) نیز از سوی خداوند متعال معین شده است، و حضرت علی بن ابی طالب (ع) فقط در مقام معرفی اوست.

یعنی همان گونه که حضرت رسول اکرم(ص) در غدیر خم امیرالمومنین(ع) را به عنوان وصی و جانشین خود، به مردم معرفی نمود، او نیز چنین عملی را در باره ی امام حسن ؑ انجام داده است.

اما نکاتی که در این قطعه از کلام مولی وجود دارد این است که سبط اکبر حضرت امام حسن(ع) در تمام زمینه ها، حتی در باره ی قصاص قاتل پدر خود، صاحب اختیار کامل است، هم می تواند قاتل و مجرم را قصاص نماید و هم می تواند از آن بگذرد و عفو کند.

شاید شبهه ای در خیال بعضی تداعی کند که چرا امام مجتبی(ع) قصاص را بر عفو و گذشت ترجیح داد؟!!

در پاسخ باید گفت: در باره ی ابن ملجم ملعون، دو نوع قصاص صدق می کند که یکی حق شخصی می باشد و دیگری از حقوق الهی است که چنانچه کسی بر امام زمان خود خروج کند از دیدگاه اسلام مهدور الدم است.

ممکن است آن حضرت نه از باب این که پدر ایشان بود قصاص کرد - اگر چه این نیز حق واقعی ایشان بوده است - بلکه به عنوان این که بر امام معصوم(ع) خروج کرد محکوم به قتل است، و در واقع امام(ع) در اجرای حدود الهی، به زندگی ابن ملجم پایان داد.

و مهم تر این که وقتی امیرالمومنین(ع) به شهادت رسید، قهراً مقام منیع و رفیع امامت به حضرت امام مجتبی ؑ منتقل می گردد، و اوست که دارای عصمت کامله و واسطه ی وصول فیض الهی به خلق است، و کسی حق اعتراض و چرایی در مقابل امام معصوم(ع) نداشته و نخواهد داشت.

لازم می دانیم در این قسمت به گونه ای اختصار به دیدگاه حکیمانه ی اسلام درباره ی قصاص اشاره ای داشته باشیم.

دین مبین اسلام مانند سایر ادیان آسمانی، آیین رافت، رحمت و مهربانی است، قتل نفس در اسلام، از اعمال بسیار شنیع و از گناهان کبیره شمرده شده است، و خداوند تبارک و تعالی برای کسی که مرتکب آن عمل فجیع شود، عذابی دردناک در نظر گرفته است و می فرماید:

(وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا) (۱)

و هر کس فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است در حالی که جاودانه در آن می ماند، و خداوند بر او غضب می کند، و او را از رحمتش دور می سازد، و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

و در آیه ی دیگر قتل یک انسان بی گناه را برابر با قتل همه ی انسان-ها، و حیات بخشیدن یک نفر را همانند احیای همه ی مردم بر شمرده و می فرماید:

(مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا) (۲)

ص: ۶۹

۱- سوره ی نسا آیه ی ۹۳

۲- . سوره ی مائده آیه ی ۳۲

دین مبین اسلام برای حفظ قوام اجتماع، و با در نظر گرفتن مصالح آن، احکام و مجازاتی را برای افراد شرور و عضو فاسد و مزاحم جامعه تدوین نموده است تا در سایه سار آن، بستر سعادت مردم و امتیث جامعه را فراهم کند.

یکی از آن قوانین و مجازات، قصاص در مقابل قتل نفس است، اگر کسی مرتکب چنین جنایتی شد، در محکمه‌ی عدل الهی محکوم به قصاص می‌باشد، از این رو فرمود:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ) (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته (واجب) شده است.

رعایت حقوق عموم مردم، و در نظر گرفتن مصالح آن‌ها، و صدور چنین حکمی، در واقع نوعی تکریم به آحاد افراد و تأمین و تضمین امنیت جامعه است که اگر این حکم نباشد، جان و مال و ناموس مردم از تعرض بدخواهان و جانیان شرور در امان نخواهد بود.

حقوق بازماندگان مقتول در احکام اسلامی

حکم قصاص در احکام اسلامی، اگر چه علیه قاتل است، و او باید خود را تسلیم ولی دَم نماید، اما برای اولیای دم، حکم قصاص واجب شمرده نشده، بلکه او را در انتخاب یکی از سه امر مخیر نموده که هر یک آن‌ها را که بخواهد می‌تواند انتخاب کند، و جانی و قاتل را به حکم شرع مقدس، قصاص نماید، و یا او را طبق

ص: ۷۰

سفارش قرآن کریم، مورد عفو و بخشش قرار دهد، و یا با اخذ دیه با او مصالحه کند.

این حقوق ولّی دم، در قرآن کریم به طور اجمال، و در احکام فقهی به طور مفصل و وسیع بیان شده است که در این نوشتار مجال بیان آن ها نیست (۱).

اجرای حدود الهی دچار تعدی و تجاوز نشوند، و از مثله (۲) کردن آن به پرهیزند، و بر جنازه ی او آسیبی نرسانند.

ص: ۷۱

۱- ۱. کیفیت اجرای قصاص در احکام اسلام: اگر چه در اسلام حکم قصاص قاتل، حق مسلم اولیای دم است، اما کیفیت اجرای آن را شرع مقدّس در چهار چوب معینی وضع کرد که منافی با قسط و عدل نباشد و ستمی به قاتل روا نگردد. در حکم قصاص، تساوی میان قاتل و مقتول شرط است مانند این که هر دو در مذکر و مؤنث و یا حرّیت و عبدیت با هم برابر باشند که خداوند در این زمینه متعال می فرماید: (الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى)؛ (حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است) آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن. (سوره ی بقره آیه ی ۱۷۸) اهمّیت قصاص در اسلام حکم قصاص اگر چه به ظاهر در دیدگاه بعضی شکل خشونت دارد، اما خردمندان و صاحبان اندیشه و کمال، همیشه از شکل ظاهری آن دست برداشته و به آثار باطنی آن توجه می کنند که باطن آن رحمت است، و به ظاهر با مجازات و مرگ شخص جانی و قاتل تحقق پیدا می کند، اما با آثار حیات بخش و مصلحتی همراه است که حیات و امنیت جامعه ی انسانی را تضمین می کند، لذا در قرآن کریم آمده است: (وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)؛ و برای شما در حکم قصاص حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! امید است تقوا پیشه کنید. (سوره ی بقره آیه ی ۱۷۹) حکمت و آثار حکم قصاص در روایات اسلامی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نیز به عنوان مفسّران واقعی قرآن کریم و مجریان حقیقی شریعت، آثار بسیاری را درباره ی این حکم الهی بیان فرمودند که به نقل تعدادی چند از آن اکتفا می کنیم. الف: عامل بازدارندگی یکی از حکمت های مجازات اسلامی علی الخصوص حکم قصاص، حفظ حیات بشری و بهترین مانع بازدارنده ی مردم از اقدام به قتل نفس است، اگر افراد جامعه بدانند که با مرتکب شدن به قتل یک انسان، حکم قصاص در حق آن ها جاری می شود، و هیچ استثنایی برای کسی در اجرای این حدود الهی وجود ندارد، جرات بر اقدام چنین جنایتی بزرگ پیدا نمی کنند. در نتیجه حکم قصاص، قبل از هر چیز مایه ی حیات تصمیم گیرنده ی به قتل و بعد از آن نوعی پیش گیری از اختلال در امتّیت جامعه است، و این آثار ارزشمند، در روایات عترت طاهرين [] بسیار به چشم می آید. حضرت امام سجاد(ع) در تفسیر آیه ی شریفه ی (لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ) می فرمایند: ولکم یا اُمّه محمد فی القصاص حیاة؛ لأَنَّ مَنْ هَمَّ بِالْقَتْلِ يَعْرِفُ أَنَّهُ يُقْتَصُّ مِنْهُ، فَكَفَّ لِذَلِكَ عَنِ الْقَتْلِ أَلَمْذَى كَانَ حَيَاةً لِلْعَدَى كَانَ هَمَّ بِقَتْلِهِ، وَ حَيَاةً لِهَذَا الْجَانِي الَّذِي أَرَادَ أَنْ يَقْتَلَ، وَ حَيَاةً لِغَيْرِهِمَا مِنَ النَّاسِ، إِذْ عَلِمُوا أَنَّ الْقِصَاصَ وَاجِبٌ، لَا يُجْسِرُونَ عَلَى الْقَتْلِ؛ مَخَافَةَ الْقِصَاصِ، يَا أُولِي الْأَلْبَابِ! أُولَى الْعُقُولِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ (تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۱۵۸ حدیث ۵۲۲) بعد از آنچه درباره قصاص گفته شد، اکنون به سفارش امیرالمومنین (ع) مراجعه میکنیم، کاملاً بیان آن حضرت باتمام آیات قرآن هماهنگ است. امام (ع) از آن ها میخواهد که بیش تر از یک ضربت به قاتل وارد نسازند، و در زمینه های ای امت محمد(ص) برای شما در قصاص، حیات و زندگی است؛ زیرا کسی که تصمیم به قتل می گیرد، می داند که مورد قصاص واقع می شود و از خوف آن مرتکب قتل نمی شود، و این سبب حیات کسی است که تصمیم

به قتل او گرفته شده است و موجب حیات کسی است که تصمیم به قتل دارد، و برای سایر افراد نیز مایه ی حیات است؛ زیرا می دانند که به دنبال قتل، قصاص وجود دارد و از خوف آن مرتکب قتل نمی شوند، ای صاحبان خرد و اندیشه! بسیار اندیشه کنید، امید است پرهیزکار شوید. ب: بزرگداشت حدود الهی امیر المومنین حضرت علی(ع) تشریح حکم قصاص را مایه ی حفظ جان مردم و بزرگداشت حدود الهی و عامل بازدارنده ی تعدی برای مردم از برنامه های الهی می داند و می فرماید: **فَرَضَ اللَّهُ... الْقِصَاصَ حَقًّا لِلدَّمَاءِ، وَ إِقَامَهُ الْجُدُودِ إِعْظَامًا لِلْمَحَارِمِ؛** خداوند متعال قصاص را تشریح کرد تا عامل حفظ جان مردم، و اقامه ی حدود سبب بزرگداشت محرمات الهی باشد. (نهج البلاغه حکمت ۲۵۲) ج: تشریح حکم قصاص تفضّل پروردگار حضرت ثامن الحجج امام رضا(ع) نیز در حدیثی، حکم قصاص را تفضّل و رحمتی از جانب خداوند متعال معرفی می کنند: **أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةً طَوِيلًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً؛ لِيَلْمَا يَتَّعِدِي النَّاسُ حُدُودَ اللَّهِ؛** به درستی که خداوند از روی تفضّل و رحمت، حیات را در قصاص قرار داده است تا مردم از حدود الهی تجاوز نکنند (و آن را پاس دارند). (فقه الرضا □ ص ۳۱۱)

۲- در میان عرب مرسوم بود اگر کسی را به هر دلیلی - چه در میدان مبارزه و چه در اجرای حکم قصاص به قتل می رسانند، او را «مُتْلَه» (یعنی بیش تر اعضا و جوارح او را قطعه قطعه) می کردند، اما این عمل که ریشه در عقاید و رفتار جاهلیت دارد، از نظر اسلام محکوم و مورد مذمت است، امیرالمومنین(ع) با آن سابقه ی درخشان و پیروزی های چشم گیر در جنگ ها، هنگامی که با رشادت و شجاعت دشمنان را به درک واصل می نمود، بعد از پایان مبارزه، جوانمردانه از کنار کشته های آنان می گذشت، و هیچ یک از به خاک افتادگان را «مُتْلَه» نمی کرد.

از سلیم بن قیس هلالی (ع) روایت شده است که گفت: من شاهد و ناظر صحنه ی وصیت علی بن ابی طالب (ع) بودم، در آن هنگام که به پسرش حسن (ع) وصیت کرد، و حسین (ع) و محمدؑ و همگی فرزندان و سران خانواده و یاران خود را به شهادت گرفت، و آن گاه کتاب و سلاح را به او سپرد، سپس فرمود:

(یا بُنّی! أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ أُوصِيَ بِإِلَيْكَ وَ أَنْ أَدْفَعُ إِلَيْكَ كُتُبِي وَ سِلَاحِي كَمَا أَوْصَى إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (ع) وَ دَفَعَ إِلَيَّ كُتُبَهُ وَ سِلَاحَهُ، وَ أَمَرَنِي أَنْ آمُرَكَ إِذَا حَضَرَكَ الْمَوْتُ أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَيَّ أَخِيكَ الْحُسَيْنِ)؛

ای فرزند عزیزم! رسول خدا (ص) به من امر فرمود تا تو را به وصایت برگزینم، و کتاب ها و سلاحم را به تو بسپارم، همان طور که رسول خدا (ص) مرا به وصایت خویش برگزید، و کتاب ها و سلاحش را به من سپرد، و آن حضرتؑ به من فرمان داد تا تو را مامور سازم که چون مرگت فرا رسد آن را به برادرت حسین (ع) بسپاری.

راوی گفت: آن گاه امام(ع) روی به فرزندش حسین □ آورد و فرمود:

وَ أَمَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (ع) أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَى ابْنِكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع)؛

و رسول خدا(ع) به تو فرمان داده است که آن را به پسر علی بن الحسین تسلیم کنی.

آن گاه رو به نوه اش علی بن الحسین(ع) کرد و فرمود:

وَ أَمَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ □ أَنْ تَدْفَعَ وَصِيَّتَكَ إِلَى ابْنِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (ع)، فَأَقْرِئْهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ع) وَ مِنِّي السَّلَامَ؛

و رسول خدا(ص) تو را مامور ساخته است که وصیت خود را به پسر محمد بن علی بسپاری، پس سلام رسول خدا □ و سلام مرا به او برسان.

آن □ گاه رو به فرزندش حسن(ع) کرد و فرمود:

يَا بُنَيَّ! أَنْتَ وَلِيٌّ الْأَمْرِ وَ وَلِيٌّ الدَّمِ، فَإِنْ عَفَوْتَ فَلَكَ، وَإِنْ قَتَلْتَ فَضَرْبُهُ مَكَانَ ضَرْبِهِ وَ لَا تَأْتُمْ؛

فرزند عزیزم! تو ولی امر و ولی دم هستی، پس اگر عفو کنی، حق تو است، و اگر من از ضربت ابن ملجم کشته شوم، پس کیفر او ضربتی به جای ضربتی خواهد بود، و در انتقام مرتکب گناه مشو.

امام (ع) در ادامه فرمود:

اَكْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذَا مَا أَوْصِي بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، أَوْصِي أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ؛ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛

ثُمَّ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛

ثُمَّ إِنِّي أَوْصِيكُمْ يَا حَسَنُ! وَجَمِيعَ أَهْلِ بَيْتِي وَوُلْدِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ رَبِّكُمْ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: صَيِّمُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عِمَامَةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَإِنَّ الْمُبِيرَةَ الْحَالِقَةَ لِلدِّينِ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛

انظُرُوا ذَوِي أَرْحَامِكُمْ فَصِلُوهُمْ يَهْوِنَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْحِسَابَ؛

بنویس به نام خدای بخشنده ی مهربان، این همان چیزی است که علی بن ابی طالب به آن وصیت کرده است، او وصیت کرده و شهادت می دهد که معبود حقی جز خداوند تبارک و تعالی نیست، تنها و یگانه است و همتا ندارد، و نیز شهادت می دهد که حضرت محمد (ع) بنده و فرستاده ی او است.

او را به آیین هدایت، و دین حق فرستاده است تا بر همه ی ادیان جهان غلبه پیدا کند، اگر چه مشرکین آن را اکراه می دارند.

سپس نماز من، و عبادت و قربانی و هم چنین زندگی و مرگ من، از آن

الله رب العالمین است که هر گز او را شریک و همتایی نیست، و من به این راه و رسم مامور شده ام، و من نیز یکی از مسلمانانم.

سپس ای فرزندم حسن! همانا من تو را و همه ی فرزندان، و کلیه ی افراد خاندانم و تمام کسانی را که این نامه ی من به او برسد، وصیت می کنم که تقوای الهی را پیشه ی خود سازید، و جز به آیین مسلمانی زندگی خود را به پایان نرسانید، و همه ی شما به ریسمان وحی الهی چنگ زنیید و پراکنده نشوید، و نزول نعمت خدا بر خویشتن را بیاد آورید، و آن زمان را فراموش نکنید که با یک-دیگر دشمن بودید، سپس خداوند مَثان به فضل و رحمت خود، میان دل هاتان انس و الفت برقرار کرد؛ زیرا من از رسول خدا شنیدم که می فرمود:

اصلاح میان مردم از همه ی اقسام نماز و روزه برتر و والاتر است، و بغض و عداوت ریشه کن کننده ی دین، و علت فساد در روابط مسلمین است.

به خویشاوندان تان بنگرید، پیوند یاری و مددکاری را با ایشان برقرار کنید، صله ی رحم نمایید که خداوند متعال با این عمل شما، حساب روز قیامت را بر شما آسان می سازد.

الله الله فی الأیتام فلما تُغیرُوا أَفْوَاهَهُمْ، وَ لَمَّا تَضِيعُوا [يَضِيَعُوا] بِحَضْرَتِكُمْ، فَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَشْتَعِنِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ، كَمَا أَوْجَبَ اللَّهُ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ النَّارَ؛

الله الله فی القرآن، فلا يسبقكم إلى العمل به أحدٌ غيركم؛

الله الله فی جيرانكم؛ فإنَّ النَّبِيَّ (ص) أَوْصَى بِهِمْ، وَ مَا زَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يوصي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورِّثُهُمْ؛

الله الله فی بيت ربكم، فلا يخلو منكم ما بقيتم؛ فإنه إن تركك لم تناظروا، و أدنى ما يرجع به من أمه أن يغفر له ما سلف؛

اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ؛ فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ، وَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ؛

اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ؛ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ؛

اللَّهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ؛

اللَّهُ فِي الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعَايِشِكُمْ؛

اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّتَةِ؛ فَإِنَّمَا يَجَاهِدُ رَجُلَانِ: إِمَامٌ هُدًى، أَوْ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهِدَاةٍ؛

اللَّهُ فِي ذُرِّيهِ نَبِيِّكُمْ، فَلَا يَظْلَمَنَّ بِحَضْرَتِكُمْ وَبَيْنَ ظَهْرَانِيكُمْ، وَأَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ؛

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی یتیمان که صدای شان به گریه بلند نشود، و در حضور شما پایمال و تباه نشوند؛ زیرا که من از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود:

کسی که یتیمی را کفالت کند تا بی نیاز گردد، خدا بهشت را بر او واجب می سازد، همان طور که دوزخ را برای خورنده ی مال یتیم واجب می دارد.

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی قرآن، مبدا که دیگران در عمل به آن بر شما سبقت گیرند.

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی همسایگان تان که سفارش پیامبر شماست، پیوسته سفارش آن ها را می کرد تا این که گمان کردیم از یک دیگر ارث خواهند برد.

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی خانه ی پروردگارتان، مبدا که تا باقی هستید آن خانه از شما خالی گردد؛ زیرا اگر آن بیت مقدّس متروک شود، شما از آن پس مهلتی نیابید، و منقرض خواهید شد، و کم ترین ره آوردی که زایر آن بیت با خود

می آورد، آمرزش گناهان گذشته ی او خواهد بود.

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی نماز؛ زیرا که آن بهترین عمل، و ستون دین شما است

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی زکات؛ زیرا که آن آتش خشم پروردگار شما را خاموش می کند.

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی روزه ی ماه رمضان؛ زیرا که روزه داشتن آن سپری در برابر آتش دوزخ است.

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی فقرا و مساکین، پس ایشان را در معیشت خودتان شریک سازید.

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی جهاد در راه خدا با اموال تان و جان های تان؛ زیرا دو کس در راه خدا جهاد می کنند: یکی پیشوای هدایت، و دیگری مطیع او و اقتدا کننده به هدایت او.

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی ذریه ی پیامبران، مبادا که ایشان در میان شما دست خوش ستم قرار گیرند در حالی که شما برای دفاع از ایشان قادر باشید.

اللّٰهُ فِيْ اَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ الَّذِيْنَ لَمْ يَخِدُوْا حَيْدًا وَّ لَمْ يُوْثُوْا مُخِيْدًا؛ فَاِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ اَوْصٰى بِهٖمْ، وَّ لَعَنَ الْمُخِيْدِيْنَ مِنْهُمْ وَّ مِنْ غَيْرِهِمْ وَّ الْمُؤْوِيْ لِلْمُخِيْدِيْنَ؛

اللّٰهُ فِيْ النِّسَاءِ وَّ فَيَمَا مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ؛ فَاِنَّ اٰخِرَ مَا تَكَلَّمْ بِهٖ نَبِيُّكُمْ اَنْ قَالَ: اَوْصِيْكُمْ بِالضَّعِيْفِيْنَ؛ النِّسَاءِ وَّ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ؛

الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ، لَا تَخَافُوْا فِيْ اللّٰهِ لَوْ مَهَ لَآئِمٌ، يَكْفِيْكُمْ اللّٰهُ مَنْ اٰذَاكُمْ وَّ مَنْ بَغٰى عَلَيْكُمْ.

قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَ لَمَّا تَشْرُكُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُولِي اللَّهُ أَمْرَكُمْ شِئْرَارَكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ؛

وَ عَلَيْكُمْ يَا بَنِي التَّوَّابِينَ وَ التَّيَّابِينَ وَ النَّبَارِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّقَاطِعَ وَ التَّدَابِرَ وَ التَّفَرُّقَ، وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ، وَ اتَّقُوا اللَّهَ؛ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

حَفِظَكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ حَفِظَ فِيكُمْ نَبِيِّكُمْ، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ؛ (۱)

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی آن گروه از اصحاب پیامبران که بدعتی به وجود نیاوردند، و بدعت گزاری را پناه ندادند؛ زیرا رسول خدا(ع) در باره ی ایشان سفارش فرمود، و بدعت گزار از آن ها و غیرشان را، و پناه دهنده ی بدعت گزار را نفرین کرد.

و خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی زنان و بردگان تان، مبدا که در راه اطاعت و اجرای احکام خدا از سرزنش سرزنش کننده ای بترسید؛ زیرا خدا شرّ کسی را که قصد شما کند، و ستم بر شما روا دارد از شما دفع می کند.

با مردم سخن نیک بگویید و رفتار شایسته داشته باشید، همان طور که خداوند عزّ و جلّ به شما امر فرموده است.

ص: ۸۰

۱- کتاب سلیم بن قیس ج ۲ ص ۹۲۴ - ۹۲۷ حدیث ۶۹، من لا- یحضره الفقیه ج ۴ ص ۱۸۹ - ۱۹۱ حدیث ۵۴۳۳، تحف العقول ص ۱۹۷-۱۹۹. بخشی از این وصیت در کتاب کافی ج ۷ ص ۵۱ و ۵۲ ضمن حدیث ۷، و نهج البلاغه نامه ی ۴۷، بحار الانوار ج ۴۲ ص ۲۴۸ - ۲۵۰ حدیث ۵۱ آمده است.

مبادا که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید که اگر چنین کنید، خدا اشرارتان را بر شما مسلط می‌کند، و آن گاه دعا می‌کنید، ولی دعای تان مستجاب نمی‌شود.

بر شما باد ای فرزندان من! به ایجاد و تحکیم ارتباط، و به بذل کردن در راه کمک به یک دیگر، و خوبی نسبت به هم دیگر، و از جدایی و روی برتافتن از یک دیگر و پراکنده شدن پرهیزید.

بر اجرای نیکوکاری و تقوا همکاری کنید، و در کار گناه و ظلم دست یاری به یک دیگر ندهید، و از خشم خدا پرهیزید؛ زیرا که خدا (بدکاران را) سخت کیفر می‌دهد.

خداوند شما اهل بیت را حفظ کند، و احترام پیامبرتان را در جمع شما محفوظ بدارد، و من شما را به خدا می‌سپارم، و به همه درود می‌فرستم و از شما وداع می‌کنم.

سپس هم چنان به ذکر «لا- إله إلا الله» سرگرم شد تا در نخستین شب از دهه ی آخر در شب جمعه بیست و یکم ماه رمضان، چهل سال پس از هجرت روح پاک و روان تاب‌ناکش - که درود و رحمت خدا بر او باد - به مقام قرب خداوند سبحان شتافت.

بخش دوم

اشاره

ص: ۸۳

فصل اول: ذکر و یاد خداوند در کلام امیرالمومنین (ع)

ذکر و یاد خداوند در کلام امیرالمومنین (ع)

اَكْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ عَلِيٌّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ؛

اکنون به شرح بخش دوم از وصیت امیرالمومنین (ع) می پردازیم که در واقع آغاز سفارشات و نصایح گهربار ایشان می باشد.

امیرعالم هستی و امیر بیان حضرت علی (ع) وصیت خویش را با نام خداوند رحمان و آیه ی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز نمود، مفسّر واقعی قرآن کریم - که تا پایان عمر با برکت و در تمام شئون زندگی از یاد خدای سبحان لحظه ای غافل نبود - شروع کلامش با نام حق، دربردارنده ی رمز و راز معنوی است.

از این رو در این مقام مطالبی کوتاه را در شان و مقام و منزلت و اهمیت کلمه ی طیبه ی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» از دیدگاه قرآن و عترت طاهرین □ به عنوان تبرّک بیان می کنیم.

در اهمیّت این آیه ی شریفه، همین بس که قرآن کریم سر فصل یک-صد و سیزده سوره از سوره های مبارکه ی آن با همین جمله ی با عظمت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شروع شده است.

و این سیره و روش فقط بعد از ظهور دین مبین اسلام از سوی آخرین سفیر

الهی، خاتم المرسلین حضرت محمد(ص) به عنوان روش مستمر قرار نگرفت، بلکه این سیره ی همه ی پیامبران الهی بوده، و رسولان عظیم الشان قبل از پیامبر خاتم نیز به این روش نیکو پایبند بوده و به آن عمل می کردند که حضرت امام جعفر صادق فرمودند:

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ كِتَابًا إِلَّا وَفَاتِحَتُهُ بِسْمِ الْهِوِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَإِنَّمَا كَانَ يُعَرِّفُ انْقِضَاءَ الشُّورَةِ بِتُرُودِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ابْتِدَاءً لِلْآخِرَى؛ (۱)

هر کتابی که از سوی خداوند عزّ وجلّ بر پیامبران بزرگوار خود نازل فرمود، ابتدای آن بسم الله الرحمن الرحيم بوده است، و خاتمه ی هر سوره ای با نازل شدن بسم الله الرحمن الرحيم شناخته می-شود که نشان دهنده ی آغاز سوره ی دیگر است.

قرآن مجید قصه ی حضرت سلیمان نبی(ع) را چنین بیان می فرماید که وجود مبارک و نورانی حضرت سلیمان(ع) در ابتدای نامه ی خود به ملکه ی سبا این گونه کتابت می کند:

(إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (۲)

قرآن کریم اسم خداوند سبحان را منشا برکات می داند؛ زیرا ساحت قدس و کبریایی پروردگار متعال، پیوسته منشا همه ی برکات می باشد، و تمام نعمت های بیکران حق - که همه ی عالم امکان را فرا گرفته است - از ظهور و تجلی ذات کبریایی اوست، لذا می فرماید:

(وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ) (۳)

ص: ۸۶

۱- بحار الانوار ج ۸۵ ص ۲۰ حدیث ۱۰، مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۱۶۵ حدیث ۴۳۸۷.

۲- سوره ی نمل آیه ی ۳۰

۳- سوره ی نحل آیه ی ۵۳.

و هر نعمتی که دارید از خداست.

پنجمین نور درخشان آسمان ولایت حضرت امام محمد باقر(ع) فرموده اند:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْرَأَ أَوْ يَعْمَلَ عَمَلًا فَيَقُولُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ فَإِنَّهُ تُبَارَكُ لَهُ فِيهِ؛(۱)

همانا بنده ی خدا اگر بخواند مطلبی را بخواند و یا کاری را انجام دهد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگوید، کارش به سبب نام مبارک حق

مبارک می شود.

اهمیت نام خداوند در آغاز کارها

دین مبین اسلام در پرتو هدایتش، ادب دینی را در شروع کارها، ذکر نام خدای سبحان می داند، و وظیفه ی همه را معلوم نمود که اهل بیت عصمت و طهارت(ع) نیز در این باره قولاً و فعلاً به این امر مهم، بسیار سفارش نموده اند، و ذکر نام مبارک حق را در آغاز هر کاری، لازم و ضروری دانسته اند که چند فراز از کلام گهربار آن ذوات مقدسه و نورانی را بیان می کنیم:

خاتم پیامبران رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَّا يَدْكَرُ بِسْمِ اللَّهِ فِيهِ فَهُوَ أَتَمُّ؛(۲)

هر عملی که در شروعش با نام مبارک خالق هستی خداوندگار یکتا جل جلاله نباشد عملی نا فرجام است.

حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا ﷺ می فرمایند:

ص: ۸۷

۱- تفسیر منسوب به امام عسکری ﷺ ص ۲۵، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۲۴۲ حدیث

۲- وسائل الشیعه ج ۷ ص ۱۷۰ حدیث ۹۰۳۲، تفسیر صافی ج ۱ ص ۸۳، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۲۴۲ حدیث ۴۹.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ بِيَاضِ الْعَيْنِ إِلَى سَوَادِهَا؛ (۱)

نزدیک بودن بسم الله الرحمن الرحيم به اسم اعظم، از سفیدی چشم به سیاهی آن هم نزدیک تر است.

مولای متقیان امیرمومنان علی (ع) می فرماید:

فَقُولُوا عِنْدَ افْتِتَاحِ كُلِّ أَمْرٍ صَغِيرٍ وَ عَظِيمٍ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَيْ أَسْتَعِينُ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ بِاللَّهِ؛ (۲)

به هنگام آغاز هر کار کوچک و بزرگ، بسم الله الرحمن الرحيم بگویید، یعنی به سبب این امر، از خداوند متعال کمک می خواهیم.

تمام عالم هستی، از ذره تا ذره، و از کوه تا کهکشان، از جمادات و نباتات، همگی مستمر و پیوسته مشغول ذکر خداوند سبحان و تسبیح پروردگار عالم هستند، لذا اگر عملی از انسانی سرزند که با نام و یاد خدا همراه نباشد، بر خلاف وضع حاکم بر عالم آفرینش است، و آن کار سهمی از بقا نخواهد داشت، و از پایانی درست محروم خواهد بود، ثمر دادن هر کاری مرهون آن است که در آغاز آن، نام خداوند متعال باشد.

اگر کشتی عظیم شیخ الانبیا حضرت نوح پیامبر (ع) در طوفان سهمگین دریا، و در امواج پی در پی متلاطم، سالم به مقصد رسید، و اگر آتش نمودریان، بر بت شکن بزرگ حضرت ابراهیم خلیل \square گلستان گشت؛ برای آن بود که نام خدا را در آغاز کار با تمام وجود و اعتقادی راسخ بر زبان جاری نمودند.

تذکر این نکته ضروری است که نام خداوند قدیر و علیم، زمانی چنین اثری را

ص: ۸۸

۱- وسائل الشیعه ج ۶ ص ۵۹ حدیث ۷۳۴۶، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۲۳۳ حدیث ۱۵.

۲- وسائل الشیعه ج ۷ ص ۱۶۹ حدیث ۹۰۲۹، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۲۴۴ حدیث ۴۹.

دارد که از وجود انسانی از خود رسته و به حق پیوسته بر خیزد، انسانی که توحید محض در جان مبارکش خوش درخشیده، و فقط و فقط آن یگانه ی بی همتا را مؤثر در تمام کارها می داند و بس.

لذا امیرالمومنین (ع) نیز وصیتش کاملاً هماهنگ با قرآن مجید و سیره ی پیامبران و فرمان مبارک رسول اکرم (ص) و تجلی صراط المستقیم است.

اقرار به شهادتین در ابتدای وصیت

روح عالم هستی و جان خاتمیت (۱) کفو سیده النسا (۲) حضرت امیرمومنان علی (ع) بعد از نام مبارک خداوند، به مهم ترین اصل دین یعنی توحید پرداخته و فرموده اند:

ص: ۸۹

۱- در سوره ی مبارکه ی آل عمران آیه ی ۶۱ راجع به مباحله می فرماید: **فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعِيدٍ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ** □. هر گاه بعد از علم و دانشی که (در باره ی مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آن ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم.

۲- اشاره به حدیثی است که امام صادق □ فرمود: **لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ □ لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَمَنْ دُونَهُ؛** اگر خداوند تبارک و تعالی امیر المومنین □ را خلق نمی کرد، در روی زمین از حضرت آدم تا آخر کسی هم کفو فاطمه □ نبود. (کافی ج ۱ ص ۴۶۱ حدیث ۱، وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۷۴ حدیث ۲۵۰۶۷).

أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ؛ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَعْنَةُ الْمُشْرِكِينَ، ثُمَّ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِعَدْلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛

مولای متقیان حضرت علی(ع) اگر چه خود ممحض در توحید است و نفس نفیس پیامبر خاتم □ خود اوست که مُبَیِّن قرآن است و مُشْرَع دین، با تمام وجود و بدون کوچک ترین ریب و تردیدی، با جان و دل در وصیت خود شهادت به وحدانیت حق و نبوت و رسالت پیامبر خاتم حضرت محمد(ص) و قبولی آیین اسلام را با لسان مبارکش ابراز کرده و آشکارا شهادتین را بر لسان مبارک خود جاری می نماید.

شهادت او به یگانگی معبود مطلق، چنان آمیخته با وجود اوست که پیامبر خاتم فرمود:

لَا تَسُبُّوا عَلِيًّا؛ فَإِنَّهُ مَمْسُوسٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ تَعَالَى؛ (۱)

به علی □ ناسزا نگوئید؛ برای این که او شیفته و دلداده ی ذات خداوند است.

شهادت کسی است که فرمود:

مَا شَكَّتُ فِي الْحَقِّ مُذْ أُرَيْتُهُ؛ (۲)

از وقتی که حق را یافتم شک و تردیدی در حق ننموده ام.

و لذا شهادت او را با شهادت دیگران مقایسه نتوان نمود، این شهادت و عمل حضرت(ص) دارای نکاتی مُهم، و ارزشی بی حد و حصر است، اول این که او با این

ص: ۹۰

۱- مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۲۲۱، بحار الانوار ج ۳۹ ص ۳۱۳ حدیث ۵.

۲- نهج البلاغه حکمت ۱۸۴، بحار الانوار ج ۳۴ ص ۳۴۲ حدیث ۱۱۶۱.

عمل خود، هم شیوه ی وصیت کردن را به همگان آموخت و هم به تمام جهانیان خاطر نشان کرد که اصل و حقیقت توحید و شهادت به ذات باری تعالی و نبوت نبی مکرم ﷺ زمانی پذیرفته و مقبول است که تنها حرف و لقلقه ی زبان نباشد، بلکه با تصدیق قلبی همراه باشد، ولی در عین حال، اقرار آن به لسان نیز در نزد شارع حکیم، لازم و ضروری است، و باید با زبان نیز این ذکر بیان شود.

دوم این - که قبولی آیین اسلام، باید به همراه قبولی و پذیرفتن تمام اصول دینی باشد، برای دست یافتن به این امر مهم، در حد و سع بیان مطلبی به طور اجمال لازم و ضروری است.

یکی از مهم ترین وظایف رسالت تمام پیامبران عظیم الشان الهی ﷺ در انجام امر خطیر و با عظمت نبوت و رسالت، تبلیغ و ترویج و تعلیم سه اصل اساسی یعنی توحید، نبوت و معاد است.

خداوند سبحان جلّ جلاله بهترین کلام را کلام کسی می داند که دعوت به سوی توحید می نماید و عملی صالح و تنها برای خدا انجام می دهد و پیوسته قایل است که من از تسلیم شدگان در برابر عظمت حق هستم:

(وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّ نِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ) (۱)

در نتیجه بهترین کلام، آن کلامی است که در باره ی سه اصل مهم توحید، نبوت و معاد گفته شود که بر همگان لازم است به آن معرفت پیدا کنند، ولی شناخت و معرفت این سه اصل دینی، و معتقد شدن به آن -ها، تنها از طریق تعقل

ص: ۹۱

۱- سوره ی فصّلت آیه ی ۳۳: و کیست خوش گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید، و کار نیک انجام دهد و گوید: من (در برابر خداوند) از تسلیم شدگانم؟

و تفکر و با استمداد از وحی مقبول است، و تقلید از دیگران، در مباحث اعتقادی، مورد پذیرش و قبول دین نیست، در میان این سه رکن اساسی دین، توحید مهم ترین آن^۱ هاست.

انسان که خود اشرف مخلوقات در میان آفریده های خداوند گار عالم است، ابتدا لازم است خود را از هرگونه آلودگی های شرک و کفر و دوگانگی پاک کند، سپس لباس تسلیم بر قامت خود بپوشاند و مسلمان گردد، و این عمل ابتدا با گفتن «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» آغاز می شود.

ولی صرف اقرار به وحدانیت ذات لا-یزال الهی کافی نیست، بلکه برای این^۲ که بتواند در طی طریق بدون انحراف به سوی هدف گام بردارد و سالم به مقصد نهایی بار یابد، و در سایه^۳ رحمت الهی برای همیشه آرام گیرد، و مشمول فضل بیکران الهی شود، لازم است تا آخر حیات زندگانی خویش، به طور مستمر و به هم پیوسته بر این عقیده ثابت قدم و استوار بماند.

امیرالمومنین \square در ادامه^۴ ی وصیت فرمودند:

«وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»، در واقع بلا-فاصله پذیرش بی ریب و شک رسالت و نبوت خاتم پیامبران حضرت محمد \square را خاطر نشان کرده، و شهادت دادن به رسالت، و پذیرفتن نبوت او را یکی از اساسی ترین اصول دین مبین اسلام بر شمرده اند.

اکنون اگر به متن وصیت نگاه دوباره داشته باشیم که می فرماید:

أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا \square عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ؛ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ (۱)

ص: ۹۲

۱- . اشاره به آیه ی ۳۳ سوره ی مبارکه توبه است.

خداوند حکیم با این گونه گفتار - که مشتمل بر تعالیم عالیّه است - رسول گرامی خود را به آن مؤدب نمود، سرّش این است اگر منادی و مبلّغی که در میان مردم تبلیغ می کند و دیگران را به تبعیت آن دعوت می نماید، و همه را برای قبول آن فرا می خواند، خود بدان عمل کند و پایبند به آن باشد، و خود را نیز عضو همان قافله بداند، تاثیر وافر و چشم گیری خواهد داشت، به دین سبب، مامور است توحید خالص و طریقه ی عبودیت خود را اعلام بدارد، و دیگران را نیز به رعایت آن توصیه کند.

کعبه ی عاشقان و اسوه ی سالکان امیرمومنان علی \square نیز به یگانه دردانه ی عالم هستی حضرت محمد بن عبدالله \square اقتدا می کند، و همانند او این آیه را تلاوت می فرماید: **بِمِائِنِ صَالَاتِي وَنُصِيحِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ.**

در واقع از تمام شئون زندگی و عمر با برکت خویش خبر می دهد که تمام آن را برای پروردگار عالمیان می داند، لذا نه عبادت تاجرانه را می پسندد که به اشتیاق بهشت عبادت کند «مَا عَبَدْتُكَ شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ»، و نه عبادت از خوف آتش جهنم را خوش دارد «وَلَا خَوْفًا مِنْ نَارِكَ»، بلکه عبادت محض و خالص برای ذات آن سبوح قدّوس را سر فصل زندگی خویش قرار داد؛ زیرا تنها او را شایسته ی پرستش دانست «وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ»^(۱)

لذا امیرالمومنین \square در وصیت خود نیز حقیقت قلبی و باور دینی و اندیشه ی الهی خود را این گونه بیان می کند.

ص: ۹۴

فصل دوم: وصیت به تقوا و سرانجامی همراه با تسلیم

اشاره

ص: ۹۵

اشاره

ثُمَّ إِنِّي أَوْصِيكُمْ يَا حَسَنُ وَجَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ رَبِّكُمْ، فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛

سپس ای حسن! من تو را و همگی فرزندان، و کلیه ی افراد خاندانم را، و هر آن کس از مومنین که این نامه ی من به او برسد را، وصیت می کنم که تقوای پروردگارتان را پیشه ی خود سازید، و همواره رعایت تقوای الهی نمایید، تا زمان اجل و پایان عمر هنگامی که مرگ فرا می رسد تسلیم محض پروردگار باشید.

این قطعه از کلام امیرالمومنین (ع) را می توان به دو قسمت تقسیم کرد.

قسم اول: پدر مهربان امت

این سفارش امیرالمومنین □ حامل پیامی برای اهل بیت گرامی (ع) خصوصاً و تمام جهانیان عموماً است، امیرالمومنین (ع) در وصیت ابتدأً وجود مبارک امام حسن مجتبی (ع) را مخاطب قرار می دهد، و ایشان را در میان تمام فرزندان با ذکر نام امتیاز می بخشد، و سپس تمام فرزندان را مورد خطاب قرار می دهد «و جمیع ولدی»، آن گاه با عنوان «أهل بیتی» تمام خویشان سببی و نسبی را مورد لطف و محبت خاص خود گردانید.

سپس مومنین و تمام مردم را در همه ی زمان ها و مکان ها، و در هر عصری و نسلی مخاطب کریمانه ی خود قرارداد، «وَمَنْ بَلَّغَهُ كِتَابِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، و همگی را مشفقانه و دلسوزانه چون پدری مهربان به پرهیز کاری و انجام اعمال شایسته سفارش می کند؛ زیرا به تعبیر زیبا و دلنشین فخر کاینات حضرت محمد(ص) پدر این امت است که فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ». (۱)

قسم دوم: تبیین اصول اخلاقی

اشاره

امیربیان حضرت علی(ع) در این بخش از فرمایشات نورانی خود، به سه مساله ی اساسی و مهم و زیر بنایی سفارش می کند که هر یک در جایگاه خود دارای اهمیتی ممتاز است.

امام المتقین در ابتدا همه را به تقوا و پرهیزکاری دعوت می کند، و از همه می خواهد که از خداوند متعال - که در همه ی احوال حی و حاضر و ناظر بر اعمال انسان هاست - پروا نمایند.

و در ثانی از همگان می خواهد تا پایان عمر، و هنگام مرگ، بر حقایق شریعت اسلام - که ره آورد خاتم پیامبران حضرت محمد(ص) است - استوار و ثابت قدم بمانند، و در حالی که مسلمان و تسلیم محض رب العالمین هستند، از دار دنیا رحلت کنند، همان طوری که وجود نازنین آن حضرت چنین بود که در آخرین لحظات عمر شریفش فرمود: «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» (۲).

و در مرحله ی سوم در دنباله ی وصیت، همگی را به اتحاد، برادری و هم دلی و همبستگی سفارش می کند.

ص: ۹۸

۱- عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۸۵ حدیث ۲۹، مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۱۰۵: من و علی هر دو پدران این امت هستیم

۲- اعلام الوری ص ۸۷، طرائف ج ۲ ص ۵۱۹، بحار الانوار ج ۷۳ ص ۵۹ ذیل حدیث ۲۸: به پروردگار کعبه رستگار شدم

از اهم سفارشات و وصایایی - که جامع جمیع وصایای اوست - توصیه و سفارش مولای متقیان امیرالمومنین علی(ع) به رعایت تقوای الهی است که آن حضرت با اشاره به آیه ی شریفه ی (ع) *فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ*(ع) در واقع بالاترین مقام، و عالی ترین مراحل تقوا را به همه توصیه فرمودند که بالاترین آن، تسلیم بی قید و شرط و خالص و دایمی است که برای هر کس میسر نیست.

البته صرف کسب تقوا کافی نیست، بلکه تداوم آن هم نیز مهم است، به دین سبب امر شده که همه موظفند تا هنگام مرگ و زمان فرا رسیدن اجل، تقوا را به همراه داشته باشند.

از اهم موضوعاتی که خداوند عزّ و جلّ در قرآن کریم آیات فراوانی در باره ی آن نازل فرموده، موضوع تقوا است، در هشتاد موضع از قرآن به تقوا امر شده، و در چهل و نه موضع متقین را ستوده، و در هشتاد و سه موضع از پاداش ها و اثرات نیک تقوا یاد نموده است.

در قرآن کریم آمده است: خداوند متعال امت های پیشین را به تقوا دعوت کرده، و هم آیندگان را نیز به رعایت تقوی سفارش نمود، آن جا که می فرماید:

(وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ) (۱)

و پیامبر گرامی اسلام ﷺ هم در باره ی این آیه ی شریفه می فرماید:

وَقَدْ أَجْمَعَ اِهْدُ تَعَالَى مَا يَتَوَصَّى بِهِ الْمُتَوَاصُونَ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ فِي خَصْلِهِ وَاحِدَةٍ وَ هِيَ التَّقْوَى؛

به راستی که خداوند متعال آنچه را که گذشتگان و آیندگان را به آن

ص: ۹۹

سفارش کرده و آن را در یک خصلت جمع نموده و آن تقواست.

و سپس این آیه ی شریفه را قرائت فرمود:

(وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ) (۱)

و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده، و (نیز) به شما سفارش کردیم که از خداوند پروا نمایید و تقوای الهی داشته باشید (۲)

به نقل تاریخ، پیامبر اکرم ﷺ اولین خطبه ای را که در نخستین روز ورود خود به مدینه ی منوره ایراد کردند، در آغاز آن فرمودند:

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ خَيْرٌ مِمَّا أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ أَنْ يُحْضَهُ عَلَى الْآخِرَةِ، وَأَنْ يَأْمُرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ (۳)

شما را به تقوای الهی و پرهیزکاری سفارش می کنم؛ چون که بهترین سفارشی که هر فرد مسلمان وظیفه دارد نسبت به برادر مسلمانش بنماید این است که او را به کار آخرت ترغیب کند، و به پرهیزکاری خدا فرمان دهد.

با توجه به سفارش خداوند متعال، و رسول گرامی اسلام ﷺ، و هم چنین امیرمؤمنان علی ﷺ به مساله ی تقوا، این سوال به ذهن تداعی می کند که چه حکمتی در تقوا نهفته است که این چنین مورد سفارش قرار گرفته است؟!

اکنون برای جواب این سوال، به کلام خداوند حکیم و سخنان معصومین ﷺ باید مراجعه کنیم تا به قدر اقتضای کلام، به اهمیّت و آثار تقوا آشنا شویم.

ص: ۱۰۰

۱- سوره ی نسا آیه ی ۱۳۱.

۲- مصباح الشریعه ص ۱۶۳، بحار الانوار ج ۷۸ ص ۲۰۰ حدیث ۲۸.

۳- بحار الانوار ج ۱۹ ص ۱۲۶، مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۳۳ حدیث ۶۳۶۰، تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۹۵، البدایه و النهایه ج ۳ ص ۲۱۳، سبل الهدی ج ۳ ص ۳۳۲.

«تقوا» یک ملکه ی نفسانی است که در اثر ممارست به انجام فرایض و واجبات، و ترک مناهی و محرّمات، و صیانت نفس از نافرمانی خداوند متعال، در وجود انسان پدید می آید. با توجه به آیاتی که در این زمینه نازل شده است، و مراجعه به سخنان معصومین (ع) این مفهوم کشف می شود که حقیقت تقوا یک حالت روحانی و معنوی است که آن نفس سرکش، و لجام گسیخته را مطیع، و هوا و هوس را مهار می کند.

لذا به عنوان یک ملکه ی نفسانی در تقویت روح، و کنترل نفس اماره، و حفظ انسان از گناهان نقش بسیار مهم و اساسی دارد.

و انسان متقی کسی است که وقتی به زیور تقوا آراسته شد، خود را در حصن حصین (۱) قرار داده و در نتیجه از لغزش های عملی و چه بسا اعتقادی مصون خواهد بود.

اهمیت و آثار تقوا در بعضی از آیات قرآن

اشاره

با توجه به آیاتی که در قرآن کریم در باره ی تقوا نازل شده است، چند نکته ی اساسی به چشم می آید که نشان گر آن است که در مکتب وحی، مهم ترین خیر و نیکویی، تقوا است که قرآن کریم در این باره می فرماید:

(وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى) (۲)

و شرط حسن عاقبت، و دست یافتن به فلاح و رستگاری، تنها با رعایت تقوا ممکن است.

ص: ۱۰۱

۱- نهج البلاغه ضمن خطبه ی ۱۵۷: أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۸۹.

۱. گنج با ارزش قرآن در اختیار متقین

خداوند متعال، قرآن کریم را موجب هدایت و نجات انسان ها از تاریکی های ضلالت، رسیدن به شاهراه رستگاری و نور می داند، در ابتدای سوره ی مبارکه ی بقره، به این نکته اشاره دارد که تنها کسانی به گنج گران بهای قرآن دست می یابند، و در طریق هدایت واقع می شوند که لباس تقوا را بر قامت خویش بپوشانند، و لذا می فرماید:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۱)

آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد، و مایه ی هدایت پرهیزکاران است.

۲. معیت خداوند با متقین

خداوند سبحان نیز پیوسته دست گیر متقین و اهل تقوا است، در نتیجه انسان با مزین شدن به تقوا، مورد توجه خاص حضرت حق قرار می گیرد که فرمود:

وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۲)

و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید) و بدانید خدا با پرهیزکاران است.

هم چنین در آیه ی دیگر می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (۳)

خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند، و کسانی که نیکوکارند.

ص: ۱۰۲

۱- سوره ی بقره آیه ی ۲

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۹۴

۳- سوره ی نحل آیه ی ۱۲۸

۳. محبت خداوند به پرهیزکاران و اهل تقوی

پروردگار مهربان به آن دسته از کسانی که پاکی پیشه می کنند عشق می ورزد و می فرماید:

(بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ) (۱)

آری! هر کس به پیمانش وفا کند و پرهیزکاری پیشه نماید، (خدا او را دوست می دارد؛ زیرا) خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

۴. پرهیزکاری تنها راه نجات

کسانی که از یگانه معبود خود پروا کنند و او را شاهد و ناظر اعمال خود بدانند، هر لحظه که در بند و زنجیر مشکلات گرفتار شوند، خداوند قدیر از فضل و رحمت خود آن ها را از بند سختی ها نجات می بخشد، در این باره در قرآن کریم آمده است:

(إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا) (۲)

مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است.

و نیز در آیه ی شریفه ی دیگری فرموده است:

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ) (۳)

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، و او را از جایی که گمان نمی برد روزی می دهد.

ص: ۱۰۳

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۷۶

۲- سوره ی نبا آیه ی ۳۱

۳- سوره ی طلاق آیه ی ۲ و ۳

۵. اَمْنِيتِ دَر سَايَه ي تَقْوَا

انسان های متقی و پرهیزکار در حصن حصین حق، در اَمْنِيتِ کامل به سر می برند، و شرّ اشرار و کید کفار، آسیبی به آن ها نمی زند، و این گونه به آن ها نوید جان بخش می دهد:

(وَ اِنْ تَصْبِرُوْا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا) (۱)

اما اگر در برابرشان صبر و استقامت و پرهیزکاری پیشه کنید، نقشه های (خائنانه ی) آنان به شما زیانی نمی رساند.

۶. آسان شدن کارها در سایه ی تقوا

تقوا شب تاریک بندگان گرفتار را به نور روشنایی بدل می کند، و گره از کارهای مشکل و دشوار آن ها می گشاید:

(وَ مَنْ يَتَّقِ اِهًا يَجْعَلْ لَهٗ مِنْ اَمْرِهِ يَسْرًا) (۲)

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد.

۷. تقوا عامل زدودن گناهان و اصلاح در کارها

شیطان دشمن قسم خورده ی انسان با ابزار هوا و هوس، پیوسته در حال وسوسه ی انسان است، و او را دچار عصیان و گناه می کند، پروردگار غفار به پرهیزکاران وعده می دهد:

(وَ مَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَ يَعِظْ لَهٗ اَجْرًا) (۳)

ص: ۱۰۴

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۲۰.

۲- سوره ی طلاق آیه ی ۴

۳- سوره ی طلاق آیه ی ۵

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می بخشد و پاداش او را بزرگ می دارد.

در آیه ی کریمه ی دیگر می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ... يَصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ) (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید... تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهان-تان را ببامزد.

۸. تقوا عامل پذیرش اعمال

تقوا مهر استاندارد اعمال انسان در بازار قیامت است که نخستین مشتری آن خداوند بی نیاز و غنی علی الاطلاق است، در قرآن کریم فرموده است:

(إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ) (۲)

همانا خداوند، تنها از پرهیزکاران می پذیرد.

۹. تقوا معیار سنجش انسان ها

خداوند منان به هرگونه برتری طلبی و تبعیض و شرافت های غیر واقعی کذایی و بزرگ بودن های خیالی، مهر بطلان می زند، و در هنگام سنجش انسان ها، مدال پرافتخار کرامت را به گردن کسی می آویزد که در تقوا از دیگران گوی سبقت ربوده باشد، لذا می فرماید:

ص: ۱۰۵

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۷۰ و ۷۱.

۲- سوره ی مائده آیه ی ۲۷.

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) (۱)

گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، و خداوند متعال عالم به همه ی اشیا و با خبر از تمام امور است.

۱۰. بهشت در انتظار متقین

جَنَّتْ و رضوان - با تمام وصفی که خداوند در قرآن کریم از آن نموده است - فقط در انتظار پاکدامنان و پرهیزکاران است، لذا به متقین بشارت داد و فرمود:

(وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ) (۲)

و بهشتی که وسعت آن، آسمان ها و زمین است برای پرهیزکاران آماده شده است.

اهمیت تقوا در کلام اهل بیت عصمت و طهارت (ع)

متقین واقعی و تنها کسانی که به فرمان و حیاتی (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ) (۳) لیبیک گفته اند، اهل بیت پاک و خاندان عظیم الشان نبوت و رسالت هستند که آنی و کم تر از آنی از یاد خدا غافل نبودند تا این که مرغ جان شان با ندای:

(يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي) (۴) فراخوانده شده و به عنوان متقی حقیقی و انسانی کامل در جوار

ص: ۱۰۶

۱- سوره ی الحجرات آیه ی ۱۳.

۲- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۳۳.

۳- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۰۲: آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا پرهیزید)

۴- سوره ی فجر آیه ی ۲۷ - ۳۰: تو ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در سلک بندگانم در آی، و در بهشتم وارد شو.

رحمت حضرت حق، دائماً متنعم و مستفیض می باشند.

آنان که حلاوت قرب حق را چشیده اند و به وصال حق نایل شدند و خود سرآمد متقین گشته اند، در باره ی تقوا سفارشات زاید الوصفی نموده اند.

پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ در وصیت خود به ابوذر غفاری می فرماید:

أصيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ رَأْسُ الْأَمْرِ كُلِّهِ؛ (۱)

یا اباذر! تو را به پرهیز و پروای از حضرت حق سفارش می کنم؛ زیرا آن در مرتبه ی بالای تمام کارها قرار دارد.

و در بیان نورانی دیگری به ایشان فرمود:

كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوَى أَشَدَّ اهْتِمَاماً مِنْكَ بِالْعَمَلِ بغيره؛ (۲)

یا اباذر! در عمل به تقوا، نسبت به انجام اعمال دیگر سخت گیرتر و مصمم تر باش.

اسوه ی متقین امیرالمومنین (ع) می فرماید:

التُّقَى رَيْسُ الْأَخْلَاقِ؛ (۳)

پارسایی پیشوا و سرآمد اخلاق است.

وجود مقدس امام صادق ﷺ می فرمایند:

إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى؛ (۴)

عمل کمی که با پرهیزکاری همراه باشد، بهتر است از عمل زیادی که بدون تقوا انجام شود.

ص: ۱۰۷

۱- خصال شیخ صدوق ج ۲ ص ۵۲۳ حدیث ۱۳، وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۲۸۹ حدیث ۲۰۵۴۱، بحار الانوار ج ۷۰ ص ۲۸۹ حدیث ۲۱.

۲- عدّه الداعی ص ۳۰۳، اعلام الدین ص ۱۹۹، بحار الانوار ج ۷۰ ص ۲۸۶ حدیث ۸.

۳- نهج البلاغه حکمت ۴۰۲، بحار الانوار ج ۷۰ ص ۲۸۴.

۴- کافی ج ۲ ص ۷۶ حدیث ۷، وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۲۴۱ حدیث ۲۰۳۸۴.

نگاهی دوباره به وصیت مولای متقیان □ که کلام امیر، امیر کلام است.

امیر مومنان علی(ع) در وصیت به تقوا، از تعبیر زیبایی استفاده می کنند و می فرمایند:

بِتَقْوَى اللَّهِ رَبُّكُمْ؛

شما را وصیت می کنم به رعایت تقوای پروردگار شما.

یعنی آن کسی که باید از او بپرهیزید و پروا نمایید، او مربی و پروردگار شماست، این کلام دلربای ایشان، حاوی این نکته ی مهم نیز هست که مربی و تربیت کننده ی همگان، پروردگار متعال است، و اگر امر به تقوا می کند در مقام تربیت و شکوفایی صفات نیکو در نهاد انسان است.

لذا به همان اندازه که به آیات قرآن کریم، و سخنان رسول اکرم □ مراجعه شد سرّ سفارش مؤکد امیرالمومنین □ به تقوا نیز روشن شد و آن این که تقوا، مستجمع جمیع عبادت های صالحه در مقام عبودیت حضرت حق است.

به همین خاطر، نه تنها در آخرین وصیت عمر مبارکش، بلکه در هر فرصت مناسبی که پیش می آمد، از آن فرصت استفاده می کرد، و به همراهان و اصحاب خود پند و اندرز می داد، و مهم ترین سفارشاتش در باره ی تقوا بود، از آغاز خطبه ی نماز جمعه گرفته که می فرمود:

«أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ»^(۱) تا در بقیه ی سخنرانی ها، و یا نوشتن نامه به کارگزاران و هم چنین در موارد دیگر.

سید رضی(ره) در کتاب قیّم و ارزشمند «نهج البلاغه» قصه ی بازگشت امیرالمومنین(ع) از جنگ صفین را نقل می کند می گوید: هنگامی که آن وجود

ص: ۱۰۸

۱- . کافی ج ۵ ص ۳۶۹ حدیث ۱، بحار الانوار ج ۳۱ ص ۴۶۴.

مقدس در ورودی شهر کوفه در کنار قبرستان ایستاد، و به خاک خفتگان آن دیار خاموش را مخاطب خود قرار داد و فرمود:

يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ! وَ الْمَحَالِّ الْمُفْفِرَةِ! وَ الْقُبُورِ الْمُظْلَمَةِ! يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ! يَا أَهْلَ الْعُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ! يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ! أَنْتُمْ لَنَا
فَرَطٌ سَابِقٌ، وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ؛

أَمَا الدُّورُ فَقَدْ سُكِنَتْ، وَ أَمَا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ، وَ أَمَا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ، هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا، فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ؟؛

ای ساکنان خانه های وحشتناک! و مکان های خالی و قبرهای تاریک! ای خاک نشینان! ای غریبان! ای تنهاییان! ای وحشت
زدگان! شما در این راه بر ما پیش قدم شدید و ما نیز به شما ملحق خواهیم شد.

(اگر از اخبار دنیا برسید به شما می گویم:) اما خانه های تان را دیگران ساکن شدند، و همسران تان به ازدواج افراد دیگر در
آمدند، و اموال تان تقسیم شد، این خبری است که در نزد ما است، در نزد شما چه خبر؟

آن گاه امیرالمومنین □ رو به اصحاب خود کرد و فرمود:

أَمَا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ، لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى؛ (۱)

آگاه باشید! اگر به آنان اجازه ی سخن گفتن داده می شد، هر آینه به شما خبر می دادند که بهترین توشه برای سفر آخرت
تقوا و پرهیزکاری است.

امیرمومنان (ع) در این فرصت مناسب، با سفارش و توصیه به تقوا، در واقع از راه بسیار وحشتناک و دشوار قیامت و مشکلات و
رنج های غیر قابل تحمل زندگی پس از مرگ خبر می دهد و می فرماید:

ص: ۱۰۹

آه مِنْ قَلْبِهِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ؛ (۱)

آه از کمی توشه و درازی راه و دوری سفر و سختی منزل - گاه.

این بیان نورانی از لسان مبارک شخصیتی گفته می شود که رسول اکرم (ع) - که (وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ) (۲) درباره اش نازل شده - او را ستوده و در باره ی آن حضرت فرموده است:

ضَرْبَهُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ؛ (۳)

یک ضربت امیرالمومنین علی ؑ در روز جنگ خندق بهتر از عبادت جن و انس است.

آگاه باشیم! وقتی کسی که یک ضربتش در جنگ خندق برتر از عبادت جن و انس است، چنین ناله می زند و می فرماید:

«آه مِنْ قَلْبِهِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ» (۴)، تکلیف دیگران چه باید باشد؟!

در جایی که عقاب پر بریزد

از پشه ی لاغری چه خیزد

جُنَادَةُ بْنُ أَبِي امِيَّةٍ مِي كُوِيْدُ: هِنِكَا مِي كِه لِحِظَاتِ عَمْرِ شَرِيْفِ حَضْرَتِ اِمَامِ حَسَنِ مَجْتَبِي (ع) رُو بَه پَايَان بُوْد، مَن دَر كِنَارِ بَسْتَرِش حَاضِر شَدَم وَ عَرْضَه دَاشْتَم:

ص: ۱۱۰

۱- . نهج البلاغه حکمت ۷۷، بحار الانوار ج ۳۴ ص ۲۸۵ حدیث ۱۰۳۳.

۲- سوره -ی نجم آیه ی ۳ و ۴.

۳- اقبال الاعمال ج ۲ ص ۲۶۷، مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۳۲، تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۱۹ شماره ی ۶۹۷۸، مناقب خوارزمی ص ۱۰۷ حدیث ۱۱۲، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۴ حدیث ۶۳۶، تاریخ مدینه دمشق ج ۵۰ ص ۳۳۳، شرح المقاصد ج ۲ ص ۳۰۱، فرائد السمطين ج ۱ ص ۲۵۶، ینابيع الموده ص ۹۵ و ۱۳۷.

۴- روضه الواعظین ج ۲ ص ۴۴۱، غررالحکم و ص ۸۰۵.

ای پسر رسول خدا! مرا موعظه کن، «عَظِنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ».

حضرت فرمود: «برای سفر به آخرت آماده باش، و قبل از آن که هنگام مرگت فرا رسد، زاد و توشه ای را به دست آور»:

اِسْتَعِدَّ لِسَفَرِكَ، وَ حَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ اَجَلِكَ؛ (۱)

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد ز پس تو پیش فرست

امام مجتبی □ نیز در این پیام، از دشواری راه و زندگی مشقت بار پس از مرگ خبر می دهد، و به ذخیره نمودن توشه راه فرمان می دهد که قرآن کریم می فرماید:

(وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى) (۲)

و زاد و توشه تهیه کنید که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است.

به همین سبب، باید هوشیار بود، تا زمانی که پیمانه ی عمر انسان لبریز نشده، و فرشته ی مرگ به فرمان حق، از راه نرسیده، و انسان فرصت و توان آن را دارد تا برای سرای آخرت و زندگی پس از مرگ خود توشه ای بردارد، لازم است از اعمال گذشته ی خود توبه کند، و به درگاه خداوند متعال استغفار نماید، و به انجام اعمال شایسته روی آورد تا در دنیای دیگر آسوده و راحت باشد:

ای که دستت می رسد کاری بکنیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

مهم ترین پیام حضرت در این وصیت، عمل نمودن به دستورات اوست، نکند نسبت به سفارشات امیرالمومنین بی اعتنا باشیم، و آن را رها کرده و تنها نام مبارکش را بر زبان جاری کنیم و علی بن ابی طالب، ولی هیچ یک از رفتار ما با کلام نورانی و توصیه ها و دستورات آن حضرت شبیه نباشد، بلکه لازم است در کنار

ص: ۱۱۱

۱- کفایه الأثر ص ۲۲۷، بحار الانوار ص ۴۴ ص ۱۳۸ حدیث ۶.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۹۷.

گفتن آن ذکر دلنشین و زمزمه کردن نام مبارکش، به فرموده های او جامه ی عمل ببوشیم.

امیرالمومنینی که نام مبارکش از نام حق مشتق شده است:

«فَاسْمُهُ مِنْ شَامِخِ عَلِيٍّ عَلَى اشْتِقَاقٍ مِنَ الْعَلِيِّ» (۱)

علی گفتن لقلقه ی زبان نیست، و چه خوش سروده است:

هزار مرتبه شستن دهان به آب گلاب

هنوز نام تو بردن کمال بی ادبی است

راه های کسب تقوا

تقوا احساس مسئولیت درونی در برابر فرمان الهی، خمیر مایه ی تمام برنامه های

ص: ۱۱۲

۱- مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۱۷۵، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۲۰ حدیث ۱۴. اشاره به قصه ی ولادت با سعادت مولی الکونین ابوالحسنین امام علی بن ابی طالب (ع) است، هنگامی که آن وجود مقدّس و نورانی چشم به جهان گشود، و در آغوش افتخار اسلام حضرت ابو طالب بود، چیزی مانند سحاب از آسمان به سمت زمین آمد، و بر سینه ی حضرت ابی طالب نشست. حضرت ابو طالب (ع) نیز آن را با امام امیرالمومنین که قنداقه ای در آغوش او بود به سینه چسباند، زمانی که افق صبح از مشرق دمید و خورشید عالم تاب جهان را روشن کرد، دید آن شی، لوحی بود که از آسمان آمده و در آن نوشته است: خُصِّصَ لِي تَمَّا بِالْوَلَدِ الزَّكِيِّ وَ الطَّاهِرِ الْمُتَتَجِبِ الرِّضِيِّ فَاسْمُهُ مِنْ شَامِخِ عَلِيٍّ عَلَى اشْتِقَاقٍ مِنَ الْعَلِيِّ شما برگزیده شدید به این فرزند پاکیزه ی پاک و بزرگ و مقام پسندیده، پس نام او از جانب خداوند، علی است که مشتق از نام علی می باشد که اسم خدا است

الهی، و مهم ترین کلید ورود به بهشت است، هسته ی اصلی منشا پیدایش این امر مهم، ایمان به خدا و ترس از گناه و میل به رستگاری و کسب رضای الهی است؛ زیرا تقوا ابتدا در دل پدید می آید، و از دل به سایر اعضا و جوارح جریان می یابد.

تقوا عملی است تحصیلی که انسان باید با تلاش و کوشش مستمر آن را در وجود خود شکوفا کند، اگر چه در ابتدا دشوار است، ولی با تمسک به ذات حضرت حق جلّ جلاله و توسل به ذیل عنایات ائمه ی معصومین □ دست یافتن به این مقام معنوی برای انسان سهل و آسان می شود.

قرآن کریم می فرماید:

(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ) (۱)

و آن ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایت شان خواهیم کرد، و خداوند با نیکوکاران است.

همت بلند دار که مردان بزرگبا همت بلند به جایی رسیده اند

اگر بخواهیم محبوب خدا شویم و مزین به لباس تقوا، لازم است که در نخستین گام، محاسبه ی نفس داشته باشیم.

محاسبه ی نفس

رسول گرامی اسلام حضرت محمد □ فرمود:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا، وَوزنوها قبل أن توزنوا؛ (۲)

پیش از آن که مورد بررسی قرار گیرید اعمال خود را بررسی کنید، رفتار

ص: ۱۱۳

۱- سوره ی عنکبوت آیه ی ۶۹.

۲- محاسبه النفس ص ۱۳، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۹۹ حدیث ۲۱۰۸۲.

خود را بسنجید پیش از آن که آن را در ترازوی سنجش قرار دهند و (این عمل را برای ارائه ی روز بزرگ یعنی قیامت انجام دهید).

حضرت در این بیان کوتاه و نورانی به همه ی پیروان خویش بررسی دقیق در اعمال را توصیه می فرمایند؛ زیرا به فرموده ی قرآن کریم:

(كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَهُ) (۱) تمام انسان ها در گروه اعمال خویشان هستند، پس اگر انسان اعمال خود را مورد دقت و محاسبه قرار دهد، به کمبودها و کاستی ها آگاه می شود، در این صورت روزنه ی امیدی به سوی او باز می گردد، و تا زمانی که بقیه ی عمر باقی است به یاری خداوند متعال می تواند گذشته را جبران کند.

در کتاب شریف کافی آمده است: امام موسی بن جعفر فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ؛ (۲)

از ما نیست کسی که در هر روز نفس خود را محاسبه نکند.

فراز دوم: پایانی سبز در زیر لوای اسلام در کلام امیر کلام (ع)

مولی الموحدین امیرالمومنین در ادامه ی وصیت خود، به این آیه از قرآن کریم (فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) اشاره می کند که در حقیقت، این سفارش امیر بیان علی (ع) ریشه در یک انسان شناسی دارد؛ زیرا انسان فطرتاً طالب بقاست، و همیشه آرزو می کند که بقای او به همراه آسایش و رفاه در تمام زمینه ها باشد، اگر چه در دنیا با هوای نفس، در دام گناه گرفتار می شود، عصیان پروردگار خویش

ص: ۱۱۴

۱- سوره ی مدثر آیه ی ۳۸

۲- کافی ج ۲ ص ۴۵۳ حدیث ۲، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۹۵ حدیث ۲۱۰۷۴.

می نماید، ولی آروزهای قلبی او این است که با اعمالی مقبول، این دنیای فانی را ترک کند، غافل از آن که رستگار شدن، و در ناز و نعمت جاودان ماندن، تنها آرزومندی آن را در سر داشتن نیست، بلکه با مخالفت از هوای نفس و اطاعت فرمان پروردگار یکتا به دست می آید.

اسوه ی سالکان کوی حق، رهبر پاک دامنان عالم حضرت علی بن ابی طالب \square مهم ترین مقصد رفاه و آسایش و فلاح و رستگاری را در جمله ای کوتاه بیان می فرماید که تنها با تسلیم و منقاد بودن در محضر حق، تا آخرین لحظات زندگی می توان به عاقبتی نیک و شایسته، و به زندگی جاودان و بهشت برین دست یافت.

لذا با استفاده از آیه ی شریفه ی قرآن کریم می فرمایند:

(وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ)، و جز به آیین مسلمانی زندگی را پایان مبرید، به آئین مسلمانی و تسلیم در قبال حضرت حق مردن، شرط سلامت به مقصد رسیدن است.

آنچه در سرآمد زندگی انسان مهم است، متقی مردن به همراه تسلیم در محضر حق است، و انسان ها در قیامت، هر کدام در کنار سفره ی عقاید و اعمال خود می نشینند، و در نتیجه، با عقیده ای که از دنیا رفته اند، به همان صورت محشور می شود.

وقتی امیرالمومنین \square سفارش می فرماید:

(وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ)، تمام شئون زندگی او نیز تنها برای خداوند عزّ و جلّ بوده است.

اگر می فرماید:

(إِنَّ صِيَالَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (۱) مسلمان زندگی می کند، مسلمان می میرد، و به همان اخلاص و درجه ای که دارد، در قیامت محشور می شود.

اشاره به این نکته نیز لازم است که این وصیت حضرت (ع) در واقع سفارش همه ی پیامبران الهی به فرزندان شان می باشد.

قرآن کریم وصیت بزرگ بت شکن تاریخ حضرت ابراهیم خلیل و حضرت یعقوب (ع) به فرزندان شان را نقل می کند که آن ها چنین وصیت فرمودند:

(وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَيْنَهُ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ) (۲)

و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند، (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند): فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است، و شما جز به آیین اسلام (تسلیم در برابر فرمان خدا) از دنیا نروید.

حضرت یوسف □ نیز دست دعا به درگاه بی نیاز حق بلند می کند، و از خداوند متعال چنین طلب می نماید:

(رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْ نَبِيَّ الصَّالِحِينَ) (۳)

ص: ۱۱۶

۱- سوره ی انعام آیه ی ۱۶۲: نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۳۲

۳- سوره ی یوسف آیه ی ۱۰۱.

پروردگارا! بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خواب ها آگاه ساختی، ای آفریننده ی آسمان ها و زمین! تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران، و به صالحان ملحق فرما.

راه دست یابی به حسن عاقبت و مرگ سلیم

اشاره

یکی از راه های کسب عاقبتی رستگارانه و پسندیده و مرگ سلیم، این است که شخصی پیوسته دست تضرع به درگاه حق دراز نماید و خداوند بخشنده و مهربان را در حوادث ناگوار و خواطر افکار، این گونه بخواند:

(رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ) (۱)

(راسخان در علم می گویند: پروردگارا! دل های مان را بعد از آن که ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود رحمتی بر ما بیخش؛ زیرا تو بخشنده ای.

با مراجعه به ادعیه و مناجاتی که از سوی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به دست ما رسیده است، راه سلامت به مقصد رسیدن را، در کلامی بسیار زیبا به همراه معارفی بلند بیان داشتند.

چه زیباست که به تاسی از آن عترت طاهرین □، ما نیز همیشه و پیوسته، در همه حال، خاصه در سجده ها پروردگار خویش را این گونه بخوانیم:

إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا

ص: ۱۱۷

بِكَ، أَشْهَدُ بِعَدْلِكَ عَلَيَّ نَفْسِي، وَأَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقَلَّةِ حِيلَتِي، فَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَتَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَيْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمُهِنُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ؛ (۱)

خداوندا! شب را به روز می آورم و روز را به شب می رسانم در حالی که بنده ی ذلیل تو هستم، مالک سود و زیان خود نیستم مگر به نیروی تو، بر این شهادت می دهم و به ناتوانی و بیچارگی خود معترفم.

پس ای معبود من! آن وعده که مرا داده ای برآور، و هر چه مرا عطا کرده ای به کمال رسان که من بنده ی بینوا، زار، ناتوان، زیان دیده، حقیر و بی مقدار، فقیر و ترسان به تو پناهنده شدم.

اگر چه بنده در هر لحظه که بتواند با یگانه معبود خویش ارتباط برقرار کند، بسیار عالی و شایسته است که از آن فرصت استفاده کند و با خالق خود به راز و نیاز پردازد، اما مریبان اخلاق و پرچمداران هدایت، و اسوه های پاکی و طهارت، بعضی از زمان های خاص را برای مناجات و دعا به درگاه خداوند متعال، سفارش نموده اند که یکی از آن ها ماه مبارک رمضان است، ماهی که شب با عظمت قدر در آن قرار دارد که خداوند متعال آن شب را بهتر از هزار ماه (۲) دانسته است.

چقدر زیبا و شایسته است که نجوای عاشقانه ی حضرت امام جعفر صادق(ع) را در آن شب با عظمت با تضرع زمزمه کنیم:

ص: ۱۱۸

۱- صحیفه ی سجّادیه.

۲- سوره ی قدر آیه ی ۳: (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) شب قدر بهتر از هزار ماه است.

رَبِّ لَّا تَكِلْنِي إِلَىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا لَّا أَقَلُّ مِنْ ذَلِكُمْ وَ لَّا أَكْثَرُ؛ (۱)

پروردگارا! مرا یک چشم به هم زدن به خودم وامگذار، نه کم تر از آن و نه بیش تر.

ام سلمه نقل می کند که:

«نیمه ی شب در پی یگانه دُرّ عالم هستی حضرت خاتم الانبیاؐ به راه افتادم، دیدم در در انتهای خانه ایستاده و دست هایش رو به آسمان و با حال گریان مشغول دعا است، در ضمن دعایش چنین زمزمه می کند:

رَبِّ لَّا تَكِلْنِي إِلَىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛

ام سلمه گفت: به آن حضرت عرضه داشتم: شما لنگر زمین و آسمان، قطب عالم امکان، فخر همه ی مخلوقات و سید المرسلین می باشید، همه ی مردم در بند تو، و تمام گنه کاران امید شفاعت از تو دارند، و آیه ی کریمه ی (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) (۲) در شان تو نازل شده، تو نه تنها رحمت برای آدمیان، بلکه رحمت برای تمام عالمیانی، آیا چنین دعا می کنید؟!

رسول گرامی اسلامؐ در پاسخ او فرمودند، بله! من نیز هر لحظه محتاج و نیازمند لطف و عنایت او هستم؛ زیرا برادرم حضرت یونس، یک لحظه غفلت کرد، به امر خداوند حی و قدیر، در شکم ماهی گرفتار شد، و در آن ظلمات ثلاث فریاد بر آورد، تسبیح حق نمود تا این که خداوند منان، به فضل و رحمت واسعه اش، او را از آن شرایط سخت و دشوار نجات بخشید (۳).

ص: ۱۱۹

۱- کافی ج ۲ ص ۵۸۱ حدیث ۱۵.

۲- سوره ی انبیا آیه ی ۱۰۷.

۳- مراجعه شود به تفسیر علی بن ابراهیم قمی ج ۲ ص ۷۵، بحار الانوار ج ۱۶ ص ۲۱۷ و ۲۱۸ حدیث ۶.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم شرح حال یونس پیامبر را این گونه بیان می فرماید:

(وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ) (۱)

و ذا النون (یونس) را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت، و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمت های متراکم صدا زد: خداوندا! جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم.

لذا پیام امیرالمومنین (ع) این است که می فرماید: ای کسانی که نامه ی من به دست شما می رسد! به هوش باشید، سعی نمایید که مسلمان بمیرید، به گونه ای زندگی نکنید که امروز شما مساوی و یا بدتر از روز گذشته ی شما باشد؛ زیرا کسی که دو روزش برابر باشد دچار زیان شده است همان گونه که در روایت آمده:

مَنْ اعْتَدَلَ يَوْمًا فَهُوَ مَعْبُودٌ؛ (۲)

تاریخ بهترین گواهی است که رفتار و کردار نیک و شایسته، و هم چنین اعمال زشت و ناپسند، و غیر انسانی گذشتگان را روایت می کند، تا آیندگان با مطالعه نمودن آن، از سرگذشت آن ها پند گیرند.

برخی از انسان ها در طول عمر خود در مسیر باطل گام برداشتند، اما هنگامی که به اشتباه خود پی بردند از کردارهای زشت و ناپسند و منکر خود دست برداشتند و توبه کردند و اهل نجات گشته و در زمره ی رستگاران در آمدند.

ص: ۱۲۰

۱- سوره ی انبیا آیه ی ۸۷.

۲- من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۲۸ حدیث ۵۸۳۳، بحار الانوار ج ۷۱ ص ۱۸۶ حدیث ۲۴.

از سوی دیگر، گروهی نیز در کارهای خیر و پسندیده، از دیگران گوی سبقت می ربودند، و در مسیر حق گام بر می داشتند، اما در اواخر عمر خود، تابع هوای نفس شده و تمام ارزش های دینی و انسانی خود را پشت سر نهاده، و از صراط المستقیم خارج گشته و به جنود شیطان پیوستند.

یکی از کسانی که از جنود شیطانی به جنود رحمانی پیوست، و از مسیر باطل به شاهراه هدایت رسید، و در صراط مستقیم قرار گرفت، شخصیت بزرگ، سردار کم نظیر، جناب حُر بن یزید ریاحی □ بود، او که در حادثه ی کربلا- هنگامی که سمت سرداری لشگریان یزیدی را به عهده داشت، در مقابل امام زمان خود قد علم نمود، و راه را بر اهل بیت عصمت و طهارت □ بست، و آن ها را در محاصره ی نظامی خود قرار داد.

اما طولی نکشید با بازگشت به خویشتن، از عمل ناروای خود سخت پشیمان گشت، و خود را به آستان پاک سرور و سالار شهیدان حضرت سید الشهداء □ رساند، و با اظهار ندامت و پشیمانی از گناه خود توبه کرد، و با خلوص نیت عرض ارادت خود را به آن وجود مقدس و ذریه ی رسول، و فرزند دلبند بتول ابراز داشت.

اما آن خامس آل عبا، و پنجمین اهل کسا، حضرت اباعبدالله الحسین □ با عطف و مهربانی، توبه ی او را پذیرفت و او را در کنار سفره ی با کرامت بخشش خود نشاند، و خطای او را نادیده گرفت.

و در مقابل عطف امام □، حر بن یزید ریاحی نیز به همراه فرزند گرامی اش در ظهر عاشورا، آزادانه و با انتخابی آگاهانه و عارفانه در رکاب ارباب عالمیان، حاضر شدند، و تا رمق در بدن داشتند بر علیه یزیدیان و دشمنان اهل بیت □ جنگیدند، و دنیای پست و بی ارزش را وانهاده و عاشقانه در زمره ی شهدای کربلا

قرار گرفتند، و عاقبتی سبز و با سعادت را تا قیام قیامت برای خود خریداری نمودند. (۱)

اما در مقابل، کسانی که مایه ی افتخار اسلام و مسلمین بودند و در نشر و ترویج دین تا پای مرگ جانانه رزمیدند، و حماسه ها آفریده و افتخارها کسب نمودند، اما در پایان، راه درست را وانهادند و آخرت خود را به دنیای خویش فروختند که به دو نمونه ی از آن ها اشاره می کنیم.

۱. زبیر بن عوام

زبیر فرزند عوام و مادرش صفیه عمه ی رسول خدا ﷺ بود، در سن پانزده سالگی دین مبین اسلام را پذیرفت، او از مهاجران حبشه بود، سپس به مدینه آمد.

او در جنگ های اسلامی خوش درخشید، و در جنگ های اُحد و خندق و حنین هم شرکت داشت.

او یکی از شخصیت های برجسته و صحابه ی نام دار رسول اکرم ﷺ بوده، و هم چنین به مولای متقیان امیرمومنان ﷺ عشق و علاقه ای وافر داشت، و از دوستان خاص آن حضرت بود.

بعد از رحلت جان گداز رسول اکرم (ص) کینه توزان و منافقان، و دشمنان امیرالمومنین (ع) در سقیفه ی بنی ساعده گردهم آمدند، و با دسیسه های شیطانی، نقاب از چهره ی واقعی خویش برداشته و با وقاحت تمام، در مقابل حضرت علی بن ابی طالب ﷺ قد علم کردند، و ولایت امیرالمومنین (ع) و هم چنین جانشینی و وصایت حقیقی او را منکر شدند، در نتیجه خلافت را غصب کرده، و رهبر حقیقی و وصی به حق رسول الله ﷺ را به ظاهر از صحنه

ص: ۱۲۲

۱- ارشاد شیخ مفید ج ۲ ص ۸۱، روضه الواعظین ج ۱ ص ۱۷۹، بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

حذف، و در خانه نشانند.

امیرالمومنین علی(ع) به همراهی اولین مدافع ولایت، حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا □ در چند شب پی در پی بر درخانه ی مهاجر و انصار رفته و آن ها را برای دفاع از ولایت دعوت کرد (۱)

حضرت در ملاقات مهاجر و انصار، ابتدا آن ها را سوگند می داد و می فرمود:

«به حق فاطمه همان که پدر بزرگوارش در حق او فرمود:

أَلَا إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي؛(۲)

و ماجرای غدیر خم را نیز به آن ها یاد آورد می شد، و از آن ها می پرسید:

«به حق این فاطمه! آیا در قضیه ی غدیر خم نبودید؟!»

همگی اعتراف کردند که ما بوده ایم و دیدیم و شنیدیم که پیامبر گرامی اسلام □ شما را به جانشینی بعد از خود معرفی کرد.

حضرت □ به آن ها فرمودند:

«حال که این گونه اقرار می کنید، فردا سرها را تراشیده و برای یاری من در مسجد حاضر شوید تا اسلام را در مسیر خود قرار دهید.»

به فرموده ی امیرالمومنین □ چهل نفر از اصحاب، به او وعده داده و قسم یاد کردند برای یاری حضرت □ حاضر شوند، اما روز موعود که فرا رسید نقض عهد کردند، تنها چهار نفر از آن ها به یاری حضرت □ شتافتند (۳)

ص: ۱۲۳

۱- کتاب سلیم بن قیس ج ۲ ص ۵۷۷ - ۵۸۱ حدیث ۴، بحار الانوار ج ۲۸ ص ۲۶۴ - ۲۶۸.

۲- امالی شیخ صدوق ص ۱۰۴ ضمن حدیث ۳، بحار الانوار ج ۷۰ ص ۲ حدیث ۴: فاطمه پاره ی تن و بخشی از وجود من است، هر کس او را آزار دهد مرا آزار داده است.

۳- کتاب سلیم بن قیس ج ۲ ص ۵۸۱ ضمن حدیث ۴، احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۸۱، بحار الانوار ج ۲۸ ص ۲۸۰

در این ماجرا زبیر بن عوام یکی از کسانی بود که سر خود را تراشیده و طبق وعده ای که داده بود در مسجد حاضر شد.

و هم چنین او یکی از کسانی بود که در شورای شش نفره خود را هیچ انگاشت، و امیرالمومنین (ع) را افضل و برتر از خود دانست، رأی به وصایت و جانشینی حضرت علی بن ابی طالب □ داده است.

اما چون دومی سفارش کرده بود که در هر سمتی که عبدالرحمن بن عوف قرار دارد بر دیدگاه سایرین ترجیح دارد، و از سوی دیگر، سعد ابن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف به خلافت عثمان رای دادند، و عثمان را به عنوان خلیفه و جانشین پذیرفتند.

در نتیجه با عمل نمودن به وصیت خلیفه ی ثانی سیزده سال دیگر به خانه نشستن امیرالمومنین □ افزوده شد که آن حضرت سال ها صبوری پیشه کرد، و به تعبیر خود، آن روزگار پر از درد و رنج و طاقت فرسا را، استخوان در گلو و خار در چشم، پشت سر گذاشت:

فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحَجَى، فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدُّى وَ فِي الْحَلْقِ شَجًّا؛ (۱)

۲. طلحه

یکی دیگر از کسانی که از تحت لوای امن اسلام خارج شد، و روی به تاریکی آورد، طلحه فرزند عبید الله بن عثمان از طایفه ی قریش بود، او نیز به عنوان یکی از صحابی پیامبر □ شهرت داشت.

ص: ۱۲۴

۱- . بخشی از خطبه ی سوم نهج البلاغه معروف به خطبه ی شقشقیه.

او به همراه زبیر بن عوام ایمان آورد، و پیامبر گرامی اسلام میان آن دو عقد اخوت بست.

طلحه شخصیتی بود که در عصر پیامبر گرامی اسلام (ص) گاهی کلمات نامناسبی بر زبان جاری می کرد، که نشانگر جاه طلبی و غرور و تکبر او بود. طلحه می گفت: محمد (ص) دستور می دهد که دختر عموها در برابر ما حجاب داشته باشند، ولی با زنان، بعد از جدا شدن از ما، ازدواج می کند، به یقین هر گاه از جهان چشم پوشد، با زنان او ازدواج خواهیم کرد. در این هنگام مربوط به تحریم ازدواج با زنان پیامبر خدا ﷺ آیه ی ۵۳ سوره ی مبارکه ی احزاب نازل شد (۱).

هنگامی که خلیفه ی سوم مقتول گشت، مردم بر آن شدند که با امیرالمومنین (ع) بیعت نمایند، امیرالمومنین (ع) همه را مخیر گذاشت که یا با او بیعت نمایند، و یا با طلحه و زبیر دست بیعت دهند، آن ها در لحظه ی آخر در قبول پیشنهاد سخاوتمندانه و شرافتمندانه ی علی بن ابی طالب ﷺ مردد شدند، اما چیزی را اعلام داشتند که در قلب راضی به آن نبودند.

لذا هنگامی که امیرمومنان (ع) به طلحه دستور می دهد دست را دراز کن تا با تو بیعت کنم، پاسخی غیر منتظره از او شنید که گفت: تو به بیعت سزاوارتری.

در نتیجه این دو صحابه، در میان مردم به امیرالمومنین ﷺ دست بیعت دادند. (۲).

اما بعد از استقرار خلافت حضرت امیر ﷺ آتش حسرت و حسد در

ص: ۱۲۵

۱- تفسیر فخر رازی ج ۲۵ ص ۲۲۵، تفسیر در المنثور ج ۵ ص ۲۱۴ ذیل تفسیر آیه ی ۵۳ سوره ی مبارکه ی احزاب، شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۱۸۴.

۲- احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۸۱، ارشاد شیخ مفید ج ۱ ص ۲۳۸.

دل های شان شعله ور شد، و حبّ جاه و مقام، چشمان حقیقت بین آن ها را کور کرد، و با وسوسه های شیطانی و خواسته های نفسانی، در صدد افشای خصومت های خود نسبت به امیرالمومنین \square بر آمدند.

اما چون بستر مخالفت مهیا نبود، منتظر فرصت نشستند تا این که زخم عدوات و دشمنی زنی سبک سر - یعنی عایشه - با امیرمومنان \square به بهانه ی خون خواهی عثمان، سر باز کرد، و با بی شرمی تمام، به طور آشکار در مقابل امام المتقین علی بن ابی طالب \square ایستاد، و جنگ جمل را به راه انداخت.

در چنین شرایطی، طلحه و زبیر فرصت را غنیمت شمرده و آن همه رشادت ها و سوابق ارزشمند به دست آمده را فراموش کرده و به حمایت عایشه، پا در رکاب شده و به همراهی او در مقام جنگ با امیرالمومنین \square بر آمدند.

اما سرنوشت این دو نفر این گونه رقم خورد که زبیر بن عوام در جنگ جمل با نصیحت امیرالمومنین \square از جنگ با حضرت \square منصرف شد، و از صحنه ی جنگ گریخت، و در نهایت، در بیابان اطراف «وادی السباع» در حال نماز به دست شخصی به نام «ابن جرموز» کشته شد.

به روایتی، وقتی شمشیر او به دست امیرالمومنین \square رسید، و حضرت از مرگ او با خبر شد، فرمود:

طَالَمَا وَاللَّهِ جَلًّا بِهِ الْكَرْبَ عَنْ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ \square ، وَ لَكِنَّ الْحَيْنَ وَ مَصَارِعَ السَّوْءِ؛ [\(۱\)](#)

به خدا سوگند که این شمشیر مدّت های مدید رنج و مصیبت را از رخسار

ص: ۱۲۶

۱- احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۶۳، ارشاد القلوب ج ۲ ص ۲۳۷، بحار الانوار ج ۳۲ ص ۲۰۰ حدیث ۱۴۹، اسد الغابه ج ۲ ص ۱۹۹، شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۳۱.

مبارک رسول خدا ﷺ زدود، ولی جای تأسف است که سوء قضا در آخر کار او را به هلاکت و بدبختی انداخت.

اما طلحه تا آخرین لحظه در جنگ جمل، در رکاب عایشه بود، و به مبارزه ادامه داد تا این که مروان بن حکم او را نشانه گیری کرد و با تیر او را مجروح ساخت، و بر اثر همان جراحت در همان صحنه از دنیا رفت.

در خبری آمده است که بعد از پایان جنگ، امیرالمومنین ﷺ از کنار کشته ی او گذشت و فرمود:

«این همان کسی است که بیعت مرا شکست و مردم را برای کشتن من و خاندانم دعوت کرد».

در این لحظه حضرت امیر ﷺ دستور داد که جسم بی جان او را بلند کنند و بنشانند، اصحاب نیز چنین کردند، امام ﷺ رو به جنازه ی او کرد و فرمود:

«ای طلحه! من آنچه را که خداوند وعده داده بود در حق تو یافتم، تو چطور؟»

سپس فرمود: «او را بخوابانید» و حرکت کرد.

بعضی از همراهان عرض کردند: ای امیرمومنان! آیا با طلحه بعد از مرگ او صحبت می کنی؟

حضرت ﷺ فرمود: «به خداوند سوگند، او سخن مرا می شنود همان گونه که بدن های سرد و بی جان کفار مکه - که در جنگ بدر در چاه بدر افکنده شدند - سخنان رسول خدا ﷺ را می شنیدند» (۱)

سرانجام آن دو تن با خسران و بی ایمان، این دنیای فانی را وداع گفتند.

ص: ۱۲۷

۱- ارشاد شیخ مفید ج ۱ ص ۲۵۶، تصحیح اعتقادات الامامیه شیخ مفید ص ۹۳، احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۶۳ و ۱۶۴، بحار الانوار ج ۳۲ ص ۲۰۰ حدیث ۱۵۱.

این گونه سرنوشت هشدار برای همه است و نباید مغرور شد، بلکه باید هوشیار بود و زمان را سنجید همان گونه که در حدیث آمده:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»^(۱)، و حق و باطل را شناخت و سپس وارد صحنه ی دفاع شد؛ زیرا شیطان تنها طلحه و زبیر را وسوسه نمی کرد، بلکه همه ی ما نیز در معرض آسیب شیطان هستیم، فقط باید از شرّ این دشمن قسم خورده، به خداوند متعال پناه برد، و همواره متوجه بود و دعا نمود:

(رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ)^(۲)

و مستمر این دعا را زمزمه بنماییم: «الهِی لَا تَكِلْنِی إِلَى نَفْسِی طَرْفَةَ عَیْنٍ».

ص: ۱۲۸

-
- ۱- کافی ج ۱ ص ۲۷ ضمن حدیث ۲۹، تحف العقول ص ۳۵۶، بحار الانوار ج ۶۸ ص ۳۰۷ حدیث ۸۴: هر کس نسبت به زمان خود آگاه باشد، گرفتار امور اشتباه انگیز و مایه ی گمراهی نمی شود.
 - ۲- سوره ی آل عمران آیه ی ۸: پروردگارا دل های ما را بعد از آن که ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان، و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بخشنده ای

فصل سوم: اهمیت اتحاد و همبستگی در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۱۲۹

اهمیت اتحاد و همبستگی در کلام امیرالمومنین (ع)

اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: صَيِّمُوا ذَاتَ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَإِنَّ الْمُبِيرَةَ الْحَالِقَةَ لِلدِّينِ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛

همگی به ریسمان الهی چنگ زنیید و پراکنده نشوید، از رسول اکرم ﷺ شنیدم که فرمودند: آشتی دادن میان مردم، از نماز و روزه در طول سال بهتر است، و آنچه دین را زایل می کند و از بین می برد، فساد ذات البین است، و هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر از طرف خدای بلند مرتبه و بزرگ.

اتحاد در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

مولی الموحدين امیرالمومنین (ع) در این فراز از وصیت با استفاده از آیه ی شریفه، به دو موضوع مهم در میان مسلمین و خصوصاً مومنین توصیه فرموده که یکی اتحاد اُمت و دیگری اصلاح ذات البین است.

این پیام آن حضرت ﷺ حامل نکات و درس های بسیار سرنوشت ساز و حیاتی است، و ما که در این عصر و زمان زندگی می کنیم نیز مخاطب این پیام ماندگار امیر بیان ﷺ هستیم، قهرا شایسته است که در وصیت حضرت ﷺ

اندیشه کنیم؛ زیرا سفارش حکیمانه و جان بخش حضرت □ می تواند بهترین چراغ راه در اصلاح نا هنجاری ها و خاموش نمودن فتنه ها و بر طرف کردن اختلافها در میان اقشار جامعه باشد. لذا در این مقام، این قطعه از کلام نورانی امیرالمومنین □ در دو قسم، با دو عنوان اتحاد در فرهنگ دینی و کیفیت آن، و لزوم اصلاح ذات البین، به طور اختصار بیان می شود.

الف: اتحاد در فرهنگ دین و کیفیت آن

اشاره

با مطالعه ی تاریخ صدر اسلام این موضوع کاملا به چشم می آید که ایجاد اتحاد و انسجام در میان مسلمین، همواره یکی از دغدغه های مهم پیامبر اکرم(ع) بوده است، هم چنین ائمه ی معصوم □ نیز این امر را ضروری دانسته در تأسی از رسول خدا □ نسبت به ایجاد همدلی و اتحاد در میان مردم، از هیچ کوششی دریغ نورزیدند، هم خود عملا وارد صحنه می شدند هم به یاران و دوستان خود نیز دایما در باره ی این امر سفارش می نمودند.

آن ها همیشه در تلاش بودند تا زمینه ی مناسبی برای ایجاد هم دلی و هم گرایی در میان شیعیان و پیروان خویش برقرار کنند؛ زیرا جامعه ی مسلمان اگر بخواهد در سایه ی امنیت زندگی آرام و بدون تنش داشته باشد، باید در تحقق هدف ارزشمند دست به دست یک دیگر داده تا با مساعدت مستمر و مجاهدت مستقر، این امر مهم در سطح جامعه تحقق پیدا کند.

اهمیت اتحاد از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم بارها مسلمانان را به عنوان یک امت واحده مخاطب قرار داده و فرموده:

ص: ۱۳۲

(كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ) (۱)

شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند.

و هم چنین در آیه ی شریفه ی دیگر می فرماید:

(وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ) (۲)

شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید.

در نتیجه اساس اتحاد میان مسلمانان و همبستگی آنان از سوی قرآن بنا نهاده شده است.

اما اگر بخواهیم این موضوع مهم و با ارزش در جامعه ی اسلامی تحقق پیدا کند، تنها با چنگ زدن و اعتصام به ریسمان الهی میسر خواهد شد، که قرآن کریم در این باره می فرماید:

(اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) (۳)

این دعوت خداوند حکیم جل جلاله در بیان این امر مهم است که تنها راه حفظ پیوندهای اجتماعی و ایمانی، و جلوگیری از تفرقه و جدایی، چنگ زدن به ریسمان الهی است که قرآن کریم و عترت طاهرین مصداق اتم آن حبل المتین و عروه الوثقای الهی هستند.

منادی توحید حضرت محمد در حدیث ثقلین - که معروف و متواتر میان عامه و خاصه است - فرموده اند:

ص: ۱۳۳

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۱۰.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۴۳.

۳- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۰۳: همگی به رشته و ریسمان دین الهی چنگ زده و متفرق و پراکنده نشوید.

كَأَنِّي دُعِيْتُ فَأَجَبْتُ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ
وَ عِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَنِي فِيهِمَا؛ (۱)

همانا من از سوی خداوند تبارک و تعالی دعوت شدم و اجابت می کنم، و من در میان شما دو چیز گران بها به یادگار گذاشتم که یکی از آن ها بزرگ تر از دیگری است، و آن کتاب خدای عزوجل می باشد که ریسمانی آویخته از آسمان به سوی زمین است، و دیگری عترت و اهل بیت من هستند، پس بنگرید که چگونه در باره ی آن دو خلیفه ی من رفتار می کنید.

و البته کیفیت تمسک به ریسمان الهی نیز در این آیه ی کریمه بیان شده است، زیرا خداوند متعال این امر مهم را به لفظ «جمیعا» بیان فرمودند که تداعی کننده ی این مفهوم است، اگر با هم باشید این امر تحقق پیدا می کند ولی اگر مسلمانان و مومنان متفرق باشند و با یک دیگر نباشند، اعتصام به حبل الهی محقق نشده است.

ص: ۱۳۴

۱- سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۶۳ حدیث ۳۷۸۸، مسند احمد بن حنبل ج ۳ ص ۱۴ و ۱۷ و ۲۶، مسند ابی یعلی ج ۲ ص ۲۹۷ حدیث ۱۰۲۱ و ص ۳۰۳ حدیث ۱۰۲۷، مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۴۸، معجم کبیر طبرانی ج ۳ ص ۶۳ حدیث ۲۶۹۷، کافی ج ۱ ص ۲۹۴ حدیث ۳ و ضمن حدیث ۶، خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۶۵ حدیث ۹۷، ارشاد شیخ مفید ج ۱ ص ۱۲۴، وسائل الشیعه ج ۲۷ ص ۳۳ حدیث ۳۳۱۴۴. إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابُ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا؛ همان من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم: (و آن دو) کتاب خدا و عترت پاک و اهل بیت من هستند، آن دو هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، هر کس به آن دو تمسک کند هرگز گمراه نخواهد شد.

لذا بعد از آن بلا فاصله از افتراق و جدایی - که یکی از بزرگ ترین آسیب های جدی میان مسلمانان است - نهی فرموده (ولا تفرقوا).

و این موضوع به قدری با اهمیت است که در خیلی از آیات دیگر قرآن کریم نیز، هرگاه خواست از موضوع ارزشی اتحاد سخن بگویند، مفهوم ضد ارزشی اختلاف را هم در کنار آن هشدار داده و از آن نهی فرموده است، مثلا در سوره ی مبارکه ی شوری می فرماید:

(أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ) (۱)

دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید.

و در آیه ی شریفه ی دیگر می فرماید:

(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ) (۲)

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید، و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود.

هم چنین آن دسته از کسانی که در جامعه دو گانگی و اختلاف ایجاد می کنند، راه و روش آن ها را از طریق رسول خدا □ جدا دانسته و فرموده است:

(إِنَّ الدِّينَ فَزَقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ) (۳)

کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آن ها نداری،

ص: ۱۳۵

۱- سوره ی شوری آیه ی ۱۳.

۲- سوره ی انفال آیه ی ۴۶.

۳- سوره ی انعام آیه ی ۱۵۹.

سر و کار آن‌ها تنها با خداست، سپس خدا آن‌ها را از آنچه انجام می‌دادند، با خبر می‌کند.

با توجه به آیات مذکوره ی قرآن، اختلاف و پراکندگی موجب افزایش آسیب‌های فراوان اجتماعی خواهد شد، و در پی آن ضعف و ناتوانی دامن‌گیر مسلمین خواهد شده و موجب سقوط تمام معنویات و ارزش‌های اسلامی می‌شود، و تنها در سایه ی همبستگی است که تکامل و ترقی در جامعه تحقق پیدا می‌کند، و اخوت همراه با دینداری در جامعه سایه می‌افکند.

مروری کوتاه در تاریخ

تاریخ کاملاً واضح و روشن بیان می‌کند که پیامبر عظیم‌الشان اسلام و رحمه العالمین، از نظر علمی و عملی به طوری جدی در صدد تحکیم میان مسلمین بوده است.

رسول اکرم ﷺ پس از تشکیل حکومت در مدینه ی منوره، برای تقویت صفوف مسلمین و ترویج آیین آسمانی اسلام، بر همبستگی ظاهری و باطنی میان آن‌ها بسیار تاکید داشت، او برای این که بتواند قلب‌های خمود و خفته ی مشرکین را، با گرمی نور وحی بیدار کند و به آن‌ها جان دوباره ببخشد، و اتحاد و برادری را مستحکم کند، گفتن لفظ جلاله ی تهلیل (لا اله الا الله) را مهم‌ترین عامل جذب مردم قرار داد تا هریک با گفتن این کلمه ی توحید، بر گرد پیامبر رحمت حلقه زنند. تا از این طریق هم روح برادری و همدلی را در میان آن‌ها پدید آورد، و هم رسالت جهانی خویش را عملی سازد.

یکی از اقدامات مهم پیامبر گرامی اسلام ﷺ طرح عقد اخوت میان مسلمین بوده است.

هنگامی که رسول خدا ﷺ از مکه هجرت نمود و به مدینه وارد شد، فصل جدیدی در پیش روی او گشوده شد، رسول اکرم ﷺ قبل از ورود به مدینه انگیزه اش این بود که قلوب مردم را با مهربانی و عطف و رفتار درست به سمت خود جلب کند، و در پی آن، آیین یکتاپرستی را - که مامور تبلیغ آن بود - به مردم ابلاغ نماید، اما بعد از استقرار، با هوشمندی کامل متوجه شد که سه خطر بزرگ همواره در کمین است و باید ابتدا این سه مشکل را حل نماید، و سپس به اهداف بلند خود ادامه دهد.

اول خطر حمله ی قریشیان و بت پرستان شبه جزیره ی عربستان، دوم یهودیان و ثروتمندان یثرب، سوم خطر بزرگ قبیله ی «اوس» و «خزرج» بود که این دو گروه صد و بیست سال با یک دیگر در مبارزه بودند و دشمن خونی هم به شمار می رفتند.

آن حضرت از طرف پروردگار عالمیان مامور گشت که بین مهاجرین و انصار عقد اخوت برقرار کند، و برای انجام این ماموریت، روزی در یک اجتماع عمومی، به همه ی پیروان و دوستان خود دستور داد که دو تا دو تا با یک دیگر پیمان برادری دینی برقرار سازید،^(۱) و کسانی که در آن اجتماع حضور داشتند، فرمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ را اطاعت کردند و با یک دیگر برادر شدند.

در نتیجه سیصد نفر از مهاجرین و انصار با یک دیگر برادر شدند، به این ترتیب کار اخوت به پایان رسید ^(۲).

ص: ۱۳۷

۱- «تَأَخُّوا فِي اللَّهِ أَخُوَيْنَ أَخُوَيْنَ».

۲- . سیره ی ابن هشام ج ۲ ص ۳۵۱.

امّیا اشاره به یک عقد اخوّت که بسیار مهم بود، و در سرنوشت اسلام چه در حیات پیامبر اکرم ﷺ و چه بعد از وفات آن بزرگوار، نقش اساسی داشت، لازم و ضروری است، و آن عقد اخوّت، میان اشرف مخلوقات حضرت رسول اکرم ﷺ با شایسته ترین و با وفاترین و نخستین مسلمان و مومن یعنی حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب ﷺ بوده است.

وقتی مهاجر و انصار به فرمان پیامبر هر یک با دیگری برادر دینی شدند، ناگهان امیرمومنان علی ﷺ با چشمان اشکبار به نزد پیامبر اسلام آمد، عرض کرد:

«یا رسول الله! یاران خود را با یک دیگر برادر کردید، ولی عقد و اخوّتی میان من و دیگری برقرار نفرمودی!».

در این هنگام پیامبر گرامی اسلامی ﷺ با آغوشی باز و روی گشاده به علی مرتضی ﷺ رو کرد و فرمود:

أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛(۱)

تو در دنیا و آخرت برادر من هستی.

و در نقلی دیگر این جریان به طور کامل تر بیان شده که پیامبر خدا ﷺ در جواب سوال امیرالمومنین ﷺ فرمود:

«به خدایی که مرا برای هدایت مردم مبعوث فرموده سوگند، کار برادری با تو را برای این به تاخیر انداختم که می خواستم در پایان با تو

ص: ۱۳۸

۱- تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۰۹، سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۰۰ حدیث ۳۸۰۴، الکامل فی التاریخ ج ۲ ص ۱۶۶، مناقب علی بن ابی طالب ﷺ ابن مغزلی، ص ۵۳ و ۵۴، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۴، الاستیعاب ج ۳ ص ۱۰۹۹، تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۵۱، عمده القاری ج ۳ ص ۱۴۷، اسد الغابه ج ۴ ص ۱۶ و ۲۹.

برادر شوم، تو نسبت به من مانند هارونی نسبت به موسی جز این که پس از من پیامبری نیست، تو برادر و وارث من هستی» (۱)

سیره ی امیرالمومنین (ع) در تحکیم اتحاد

سیره و روش امیرمومنان علی \square بعد از رحلت غمبار رسول اکرم \square دعوت به اتحاد و همبستگی و انسجام بوده است، امیرمؤمنان گرچه مقام منیع و رفیع جانشینی و خلافت بلا فصل رسول اکرم \square و امامت و ولایت تامه برکافه ی مخلوقات از سوی خداوند متعال و حکیم علی الاطلاق به او تفویض شده بود، برای حفظ جایگاه رسالت و امامت از هیچ کوششی دریغ نکرد تا بتواند هم حق مسلم خویش را از دست غاصبان خلافت به دست آورد، و هم مسیر اهداف رسالت و امامت را از انحراف، و مسلمین را از گمراهی و ضلالت نجات بخشد.

اما هنگامی که در مقابل کسانی قرار گرفت که با کمال بی شرمی و قساوت، مهم ترین حقیقت دینی یعنی ولایت مولی الموالی را منکر شده و بی شرمانه و به ناحق بر آن منصب الهی چنگ انداختند، برای حفظ اتحاد جامعه اسلامی و جلوگیری از افتراق و جدایی مسلمین دست به شمشیر نبرد، و با تعبیری لطیف که حاکی از دل پُر خون اوست در خطبه ی شقشقیه فرمود:

فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى، فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا؛ (۲)

استخوان در گلو و خار در چشم داشته ولی صبر را پیشه ساختم.

ص: ۱۳۹

- ۱- مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۱۸۶، بحار الانوار ج ۳۸ ص ۳۴۵: وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مِمَّا أَخْرَجْتُكَ إِلَّا لِنَفْسِي، وَ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا بَنِي بَعْدِي، وَ أَنْتَ أُخِي وَ وَارِثِي
- ۲- نهج البلاغه، خطبه ی سوم معروف به خطبه ی شقشقیه.

این صبر تلخ و انتظار طاقت فرسای او برای حفظ میراث گران بهای رسول اکرم ﷺ بیست و پنج سال به طول انجامید تا از این طریق از شکاف و تفرقه‌ی میان مسلمانان جلوگیری نماید.

و هم چنین بعد از مرگ خلیفه‌ی سوم، وقتی به اصرار مردم امر خلافت را پذیرفت، ابتدا در شورانگیزترین خطبه‌ی خود، مهم‌ترین سرفصل‌های امور اجتماعی مردم را در زمینه‌های مختلف بیان فرمود، و سپس هر گونه گرایش و انحراف به چپ و راست و افراط و تفریط را مردود دانسته، و تنها میانه‌روی را مهم‌ترین راه صحیح و شرط سالم رسیدن به مقصد معرفی نمودند که فرمود:

الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ؛ (۱)

ب: لزوم اصلاح ذات البین

اشاره

فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: صِلَا حُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَإِنَّ الْمُبِيرَةَ الْحَالِقَةَ لِلدِّينِ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛

از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می فرمودند: آشتی دادن میان مردم از نماز و روزه در طول سال بهتر است، و آنچه دین را زایل می کند و از بین می برد، فساد ذات البین است، و لاقوه الا بالله العلی العظیم.

اهمیت اصلاح ذات البین در قرآن کریم

اشاره

در شریعت اسلام اصلاح ذات البین از اهمیت ویژه و خاصی برخوردار است؛

ص: ۱۴۰

زیرا هر اندازه صلح و آشتی در میان مردم گسترده تر شود نشانه ی ایمان و در مسیر حق بودن مردم است، و آثار و برکات دین کاملاً در میان مردم هویدا می گردد، و هر اندازه کینه توزی و نزاع و کشمکش در جامعه شیوع پیدا کند و تفرقه و جدایی در میان مردم بیش تر شود، نشانه ی کفر و فسق و تبعیت از طریق شیطان آشکار می گردد که در واقع این امر یک نوع جامعه شناسی دینی است و کاملاً می توان جامعه ی بیمار را از جامعه ی سالم تمیز داد.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

(فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ) (۱)

از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و خصومت هایی را که در میان شماست، برداشته و یک دیگر را آشتی دهید.

این امر مهم، می تواند با دو اثر مفید و سازنده و زیر بنایی فردی و اجتماعی همراه باشد.

۱- اثر فردی

کانون خانواده اولین مکان تربیت و آموزش است، مهم ترین و بیش ترین زیر ساخت های شخصیتی انسان از نظر روحی و روانی، در خانواده شکل می گیرد، اگر خانواده ای با صلح و صفا و آرامش همراه باشد، و اعضای خانواده، مخصوصاً مربیان آن - یعنی پدر و مادر - یک دل و هم صدا باشند، و از تفاهم اخلاقی و مدیریتی برخوردار باشند، هم پیوند و وحدت و همبستگی آن ها مایه ی پرورش درست و تربیت صحیح فرزندان است، و هم نیروهای مفید و کارآمد و مسئولیت

ص: ۱۴۱

۱- سوره ی انفال آیه ی ۱.

پذیر و مهربان وارد عرصه ی جامعه می شوند.

ولی اگر به جای صلح و دوستی، جنگ و دشمنی، و به جای محبت و مهربانی، نفرت و عداوت در محیط خانواده حاکم گردد، و اعضای خانواده از یک دیگر بیزاری بجویند، اعضای خانواده کاملاً متفرق شده و آسیب های جدی خواهند دید.

۲- اثر اجتماعی

از سوی دیگر، جامعه متشکل از خانواده های به هم پیوسته است، هر اجتماعی به روابط میان افراد آن نیازمند است، تنها عامل پیوند میان آن ها همدلی و دوستی و آشتی میان آنان است، از این جهت اجتماع نیز مهم ترین بهره را از اصلاح ذات البین خواهد برد.

و از آثار دیگر آن این است که صلح و آشتی سبب ارتقای جامعه می گردد، و جامعه ی پویا و رو به شد، جامعه ای است که مردم آن همدل و همگون بر پایه و اساس رفتارهای انسانی، و با پشت کار و دل گرمی در پیشرفت جامعه در کنار یک دیگر باشند، و ثمره ی چنین همدلی و به هم پیوستگی، امتیت و آسایش است که محیط جامعه را از آسیب جنجال های مخرب و خانمان سوز در امان نگه می دارد؛ زیرا درگیری ها و فتنه ها موجب انحطاط و عقب ماندگی جامعه خواهد شد.

اگر پیوستگی ها و دوستی ها جای خود را با کینه توزی و از هم پاشیدگی و دشمنی و عداوت عوض کند، آن جامعه فروخواهد پاشید و سقوط خواهد کرد.

از این رو دین اسلام - که دین برادری و اخوت است - شعار خود را برای تحکیم برادری این گونه بیان می فرماید:

ص: ۱۴۲

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (۱)

مومنان برادر یک دیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

دین اسلام محبت، مهرورزی و همدلی را مایه ی نعمت پروردگار عالمیان می داند، و از سوی دیگر نفرت و بیزاری را موجب فساد و از بین بردن ارزش های اسلامی می شمارد، در قرآن کریم آمده است:

(وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ) (۲)

و آن ها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می دارند، و از پروردگارشان می ترسند، و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند (پایان نیک سرای دیگر، ویژه ی آنان است).

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

(وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (۳)

و هر گاه دو گروه از مومنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آن ها را آشتی دهید، و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار

ص: ۱۴۳

۱- سوره ی حجرات آیه ی ۱۰.

۲- سوره ی رعد آیه ی ۲۱.

۳- سوره ی حجرات آیه ی ۹.

کنید، تا به فرمان خدا باز گردد، و هر گاه بازگشت (و زمینه ی صلح فراهم شد) در میان آن دو به عدالت، صلح برقرار سازید، و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد.

اتّحاد و برادری در میان مومنان تا اندازه ای مهم است که خداوند مَثان این گونه به این امر مهم می پردازد و نسبت به آن سفارش می کند.

اهمیت اصلاح ذات البین در کلام معصومین (ع)

عترت طاهری (ع) - که وجود مبارک شان در میان مردم سبب امان ملت از هرج و مرج و دوگانگی است - خود عملاً در اصلاح ذات البین تلاش و کوشش می کردند، و دیگران را هم به این امر مهم ترغیب و تشویق می نمودند.

رسول اکرم ﷺ می فرمایند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَ الصَّدَقَةِ وَ الصَّلَاةِ؟

آیا شما را به چیزی بالاتر از روزه داری و صدقه و نماز آگاه سازم؟

عرض کردند: آری یا رسول الله ﷺ.

حضرت فرمود:

صَلَاةٌ ذَاتِ الْبَيْنِ وَ فِسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَ هِيَ الْحَالِقَةُ؛ (۱)

آشتی دادن بین مردم؛ زیرا برهم زدن بین مردم نابود کننده است.

رئیس مذهب جعفری حضرت امام صادق ﷺ به مفضل فرمود:

إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَازَعَةً، فَافْتَدِهَا مِنْ مَالِي؛ (۲)

هنگامی که دیدی میان دو نفر از شیعیان ما نزاعی رخ داد، (آتش

ص: ۱۴۴

۱- مجموعه ی ورام ج ۱ ص ۳۹، نهج الفصاحه ص ۲۴۰ حدیث ۴۵۸.

۲- کافی ج ۲ ص ۲۰۹ حدیث ۳، وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۴۴۰ حدیث ۲۴۰۰۲.

دشمنی شعله ورشد)، آن را با مال من خاموش کن و میان آن ها

صلح نما.

و حدیثی دیگر از آن بزرگوار نقل شده است که فرمودند:

صَدَقَهُ يَحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا، وَ تَقَارُبُ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا؛ (۱)

صدقه ای که خداوند آن را دوست می دارد، برقراری صلح است میان مردمی که به هم پشت کرده و اختلاف و دشمنی نموده اند، و برقراری الفت است میان کسانی که از هم دوری جسته اند. امام صادق ع در مورد دیگر می فرماید:

مَنْ أَصْلَحَ بَيْنَ النَّاسِ أَصْلَحَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعِبَادِ فِي الْآخِرَةِ؛ (۲)

کسی که میان مردم صلح و دوستی برقرار کند، خداوند تبارک و تعالی نیز میان او و بندگانش در آخرت اصلاح می کند.

تفرقه افکنی علامت بدترین مردم

روزی رسول اکرم (ص) برای این که بتواند درس مهم اخلاقی را به همراهان و یاران خود بیاموزد، و آن ها را از خطر بزرگی که پیوندهای خانوادگی و فامیلی، و همچنین وحدت و همدلی جامعه را تهدید می کند، آشنا می نماید، در خطبه ای خطاب به اصحاب خود فرمودند:

«آیا بدترین و شرورترین و فتنه گر ترین مردم را، برای شما معرفی کنیم؟»

ص: ۱۴۵

۱- کافی ج ۲ ص ۲۰۹ حدیث ۳، وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۴۳۹ حدیث ۲۴۰۰۱

۲- جامع الاخبار ص ۱۸۵.

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِبِشْرَارِكُمْ؟

همگی یک صدا عرضه داشتند: بلی ای رسول خدا.

آن حضرت فرمودند:

الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ، الْبَاغُونَ لِلْبُرَاءِ الْعَيْبِ؛ (۱)

آن هایی که به جهت سخن چینی رفت و آمد می کنند، و میان دوستان جدایی می افکنند، و کسانی که در مقام عیب جویی نسبت به پاک دامنان بر می آیند.

به همین مضمون حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نیز از امیرمومنان علیه السلام نقل می فرماید که آن حضرت فرمودند:

شِرَارُكُمْ الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ، الْمُبْتَغُونَ لِلْبُرَاءِ الْمَعَايِبِ؛ (۲)

بدترین شما کسانی هستند که در میان مردم سخن چینی می کنند، و بین برادران تفرقه و جدایی می افکنند، و در صدد عیب جویی پاکان بر می آیند.

اهمیت دوستی و برادری در میان مومنان، و هم چنین فاجعه ی وجود دشمنی و تفرقه به آن اندازه است که در اسلام اجازه داده شده به بعضی از راه هایی مانند دورغ گفتن - که حتی به شوخی و مزاح در حالت عادی روا نیست - برای برقراری صلح میان دو کس، و یا نجات مومن، به عنوان حکم ثانوی استفاده شود، لذا

ص: ۱۴۶

۱- کتاب زهد ص ۶ حدیث ۸، خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۱۸۳ ضمن حدیث ۲۴۹، مکارم الاخلاق ص ۴۴۵، وسائل الشیعه

ج ۱۲ ص ۳۰۶ حدیث ۱۶۳۶۹، بحار الانوار ج ۷۵ ص ۲۴۶ حدیث ۶.

۲- کافی ج ۲ ص ۳۶۹ حدیث ۱، مکارم الاخلاق ص ۴۴۴.

رییس مذهب حضرت امام جعفر صادق \square می فرمایند:

الْمُضْلِحُّ لَيْسَ بِكَذَّابٍ؛ (۱)

شخص اصلاح کننده دروغ گو نیست.

و در حدیث دیگر فرمودند:

لَيْسَ بِكَاذِبٍ مَنْ أَصْلَحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ؛ (۲)

کسی که میان دو نفر صلح کند دروغ گو نیست.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ فَإِنِّي سَجَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ \square يَقُولُ: صِيْلَاخُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عِيَامِهِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَإِنَّ الْمُبِيرَةَ الْحَالِقَةَ لِلدِّينِ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

اکنون با نگاهی دوباره به کلام حضرت، اهمیت این عمل روشن تر می شود که چرا امیرالمومنین \square در این وصیت، مخاطبان خود را گسترش داده و افزون بر فرزندان و خانواده و خویشاوندان، همه ی کسانی که تا قیامت این وصیت نامه به دست ایشان می رسد را به این امر مهم سفارش نموده است.

نکته ی اول: درسی که از این بیان شریف امیرمومنان \square باید آموخت این است که «وَإِنَّ الْمُبِيرَةَ الْحَالِقَةَ لِلدِّينِ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ» کینه و دشمنی دین را ریشه کن کرده، و پیوند را تباه می سازد، در این رهگذر اقتدار و سلامت یک اُمت به همبستگی و همدلی و یک پارچگی وابسته است که اگر این امر نادیده انگاشته

ص: ۱۴۷

۱- کافی ج ۲ ص ۳۴۲ حدیث ۱۹، وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۵۳ حدیث ۱۶۲۳۱.

۲- جامع الاخبار ص ۱۰۰، بحار الانوار ج ۷۲ ص ۲۵۳ ذیل حدیث ۲۰ با لفظ کذاب آمده .

گردد، مسلمین جامعه عموماً، و مومنین خصوصاً، قربانی ستم فرصت طلبان و زور گویان خواهند شد.

مولای متقیان □ در ادامه ی این قطعه از وصیت، از جمله ی مبارکه ی «حوقله» لاحول ولا قوه الا بالله العلی العظیم استفاده می فرمایند.

گویا مسلمین بسیار فراوان از این قضیه و واقعه آسیب دیده اند که وجود مبارکش بسیار از آن متأثر شده است؛ زیرا وجود با عظمت آن ثانی وجود، چه دیگران بدانند و یا نخواهند که بدانند، امام مفترض الطاعه و واسطه ی فیض خالق به خلق بوده، و چون به شکل ظاهری قریب به چهار سال و نیم زعامت و رهبری مردم را در قالب حکومت به دست گرفت، کاملاً مشاهده کرد که چه کسانی در اثر کج فهمی تندروی های خود خواهانه، قربانی اختلاف و دوگانگی شدند، و به جای این که به صلح و آشتی روی بیاورند، به جنگ و خون ریزی توسل جستند، در نتیجه هم خود را از رسیدن به سعادت ابدی محروم کردند و هم با کج اندیشی جامعه را از وجود با برکت امیرالمومنین محروم نمودند.

نکته ی دیگر: بر همگان لازم است برای رفع خصومت ها و اختلاف ها و ایجاد انس و الفت میان مردم اقدام، و با مهرورزی دلسوزانه میان دل ها پیوند برادری و اخوت ایجاد کنند، در نتیجه بغض و عداوت را ریشه کن کرده و جامعه را به صلح و امتیت و سیر تکاملی و ترقی همیشگی برسانند.

ص: ۱۴۸

فصل چهارم: اهمیت صلۀ ی رحم در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۱۴۹

اهمیت صلہ ی رحم در کلام امیرالمومنین (ع)

انظُرُوا ذَوِي أَرْحَامِكُمْ فَصَلُّوهُمْ، يَهْوَنَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْحِسَابَ؛

به خویشاوندان تان بنگرید، پیوند یاری و مددکاری را با ایشان برقرار کنید که خداوند به وسیله ی این عمل حساب را بر شما آسان می سازد.

یکی از سفارشات مهم امیرالمومنین \square در باره ی پیوند با خویشاوندان است. امام (ع) با وصیت به آن، به یکی از حیاتی ترین عوامل پیوند، و بزرگ ترین مانع از هم گسستگی میان انسان ها توصیه نمودند.

اگر بخواهیم به قدر فهم خود به اهمیت آن دست یابیم، ابتدا باید جایگاه این مساله را در حد توان، از دو منبع غنی اسلام یعنی قرآن و عترت بشناسیم تا اهمیت و سرّ تاکید حضرت \square در سفارش به آن روشن شود.

اهمیت صلہ رحم در اسلام

اشاره

جامعه متشکل از واحدهای کوچک خانواده است، اگر همه ی اعضای این نهاد، همیشه متحد، یک دل و هم صدا باشند، و از نظر اخلاقی و معنوی رشد کنند، موجب تقویت و شکوفایی استعدادها و باعث عظمت و شکوه اجتماع نیز خواهد شد؛ زیرا یکی از راه های مهم رشد، و تکامل معنوی، پیوند با خویشاوندان علی الخصوص پدر و مادر است که بعد از ایمان به خدا، مهم ترین عامل معنوی است.

ص: ۱۵۱

از طرفی، قطع صله ی رحم نیز از گناهان کبیره شمرده شده و موجب دوری از رحمت خداوند متعال می باشد، لذا صله ی رحم از آن دسته احکامی است که قرآن مجید نفیاً و اثباتاً آن را بیان فرموده است.

قابل ذکر است که آن دسته از احکامی را که خداوند در قرآن کریم نفی و اثبات آن را بیان کرده، از اهمیت بیش تری برخوردار است.

۱- اهمیت صله ی ارحام در بعضی از آیات قرآن

خداوند عزّ و جلّ پیشینه ی مساله ی پیوند با خویشاوندان و احسان به پدر و مادر را در بیانی شیوا فرموده است:

﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ﴾ (۱)

در این آیه ی کریمه، به احسان و نیکی کردن به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مساکین فرمان داده شده، این امر آن چنان از اهمیتی خاص برخوردار است که خداوند متعال از قوم بنی اسرائیل پیمان گرفت که چنین عملی را انجام دهند.

امام صادق ع در باره ی این آیه ی شریفه (وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا) (۲) می فرماید:

«هِيَ أَرْحَامُ النَّاسِ؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ بِصِلَتِهَا وَ عَظَمَهَا، أَلَا تَرَىٰ أَنَّهُ

ص: ۱۵۲

۱- سوره ی بقره آیه ی ۸۳: و (به یاد آورید) آن هنگام را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را نپرستید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید.

۲- سوره ی نسا آیه ی ۱: و از خدایی پرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید، و) هنگامی که چیزی از یک دیگر می خواهید، نام او را می برید، (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود پرهیز کنید؛ زیرا خداوند مراقب شماست

آن ارحام مردم است که خدای عزّ و جلّ به صله ی آن امر فرموده و بزرگش داشته است، مگر نمی بینی که آن را در ردیف خود قرار

داده است؟

بدین ترتیب خداوند متعال، مبادرت کنندگان به پیوند و دوستی، و پیشگامان به صله ی ارحام را تمجید و درباره ی آن ها و فرموده است:

(الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ) (۲)

و آن ها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می دارند، و از پروردگارشان می ترسند، و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند.

اکنون توضیح و تذکر یک مطلب لازم است و آن این که احسان هرکس به فراخور شخصیت او است، از این رو، رعایت اصول اخلاقی و هم چنین مسئولیت های اجتماعی هریک می تواند مصداق احسان باشد، یعنی احسان فرزندان نسبت به پدر و مادر، با درست سخن گفتن، و نگه داری از آن ها تحقق پیدا می کند، و احسان افراد توانمند و دارای قدرت، نسبت به بی سرپرستان با مواظبت و سرپرستی یتیمان صورت پیدا می کند، و احسان بر ضعیفان و فقرا با کمک رسانی و یاری کردن آن ها محقق می شود.

۲- اهمیت صله ی ارحام در برخی از روایات

حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله ﷺ فرمودند:

ص: ۱۵۳

۱- کافی ج ۲ ص ۱۵۰ حدیث ۱، وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۵۳۳ حدیث ۲۷۷۸۵.

۲- سوره ی رعد آیه ی ۲۱.

أَوْصَى الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ مِنْهُمْ وَمَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَإِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرِهِ سَنَةٌ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ؛ (١)

تمام امتم را، از حاضر و غایب و آن هایی را که تا روز قیامت در صلب پدران و مادران خود هستند، به صله ی رحم سفارش می کنم، اگر چه یک سال راه فاصله باشد، و این از (برنامه های) دین اسلام است.

حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضاؑ در باره ی اهمیت صله ی رحم می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ، فَمَنْ صَيَّأَ وَلَمْ يَزَكَّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ، وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَاللِّوَالِدِينَ، فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ، وَأَمَرَ بِالتَّقَاةِ لِلَّهِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ، فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛ (٢)

همانا خداوند به سه چیز امر فرموده که همراه و وابسته با سه چیز دیگر هستند، به نماز و زکات امر فرموده ، پس هر کس نماز بخواند و زکات ندهد نماز او مورد قبول واقع نمی شود، و به شکر خود و تشکر از پدر و مادر امر نموده، پس هر کس از والدین تشکر نکند شکر خدا را به جا نیاورده است، و به تقوای الهی و صله ی رحم امر کرده، پس هر کس صله ی رحم نکند از خدا هم پروا ندارد.

ص: ۱۵۴

۱- کافی ج ۲ ص ۱۵۱ حدیث ۵، بحار الانوار ج ۷۱ ص ۱۰۵

۲- خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۱۵۶ حدیث ۱۹۶.

الف: آیات

خدواند متعال در قرآن کریم همان گونه که صله ی رحم کنندگان را مدح و ستایش نمود، و جایگاه نیک و سرانجام خوش را به آن ها بشارت داده است، در مقابل، کسانی را که با قطع رحم، به تفرقه و جدایی روی می-آورند، و پیوند خویشاوندی را مهم نمی شمارند، در زمره ی پیمان شکنان، زیان کاران و ملعونین قرار داده و درباره ی آن ها فرموده است:

(وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ) (۱)

آن ها که عهد الهی را پس از محکم کردن می شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می کنند، و در روی زمین فساد می نمایند، برای آن ها لعنت و بدی (و مجازات) سرای آخرت است.

و هم چنین خداوند متعال در آیه ی شریفه ی دیگر می فرماید:

(فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ) (۲)

اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟ آن ها کسانی هستند که خداوند متعال آنان را از رحمت خویش دور ساخته و گوش های شان را کر و چشم های شان را کور کرده است.

ص: ۱۵۵

۱- سوره ی رعد آیه ی ۲۵.

۲- سوره ی محمد آیه ی ۲۲ و ۲۳.

ب: روایات

در کلام عترت طاهرین □ قاطع رحم، سخت مورد مذمت قرار گرفته و نکوهش شده است، قطع رحم عملی بسیار زشت و گناه بسیار بزرگی است تا اندازه ای که حضرت امام زین العابدین □ از مصاحبت با پنج طایفه منع کرده که یکی از آن پنج طایفه، قطع کنندگان رحم هستند، آن جا که فرمود:

وَإِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْقَاطِعِ لِرَحْمِهِ؛ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي ثَلَاثِ مَوَاضِعٍ؛ (۱)

از مصاحبت و معاشرت با کسی که قطع رحم کرده است پرهیز؛ چون که او را در سه جای کتاب خدای عزّ و جلّ ملعون و دور از رحمت حق یافتیم.

این بیان شریف و نورانی سید الساجدین به سه آیه ی کریمه اشاره دارد که قاطعان رحم از دایره ی رحمت حق خارج و از رحمت بی انتهای آن بی بهره اند (۲)

آثار نیک دنیوی و اخروی صله ی رحم

۱. آسانی در حساب

وجود مبارک حضرت امیرالمومنین (ع) در همین وصیت درباره ی آثار صله ی رحم می فرمایند:

يَهْوَنُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْحِسَابَ؛

خداوند به وسیله ی این عمل، حساب را بر شما آسان می سازد.

ص: ۱۵۶

۱- کافی ج ۲ ص ۳۷۷ ضمن حدیث ۷، وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۳۳ ضمن حدیث ۱۵۵۶۵

۲- سوره ی بقره آیه ی ۲۷، سوره ی رعد آیه ی ۲۵، سوره ی محمد □ آیه ی ۲۳.

این بیان حکمت آمیز امیرمؤمنان(ع) به یکی از ارکان اصولی دین اسلام یعنی باور به معاد اشاره دارد، روزی که سخت دشوار و بی نهایت هراس انگیز است.

روزی که همه ی انسان ها برای دریافت پرونده ی اعمال خود در پای میز عدالت حق حاضر می-شوند تا گناه کاران نتیجه ی اعمال زشت، و نیکوکاران ثمره ی کارهای شایسته ی خود را دریافت کنند.

روزی که به فرموده ی قرآن حتی ذره ای از کارهای خوب و بد بررسی و جزا داده می شود:

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) (۱)

پس هر کس به اندازه ی ذره ای نیکی کند، نتیجه ی آن را خواهد دید، و هر کس هم وزن ذره ای بدی کند نتیجه ی آن را خواهد دید.

و هم چنین کوچک ترین اعمال انسان که در هر نقطه ای از زمین و آسمان نهفته باشد در آن روز موعود آورده می شود که قرآن از لسان حضرت لقمان حکیم چنین می فرماید:

(يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ) (۲)

ای پسر من! اگر عمل تو به اندازه ی سنگینی دانه ی خردلی باشد و در دل سنگی یا در (گوشه ای از) آسمان ها یا در زمین باشد، خداوند آن را در قیامت برای حساب می آورد.

و یا در آیه ی دیگر نیز می فرماید:

ص: ۱۵۷

۱- سوره ی زلزله آیه ی ۷ و ۸.

۲- سوره ی لقمان آیه ی ۱۶.

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَاحِبَهُ وَلَا كَبِيرَهُ إِلَّا أَحْصَاهَا وَ
وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا(۱)

و کتاب (نامه ی اعمال همه ی انسان ها) در آن جا گذارده می شود، پس گنه کاران را می بینی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند و می گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر این که آن را به شمار آورده است؟! و (این در حالی است که) همه ی اعمال خود را حاضر می بینند، و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند.

نتیجه چنین به دست می آید که محاسبه ی اعمال بسیار دقیق و حساس، و پاسخ گویی هر عمل و رفتار نیز بسیار ظریف و دشوار است، امیرالمومنین(ع) برای رهایی از آن شرایط دشوار و سخت، توصیه می کند که صله ی رحم نماید که این عمل می تواند حساب روز قیامت را بر شما آسان کند.

۲. عمر طولانی

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصِلُ رَحِمَهُ وَقَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثَ سِنِينَ، فَيَمُدُّهَا(۲) اللَّهُ إِلَى ثَلَاثٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً؛(۳)

ص: ۱۵۸

۱- سوره ی کهف آیه ی ۴۹.

۲- در امالی «فیصیرها» آمده.

۳- امالی شیخ طوسی ص ۴۸۰ ضمن حدیث ۱۰۴۹، بحار الانوار ج ۴۷ ص ۲۰۶ حدیث ۴۷.

همانا مردی صله ی رحم می کند در حالی که از عمرش سه سال باقی مانده است، خداوند متعال عمر او را سی سال می کند.

۳. اخلاق شایسته

رئیس مذهب حقه جعفری امام صادق(ع) فرمودند:

صِلَهُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكُفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنْسِي فِي الْأَجْلِ؛ (۱)

صله ی ارحام خلق را خوش و دست را باز و ذات را پاکیزه می کند، سبب زیادی روزی، و مرگ را به تاخیر می اندازد.

۴. زیادی رزق

انس بن مالک می گوید: از پیامبر اکرم ﷺ شنیدم که می فرمودند:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَبْسُطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ يَنْسَأَ لَهُ فِي أَجَلِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ؛ (۲)

هر کس وسعت رزق و تاخیر افتادن اجلش، او را خوشحال و مسرور می کند، لازم است صله ی رحم نماید.

۵. آبادانی شهرها

رسول خدا ﷺ فرمودند:

صِلَهُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّيَارَ وَ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ وَ إِنْ كَانَ أَهْلُهَا غَيْرَ أَخْيَارٍ؛ (۳)

ص: ۱۵۹

۱- کافی ج ۲ ص ۱۵۱ حدیث ۶، وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۵۳۴ حدیث ۲۷۷۸۸.

۲- خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۳۳، بحار الانوار ج ۷۴ ص ۸۹ حدیث ۵.

۳- امالی شیخ طوسی ص ۴۸۱ ضمن حدیث ۱۰۴۹، بحار الانوار ج ۴۷ ص ۱۶۳ حدیث ۳، مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۲۴۳ حدیث ۱۸۱۲۳.

پیوند با خویشاوندان شهرها را آباد می سازد، و بر عمرها می افزاید هر چند انجام دهندگان آن از نیکان هم نباشند.

آثار سوء دنیوی و اخروی قطع رحم

اشاره

از مطالبی را که در آثار نیک صله ی رحم گفته شد چنین برمی آید که آنچه در مقابل آثار نیک قرار گیرد، می تواند از آفات قطع رحم باشد که در این جا به تعدادی چند از آن اشاره می شود.

۱. کوتاهی عمر

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَقْطَعُ رَحِمَهُ وَقَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ سَنَةً، فَيَبْتَئُهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ؛ (۱)

و کسی که دیدار نزدیکان خود را ترک می کند، اگر از عمرش سی و سه سال مانده باشد، خداوند عمرش را تا سه سال کوتاه می کند.

۲. مانع استجاب دعا

پیامبر اکرم (ص) در بیانی دیگر فرمودند:

قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تَحْجُبُ الدُّعَاءَ؛ (۲)

قطع رحم کردن مانع و پنهان کننده ی دعا می شود.

ص: ۱۶۰

۱- کشف الغمّه ج ۲ ص ۳۷۸، بحار الانوار ج ۴۷ ص ۲۰۶ ضمن حدیث ۴۷.

۲- نزه الناظر ص ۳۷ ضمن حدیث ۱۱۵، مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۳۳۴ ضمن حدیث ۱۴۲۱۷.

۳. تسلط اشرار

مولای متقیان امیر مومنان □ فرمودند:

إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتْ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ؛ (۱)

هرگاه مردم صله ی رحم را قطع کنند، اموال و دارایی ها در دست اشرار قرار می گیرد.

۴. محرومیت از بوی خوش بهشت

قاطعین رحم حتی از بوی خوش بهشت هم محرومند، پیامبر رحمت حضرت محمد(ص) فرمود:

إِيَّاكُمْ وَعُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ؛ فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ، وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَحِمٍ؛ (۲)

از آزردن پدر و مادر پرهیزید؛ زیرا بوی بهشت از مسافت هزار سال استشمام می شود، ولی عاق والدین و قطع کننده ی رحم از آن بوی استشمام نمی کند.

والدین مصداق مهم صله ی رحم

صله ی رحم دارای موارد و مصداقی متعدّد است و شامل بستگان نسبی مانند: پدر و مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ، دختر، پسر، همسر، برادر، و خواهر، و بقیه ی ارحام نسبی نیز می شود، و هم چنین خویشاوندان سببی مانند پدر زن، مادر زن و داماد نیز مصداق صله ی رحم می باشند.

ص: ۱۶۱

۱- . کافی ج ۲ ص ۳۴۸ حدیث ۸، وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۷۳ حدیث ۱۶۲۸۷.

۲- کافی ج ۲ ص ۳۴۹ حدیث ۶، وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۵۰۱ حدیث ۲۷۶۹۷.

از مهم ترین مصادیق روشن و جلیّ انجام صله ی رحم، احترام به والدین است، در فرهنگ دین مبین اسلام، پدر و مادر از جایگاه مهم و ویژه ای برخوردارند، قرآن کریم و معصومین(ع) در باره ی احترام به پدر و مادر بسیار سفارش نموده اند.

در این فصل از دو منبع قرآن و عترت □ به شناخت جایگاه والدین می پردازیم.

احترام به والدین در بعضی از آیات قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

(وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا) (۱)

و پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن ها نزد تو به سن پیری رسند، کم ترین اهانتی به آن ها روا مدار، و بر آن ها فریاد مزن، و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آن ها بگو.

خداوند کریم، احسان به پدر و مادر را در کنار توحید و نام با عظمت خویش قرار داده است تا از این طریق نیز شرافت و بزرگی والدین را تذکر دهد.

و هم چنین در آیات دیگر نیز به احسان و احترام و نیکی به این دو گوهر ارزنده و بی نظیر، توصیه نموده است.

(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ

ص: ۱۶۲

اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ؛ (۱)

و ما به انسان در باره ی پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد، (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه ای را متحمل می شد) و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می یابد، (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت (همه ی شما) به سوی من است.

در آیه ی کریمه ی دیگر نیز در این باره می فرماید:

(وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى الْوَالِدَيْنِ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنَّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ) (۲)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی وضع حمل می کند، و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی برسد، می گوید: پروردگارا مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم، و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان، من به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم، و من از مسلمانانم.

با نگاهی به آیات قران و وظایف ما در مقابل پدر و مادر کاملاً روشن می شود، در آیات کلام الله مجید، نیکی به پدر و مادر، از مهم ترین سفارشات خداوند متعال

ص: ۱۶۳

۱- سوره ی لقمان آیه ی ۱۴

۲- سوره ی احقاف آیه ی ۱۵.

است که احترام به آن‌ها را به طور مطلق بیان نموده.

اگر شیوه‌ی رفتار با آن‌ها در کهن سالی را تذکر می‌دهد، برای این است که آن‌ها در آن شرایط سخت بیش‌تر از هر زمان نیازمند توجه و محبت هستند، مقام و منزلت آن‌ها در نزد خداوند متعال تا اندازه‌ای است که حتی شرک آنان نسبت به ذات باریتعالی نیز مانع از احترام به آن‌ها نمی‌شود.

(وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا) (۱)

و هر گاه آن‌ها دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتا و شریک من قرار دهی که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن‌ها در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها، رویارویی با والدین است، لذا به شیوه‌ی گفتار با آنان بسیار سفارش شده است که به «آن‌ها پرخاش‌گری نکنید» و با «احترام و ادب با آن‌ها سخن بگویید»؛ زیرا در شرایطی هستند که هرسخن سخت و زننده آنان را محزون و دلگیر می‌کند، لذا کوچک‌ترین و کوتاه‌ترین کلام که اُف باشد، در مقابل آن‌ها نهی شده است.

و هم‌چنین مصاحبت و همراهی به آن‌ها و احسان و نیکی نمودن به آن‌ها دو، در تحت هیچ شرایطی و با هیچ دلیلی قابل چشم‌پوشی و ترک نیست، بلکه تا آخر عمر، ملازمت و احترام و احسان به آن‌ها لازم و ضروری است.

احترام و احسان به پدر و مادر تا آن اندازه مهم و پراهمیت است که پیامبران عظیم‌الشان الهی نیز از خداوند تبارک و تعالی مسالت می‌کنند تا توفیق خدمت

ص: ۱۶۴

به آن‌ها را عنایت فرماید.

حضرت عیسی (ع) به خداوند متعال عرض می‌کند:

(إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا * وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا * وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا)؛ (۱)

(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت: من بنده خدایم، او کتاب (آسمانی) به من داده و مرا پیامبر قرار داده است، و مرا هر جا که باشم وجودی پربرکت قرار داده، و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه فرموده است، و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است.

احترام به والدین در روایات خاندان وحی

در باره ی پدر و مادر احادیث بسیاری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و خاندان پاک و مطهرش روایت شد، و آن‌ها در مواضع مختلف و موارد متعدّد، در باره ی آن‌ها سفارش نموده اند، و هم چنین نیز خود نسبت به احترام آن‌ها عملاً لحظه ای درنگ نکردند.

در بیان شریف رسول اکرم (ص) آمده است که فرموده اند:

«سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرٌّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا» (۲)

بزرگ و آقای نیکوکاران در قیامت، آن مردی است که به پدر و مادر

ص: ۱۶۵

۱- سوره ی مریم، آیه ی ۳۰ - ۳۲.

۲- بحار الانوار ج ۷۴ ص ۸۶ ذیل حدیث ۱۰۱، مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۴۱۴ حدیث ۱۵۷۶۲.

خود، پس از مرگ شان نیکی کند.

امام پنجم حضرت باقر العلوم \square فرمود:

ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبُرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبُرِّ وَالْفَاجِرِ، وَبُرُّ الْوَالِدَيْنِ؛ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ؛ (۱)

خداوند متعال در سه چیز برای هیچ کسی رخصتی قرار نداده است: ادای امانت به نیکو کار و بد کار، وفای به عهد برای خوب و بد، و نیکی به پدر و مادر چه نیکو کار باشند و یا بد کار.

منصور بن حازم از امام جعفر صادق (ع) پرسید با فضیلت ترین کردار کدام است؟

حضرت \square در پاسخش فرمودند:

الصَّلَاةُ لَوْ قَتَنَهَا... وَبُرُّ الْوَالِدَيْنِ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ (۲)

نماز در اول وقت،... و نیکی به والدین و جهاد در راه خدا.

آثار دنیوی و اخروی احترام به والدین

اشاره

نیکی به پدر و مادر دارای آثاری است که هم در دنیا شامل حال انسان می شود و هم در آخرت از آن بهره مند خواهد شد، کسانی که نسبت به آن ها بی توجه هستند، از آن آثار پُر خیر و برکت محرومند.

۱. موجب نزول رحمت آسمانی

رسول خدا \square فرمود:

ص: ۱۶۶

۱- کافی ج ۲ ص ۱۶۲ حدیث ۱۵، وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۴۹۰ حدیث ۲۷۶۶۹، بحار الانوار ج ۷۴ ص ۵۶ حدیث ۱۵.

۲- کافی ج ۲ ص ۱۵۸ حدیث ۴، وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۹ حدیث ۱۹۹۲۸

يَفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ: عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ، وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ، وَ عِنْدَ النِّكَاحِ؛ (١)

درهای رحمت آسمان در چهار زمان گشوده می شوند: اول هنگام نزول باران، دوم وقتی که فرزندی به چهره ی پدر و مادر نگاه می کند، سوم هنگام گشوده شدن در خانه ی کعبه، چهارم هنگام ازدواج و نکاح.

٢. سبب بهره مندی از سایه ی عرش الهی

حضرت امام جعفر صادق ع فرمودند:

«زمانی که حضرت موسی بن عمران(ع) با پروردگار خود راز و نیاز می نمود، مردی را مشاهده کرد که در سایه ی عرش خداوندگار یکتا ماوا گزیده است، عرضه داشت:

يَا رَبِّ! مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أَظَلَّهُ عَرْشُكَ؟! فَقَالَ هَذَا كَانَ بَارًا بِوَالِدَيْهِ وَ لَمْ يَمْشِ بِالنَّمِيمَةِ؛ (٢)

پروردگارا این کیست که در زیر سایه ی عرش تو است؟ خداوند متعال فرمود: این کسی است که به پدر و مادر خود نیکی می کرد و سخن چینی نکرده است.

٣. یکی از اوصاف شیعیان

امام جعفر صادق ع به جابر ع فرمودند:

ص: ١٦٧

-
- ١- جامع الاخبار ص ١٠١، بحار الانوار ص ١٠٣ حدیث ٢٦، مستدرک الوسائل ج ١٤ ص ١٥٢ حدیث ١٦٣٤٣.
 - ٢- امالی شیخ صدوق ص ١٨٠ حدیث ٢، وسائل الشیعه ج ١٢ ص ٣١٠ حدیث ١٦٣٨٠، بحار الانوار ج ٧٣ ص ٢٥٦ حدیث ٢٥.

یا جابر!... فَوَاللَّهِ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا... وَالْبِرُّ بِالْوَالِدَيْنِ؛ (۱)

ای جابر! به خداوند سوگند شیعیان ما کسانی هستند که تقوی داشته باشند و از خداوند اطاعت کنند، و آن ها شناخته نمی شوند مگر با... و نیکی کردن به پدر و مادر.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

«انظروا ذوی اَرْحَامِكُمْ فَصَلُّوهُمْ، يَهْوَنَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْحِسَابَ» بیاییم با لیبیک گفتن به پیام گران بهای امیرمومنان علی (ع) در پیوند با خویشاوندان، و احترام به والدین بکوشیم تا از این جهت هم حساب خود را در قیامت سهل و آسان کنیم، و هم در لیست شیعیان امیرالمومنین □ ثبت نام نموده، و خود را در زمره ی محسنین قرار دهیم.

بیاییم با عمل کردن به این وصیت حضرت عمر خود را طولانی، اموال مان را حفظ، و اسباب استجاب دعا را فراهم کرده، و با این عمل خدا پسندانه، عذاب قیامت را از خود دور، و خود را در سایه ی عرش الهی قرار داده، و از بوی بد جهنم فاصله گرفته و بوی خوش و دل انگیز بهشت را استشمام کنیم.

ص: ۱۶۸

۱- کافی ج ۲ ص ۷۴ ضمن حدیث ۳، وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۲۳۴ ضمن حدیث ۲۰۳۶۲، بحار الانوار ج ۷۰ ص ۹۷ ضمن حدیث ۴.

فصل پنجم: ایتام در کلام نورانی امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۱۶۹

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْإِيْتَامِ فَلَا تُعَيِّرُوا أَفْوَاهَهُمْ وَلَا تَضِعُوا بَحْضَ رَتِكُمْ؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَشْتَعْنِي أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ كَمَا أُوجِبُ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ النَّارَ؛

و خدا را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی یتیمان که صدای شان به گریه بلند نشود، و در حضور شما پایمال و تباه نشوند؛ زیرا من از رسول خدا شنیدم که می فرماید: کسی که یتیمی را کفالت کند تا بی نیاز گردد، خدا بهشت را بر او واجب می سازد همان طور که دوزخ را برای خورنده ی مال یتیم واجب می دارد.

تکریم یتیم از دیدگاه دین

یکی از پدیده های ناگوار اجتماعی، یتیم شدن بعضی از افراد است که قبل از رسیدن به سن بلوغ از داشتن نعمت با ارزش پدر محروم و بی سرپرست می گردند، این موضوع همیشه در جوامع انسانی مطرح است، مردم جامعه نیز با این گونه افراد بر خوردهای مختلفی داشته و دارند، بعضی ها به دیده ی ترحم و عطوفت آن ها را گرامی داشته، و بعضی دیگر نیز به نوعی دیگر به آن ها برخورد کرده و بر مشکلات ایتام افزوده اند.

دین مقدس اسلام به عنوان یک آیین حنیف آسمانی و جهانی که برای تمام زمینه ها و برنامه ها، راهنمایی های هدفمند و حکیمانه ای ارائه کرده است، یکی از موضوعاتی که بسیار آن را مورد توجه قرار داده، موضوع «ایتام» است که برای مدیریت مسایل مادی و حفظ اموال آنان، و هم چنین برای مسایل تربیتی و معنوی آن ها، برنامه های عالی و کافی را ارائه داده، و در باره ی آن ها توصیه های فراوانی نموده است که بعضی از آن ها در قرآن کریم و بعضی دیگر در کلمات گهربار پیشوایان معصوم □ آمده است.

پیش از آن که جایگاه و اهمیت این موضوع را از دو منبع غنی و پربار قرآن و عترت □ بررسی نماییم، ابتدا به وجه تسمیه ی آن اشاره ای می کنیم.

لفظ یتیم در لغت و در اصطلاح

«یتیم» در لغت به معنای تنها و منفرد است، و از «یْتَم» می باشد، و در انسان به انقطاع و جدایی کودک از پدر یا از دست دادن او قبل از سن بلوغ اطلاق می شود (۱).

و «یتیم» در اصطلاح به کسی گفته می شود که پدرش را از دست داده و از نعمت آن محروم است، و اما به کسی که مادرش از دنیا رفته «یتیم» نمی گویند.

بعضی از مفسرین نیز این دیدگاه را پذیرفته و می گویند: عرب کودکی را که تنها مانده و پدرش را - که حامی و دفاع کننده و نفقه دهنده ی او بوده - از دست داده، یتیم می داند، و این مطلب درباره ی مادر صدق نمی کند؛ زیرا با از دست دادن مادر بی سرپرست نمی ماند (۲).

ص: ۱۷۲

۱- مفردات الفاظ قرآن ص ۸۸۹، لغت نامه ی دهخدا ج ۱۴ ص ۲۰۹۹۰

۲- تفسیر التحریر و التنویر ج ۴ ص ۱۲.

مساله ی ایتم تا اندازه ای دارای اهمیت است که نه تنها در دین مقدس اسلام نسبت به رعایت حال و حفظ حقوق آنان سفارش فراوان شده، بلکه در ادیان الهی گذشته نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، قرآن کریم در این باره می فرماید:

(وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ) (۱)

به یاد آرید آن هنگام را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان نیکی کنید.

حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی ﷺ می فرمایند:

پروردگار عزّ و جلّ درباره ی یتیمان به حضرت عیسی ﷺ چنین موعظه فرمود:

يا عِيسَى! إِنَّكَ مَسْئُولٌ، فَارْحَمِ الضَّعِيفَ كَرَحْمَتِي إِيَّاكَ، وَ لَا تَقْهَرِ الْيَتِيمَ؛ (۲)

ای عیسی! همانا تو مسئولیت سنگین به عهده داری، مانند رحمت و مهربانی من به تو، به ضعیفان و بیچارگان رحم نما، و هرگز بر یتیمان و بی سرپرستان خشمگین نشو و بر آن ها غضب نکن.

منزلت ایتم در قرآن کریم

خداوند تبارک و تعالی عزّ شأنه، در قرآن کریم درباره ی یتیمان، به پیامبر

ص: ۱۷۳

۱- سوره ی بقره آیه ی ۸۳.

۲- کافی ج ۸ ص ۱۳۳ضمن حدیث ۱۰۳، امالی شیخ صدوق ص ۵۱۶ ضمن حدیث ۱، مرآه العقول ج ۲۵ ص ۳۱۸ ضمن حدیث ۱۰۳.

عظیم الشان اسلام توصیه می فرماید:

(فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ) (۱)

یتیم را گرامی داشته و از تحقیر آن پرهیز.

به این سبب کاملاً مشهور است که اگر آن ها نعمت پدر را از دست داده و سایه ی مهربان او بر سرشان نیست، اما دست مهربان حق همواره بر روی سر آن ها قرار دارد و از رحمت بیکران او منتعم هستند.

جایگاه احترام و تکریم ایتم در شماری از روایات عترت طاهرین (ع)

رسول رحمت حضرت محمد (ص) شرافت و فضیلت خانه را در آن می داند که فرزند یتیم در آن از حسن برخورد و اخلاق شایسته به گونه ای بهره مند باشد که طعم تلخ فراق پدر در کام او به حلاوت بنشیند.

آن حضرت □ در این باره فرمودند:

خَيْرُ بُيُوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يَحْسَنُ إِلَيْهِ، وَ شَرُّ بُيُوتِكُمْ بَيْتٌ يَسَاءُ إِلَيْهِ؛ (۲)

بهترین خانه های شما خانه ای است که در آن یتیمی مورد احسان قرار گیرد، و بدترین خانه ها خانه ای است که در آن به یتیمی بد رفتاری و ستم شود.

و هم چنین پیامبر اکرم □ در یکی دیگر از سخنان نورانی خود جنت را ارزانی کسی می داند که نه تنها کفالت یتیمی را به عهده بگیرد، بلکه خود را در

ص: ۱۷۴

۱- سوره ی ضحی آیه ی ۹.

۲- تفسیر روض الجنان ج ۲ ص ۳۱۳، مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۷۴ حدیث ۲۴۹۸.

تمام رفتارها با او برابر و مساوی بدانند، از این رو حضرت فرمودند:

مَنْ كَفَلَ يَتِيمًا بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فَأَدْخَلَهُ إِلَى طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ الْبَتَّةَ إِلَّا أَنْ يَعْمَلَ ذَنْبًا لَا يَغْفَرُهُ؛ (۱)

کسی که متکفل یتیمی شود، او را به خانه ی خود ببرد و در خوردنی ها و نوشیدنی ها شریک خویش نماید، البته خداوند او را داخل بهشت می فرماید مگر آن که گناه غیر قابل بخششی مرتکب شده باشد.

حضرت امام محمد باقر \square فرمودند:

أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: مَنْ آوَى الْيَتِيمَ، وَ رَحِمَ الضَّعِيفَ، وَ أَشْفَقَ عَلَى الْوَالِدِيَّةِ، وَ رَفَقَ بِمَمْلُوكِهِ؛ (۲)

هر کس دارای چهار خصلت باشد، خداوند خانه ای در بهشت برایش بنا می کند: یتیمی را سرپرستی کند، و بیچاره ای را ترحم کند، و با پدر و مادر مهربان باشد، و با مملوک خود نیکی و مدارا کند.

رییس مذهب حضرت امام جعفر صادق \square بهشت را در انتظار کسی می داند که فرزند محروم از مهر و وجود پدر را در زیر بال محبت خود گرفته و از او تا زمانی که به سن بلوغ برسد، نگه داری و مساعدت کند، لذا حضرت می فرماید:

مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَنْقَطِعَ يَتْمُهُ، أَوْ يَشْتَعْنَ بِنَفْسِهِ أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ الْجَنَّةَ كَمَا أَوْجَبَ النَّارَ لِمَنْ أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ؛ (۳)

ص: ۱۷۵

۱- عوالی اللئالی ج ۱ ص ۱۹۰ حدیث ۲۴۷، مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۷۳ حدیث ۲۴۹۷.

۲- ثواب الاعمال ص ۱۳۳، خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۲۲۳ حدیث ۵۳، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۷۳۳ حیث ۲۱۷۰۴.

۳- کافی ج ۵ ص ۱۲۸ حدیث ۲، تحف العقول ص ۱۹۸، وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۲۴۴ حدیث ۲۲۴۳۸.

کسی که یتیمی را در خاندان خود نگاهداری کند تا دوران کودکی سپری گردد و از سرپرستی بی نیاز شود، با این عمل بهشت را خداوند بر او واجب می کند، همان گونه که برای خورنده ی مال یتیم آتش را واجب و لازم کرده است.

پیش گیری حکیمانه ی دین اسلام از عواقب تلخ

اشاره

توصیه به نگه داری و چگونه مصرف کردن اموال آن ها، نگاه حکیمانه و آینده نگرانه ی خداوند رحیم است که از فیض و رحمت او سرچشمه می گیرد. او برای پیشگیری از رهاشدن یتیمان بی سرپرست به حال خود، و سوء استفاده ی دیگران از اموال آنان، بهترین راه را پیشنهاد می کند که مهم ترین آن ها، در قالب سه راهکار بسیار مهم و اصولی، در برنامه های اسلامی در موضوع ایتم تعیین فرموده که عبارتند از:

۱. حفظ و سرپرستی ایتم

قرآن کریم در این باره می فرماید:

(وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ) (۱)

از تو درباره ی یتیمان می پرسند، بگو: اصلاح کار آنان بهتر است، و اگر زندگی خود را با زندگی آن ها بیامیزید، آن ها برادران دینی شما هستند.

بهترین نوع خدمتی که می تواند در حق آن ها مفید باشد، مدیریت و هدفمند کردن امور مادی، معنوی و تربیتی آن هاست که این امر مهم در کانون پر مهر و

ص: ۱۷۶

محبت خانوادگی به شایسته ترین وجه ممکن تحقق پیدا می کند، احادیثی که در تحت عنوان اهمیت جایگاه ایتام بیان شد فضیلت نگه داری و سرپرستی آن ها را گوشزد نمود.

۲. کیفیت رفتار ایتام

یکی از مهم ترین وظیفه ی مردم در برابر یتیمان، شیوه ی رفتار با آن ها می باشد که بسیار دارای اهمیت است، خداوند حکیم در قرآن کریم راجع به ازدواج با دختران یتیم، مردم را به رفتار مساوات و عادلانه دعوت می کند و می فرماید:

(وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ) (۱)

و اگر می ترسید که به هنگام ازدواج با دختران یتیم عدالت را رعایت نکنید، از ازدواج با آنان چشم پوشی کنید و با زنان پاک دیگر ازدواج نمایید.

پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ در بیانی نورانی در باره ی ترحم و عطف به یتیمان فرمودند:

مَنْ مَسَحَ يَدَهُ عَلَىٰ رَأْسِ يَتِيمٍ تَرَحُّمًا لَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مَرَّتْ عَلَيْهِ يَدُهُ حَسَنَةً؛ (۲)

کسی که دست نوازش و محبت به سر یتیمی بکشد، به عدد هر موئی که از زیر دستش گذشته، خداوند حسنه و پاداش به او عنایت می فرماید.

ص: ۱۷۷

۱- سوره ی نسا آیه ی ۳.

۲- فقه الرضا ﷺ ص ۱۷۲، بحار الانوار ج ۸۲ ص ۷۹ ضمن حدیث ۱۶.

در این زمینه خداوند متعال می فرماید:

(وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا) (۱)

و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آن ها بدهید، و اموال بد خود را با اموال خوب آن ها عوض نکنید، و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید؛ زیرا این گناه بزرگی است.

و در آیه ی کریمه ی دیگر خطر پنجه انداختن در اموال یتیمان و استفاده کردن از راه ستم را تذکر داده و فرمود:

(إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيُضْلَوْنَ سَعِيرًا) (۲)

کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، در حقیقت تنها آتش می خورند، و به زودی در شعله های آتش دوزخ می سوزند.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

با مطالبی که از آیات نورانی قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت □ متذکر شدیم، بار دیگر کلام و وصیت مولای متقیان امیرمؤمنان □ را دوباره مرور می کنیم تا از اسرار گران بها و ارزشمند آن کلمات کوتاه ولی جامع و پرمحتوا حظی بیش تر ببریم.

ص: ۱۷۸

۱- سوره ی نسا آیه ی ۲.

۲- سوره ی نسا آیه ی ۹.

امیرمومنان علیؑ در کلام جانبخش خود به همه بشارت می دهد که آن دسته از کسانی که بال محبت بر روی کودکان بی سرپرست و ایتام می گسترانند، و با مهربانی و عطوفت به آن ها توجه کرده و در حق شان احسان روا می دارند، و غبار بی کسی و تنهایی را از چهره ی معصوم شان پاک می کنند، و رنج و تلخی تنهایی آن ها را با کرامت انسانی به آسایش و شیرین کامی مبدل می کنند، بهشت خدا - که جایگاه اولیاء الله است و شایسته ترین، برجسته ترین و با کرامت ترین خلق خدا در آن قرار دارند - در انتظار آنان است.

امیر کلامؑ در ادامه ی وصیت نورانی خود به این قطعه از کلام نورانی پیامبر عظیم الشان اسلام استشهاد کرده و با بیان آن، کمیّت و کیفیت سرپرستی یتیم را نیز متذکر شدند که مساعدت و نصرت یتیمان تنها یک و یا چند بار کافی نیست، اگر چه این عمل نیز در مقام خود لازم و خالی از اجر و ثواب نخواهد بود که خداوند متعال در قرآن می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيْعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (۱)، اما اگر کسی بخواهد در روضه ی رضوان، خالد و جاودان باشد، باید کفالت و سرپرستی او را به عهده گرفته و به بهترین روش با آن ها رفتار کرده و از اموال شان مواظبت نماید تا زمانی که آن ها به حد بلوغ برسند، و اموال آنان را سالم و کامل به آن ها تحویل نماید.

کلام مفسر وحی امیرالمومنین علیؑ در تمسک به کلام گهربار پیامبر گرامی اسلامؐ به این مطلب مهم نیز اشاره دارد که آن عده از کسانی که از روی طمع، ستمگرانه به اموال یتیمان دست می آویزند، اگر چه به ظاهر اموال یتیمان را با اشتهای فراوان و با لذت اکل می کنند، اما چهره ی واقعی و صورت

ص: ۱۷۹

حقیقی آن، شعله های آتشی سوزان است که در شکم های خود قرار می دهند، علاوه بر این که آن ها در صحرای محشر در جهنمی سوزان و بر افروخته معذب خواهند بود. عصمنا الله و جميع المومنین، آمین رب العالمین.

ص: ۱۸۰

فصل ششم: عمل به قرآن کریم در وصیت امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۱۸۱

اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقَنَّكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ؛

خداوند متعال را اطاعت کنید، و به یاد خداوند باشید در باره ی قرآن کریم که مبادا دیگران در عمل به آن بر شما سبقت گیرند.

مقدمه

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی و مهیمن و محیط بر کتب آسمانی دیگر است، این صحیفه ی هستی به عنوان جامع ترین و کامل ترین کتاب هدایت است، این کتاب آسمانی برای رهایی و نجات انسان از جهل و ضلالت، از طرف خداوند عزیز و مقتدر، و حکیم جهان آفرین، بر آخرین فرستاده ی الهی رسول عظیم الشان اسلام حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نازل گردیده که به عنوان بزرگ ترین معجزه ی جاودان تمام پیامبران تلقی می شود، و حامل تمام اسرار عالم خلقت (۱)، و حقایق حکمت، و مهم ترین موضوعات عقیدتی، و

ص: ۱۸۳

۱- در سوره ی انعام آیه ی ۵۹ می فرماید: **لَوْ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعَلِّمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ** ﷻ. کلیدهای غیب تنها نزد اوست و جز او کسی آن ها را نمی داند، او آنچه را در ﷻ خشکی و دریاست می داند، هیچ برگی (از درختی) نمی افتد مگر این که از آن آگاه است، و نه هیچ دانه ای در تاریکی های زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد جز این که در کتابی آشکار (در کتاب علم خدا) ثبت است. و هم چنین در سوره ی مبارکه ی یونس آیه ی ۶۱ فرمود: **لَوْ مَا يَعْرُزُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَضْيَعْرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ** ﷻ. و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی ماند حتی به اندازه ی سنگینی ذره ای، و نه کوچک تر از آن و نه بزرگ تر مگر این که (همه ی آن ها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است.

توصیه های اخلاقی، و برنامه های تربیتی اعم از باید ها و نبایدها، و زیربنایی ترین احکام اسلامی در زمینه های مختلف، و در بردارنده ی مهم ترین اعمال عبادی است که به گونه ای حکیمانه، عمیق و دقیق در آن بیان شده که می فرماید:

(وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ) (۱)

حضرت امیرالمومنین \square نیز در باره ی دربرداشتن اسرار شگفت انگیز، و عمیق بودن مفاهیم قرآن مجید می فرماید:

وَ إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ، وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ، وَ لَا تَنْقُضُ حَيَ غَوَائِبُهُ، وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلْمَاتُ إِلَّا بِهِ؛ (۲)

قرآن دارای ظاهری شگفت انگیز و باطنی عمیق است، مطالب شگفت انگیز آن پایان ناپذیر و عجایب آن کهنه ناشدنی است، و تاریکی های جهالت جز با آن برطرف نخواهد شد.

ص: ۱۸۴

-
- ۱- سوره ی یس آیه ی ۱۲: و همه چیز را در کتاب آشکار کننده ای برشمرده ایم. و هم چنین در سوره ی مبارکه ی نبا آیه ی ۲۹ نیز به این موضوع اشاره دارد.
 - ۲- نهج البلاغه ضمن خطبه ی ۱۸.

این کتاب هدایت، همگی را به تدبیر، تفکر، تأمل، اطاعت و عمل به آن دعوت نموده و می فرماید:

(أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (۱)

قرآن کریم خود را با لسان حکمت ستوده: (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ) (۲)، و با تعابیر لطیف و مختلفی خود را وصف و معرفی نموده است که به چند آیه ی آن اشاره می کنیم:

کتابی مبارک برای اندیشیدن و تفکر نمودن و پند آموختن خردمندان و صاحبان عقل و درایت به سوی تو فرو فرستادیم:

(كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ) (۳)

(این) کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا در (باره ی) آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند.

قرآن کتاب هدایت و نجات بخش است:

(كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) (۴)

ص: ۱۸۵

۱- سوره ی نسا آیه ی ۸۲: آیا درباره ی قرآن نمی اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند.

۲- سوره ی لقمان آیه ی ۲.

۳- سوره ی ص آیه ی ۲۹.

۴- سوره ی ابراهیم آیه ی ۱.

(این) کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی های شرک و ظلم و جهل به سوی روشنائی (ایمان و عدل و آگاهی) به فرمان پروردگارشان در آوری، به سوی راه خداوند عزیز و حمید هدایت نمایی.

و به تعبیر دیگر، هدایت کننده و بشارت دهنده ی مومنین است:

(و هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ) (۱)

در بیان دیگری هدایت گر و پند دهنده برای پرهیز کاران است:

(و هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ) (۲)

بهترین طیب و درمان کننده و شفا بخش قلوب مومنین و امین ترین و حکیم ترین نصیحت کننده، و استوار ترین کتاب هدایت و بزرگ ترین منشا رحمت و برکت برای مومنین است:

(أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ) (۳)

راست گو ترین راهنما و صادق ترین امید بخش برای تسلیم شدگان در برابر خالق یکتاست، هدایت گر و نوید دهنده ی مسلمانان:

(و هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ) (۴)

با توجه به آیات الهی کاملاً اسرار حکمت آمیز سفارشات امام المتقین حضرت

ص: ۱۸۶

۱- سوره ی بقره آیه ی ۹۷.

۲- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۳۸.

۳- سوره ی یونس آیه ی ۵۷.

۴- سوره ی نحل آیه ی ۱۰۲.

امیرالمومنین □ روشن می شود که در واقع توصیه حضرت □ راهنمایی به سمت و سوی نور و هدایت، و رهایی از هلاکت و گمراهی است که این گونه مهربانانه در سخت ترین حال جسمی خود به همه نصیحت می فرماید:

اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ، فَلَا يَسْبِقُكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ.

اهمیت توجه به قرآن کریم در کلام معصومین (ع)

وجود پر برکت و عظیم الشان پیامبر گرامی اسلام □ خود طبیعی است که جان های بیمار و خسته را درمان می نماید.

این تعبیر نمکین و دلنشین، از وجود مقدس و مبارک مولی الموحدین امیرالمومنین □ است که در وصف حبیب خود حضرت محمد مصطفی □ فرمود:

طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ مِنْ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمَى وَ آذَانٍ صُمٌّ وَ أَلْسِنَةٍ بُكْمٍ
(۱)

این طبیب شفابخش، و بر طرف کننده ی دردهای انسان دردمند، کتابی به همراه دارد که در آن داروهای شفا بخش نهفته است.

آن وجود مقدس □ که خود حامل قرآن است، درباره ی آن می فرماید:

الْقُرْآنُ هُوَ الدَّوَاءُ؛ (۲)

ص: ۱۸۷

۱- نهج البلاغه ضمن خطبه ی ۱۰۸: او طبیعی است که با طَبِّ خویش پیوسته در گردش است، داروها و مرهم های خود را به خوبی آماده ساخته و ابزار داغ کردن را (برای سوزاندن زخم ها) تفتیده و گداخته کرده است تا بر هر جا که نیاز داشته باشد بگذارد بر دل های کور، و گوش های کر و بر زبان های گنگ.

۲- دعوات قطب راوندی ص ۱۸۸ حدیث ۵۲۱، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۱۷۶ حدیث ۴.

قرآن درمان هر درد است.

وجود چنین طبیب روحانی به همراه گنجینه ی بی نظیر از داروهای درمانی، ترکیبی زیبا برای رهایی جامعه ی انسانی ایجاد نموده است.

هم چنین جانشین به حق رسول گرامی اسلام ﷺ حضرت امیرالمومنین - علیه افضل صلوات المصلین - که کلام امیر، امیر کلام است در باره ی اهمیت قرآن کریم، و هم چنین تلاوت و عمل نمودن به کلام وحی، تعبیرات بسیار زیبا و مهمی دارند که در کتاب شریف «نهج البلاغه» آمده است، و اکنون به ذکر چند فراز از آن اکتفا می کنیم.

حضرت مولی الموالی ﷺ در ضمن خطبه ی ۱۸۲ برای از دست رفتن اصحاب و همراهان صدیقش، با تاسف توأم با سوز و آه می فرمایند:

أَوْهَ عَلَى إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ، وَ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ فَأَقَامُوهُ، أَحْيُوا السُّنَّةَ، وَ أَمَرَاتُوا الْبِدْعَةَ، دُعُوا لِلْجِهَادِ فَأَجَابُوا، وَ وَثِقُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبَعُوهُ.

دریغا بر برادرانم! همان ها که قرآن را می خواندند و به کار می بستند، در باره ی واجبات قرآن می اندیشیدند و آن ها را به پا می داشتند، سنت ها را زنده کرده و بدعت ها را از میان می بردند، به جهاد خوانده می شدند و آن را می پذیرفتند، و به پیشوای خود اطمینان داشتند و صمیمانه از او پیروی می کردند.

و هم چنین در طی نامه ۶۹ ای که به یار باوفای خود جناب حارث مرقوم فرمودند، یادآور می شوند:

وَ تَمَسَّكَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَ اسْتَنْصَحَهُ، وَ أَحَلَّ حَلَالَهُ وَ حَرَّمَ حَرَامَهُ؛ (۱)

ص: ۱۸۸

به ریسمان محکم قرآن چنگ بزن و از آن پند بگیر، حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمار.

امیرالمومنین \square در کلام دلنشین و نورانی دیگر به مطالبی اشاره می فرماید که با وصیت به هنگام شهادت شان کاملاً هماهنگ است، حضرت فرمودند:

وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُغْشَى، وَالْهَادِي الَّذِي لَا يَضِلُّ، وَالْمُخَيِّدُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ، وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمَى؛ (۱)

بدانید که این قرآن پند دهنده و خیر خواهی است که خیانت نمی کند، هدایت کننده ای است که گمراه نمی سازد، و محدثی است که دروغ نمی گوید، کسی هم نشین این قرآن نشده مگر این که چون از کنار آن برخاسته در او فزونی یا کاهش پدید آمده است؛ فزونی در هدایت و صلاح، و کاهش در کوردلی و فساد.

باید کاملاً هوشیار بود که خیر خواهی، و هدایت گری، سخنوری با صداقت و هم نشینی درست پیمان، تنها در تلاوت، قرائت و تجوید قرآن خلاصه نمی شود، اگر چه این ها نیز لازم است، و لکن آنچه مقصود اصلی اُسوه ی سالکان امیرالمومنین \square می باشد این است که باید به محتوای قرآن توجه نموده و آن را به خاطر سپرد و عمل نمود.

پر واضح است که تمام این امور، مقدمه برای عمل به قرآن مجید است، لذا با لحنی سرشار از محبت می فرماید:

«فَلَا يَسْبِقَنَّكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ» مبدا بیگانگان از عمل به آن از شما گوی سبقت

ص: ۱۸۹

گیرند و به محتوا و دستورات آن عمل کنند، و سفارشات را عملاً به معرض نمایش بگذارند ولی شما رعایت نکنید!

امیرالمومنین \square هنگامی که عبد الله بن عباس را برای احتجاج با خوارج فرستاد، به او این چنین سفارش فرمودند:

لَا تُخَاصِمُهُم بِالْقُرْآنِ؛ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ، تَقُولُ وَ يَقُولُونَ، وَ لَكِنْ خَاصِمُهُم بِالسُّنَّةِ؛ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا؛ (۱)

با آیات قرآن با آن ها محاجه نکن؛ زیرا قرآن معانی مختلف و تفسیرهای گوناگون دارد، تو یک معنا را اراده می کنی ولی آن ها معانی دیگر را می فهمند، بلکه بهترین راه در احتجاج با آن ها این است که با سنت پیامبر اکرم \square با آن ها احتجاج نمایی که هرگز در برابر آن راه فراری نخواهند داشت.

شیخ الائمه امام به حق ناطق، جعفر بن محمد الصادق \square فرمودند:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ، وَ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ؛ (۲)

هر انسانی در شباب و جوانی با ایمان به خداوند متعال قرآن را قرائت نماید، قرآن کریم به گوشت و خون او آمیخته می شود، و خداوند عزّ و جلّ او را با سفیران والام مقام و نیکوکار قرار می دهد.

هم چنین آن حضرت در بیانی نورانی دیگر فرمودند:

ص: ۱۹۰

۱- نهج البلاغه نامه ی ۷۷.

۲- کافی ج ص ۶۰۳ حدیث ۴، وسائل الشیعه ج ۶ ص ۱۷۷ حدیث ۷۶۷۰، بحار الانوار ج ۷ ص ۳۰۵ حدیث ۷۸.

اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ مُقَطَّعٌ فِي أُمَّ الْكِتَابِ؛ (۱)

اسم اعظم خداوند جلّت عظمتّه به طور پراکنده در قرآن کریم قرار دارد.

حضرت ثامن الائمه الهداه و ضامن الأمه العصاه علی بن موسی الرضاؑ فرمودند:

أُمِرَ النَّاسُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضَيَّعًا؛ (۲)

مردم مامور شدند تا سوره ای از قرآن را در نمازهای واجب و مستحب بخوانند تا قرآن مهجور نماند، و حق قرآن مجید ضایع نگردد.

نقش قرآن در زندگی انسان

قرآن کتاب هدایت زندگی انسان است، زیباترین و بهترین حیات سعادت‌مندانه و جاودانه در پرتو قرآن و عمل به آن تحقق می‌یابد؛ زیرا این کتاب آسمانی مطالبی حق و هدفمند در مورد چگونه زیستن و چگونگی رفتار را به خوبی تبیین نموده است که قهراً اگر سر فصل زندگی انسان قرار گیرد، و فرموده های آن عملی شود، حقیقی ترین شکل زندگی چه در این سرای فانی و چه در آن سرای جاودان باقی، تحقق پیدا می‌کند، و جدایی از آن نیز خسران جبران ناپذیری برای انسان در پی خواهد داشت.

آثار اعجاز آمیز قرآن در روح و روان انسان

از آن نظر که آیات قرآن به گونه ای است که با فطرت انسان کاملاً هماهنگ

ص: ۱۹۱

۱- ثواب الاعمال ص ۱۰۴، وسائل الشیعه ج ۶ ص ۳۹ حدیث ۷۲۸۴، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۲۳۴ حدیث ۱۶.

۲- من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۱۰ حدیث ۹۲۶، وسائل الشیعه ج ۶ ص ۳۸ حدیث ۷۲۸۲.

است، (فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ) (۱)، در نتیجه تاثیر عجیبی بر روح و جان و عملکرد انسان دارد که در هیچ کتابی دیگر این تاثیر وجود ندارد، تمام کلمات و آیات قرآن در موضوعات مختلف آفاق و انفس و احکام کاملاً با روح انسان ملایمت دارد.

این کتاب آسمانی برای درمان بیماری های مومنان به همراه رحمت بیکران، نازل شده است.

آیات نورانی آن و نقش سازنده اش شامل حال کسانی می شود که دارای قلب سلیم و طاهری باشند، آنان که با یاد آوری و شنیدن آیات قرآن قلب های شان نورانی و ایمان شان افزایش می یابد همان گونه که فرمود:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) (۲)

مومنان تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل هاشان ترسان می گردد، و هنگامی که آیات او بر آن ها خوانده می شود، ایمان شان فروتر می گردد، و تنها بر پروردگارشان توکل دارند.

در بیانی دیگر از آثار این کتاب شریف و آسمانی، مومنین را از انواع برکات بهره مند کرده و مرض های قلبی آنان را از بین برده و حالت صحت و استقامت را در قلب آن ها مستقر می کند که در سوره ی مبارکه ی اسرا می فرماید:

(وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ)

ص: ۱۹۲

۱- سوره ی روم آیه ی ۳۰: این فطرتی است که خداوند، انسان ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار.

۲- سوره ی انفال آیه ی ۲.

اما آن دسته از کسانی که قلب های آن ها بیمار است و زنگار گناه آن را تیره و تار کرده است، آن ها نیز با تبعیت از هوای نفس راه ظلمت و ستمگری را پیشه کردند، نه تنها از این آیات الهی سودی نمی بینند، بلکه این آیات الهی سبب افزایش خسران و زیان آن ها خواهد بود لذا در ادامه می فرماید:

(وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا) (۱)

و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مومنان نازل می کنیم، و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی افزاید.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

بار دیگر با توجهی عمیق تر، در کنار خوان با برکت امیر بیان بنشینیم تا از اقیانوس بیکران او، عطش جان را فرو بنشانیم.

قرآن برای سعادت بشر، دارای برنامه ی منظم و قابل اجرا است، و دقیق ترین پاسخ های مورد نیاز را در تمام زمینه ها، با زیباترین شکل ممکن به انسان ارائه می دهد.

بدین سبب قرآن کریم انسان را همیشه و در حد وسع، از قرائت گرفته تا تدبیر، به پیوستن به این مجموعه ی آسمانی فرا می خواند که در آیه ای با لفظ صریح می فرماید:

(فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ) (۲)

و در ادامه ی آیه با اسم ضمیر به قرائت آن دعوت می کند و می فرماید:

ص: ۱۹۳

۱- سوره ی اسرا آیه ی ۸۲

۲- سوره ی مزمل آیه ی ۲۰: هر چه از قرآن میسر می شود بخوانید.

ولی الله مطلق حضرت امیرالمومنین ؑ با فرقی شکافته، در آخرین لحظات عمر شریفش، در باره ی قرآن سفارش می کند و می فرماید:

«سعی کنید در عمل به قرآن از دیگران عقب نمانید «فَلَا يَسْبِقَنَّكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ».

شیعه ی مولای متقیان امیرمومنان ؑ باید در عمل نمودن به کلام وحی از دیگران سبقت بگیرد تا در این رهگذر از سایرین عقب نماند

محبان و دلباختگان، عاشقان و دلدادگان به امیرپاکی ها، حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب ؑ هر گاه بخواهند اطاعت، محبت و دلدادگی خویش را به مولی و مقتدای خود و صاحب اختیار خویش ابراز نمایند، لازم و ضروری است که به اوامر و نواهی قرآن عمل کنند.

لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يَحِبُّ مُطِيعٌ (۱)

شیعه، هر اندازه موفق به تلاوت آیات کلام الله مجید شد و به آن عمل نمود، همان اندازه توانست کلام از دل برخاسته ی اول مظلوم عالم حضرت علی بن ابی طالب ؑ را نصب العین خود قرار داده و ادعای دوستی و محبت امیرالمومنین ؑ نماید.

خسران و زیان انسان زمانی است که نسبت به این پیام دلنشین مولای متقیان حضرت علی بن ابی طالب ؑ بی توجه بوده و به آن اعتنایی نکند، اگر در کلام

ص: ۱۹۴

۱- امالی شیخ صدوق ص ۴۸۹ ضمن حدیث ۳، وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۳۰۸ حدیث ۲۰۵۹۶: اگر محبت تو صادق باشد، محبوب را اطاعت می کنی؛ زیرا محب و دوستدار، مطیع کسی است که او را دوست می دارد.

حضرت در باره ی قرآن مبین با تاکید فراوان چنین سفارش شده است:

«اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ، فَلَا يَسْبِقَنَّكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ»، برای آن است که پندها و اندرزها و بایدها و نبایدها، برای رشد و تکامل و سعادت انسان، و جدایی و رها شدن او از این عالم خاکی تا رسیدن و وصول به عالم ملکوت، در آن بیان شده است، قبل از آنی که سفره ی عقد، به قرآن مزین شود، ابتدا باید سفره ی دل با نور پر فروغ و راه گشای قرآن مزین گردد، و پیش از آن که صرفاً به نیت تیمن و تبرک، آن را وارد خانه ی گلی نماییم، لازم است اهل خانه، خانه ی دل را با کلام روح بخش آن مزین و متبرک کنند.

خداوند به حق فرق شکافته ی حضرتش، توفیق قرائت، تدبّر و تأمل در آیات و عمل به احکام آن را به همه ی ما مرحمت فرماید، و ما را از عمل کنندگان به وصیت مولی الموالی □ قرار بدهد، آمین رب العالمین.

ص: ۱۹۵

فصل هفتم: همسایگان در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۱۹۷

اللَّهُ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ؛ فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَوْصَى بِهِمْ، وَ مَا زَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يوصي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورُّهُمْ؛

خداوند را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی همسایگان تان؛ زیرا که رسول خدا ﷺ پیوسته در حق آنان سفارش فرمودند که گمان بردیم آن ها از یک دیگر ارث خواهند برد.

جایگاه همسایه در اسلام

یکی از مهم ترین سفارشات امیرالمومنین ﷺ در باره ی همسایگان است؛ زیرا دین مبین اسلام همان گونه که برای والدین و خویشاوندان حقی عظیم قایل است، برای همسایگان نیز حقی را معین نموده و برای آن ها احترام، ارزش و جایگاه ویژه ای را در نظر گرفته و به آن سفارش نموده است.

و خداوند متعال در قرآن کریم، و هم چنین پیامبر رحمت ﷺ در بیانات فراوان، حقوق اجتماعی، اخلاقی و عاطفی نسبت به همسایگان را بیان کردند.

مولای متقیان امیرمومنان حضرت علی ﷺ نیز که خود مفسر و مبین قرآن

است، و هم چنین در فکر و گفتار و رفتار تاسی (۱) به رسول اکرم ﷺ دارد، در این باره به طور مؤکد وصیت فرمودند.

آثار و عظمت تکریم همسایگان

تکریم همسایگان دارای آثار و فواید فراوان است، در واقع یک دعوت همگانی به حفظ ارزش های اجتماعی است که یکی از مهم ترین آثار آن، نهادینه شدن اتحاد، انسجام و یک پارچگی در جامعه است که ابتدا از همسایه آغاز می شود، و با پیوند دوستی و محبت با همسایگان، غبار غم ها زودوده می شود، و شادی ها افزایش می یابند، و با تکریم نزدیکان، بسیاری از دشواری ها آسان می گردد.

خداوند متعال احترام به همسایگان را در ردیف احترام خود قرار داده است (۲)، و اگر بخواهیم عظمت و احترام به همسایگان برای ما روشن گردد، لازم است به قرآن کریم مراجعه کنیم، ابتدا اهمیت این موضوع را از دیدگاه آیات قرآن و روایات پی می گیریم تا هرچه بهتر از کلام زیبای امیرمومنان ﷺ استفاده کنیم.

جایگاه همسایه در قرآن کریم

خداوند متعال هنگامی که می خواهد اهمیت و ارزش مساله ای را بیان کند، در

ص: ۲۰۰

۱- در سوره ی مبارکه ی احزاب آیه ی ۲۱ می فرماید: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ
الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا**. مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا ﷺ سرمشق نیکویی بود برای آن ها که امید به رحمت خدا و
روز رستاخیز دارند، و خدا را بسیار یاد می کنند.

۲- اشاره به آیه بعد.

برخی موارد آن را در کنار توحید یادآور می شود، در قرآن کریم می فرماید:

(وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا) (۱)

و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک و همتای او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، هم چنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه^۱ ای که خویش شماس است و همسایه بی^۲ گانه و دوستانی که در همسایگی شما هستند و واماندگان در سفر و بردگانی که مالک آن ها هستید؛ زیرا خداوند کسی را که متکبر و فخر فروش است (و از ادای حقوق دیگران سرباز می زند) دوست نمی دارد.

بخشی از مهم ترین وظایف یک مسلمان، در این آیه ی شریفه بیان شده است، مرحوم طبرسی - رضوان الله تعالی علیه - این آیه ی کریمه را از ارکان دین مبین اسلام می داند (۲)

در این کلام نورانی الهی از احسان شوندگان به ترتیب نام برده شد که یکی از آن ها همسایه است.

از نکات مهم آیه ی شریفه این است که همسایه را به طور مطلق بیان می کند، و احسان نسبت به آن را به قیدی مانند: اسلام، تقوی، عدالت، احتیاج و فقر، و نیز موانعی مثل: غنی بودن، یا شرک و فسق مقید نکرده است، بلکه به عنوان یک

ص: ۲۰۱

۱- سوره ی نسا آیه ی ۳۶.

۲- مجمع البیان ج ۳ ص ۷۳.

وظیفه‌ی اجتماعی و اخلاقی، از باب تکریم به یک انسان، آن را لازم و ضروری می‌داند.

نکته‌ی دیگر این که خداوند متعال همان عذابی را که برای منکران و مشرکان در نظر گرفته و درباره‌ی آنان «مُخْتَلَاً فَخُوراً» بکار برده است، همان کلمات را در باره‌ی کسانی که نسبت به همسایگان بی‌اعتنا هستند هم بکار می‌برد، در واقع آن‌ها را مختال فخور (متکبر فخر فروش) می‌خواند.

اهمیت همسایه در بعضی از روایات

اشاره

در روایات و احادیثی که از سوی عترت طاهرین^۱ بیان شده، حدود و حقوق همسایگان و مسایل دیگر به روشنی معین و مشخص شده است.

حدود همسایگی

یکی از مهم‌ترین نکته‌ها، تشخیص مصداق همسایه است، با توجه به بیان شریف رسول اکرم^۲ که فرمود:

كُلُّ أَرْبَعِينَ دَارًا جِيرَانٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ؛ (۱)

تا چهل منزل از هر سمت و جهت به عنوان همسایه محسوب می‌شوند.

شعاع دایره‌ی همسایگی بسیار گسترده است که با محاسبه‌ی دقیق، گویا یک روستا و یک شهر کوچک مصداق همسایه و در همسایگی هر شخص قرار دارند، لذا کلیه‌ی حقوقی که برای یک همسایه در نظر گرفته شده شامل حال آن‌ها نیز می‌شود.

ص: ۲۰۲

۱- کافی ج ۲ ص ۶۶۹ حدیث ۱، وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۳۲ حدیث ۱۵۸۵۶.

انسان موظف و مکلف است در تمام زمینه های مادی و معنوی تا حد امکان، یار و مددکار همسایگان باشد، و در عبادات و ادعیه ی خود نیز آن ها را فراموش نکند.

در حدیثی رسول اکرم ﷺ بعضی از حقوق همسایگان را این گونه بیان فرموده است:

هَيْلُ تَدْرُونَ مَا حَقُّ الْجَارِ؟ مَا تَدْرُونَ مِنْ حَقِّ الْجَارِ إِلَّا قَلِيلًا، أَلَا لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَنْ لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ، فَإِذَا اسْتَقْرَضَهُ أَنْ يَقْرِضَهُ، وَإِذَا أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَأَهُ، وَإِذَا أَصَابَهُ شَرٌّ عَزَّاهُ، لَا يَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ فِي الْبِنَاءِ يَحْجُبُ عَنْهُ الرِّيحَ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَإِذَا اشْتَرَى فَكَهَّهُ فَلْيَهْدِ لَهُ، فَإِنْ لَمْ يَهْدِ لَهُ فَلْيَدْخُلْهَا سِرًّا، وَلَا يَعْطَى صَبِيانَهُ مِنْهَا شَيْئًا يَغَايظُونَ صَبِيانَهُ؛

آیا حقوق همسایه را می دانید؟ حقوق همسایه را جز به مقدار اندک نمی دانید، آگاه باشید کسی که همسایه هایش از مزاحمت و آزار او در امان نباشند او ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده است، باید هنگامی که از او وام می خواهد به او وام بدهد، و اگر خیر به او برسد به او تبریک بگویند، و اگر مصیبتی به او رسد تسلیت گویند.

و خانه ی خود را آن قدر بلند نکند که مانع هوا شود مگر با اجازه ی او، و هنگامی که میوه ای می خرد هدیه ای از آن برای او بفرستد، و اگر هدیه ای نمی فرستد به صورت پنهان میوه را وارد منزل کند، و آشکارا چیزی از آن را به دست کودکان خود ندهد که مایه ی ناراحتی کودکان همسایه شود.

آن گاه رسول خدا ﷺ فرمود:

الْجِيرَانُ ثَلَاثَةٌ؛ فَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ ثَلَاثَةٌ حُقُوقٍ: حَقُّ الْإِسْلَامِ وَ حَقُّ الْجَوَارِ وَ حَقُّ الْقَرَابَةِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ حَقَّانِ: حَقُّ الْإِسْلَامِ وَ حَقُّ الْجَوَارِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ حَقٌّ وَاحِدٌ؛ الْكَافِرُ لَهُ حَقُّ الْجَوَارِ؛ (۱)

همسایگان بر سه دسته اند: برای بعضی از آن ها (دسته ی اول) سه حق است: حق مسلمانی، حق همسایگی و حق خویشاوندی، و برای برخی از آنان (دسته ی دوم) دو حق می باشد: حق مسلمانی و حق همسایگی، و برای گروه دیگر (دسته ی سوم) یک حق بیش تر نیست، آن شخص کافر است که تنها یک حق دارد، آن فقط حق همسایگی است.

دعا نمودن در حق همسایگان

یکی از کسانی که به معنای اتمّ به گفتار پیامبر ﷺ جامه ی عمل پوشاند، حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا ﷺ بود که او یک الگوی تمام عیار برای جوامع بشری است، و پیامبر اکرم ﷺ بارها درباره اش فرمود:

فِدَاهَا أُبُوها؛ (۲)

پدرش فدایش باد.

او شخصیتی است که قطب عالم امکان حضرت ولی عصر امام زمان ﷺ در باره ی او می فرماید:

ص: ۲۰۴

۱- روضه الواعظین ج ۲ ص ۳۸۸، مستدرک الوسائل ج ۸ ص ۴۲۴ حدیث ۹۸۷۸

۲- . امالی شیخ صدوق ص ۲۳۴ ضمن حدیث ۷، روضه الواعظین ج ۲ ص ۴۴۴، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۰ ضمن حدیث ۷

وَ فِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ (۱)

و دخت گرامی رسول خدا ﷺ الگوی حسنه و خوبی برای من است.

امام حسن مجتبی ﷺ می فرماید:

رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ ﷺ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةَ جُمُعَتِهَا، فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ، وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تَكْثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ، وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ.

فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَّاهُ! لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ؟

فَقَالَتْ: يَا بَنِي! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ (۲)

شب های جمعه مادرم فاطمه ﷺ را می دیدم که تا طلوع صبح در محرابش مشغول رکوع و سجود و عبادت پروردگار است، و می شنیدم که برای مومنین دعا می کند و در دعایش نام آن ها را ذکر می نماید، ولی برای خود دعا نمی کند.

به او گفتم: مادرم! چرا برای خودت دعا نمی کنی؟

آن حضرت ﷺ در جواب فرمود: پسر! اوّل باید همسایه را دعا کرد و سپس خود و اهل خانه را.

و این کلام حضرت که فرمود: «الجارُ ثُمَّ الدَّارُ» چون خورشید تابناک، روشنگر راه بشریت است.

ص: ۲۰۵

۱- . غیبت شیخ طوسی ص ۲۸۵، احتجاج طبرسی ح ۲ ص ۴۶۷، بحار الانوار ج ۵۶ ص ۱۷۸ حدیث ۹.

۲- علل الشرائع ج ، ص ۱۸۲ حدیث ۱، وسائل الشیعه ج ۱۳ ص ۱۱۲ حدیث ۸۸۸۴، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۸۱ حدیث ۳.

در آیه ای که خداوند متعال در باره ی همسایگان سفارش فرمود، به سه طایفه از آن ها اشاره کرد، لذا در دین اسلام برای هر کدام حقوقی در نظر گرفته شده که ضمن بیان اقسام آنان، به حقوق آن ها نیز به اختصار اشاره می شود:

۱- «وَالْحَارِ ذِي الْقُرْبَى» همسایه ای که از خویشاوندان انسان است، که دارای سه حق مسلمانی، همسایگی و خویشاوندی است، پروردگار مهربان، علاوه بر هم کیش بودن و مسلمان بودن، حق همسایگی و حق قرابت و خویشاوندی را نیز به عهده ی انسان قرار می دهد که هر مسلمانی موظف است در بهبودی امور، و وضع معاش، و اقتصاد مسلمان دیگر اهتمام ورزد.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ (۱)

کسی که شب را به صبح رساند در حالی که به رسیدگی کار مسلمانی اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست.

طبق این حدیث اگر انسان به آن ها اعتنا نکند از دایره ی شریعت اسلام خارج است، و چون از خویشاوندان است، اکرام او به لحاظ خویشاوندی نیز لازم است، و آیات و روایات بسیاری درباره ی اکرام اقربا و خویشان وارد شده است.

۲- «وَالصَّيْحُ بِالْجَنْبِ»، همسایه ای که بیگانه است و از خویشان انسان نیست، قهراً دارای دو ویژگی است که هم مسلمان و هم همسایه می باشد، و منادی حق پیامبر اکرم ﷺ در باره ی حقوق همسایه فرمود:

ص: ۲۰۶

۱- کافی ج ۵ ص ۱۶۳ حدیث ۱، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۳۳۶ حدیث ۲۱۷۰۱.

وَمَا زَالَ جَبْرَيْلُ يُوَصِّينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِثُهُ؛ (۱)

پیوسته جبرئیل □ مرا در باره ی همسایه سفارش می کرد تا این که گمان کردم که همسایه نیز (مانند بستگان) ارث می برد.

سید الساجدین امام زین العابدین □ می فرماید:

«وَأَمَّا حَقُّ جَارِكَ، فَحِفْظُهُ غَائِبًا، وَإِكْرَامُهُ شَاهِدًا، وَنُصَيْرَتُهُ إِذْ كَانَ مَظْلُومًا، وَلَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً، فَإِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سُوءًا سَتَرْتَهُ عَلَيْهِ، وَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ، نَصِيحْتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، وَلَا تُسَلِّمْهُ عِنْدَ شِدِيدِهِ، وَتُقِيلُ عَثْرَتَهُ، وَتَغْفِرُ ذَنْبَهُ، وَتُعَاشِرُهُ مُعَاشِرَةً كَرِيمَةً، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ (۲)

حق همسایه نسبت به تو این است که هنگامی که در خانه اش نیست (در سفر است) از منزلش محافظت کنی، و زمانی که حضور دارد او را گرمی بداری، و هنگامی که مظلوم واقع شد یاریش کنی، و هرگز از خفای او جست و جو نکن، و اگر از عیب او آگاه شدی آن را پوشان، و اگر تذکر و نصیحت تو را می پذیرد، هنگامی که تو و او با هم تنها هستید او را نصیحت کن، و در زمان سختی ها او را تنها نگذار، و از لغزش او در گذر، و گناهِش را ببخش و محترمانه با او معاشرت داشته باش، و لا قوه الا بالله.

۳ - «وَالْجَارُ الْجُنُبُ»، همسایه ای که نسبت قرابتی و خویشاوندی و دینی با انسان ندارد، تنها در نزدیکی انسان زندگی می کند که با این بیان حتی کافر هم حق همسایگی دارد و البته این حق توسعه دارد حتی شامل هر مصاحب و همراه

ص: ۲۰۷

۱- من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۳ حدیث ۱۰۸، وسائل الشیعه ج ۹ ص ۵۲ حدیث ۱۱۵۰۱.

۲- من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۶۲۳ حدیث ۳۲۱۴، أمالی شیخ صدوق ص ۳۷۳، وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۷۷ حدیث ۲۰۲۲۶.

حضرت امام سجاد □ در باره ی حقوق هم نشین انسان می فرماید:

وَ أَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ، فَأَنْ تَضِيَ حَبَهُ بِالتَّفْضِيلِ وَ الْأَنْصَافِ، وَ تُكْرِمَهُ كَمَا يَكْرِمُكَ، وَ لَا تَدَعُهُ يَسْبِقُ إِلَيَّ مَكْرَمَةٍ، فَإِنْ سَبَقَ كَافَأْتَهُ، وَ تَوَدُّهُ كَمَا يُوَدُّكَ، وَ تَزْجُرُهُ عَمَّا يَهُمُّ بِهِ مِنْ مَعْصِيَةٍ، وَ كُنْ عَلَيْهِ رَحْمَةً، وَ لَا تُكُنْ عَلَيْهِ عَذَابًا، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ (۱)

و اما حق رفیق و همراه تو آن است که با تفضل و انصاف با او رفتار کنی، و او را گرامی بداری، همان طور که او تو را محترم می دارد، و مگذاری که در کار نیک و احسانی بر تو پیشی گیرد، و اگر گرفت آن را جبران کنی، و او را دوست بداری چنان که تو را دوست می دارد، و از انجام معصیت خدا بازش بداری، و برای او رحمت باشی نه عذاب و رنج، و هیچ نیرویی نیست مگر از طرف خداوند متعال.

حضرت امام جعفر صادق □ از پدر بزرگوارش حضرت امام باقر □ روایت نموده و فرمودند:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ □ صَاحِبَ رَجُلًا ذِمِّيًّا، فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ: أَيْنَ تُرِيدُ يَا عَبْدَ اللَّهِ؟

فَقَالَ □: أُرِيدُ الْكُوفَةَ.

فَلَمَّا عَدَلَ الطَّرِيقُ بِالذَّمِّيِّ، عَدَلَ مَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □.

فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ: أَلَسْتَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تُرِيدُ الْكُوفَةَ؟

فَقَالَ □ لَهُ: بَلَى.

ص: ۲۰۸

فَقَالَ لَهُ الذَّمِّي: فَقَدْ تَرَكْتَ الطَّرِيقَ!

فَقَالَ □ لَهُ: قَدْ عَلِمْتُ.

قَالَ: فَلِمَ عَدَلْتَ مَعِي وَ قَدْ عَلِمْتَ ذَلِكَ؟

فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □: هَذَا مِنْ تَمَامِ حُسْنِ الصُّحْبَةِ أَنْ يَشِيعَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ هُنَيْئَةً إِذَا فَارَقَهُ، وَ كَذَلِكَ أَمَرْنَا نَبِيَّنَا □.

فَقَالَ لَهُ الذَّمِّي: هَكَذَا قَالَ؟

قَالَ □: نَعَمْ.

قَالَ الذَّمِّي: لَا جَرَمَ أَنْمَا تَبِعَهُ مَنْ تَبِعَهُ لِأَفْعَالِهِ الْكَرِيمَةِ، فَأَنَا أُشْهِدُكَ أَنَّ عَلِيَّ دِينِكَ، وَ رَجَعَ الذَّمِّي مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ □، فَلَمَّا عَرَفَهُ
أَسْلَمَ: (۱)

ای بنده خدا کجا می روی؟

حضرت فرمود: به کوفه می روم.

وقتی راه ذمی از راه کوفه جدا شد، علی □ نیز به راه آن مرد ذمی رفت.

ذمی از آن حضرت □ پرسید: مگر نگفتی به کوفه می روی؟

حضرت فرمود: بلی.

ذمی به او گفت: راه کوفه را ترک کردی!

امام □ فرمود: می دانستم.

ذمی گفت: پس چرا با وجوی این که می دانی، مسیرت را عوض کردی؟

حضرت فرمود: این عمل من کمال نیکی در رفاقت است که انسان

ص: ۲۰۹

وقتی رفیقش از او جدا می شود اندکی او را مشایعت کند، و پیامبر ما این گونه به ما دستور داده اند.

ذمی پرسید: واقعا او چنین گفته است؟

امام فرمود: بلی.

ذمی گفت: پس معلوم می شود هر کس از او پیروی کرده، به خاطر کردارهای شایسته اش بوده است، و من تو را گواه می گیرم که در دین تو هستم.

ذمی با علی (به کوفه) برگشت، وقتی آن حضرت را شناخت مشرف به دین اسلام شد.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

امام در بخشی از توصیه ی خود، از حقوق همسایگان خبر داد و فرمود:

خداوند متعال را به یاد آورید و او را اطاعت کنید و با همسایگان مدارا نمایید که مدارا با آنان سفارش پیامبر شماسست، و آن رسول گرامی چندان به آن پایبند بود که ما می پنداشتیم به زودی آنان را در ارث شریک می کند.

این بیان و وصیت حضرت اگر چه کوتاه و مختصر است، اما پیامی بسیار بلند، سازنده و راه گشاست، و بر شیعیان و پیروان امیرمومنان لازم است کلام جانبخش آن حضرت را با عمل نمودن، حیات ببخشند و به عنوان یک لوح زرین در سرفصل زندگی خویش قرار دهند.

ص: ۲۱۰

فصل هشتم: عظمت حج و کعبه معظمه در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۲۱۱

اللّٰهُ اللهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، فَلَمَّا يَخْلُوْنَ مِنْكُمْ مَيَّا بَقِيْتُمْ؛ فَإِنَّهُ إِن تَرِكَ لَمْ تُنَاطِرُوا، فَإِنَّ أذْنِي مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أُمَّهُ أَنْ يَغْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ دُنْيِهِ؛

پروردگار متعال را به یاد آورید و او را اطاعت کنید در باره ی خانه ی پروردگارتان، مبدا که تا باقی باشید آن خانه از شما خالی گردد؛ زیرا اگر آن بیت مقدّس متروک شود، شما از آن پس مهلتی نیابید و منقرض خواهید شد، و کم ترین ره آوردی که زایر آن بیت با خود می آورد، آمرزش گناهان گذشته ی او است.

مقدمه

دین مبین اسلام تنها دین کامل و جامع از سوی پروردگار عالمیان است، و این آیین آسمانی دارای دو ویژگی منحصر به فرد کلّیت و دوام است که در هر زمان و مکان برای هر نسلی و در همه ی زمینه ها، بهترین برنامه ها و راهکارهای مادی و معنوی را برای هدایت انسان ها به همراه دارد.

یکی از مهم ترین برنامه های آن، فریضه ی حج است که حامل پیام های توحید، عبودیت، اطاعت، اتّحاد، تقوا، عدالت، معاد و دستورات اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دنیوی و اخروی است.

حج نمایش با شکوه و گسترده ی حیات فردی و اجتماعی و دربردارنده ی فرهنگ حیات بخش مکتب اسلام است، و از اهم واجبات شمرده شده است، و پروردگار متعال با ندای زیبا و دعوتی دلنشین، همه ی عاشقان و عابدان، و انسان های مستعد و مستطیع را برای انجام این فریضه ی مهم فرا می خواند.

حج در واقع دانشگاه آموزش بالا-ترین و غنی ترین مسایل انسان سازی است، در سر زمین وحی و محل نزول فرشتگان و بهترین مکان یعنی حرم امن الهی، زیر بنایی ترین و اصولی ترین مسایل یکتاپرستی علمی و عملی به زایران بیت حق آموخته می شود، در مکانی که همه ی انسان ها، از هر قبیله و نژاد، در آن جا یک سان و برابرند.

کعبه خانه ۱-ای است که به نام پروردگار جهانیان مشرف است، و پایه های آن به دست با کفایت حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل ۲ بنا نهاده شد، و سپس پروردگار بلند مرتبه به این دو معمار بیت خود فرمود:

(وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) (۱)

و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه ی مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.

از این رو، این خانه ی امن الهی (۲) و مبارک (۳) همه ساله در موسم حج تمتع و غیر

ص: ۲۱۴

۱- سوره ی بقره آیه ی ۱۲۵.

۲- اشاره به آیه ی ۹۷ سوره آل عمران است که خداوند فرمود: (وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا)

۳- اشاره است به آیه ی ۹۶ سوره ی آل عمران که فرمود: (بِبَيْكَةِ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ).

آن، پذیرای هزاران زائر مسلمان و مومن از سراسر جهان می باشد.

یکی از وصیت های مهم امیرالمومنین (ع) به هنگام شهادت، سفارش همه ی فرزندان نسبی و معنوی به گرامیداشت این فریضه ی مهم الهی است.

برای این که بتوانیم به مقدار وسع، به اهمیت سفارش حضرت علی بن ابی طالب ؑ در انجام این عمل عبادی و مراسم با شکوه معنوی حج دست یابیم، ابتدا به دو ثقل گران بها، یعنی قرآن و عترت مراجعه می کنیم؛ زیرا سیمای راستین حج و محتوای واقعی آن در کلام خداوند متعال و سخنان معصومین ؑ مشهود است.

عظمت حج و کعبه ی معظمه در کلام وحی

۱- عظمت حج

حج عبادتی است که تمام اعمال عبادی را به همراه دارد، و همه ی انبیا در این عمل عبادی شرکت کردند که دقت در آن، در خور تأمل است، پروردگار متعال آن را بر انسان مستطیع فقط یک مرتبه در طول عمر واجب نموده و فرموده:

(وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) (۱)

و از حقوق خداوند بر مردم است که قصد خانه ی (او) نمایند، برای آن ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده) خداوند از همه ی جهانیان بی نیاز است.

ص: ۲۱۵

و هم چنین در آیه ی دیگری فرموده است:

(وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) (۱)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند.

۲- عظمت کعبه معظمه و بیت الله الحرام

این بیت معظم و شریف به عنوان محور حج و نقطه ی مرکزی کره ی زمین است که درباره ی بزرگی و عظمتش همین کافی است که خداوند متعال می فرماید:

(قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ) (۲)

پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن، و هر جا باشید روی خود را به سوی آن بگردانید، در حقیقت اهل کتاب نیک می دانند که این تغییر قبله از جانب پروردگارشان به جا و درست است، و خدا از آنچه انجام می دهند غافل نیست.

همه ی مکلفین، در هر روز و هر شب هنگام نماز باید روی به آن بیت الله العظیم داشته باشند.

در عظمت کعبه ی معظمه همین بس که بناء و کمک بنای آن شیخ الانبیا

ص: ۲۱۶

۱- سوره ی حج آیه ی ۲۷.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۴۴.

حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل ذبیح الله ﷻ می باشند.

(وَ إِذِ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (۱)

و نیز به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند، و می گفتند: پروردگارا! از ما بپذیر که تو

شنا و دانایی.

۳- پیامبران الهی خادمان کعبه

کعبه خانه ای است که خادم و نظافت کننده ی آن، از بزرگ ترین پیامبران، حضرت ابراهیم خلیل ﷻ است که خداوند فرمود:

(وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ) (۲)

و چون برای ابراهیم جای خانه (کعبه) را آماده کردیم (به او گفتیم): چیزی را با من شریک مگردان، و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک ساز.

در آیه ۶۱ شریفه ی دیگر خداوند متعال نام مبارک حضرت اسماعیل ﷻ را نیز در کنار نام مبارک پدر بزرگوارش، به عنوان تطهیر کننده ۶۱ خانه خود ذکر نموده و می فرماید:

ص: ۲۱۷

۱- سوره ی بقره آیه ی ۱۲۷.

۲- سوره ی حج آیه ی ۲۶.

(عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) (۱)

و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه ی مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید.

پروردگار عالم با انتخاب برگزیده گان خود برای تطهیر خانه ی کعبه، پیام قداست و مقام و منزلت کعبه را به گوش جهانیان می رساند.

۴- حرمت کعبه ی معظمه

پروردگار عزیز جلّ جلاله کعبه را به عنوان عامل قیام همه ی انسان ها قرار داده و فرمود:

(جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْغُرَبَاءَ أَلْبَيْتَ الْحَرَامِ قِيَامًا لِلنَّاسِ) (۲)

خداوند کعبه بیت الحرام را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است.

زیرا در این عمل عبادی، اهداف تمام پیامبران تحقق پیدا می کند، فرستادگان الهی در دوران رسالت خود سعی کردند تا هرگونه تبعیض های نژاد پرستانه و برتری های خود خواهانه ی مردم را نفی کنند، و اختلاف ها و پراکندگی های متفاوت را در یک سو نهاده و همه ی مردم را به یک دیگر آشنا نمایند، و کرامت واقعی و امتیاز اساسی را به آن ها بشناسانند، و عدالت و مساوات را در میان انسان ها تحقق ببخشند که این امر مهم در هنگام انجام فریضه ی حج کاملاً محقق می شود.

ص: ۲۱۸

۱- سوره ی بقره آیه ی ۱۲۵.

۲- سوره ی مائده آیه ی ۹۷.

امام صادق ع فرمود:

لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ؛^(۱)

دین خدا همواره قائم و پابرجاست تا زمانی که کعبه پابرجاست.

۵- اولین و مهم ترین مکان عبادت

کعبه ی معظمه خانه ای است که به عنوان اولین عبادتگاه قرار داده شده:

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَيْنَكَ مَبَارَكًا)^(۲)

نخستین خانه ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است که پربرکت می باشد.

و در آیه ی دیگر فرموده:

(وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ)^(۳)

و به خاطر بیاورید هنگامی که خانه ی کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم، و (برای تجدید خاطره) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید.

۶- کعبه ی معظمه محور هدایت

خداوند متعال کعبه ی معظمه را به عنوان تاملین کننده ی هدایت تمام بندگان

ص: ۲۱۹

۱- کافی ج ۴ ص ۲۷۱ حدیث ۴، من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۴۳ حدیث ۲۳۰۷، وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۲۱ حدیث ۱۴۱۴۲

۲- سوره ی آل عمران آیه ی ۹۶.

۳- سوره ی بقره آیه ی ۱۲۵.

جهان معرفی نموده و می فرماید: (وَهْدَى لِلْعَالَمِينَ) (۱)

و هم چنین در آیه ی دیگر فرموده است:

(فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا) (۲)

در آن کعبه نشانه های روشن (از جمله) مقام ابراهیم است، و هر کس داخل آن خانه ی خدا شود در امان خواهد بود.

مشاهده ی آیات حق، و رسیدن به امتیت و وصول به مقام ابراهیم، به دخول در آن حرم و زیارت آن بیت شریف محقق خواهد شد.

حج و عظمت کعبه در کلام عترت (ع)

اشاره

همان گونه که گفته شد، حج دارای اسرار فراوانی است، به همین علت روایات بسیاری در اهمیت و ویژگی های آن از طرف عترت طاهرین وارد شده که به برخی از آن ها اشاره می شود.

الف: مهر کفر بر پیشانی تارک حج

رسول اکرم در وصیت به امیرالمومنین فرمودند:

يَا عَلِيُّ! كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ... وَمَنْ وَجَدَ سَبْعَهُ فَمَاتَ وَلَمْ يُحِجَّ، يَا عَلِيُّ تَارِكُ الْحَجِّ وَهُوَ مُسِيءٌ تَطِيعٌ كَافِرٌ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى:

(وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) (۳)

ص: ۲۲۰

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۹۶: و ما یه ی هدایت جهانیان است.

۲- سوره ی آل عمران آیه ی ۹۷.

۳- من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۸ ذیل حدیث ۵۷۶۲، وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۱ حدیث ۱۴۱۶۴.

یا علی! از این امت ده طایفه به خدای عظیم کافر شده اند.... کسی که با داشتن ثروت بمیرد در حالی که حج نکرده باشد.

یا علی! کسی که مستطیع باشد ولی حج را ترک کند کافر است؛ زیرا خداوند عظیم فرمود: و از حقوق خداوند بر مردم است که قصد خانه ی (او) نمایند، برای آن ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده) خداوند از همه ی جهانیان بی نیاز است.

ب: حج از ارکان مهم اسلام

امام پنجم حضرت باقر العلوم \square فرمودند:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ، وَ لَمْ يَنَآدِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ؛ (۱)

دین اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت، ولی هیچ چیزی به مانند ولایت، به آن فراخوانده نشدند.

از مهم ترین و اساسی ترین درس هایی را که انسان در حج می آموزد ولایت حضرت امیرالمومنین امام المتقین علی بن ابی طالب \square است، اگر حج به عنوان یکی از فروع دینی، از ارکان اسلام است، زمانی دارای ارزش و اعتبار است که به ولایت امیرالمومنین \square و اولاد طاهرینش \square مزین باشد تا مورد قبول و پذیرش واقع شود که فرمود:

«تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءِ الْإِمَامِ (ع)» (۲)، و الا بدون ولایت آن ها، هیچ عبادتی نه تنها به

ص: ۲۲۱

۱- کافی ج ۲ ص ۱۸ حدیث ۱، و مسائل الشیعه ج ۱ ص ۱۳ حدیث ۱.

۲- کافی ج ۴ ص ۵۴۹ حدیث ۲، و مسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۲۴ حدیث ۱۹۳۱۷: تمام و کمال حج به این است که بعد از آن، زیارت و ملاقات با امام \square واقع شود.

عنوان پایه و اساس دین اسلام قرار نمی گیرد، بلکه به عنوان یک عمل عادی هم از انسان مورد پذیرش و قبول حضرت حق جلّ جلاله واقع نخواهد شد.

حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا \square در خطبه ی فدکیه می فرماید:

وَ الْحَجَّ تَشْنِيَةً لِلدِّينِ؛ (۱)

و خداوند متعال حج را برای ترفیع یا تشدید و محکم ساختن دیانت و آیین بر بندگان واجب کرده است.

امام صادق \square فرمود:

الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ؛ (۲)

عمل حج و عمره دو بازار از بازارهای آخرت هستند.

به خاطر عظمت و آثاری که در این فریضه ی الهی بوده است، ائمه ی طاهرين \square همگان را در باره ی آن سفارش می کردند، و خود نیز مکرر پیاده و سواره مشرف می شدند که در روایت آمده است:

سبط اکبر امام حسن مجتبی \square بیست و پنج مرتبه با پای پیاده به سفر حج عزیمت نمودند (۳)

امام سجاد \square در دعای عرفه به درگاه الهی عرضه می دارد:

وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ اِثْتِغَاءً وَجْهَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ (۴)

ص: ۲۲۲

۱- من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۵۶۸ حدیث ۴۹۴۰، وافی ج ۵ ص ۱۰۶۳ حدیث ۳۹۵۰، وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۲ حدیث ۲۲.

۲- کافی ج ۴ ص ۲۵۵ حدیث ۱۳، وافی ج ۱۲ ص ۲۲۰، مرآة العقول ج ۱۷، ص ۱۲۶.

۳- کافی ج ۱ ص ۴۶۱ حدیث ۱، وسائل الشیعه ج ۹ ص ۴۸۰ حدیث ۱۴۲۸۶: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ \square حَجَّ خَمْسًا وَعِشْرِينَ حِجَّةً مَا شِئًا.

۴- صحیفه ی سجادیه ص ۲۳۲ حدیث ۴۷.

پروردگار! باقی مانده ی عمر مرا در عمل حج و عمره در جهت رضایت خویش قرار بده ای پروردگار عالمیان.

ج: حج و توصیف کعبه در کلام امیرالمومنین (ع)

حضرت علی بن ابی طالب (ع) در بیانات مختلفی از این فریضه ی الهی و عمل عبادی، حقایق و لطایف و اسراری را بیان می نماید، و کلام امیر، امیر کلام است، و یکی از بیانات آن حضرت \square سخنی است که مرحوم سید رضی \square در بخشی از خطبه ی اول «نهج البلاغه» آورده است، حضرت می فرماید:

وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنْبِيَاءِ، يَرِدُونَهُ وَرُودَ الْأَنْعِيَامِ، وَيَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وَرُؤْيَا الْحَمَامِ، جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَمًا لِتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ، وَإِدْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ، وَ اخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سَمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ، وَ صَدَّقُوا كَلِمَتَهُ، وَ وَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ، وَ تَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ، يَحْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ، وَ يَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ.

جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عَلَمًا، وَ لِلْعَائِدِينَ حَرَمًا، فَرَضَ حَجَّهُ وَ أَوْجَبَ حَقَّهُ، وَ كَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَادَتَهُ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ:

(وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ) (۱)

خداوند حج بیت الحرام را بر شما واجب کرده، و همان خانه ای که آن را قبله ی مردم قرار داده است که هم چون تشنه کامانی که به آب گاه می روند، به سوی آن رو می آورند، و همانند کبوتران به آن پناه می برند.

خداوند آن را مظهر تواضع مردم در برابر عظمتش، و تسلیم آنان در

ص: ۲۲۳

مقابل عزتش قرار داده، و از میان مخلوقش شنوندگانی را برگزیده که دعوت او را به سوی این خانه اجابت کردند، و سخنش را تصدیق نمودند، و در مواقف پیامبران قرار گرفتند، هم چون فرشتگان که به دور عرش می گردند، به گرد آن طواف کردند، و سودهای فراوان در این تجارت خانه ی عبادت به دست می آورند، و به سوی میعادگاه آمرزشش می شتابند.

خداوند متعال این خانه ی خود را پرچمی برای اسلام قرار داد، و حرم امنی برای پناهندگان به آن، و به جا آوردن حج آن را از فرایض شمرده، و ادای حق آن را واجب کرد، و بر همه ی شما مقرر داشت که به زیارت آن بروید و فرمود:

آن کس که استطاعت رفتن به خانه ی خدا داشته باشد، حج بر او فرض است، و آن کس که کفر ورزد خداوند از همه ی جهانیان بی نیاز است.

این کلام امیرالمومنین \square چراغ هدایت بشریت، برای سوق و رغبت به بیت الله الحرام و حج و عمره است.

رییس مذهب امام جعفر صادق(ع) می فرماید:

الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنَ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ، اللَّازِمُ لَهُمَا فِي ضَمَانِ اللَّهِ، إِنَّ أَبْقَاهُ أَدَّاهُ إِلَى عِيَالِهِ، وَإِنْ أَمَاتَهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ؛(۱)

فریضه ی حج و عمره، دو بازار از بازارهای آخرت هستند، بنده در آن دو بازار در پناه خداوند است، اگر عمرش باقی باشد و او را زنده نگه داشت، به اهلش باز می گرداند، و اگر بمیراند، او را داخل بهشت می کند.

ص: ۲۲۴

۱- کافی ج ۴ ص ۲۵۵ حدیث ۱۳، وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۱۰۰ حدیث ۱۴۳۴۷.

د: بر پایی دین بر پایه ی کعبه

در حدیثی از امام جعفر صادق ع آمده است:

لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ؛ (۱)

این دین برپاست تا وقتی که کعبه برپاست.

آثار و برکات حج

الف: مغفرت و آمرزش گناهان

رحمت و مغفرت ذات حضرت حق جلّ جلاله در دو نقطه، بیش تر از همه ی مواضع دیگر شامل حال انسان می گردد، یکی در ماه مبارک رمضان که ماه ضیافت الله است، و دیگری در سفر پر فضیلت حج که بنده در این سفر نیز مهمان معبود خویشتن است، در این سفر معنوی و روحانی، امید پذیرش توبه و آمرزش گناهان بیش تر از زمان های دیگر است.

حضرت علی بن موسی الرضا ع در این باره فرمودند:

إِنَّمَا أُمِرُوا بِالْحَجِّ لِعَلِّهِ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ طَلَبَ الزِّيَادَةَ، وَ الْخُرُوجَ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِبًا مِمَّا مَضَى، مُسْتَأْنِفًا لِمَا يَسْتَقْبِلُ؛ (۲)

مردم از آن جهت به حج مکلف شدند تا به جانب پروردگار بزرگ رو آورند، و خواستار افزونی نعمت شوند، و از گناهان بیرون آیند، و از گذشته ی خویش توبه کنند، و در آینده دینداری و تعهد پیشه سازند.

ص: ۲۲۵

۱- کافی ج ۴ ص ۲۷۱ حدیث ۴، وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۲۱ حدیث ۱۴۱۴۲.

۲- عیون اخبار الرضا ع ج ۲ ص ۱۱۹، وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۱۳ حدیث ۱۴۱۲۲.

ایام حج مهمانی یگانه معبود بی همتاست که او خوان با برکت خود را گسترانده و همه را به آن دعوت نموده، و انسان همان گونه که در شهر الله، در حالی که صایم است، به مهمانی خدا دعوت می شود، در حج نیز این چنین است.

امام صادق ع می فرماید:

إِنَّ ضَيْفَ إِيَّاهِ صَعْرٌ وَجَلٌّ رَجُلٌ حَجَّ وَاعْتَمَرَ فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ؛ (۱)

مردی که حج و عمره گزارده مهمان خداوند است تا به خانه ی

خود باز گردد.

امام به حق ناطق جعفر بن محمد الصادق ع در کلام زیبا و پرمحتوای دیگر فرمودند:

مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ؛ (۲)

گناه کاری که در ماه مبارک رمضان مورد مغفرت و بخشودگی واقع نشود، تا سال دیگر مورد مغفرت قرار نخواهد گرفت، مگر این که به حج برود و در صحرای عرفات مورد مغفرت حق واقع گردد.

این بیان نورانی حاکی است که پس از این مهمانی عام ماه مبارک رمضان، ضیافت دیگر و مهمانی خاصه ی الهیه فقط در زیارت بیت الله الحرام تحقق پیدا می کند که فوق ماه مبارک رمضان انسان را تطهیر نموده و موجب تعالی و ترقی بشر

ص: ۲۲۶

۱- خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۱۲۷، وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۵۸۶ حدیث ۱۹۸۷۰.

۲- کافی ج ۴ ص ۶۶ حدیث ۳، من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۹۹، المقنعه ۳۰۹، تهذیب الأحکام ج ۴ ص ۱۹۲.

می گردد، لذا همه ی انبیا و اوصیا حول آن طواف کردند، و همه ی آن ها مناسک به جا آوردند.

محل نزول برکات

تمام فیوضات حضرت حق جلّ جلاله از عرش اعلی، و سدره المنتهی بر بیت المعمور و از آن جا به کعبه ی معظمه ترواش می کند و به خلائق ارزانی می گردد.

هنگامی که خداوند مَنان از خانه ی کعبه به عنوان مکانی که آیات روشن الهی (۱) از آن متجلی است، یاد می کند که یکی از آن رحمت های واسع، آمرزش گناهان است.

و پیامبر اکرم ﷺ در حجه الوداع فرمود:

إِنَّ رَبَّكُمْ تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَغَفَرَ لِمُحْسِنِكُمْ، وَشَفَّعَ مُحْسِنِكُمْ فِي مُسِيئِكُمْ؛ (۲)

پروردگار شما امروز شما را مورد عنایت خود قرار داد، نیکوکاران شما را بخشید، و شفاعت نیکوکاران شما را در حقّ گناه کاران تان پذیرفت.

خداوند متعال در هر لحظه یک صد و بیست نظر رحمت در آن جا نازل می فرماید، شصت نظر رحمت برای طواف کنندگان، چهل نظر رحمت برای نماز گزاران، و بیست نظر رحمت برای ناظرین و نگاه کنندگان به کعبه ی معظمه است (۳).

ص: ۲۲۷

۱- اشاره به آیه ی ۹۷ سوره ی آل عمران است که فرمود: فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ.

۲- کافی ج ۴ ص ۲۵۸ حدیث ۲۴، ثواب الأعمال ص ۴۸، وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۹۵ حدیث ۱۴۳۳۰.

۳- تحف العقول ص ۱۰۷ و وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۵ حدیث ۱۴۱۷۴.

ماه پرفیض و مبارک رمضان از عظمت خاصی بر خوردار است که در بیان رسول خدا ﷺ از آن به عنوان ماه خدا و ماهی که دارای خیرات و برکات بسیار می باشد تعبیر شده است:

قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبُرْكَهَ وَالرَّحْمَهَ وَالْمَغْفِرَهَ؛^(۱)

ماه خدا، با برکت و رحمت و آمرزش به شما روی کرده است.

و دعاهای فراوانی در این ماه وارد شده است، و خداوند متعال نیز به رسول رحمت خود فرمود:

هر گاه بندگان من از تو در باره ی من پرسیدند، در جواب آن ها بگو: من به آن ها نزدیک هستم، و هر که مرا بخواند دعای او را اجابت می کنم، پس شما هم دعوت مرا اجابت کنید، و به من ایمان بیاورید امید آن است که هدایت شده و به مقصد برسید:

(إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ)^(۲)

با توجه به دعاهای ماه مبارک رمضان، دو مساله ی محوری و مهم همواره در آن ها به چشم می آید که یکی مساله مغفرت، و دیگری توفیق زیارت و حج بیت الله الحرام است.

آنچه جلب نظر می کند، این است که گویا این دو مساله، علت و معلول

ص: ۲۲۸

۱- امالی شیخ صدوق ص ۹۳ حدیث ۴، عیون أخبار الرضا ج ۱ ص ۲۹۵، وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۳۱۳ حدیث ۱۳۴۹۴.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۸۶.

یک دیگرند، معلول عبارت است از مغفرت و خلاصی از آتش جهنم، و وصول به جنت و نایل شدن به فوز عظیم است، و علت تامه ی رسیدن به فیض الهی و وصول به بهشت، انجام فریضه ی حج و عمره است.

مهم ترین بخشی هایی که در بسیاری از دعاهای این ماه و هم چنین در آغاز دعای افتتاح آماده این است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَيْجَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَ اغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامٌ؛ (۱)

پروردگارا! در این سال و همه ی سال ها زیارت بیت الله الحرام را روزی من گردان، و آن گناهان بزرگ مرا ببخش، گناهایی که کسی غیر از تو نمی تواند ببخشد، ای بخشنده ی بسیار دانا.

حضرت امام صادق □ با این دعا و با چنین الفاظ پرمحتوا در ماه مبارک رمضان، به درگاه پروردگار خویش عرض می کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي بِعَيْكَ أَتَوَسَّلُ، وَ مِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي، مَنْ طَلَبَ حَاجَةً إِلَى النَّاسِ فَإِنِّي لَا أَطْلُبُ حَاجَتِي إِلَّا مِنْكَ، وَ حَيْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ وَ رِضْوَانِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي عَامِي هَذَا إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلًا، حَاجَةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً خَالِصَةً لَكَ، تُقَرَّرُ بِهَا عَيْنِي وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي؛ (۲)

پروردگارا! همانا من به تو توسل می جویم، و حاجتم را تنها از تو می خواهم، کسی که حاجت خود را از مردم بخواهد من حاجتم را نمی خواهم مگر از تو.

ص: ۲۲۹

۱- مفاتیح الجنان دعای افتتاح.

۲- کافی ج ۴ ص ۷۴ حدیث ۶، وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۳۲۶ حدیث ۱۳۵۱۹

تو تنهایی و همتایی نداری، (پروردگارا!) فضل بی کران و بهشت رضوان را از تو طلب می کنم، و از تو می خواهم بر محمد و اهل بیت او رحمت فرستی، و برای من در این سال زیارت خانه ی خود را فراهم کنی، حجتی که مبرور و قبول شده و پاک و خالص تنها برای تو باشد، و به واسطه ی او نور چشمانم روشن شود، و مقام من به سبب آن در درگاه تو بالاتر رود.

با مراجعه به کتب ادعیه و مخصوصاً «مفاتیح الجنان» محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی □ در اعمال مشترکه ی ماه رمضان، و دعاهای مخصوص شب ها و روزهای این ماه مبارک، و با تامل در اعمال پر فضیلت شب های قدر، برجستگی این دو مساله کاملاً به چشم می آید.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

اکنون که به مختصری از اسرار حج و عظمت کعبه ی معظمه آگاهی یافتیم، باری دیگر در کنار خوان پر برکت مولای متقیان امیرمومنان □ می نشینیم، و سرّ سفارش آن حضرت را در آخرین لحظات زندگی با نگاهی عمیق تر می نگریم.

اللّٰهُ اللهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، فَلَمَّا يَخْلُونَ مِنْكُمْ مَا بَقِيْتُمْ؛ فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاطَرُوا، فَإِنَّ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أُمَّهُ أَنْ يَغْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ؛

از خدا پروا کنید و از خداوند اطاعت نمایید در باره ی خانه ی پروردگارتان، مبدا که تا باقی باشید آن خانه از شما خالی گردد؛ زیرا اگر آن بیت معظم متروک شود، شما از آن پس مهلتی نیابید و منقرض خواهید شد، و کم ترین ره آوردی که زایر آن بیت با خود می آورد، آمرزش گناهان گذشته ی او است.

پیام اول این که امیرالمومنین □ سفارش به حج نمود که حج از اهم واجبات

است، و آن حضرت همه ی مسلمین جهان را به انجام این فریضه ی الهی تشویق می فرمایند.

پیام دوم این که مهم ترین و بالاترین عبادتی که جامع عبادات است، حج می باشد که تمام اعمال و رفتار در آن نهفته است، و انسان با انجام آن، کبر و خود خواهی را - که بزرگ ترین مانع تکامل و منشا بسیاری از گناهان است - از خود دور می کند.

پیام سوم این که اعمال حج سیره ی عملی پیامبران الهی از زمان حضرت ابراهیم \square و حتی پیش از آن (۱) بوده است، و برگزیدگان الهی برای اعمال حج به سوی این خانه می شتافتند.

هم چنین معصومین \square نیز در طول عمر خود، چندین بار به زیارت بیت الله الحرام می رفتند و بر گرد خانه ی توحید طواف می کردند، و لذا انجام این مناسک تا سّی به انبیا و ائمه ی طاهرین \square است.

از این رو، بر انسان مسلمان علی الخصوص شیعه ی امیرالمومنین \square لازم است زمانی که مستطیع شد اسباب این سفر روحانی را فراهم نماید، و برای انجام فریضه ی حج، عاشقانه عزم دیار یار کرده و هجرت نماید.

هجرت از خلق به خالق، هجرت از نفس به معبود، هجرت از پلیدی به پاکی و طهارت، هجرتی که عبادت، ولایت، برائت، اخوّت، و سایر ارزش های مکتب اسلام در آن نهفته است.

اما شایسته است زایری که دعوت حق را لیک می \square گوید، خود را به اوصافی

ص: ۲۳۱

۱- در روایات آمده است که از جمله پیامبرانی که خانه ی کعبه را زیارت کردند پیامبرانی چون: حضرت ابراهیم، نوح، موسی، یونس، عیسی، سلیمان \square هم چنین اشرف الانبیا حضرت محمد \square بودند. شرح نهج البلاغه ی خوبی ج ۲ ص ۲۵۲.

مزین کند تا در مهمانی خدا مشمول تکریم خاص الهی گردد.

قرآن کریم، وصف مهمان بیت الله الحرام را زیبا بیان می کند، کسانی که عهد و پیمانی را که با خدا بستند وفا دار باشند و اهل رکوع و سجود باشند؛ زیرا که حضرات ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح □ ماموریت یافتند تا خانه ی امن الهی را برای رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه و تطهیر نمایند:

(طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) (۱)

مصدق بارز رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پیامبر خاتم حضرت محمد □ و پیروان آن حضرت هستند که قرآن فرموده:

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا) (۲)

و چه خوش باشد که انسان در صحرای عرفات، شمیم و رایحه ی طیبه ی یوسف زهرای مرضیه را - که در آن جا بیش تر است و قطعا حضرتش در عرفات حاضر می باشند - استشمام نماید، و چه سعادت می تواند محضر مبارکش شرفیاب شود، و صورت برجای پای او نهد که امام باقر □ فرمود: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ» (۳)

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

ص: ۲۳۲

۱- سوره ی بقره آیه ی ۱۲۵

۲- . سوره ی فتح آیه ی ۲۹: محمد □ فرستاده ی خداست، و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند، پیوسته آن ها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند.

۳- کافی ج ۴ ص ۵۴۹ حدیث ۲، وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۳۲۴ حدیث ۱۹۳۱۷.

فصل نهم: اهمیت نماز در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۲۳۳

اهمیت نماز در کلام حضرت مولی الموحدين امیرالمومنین (ع)

اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ؛

اطاعت کنید خداوند را و به یاد داشته باشید او را در باره ی نماز؛ زیرا که آن بهترین عمل و ستون دین شما است.

عنایت خاص و توجه مخصوص امیرالمومنین □ و سفارش او درباره ی نماز که «خیر العمل» و «عمود دین» است، به این لحاظ می باشد که تضمین کننده ی حیات معنوی بشر است؛ زیرا انسان در شبانه روز با سر گرم شدن به کارهای مختلف، احیاناً میل به دنیای او بیش تر و غفلت از آخرت او افزون تر می گردد.

در نتیجه بر قلب او - که مرکز دریافت الهامات ربانی است - غبار می نشیند و تیره و تار می شود، مهم ترین عملی که می تواند زنگار از قلب بزداید، و آن را صیقل و جلا دهد تا نور ایمان در او بتابد، نماز است، بدین سبب هم بهترین عمل است و هم عمود خیمه ی آیین اسلام است.

اهمیت نماز

نماز مصداق بارز و کامل لطف پروردگار متعال و هدیه ای ارزشمند به انسان است، این ارمغان الهی به اندازه ای دارای اهمیت است که در ادیان آسمانی دیگر نیز واجب بوده، و در قرآن کریم و تمام کتب آسمانی به انجام آن سفارش شده است.

ص: ۲۳۵

از میان تمام عبادت ها، نماز در برنامه های دینی سرآمد است، نماز عبادتی است که اگر به درگاه ایزد متعال پذیرفته شود، اعمال دیگر نیز مورد پذیرش قرار می گیرند:

إِنَّ أَوَّلَ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا (۱)

نماز عبادتی است که انسان با عمل به آن هم صدا با همه ی مخلوقات جهان آفرینش به تسبیح و تقدیس حق مشغول می شود، و در مقابل عظمت خالق متعال کرنش می نماید، و برای تعظیم او رکوع و سجود انجام می دهد.

تاکید بر نماز در بعضی از آیات قرآن

وقتی خداوند متعال آخرین فرستاده و برترین رسولش را کوثر عطا می فرماید، به او فرمان می دهد:

(فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ) (۲)

نماز بگذار و قربانی کن.

پروردگار متعال در آیه ی دیگر فرموده است:

(فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا) (۳)

نماز را اقامه کنید؛ زیرا نماز وظیفه ی ثابت و معینی برای مومنان است.

ص: ۲۳۶

-
- ۱- کافی ج ۳ ص ۲۶۸ حدیث ۴، تهذیب الاحکام ج ۱ ص ۳۲۹ حدیث ۹۴۶، وسائل الشیعه ج ۴ ص ۱۰۸ حدیث ۴۲۳۶.
 - ۲- سوره ی کوثر آیه ی ۱ و ۲: **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ**. ما کوثر را به تو عطا کردیم، پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.
 - ۳- سوره ی نسا آیه ی ۱۰۳.

و هم چنین در سوره ی عنکبوت می فرماید:

(وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) (۱)

و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی ها و گناه بازمی دارد.

این عبادت تا آن اندازه در نزد خداوند متعال دارای اهمیت است که به فرستاده ی خود ۶ فرمود:

(وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا) (۲)

و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش.

در آیه ی شریفه ی دیگر سفارش می کند:

(وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ) (۳)

از شکیبایی و نماز یاری جوید، و به راستی این (کار) گران است مگر بر فروتنان.

و در آیه ی دیگر نیز می فرماید:

(قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى) (۴)

رستگار آن کس است که خود را پاک گردانید، و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد.

نماز در سیره و بعضی از کلمات معصومین (ع)

نماز مهم ترین رشته ی ارتباط انسان با خداوند متعال، و عالی ترین زمان ابراز

ص: ۲۳۷

۱- سوره ی عنکبوت آیه ی ۴۵.

۲- سوره ی طه آیه ی ۱۳۲.

۳- سوره ی بقره آیه ی ۴۵.

۴- سوره ی اعلی آیه ی ۱۴.

محبت و دوستی میان بنده و پروردگار، نور مومن (۱)، صفا بخش و نورانی کننده ی قلب انسان است (۲)

نماز راز و نیاز مشتاقان و دردمندان، و ذکر ذاکرین و مهم ترین نردبان کمال و ترقی است.

و اهل بیت عصمت و طهارت در گفتار و رفتار خود، اهمیت نماز را مکرر متذکر شده اند.

الف: در گفتار

رسول اکرم فرموده اند:

جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ (۳)

نماز نور چشم من است.

و هم چنین وجود مقدسش فرمود:

الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ؛ (۴)

نماز وسیله ی عروج مومن است.

و در روایتی دیگر فرمود:

الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ؛ (۵)

ص: ۲۳۸

-
- ۱- جامع الاخبار ص ۸۵، مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۹۲ حدیث ۳۰۹۸، رسول خدا فرمود: الصَّلَاةُ نُورُ الْمُؤْمِنِ
 - ۲- کنز العمال ج ۷ ص ۳۰۰ حدیث ۱۸۹۷۳، رسول خدا فرمود: صَلَاةُ الرَّجُلِ نُورٌ فِي قَلْبِهِ، فَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ فَلْيَنُورْ قَلْبَهُ.
 - ۳- کافی ج ۵ ص ۳۲۱ حدیث ۹، امالی شیخ طوسی ص ۵۲۸ ذیل حدیث ۱۱۶۲، وسائل الشیعه ج ۲ ص ۱۴۴ حدیث ۱۷۵۵.
 - ۴- بحار الانوار ج ۷۹ ص ۳۰۳ حدیث ۲.
 - ۵- کافی ج ۳ ص ۲۶۵ حدیث ۶، وسائل الشیعه ج ۴ ص ۴۳ حدیث ۴۴۶۹.

نماز وسیله ی تقرب هر پرهیزکار (به خداوند) است.

حضرت سید الشهدا علیه السلام فرمودند:

إِنِّي أَحَبُّ الصَّلَاةِ؛ (۱)

من نماز را دوست دارم.

رسول خدا (ص) در حدیث دیگر فرمود:

رَكَعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا؛ (۲)

دو رکعت نماز در دل شب در نزد من از دنیا و آنچه را که در آن قرار دارد بهتر است.

نماز برای تعظیم پروردگار

امیرالمومنین علیه السلام به درگاه خداوند عرض می کند:

إِلَهِي! هَذِهِ صَلَاتِي صَلَّيْتُهَا لَأَلْحَاجَهِ مِنْكَ إِلَيْهَا، وَ لَأَرْغِبَهُ مِنْكَ فِيهَا إِلَّا تَعْظِيمًا وَ طَاعَةً وَ إِجَابَةً لَكَ إِلَيَّ مَا أَمَرْتَنِي.

إِلَهِي إِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ أَوْ نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِهَا أَوْ سُجُودِهَا فَلَمَّا تَوَاجَدْتَنِي، وَ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَ الْعُفْوانِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ (۳)

خدایا این نمازی که من به جا آوردم نه به خاطر احتیاجی است که از تو به آن داری، و نه رغبتی در آن داشتی، و نیست جز برای تعظیم و فرمانبرداری تو و پذیرفتن آنچه مرا به آن مامور کردی.

خدایا اگر در این نماز من خللی یا نقصی در رکوع یا سجودش هست، مرا

ص: ۲۳۹

۱- ارشاد شیخ مفید ج ۲ ص ۸۹، بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۹۱.

۲- علل الشرایع ج ۲ ص ۳۶۳ حدیث ۶.

۳- مصباح کفعمی ص ۲۰، بحار الانوار ج ۸۵ ص ۳۸ ذیل حدیث ۴۵.

بدان مواخذه مفرما، و با پذیرش آن و آمرزش و بخشش، به من تفضل فرما.

ب: در سیره ی عملی

روایت شده که امیرالمومنین \square در جنگ صفین و میان کارزار، همواره به آسمان نگاه می کرد، و برای اقامه نماز منتظر زوال خورشید بود، ابن عباس عرضه داشت: یا امیرالمومنین \square به هنگام پیکار چرا به آسمان خیره شدی (و نمی جنگی)؟

حضرت \square فرمود:

أَنْظُرُ إِلَى الزَّوَالِ حَتَّى نُصَلِّيَ؛

به زوال خورشید نگاه می کنم تا نماز بخوانم.

ابن عباس گفت: آیا اکنون که ما در حال نبرد با دشمن هستیم وقت مناسبی برای چنین عملی است؟

امام \square فرمود:

عَلَى مَا نَقَاتِلُهُمْ؟ إِنَّمَا نَقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ؛ (۱)

پس ما برای چه چیزی با دشمنان می جنگیم؟ ما فقط برای نماز با آن ها پیکار می کنیم.

امام صادق \square می فرمایند:

كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ \square إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ أَقْشَعَرَ جِلْدَهُ، وَ أَصْفَرَ لَوْنَهُ، وَ ارْتَعَدَ كَالسَّعْفَةِ؛ (۲)

ص: ۲۴۰

۱- ارشاد القلوب ج ۲ ص ۲۱۷، وسائل الشیعه ج ۴ ص ۲۴۶ حدیث ۵۰۵۱.

۲- فلاح السائل ص ۱۰۱، وافی ج ۸ ص ۸۴۶ حدیث ۷۲۳۱، بحار الانوار ج ۸۱ ص ۲۴۷ حدیث ۳۹

وقتی زمان اقامه ی نماز فرامی رسید، پوست بدن مبارک سید الساجدین امام زین العابدین ؑ تغییر می کرد، و رنگ رُخ مبارکش زرد می شد، و بدن نازینش مانند بید می لرزید.

حضرت علی بن موسی الرضا ؑ در مجلس مناظره ای که از سوی مامون عباسی تشکیل شده بود، حاضر شد، در آن مجلس - که در واقع کنفرانس بین المللی بود - روسای ادیان مختلف مانند: جاثلیق نصرانی و راس الجالوت، و روسای صائبین، و هربند اکبر، و اصحاب زردشت و قسطاس رومی و متکلمین حضور داشتند.

امام رضا ؑ به پرسش ها و شبهات آنان با برهان قاطع پاسخ می داد، وقتی گفت و گو با آن ها تا اذان ظهر ادامه یافت و هنگام اقامه ی نماز شد، امام ؑ جلسه را ناتمام گذاشت و بقیه را برای بعد از اقامه ی نماز موکول نمود و فرمود:

من اینک نماز می خوانم و بار دیگر در این جا حاضر خواهم شد (۱)

اهمیت نماز اول وقت

یکی از مهم ترین سیره ی اهل بیت ؑ تاکید و سفارش به نماز اول وقت است، پیامبر گرامی اسلام ؑ فرمود:

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الصَّلَاةُ لِأَوَّلِ لَوْفَتِهَا؛ (۲)

بهترین اعمال، نماز اول وقت است.

و در کلام نورانی دیگر فرمود:

ص: ۲۴۱

۱- توحید شیخ صدوق ص ۴۳۵، احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۴۱۵.

۲- عده الداعی ص ۸۵، بحار الانوار ج ۷۱ ص ۸۵ حدیث ۱۰۰.

لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ هَائِبًا لِابْنِ آدَمَ ذَعْرًا مِنْهُ مَا صَلَّى الصَّلَاةِ الْخَمْسَ لَوْقْتِهِنَّ، فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ؛ (١)

تا زمانی که انسان نماز های پنج گانه را در وقتش می خواند شیطان هراسناک و ترسان و از انسان بر کنار است، اما وقتی نمازهایش را ضایع کند و در وقت خود نخواند، بر او جرات پیدا می کند و او را به گناهان بزرگ وامی دارد.

و هم چنین از آن بزرگوار نقل شده که فرمود:

مَا مِنْ صَلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتَهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَيِ النَّاسِ: قُومُوا إِلَيَّ نِيرَانِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا بِصَلَاتِكُمْ؛ (٢)

وقت هر نمازی که می رسد فرشته ای برابر مردم ندا می دهد که برخیزید و آتشی که بر جان خود افروختید با نمازتان خاموش کنید.

برخی از آثار نماز در کلام عترت(ع)

مهم ترین آثار

اشاره

رسول اکرم ﷺ در بیانی کوتاه، بعضی از آثار با عظمت نماز را بیان فرموده است، راوی می گوید: از رسول خدا ﷺ در باره ی نماز پرسیدند، حضرت در پاسخ فرمود:

الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ، وَفِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ، فَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ، وَاللِّمَصِئَلِ حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَهُدًى وَإِيمَانٌ وَنُورٌ الْمَعْرِفَةِ، وَبَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ، وَرَاحَةٌ لِلْبَدَنِ، وَكَرَاهَةٌ لِلشَّيْطَانِ، وَسَلَاخٌ عَلَى الْكُفَّارِ، وَإِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ، وَقَبُولٌ

ص: ٢٤٢

١- ثواب الاعمال، ص ٣٢٠؛ وسائل الشيعه، ج ٤، ص ١١١، حديث ٤٦٤٦.

٢- امالی شيخ صدوق ص ٤٩٦ حديث ٣، بحار الانوار ج ٨٢ ص ٢٠٩ حديث ٢١.

لِلْأَعْمَالِ، وَ زَادَ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ، وَ شَفِيعَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَلَكِ الْمَوْتِ، وَ أُنِيسَ فِي قَبْرِهِ، وَ فِرَاشَ تَحْتِ جَنْبِهِ، وَ جَوَابَ
لِْمُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ.

وَ تَكُونُ صِيْلَمَاءُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمَحْشَرِ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ، وَ نُورًا عَلَى وَجْهِهِ، وَ لِبَاسًا عَلَى بَدَنِهِ، وَ سِتْرًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ، وَ حُجَّجَهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ
الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ، وَ نَجَاهُ لِبَدَنِهِ مِنَ النَّارِ، وَ جَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ، وَ مِفْتَاحًا لِلْجَنَّةِ، وَ مُهُورًا لِلْحُورِ الْعِينِ، وَ ثَمَنًا لِلْجَنَّةِ.

بِالصَّلَاةِ يُبْلَغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا؛ لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمْجِيدٌ وَ تَقْدِيسٌ وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ؛ (۱)

نماز از واجبات دین است، موجب خوشنودی خداست، طریقه ی پیغمبران، و موجب جلب محبت ملائکه است، نماز هدایت، ایمان، نور معرفت، برکت رزق و راحت بدن است، برای شیطان ناخوش آیند است، حربه ای در مقابل کفار، سبب مستجاب شدن دعا و قبولی اعمال است، توشه ی آخرت مومن است، شفیع نزد ملک الموت، و مونس قبر و فرش قبر اوست، جواب نکیر و منکر است.

نماز بنده در محشر، تاجی بر سرش، و نوری در صورتش، و لباسی بر تنش می باشد، پرده ای است بین او و آتش، حاجتی است بین او و پروردگارش، موجب نجات از جهنم و عبور از پل صراط است، کلید بهشت، و مهر حور العین و بهای بهشت است.

به واسطه ی نماز است که بندگان به بالا-ترین درجات می رسند؛ چون مشتمل بر انواع عبادات از تسبیح و تهلیل و تکبیر و تحمید و تقدیس

ص: ۲۴۳

۱- خصال شیخ صدوق ج ۲ ص ۵۲۲ حدیث ۱۱، بحار الانوار ج ۸۲ ص ۲۳۱ و ۲۳۲ حدیث ۵۶، مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۷۷ حدیث ۳۰۷۱.

پروردگار و سخن گفتن با خداوند و دعا کردن در درگاه او است.

هر یک از فقرات این حدیث شریف بهت آور است، و جای تأمل بسیار دارد، و ارزش و جایگاه نماز را می‌رساند.

نماز عامل کبرزادایی

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید:

فَرَضَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيْهاً عَنِ الْكِبْرِ؛ (۱)

خداوند ایمان را به خاطر تطهیر دل از شرک، و نماز را برای پاک شدن از تکبر واجب فرمود.

بالاترین عضو از اعضای بدن انسان پیشانی است که در نماز بر روی خاک قرار می‌گیرد تا او را از غرور و تکبر، متیت و خود خواهی برهاند؛ زیرا کبر ریشه‌ی بسیاری از اوصاف رذیله و در بسیاری موارد موجب کفر و گمراهی انسان می‌شود، از این رو حضرت امام محمد باقر علیه السلام نیز به تاسی از اجداد طاهرینش علیهم السلام در این باره به جابر جعفی علیه السلام می‌فرماید:

يا جابر! الصَّلَاةُ تَثْبِيْتُ لِلْإِخْلَاصِ وَ تَنْزِيْهُ عَنِ الْكِبْرِ؛ (۲)

نماز اثبات‌کننده‌ی اخلاص و پاک‌کننده‌ی انسان از کبر است.

ص: ۲۴۴

۱- نهج البلاغه حکمت ۲۵۲، من لا- يحضره الفقيه ج ۳ ص ۵۶۸ حدیث ۴۹۴۰، وافی ج ۵ ص ۱۰۶۳ حدیث ۳۹۵۰، وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۲ حدیث ۲۲.

۲- امالی شیخ طوسی ص ۲۹۶، فضائل ابن شاذان ص ۸، بشاره المصطفی ج ۲ ص ۱۸۹.

نماز سبب قبولی اعمال

رسول خدا ﷺ فرمود:

أَوَّلُ مَا يَحَاسِبُ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا، وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ مَا سِوَاهَا؛ (۱)

نخستین چیزی که از اعمال بنده مورد بررسی قرار می گیرد نماز است، اگر پذیرفته شود، سایر اعمال او نیز مورد قبول و اگر مورد پذیرش قرار نگیرد، بقیه ی اعمال او نیز مورد قبول نخواهد شد.

آثار ترک و سبک شمردن نماز

الف: در کلام خداوند

خداوند کریم جل جلاله همان گونه که نماز گزاران را مورد مدح و ستایش خود قرار داده و پاداش عظیمی را برای آن ها در نظر گرفته است، در مقابل، آن دسته از کسانی را که نماز را ترک کنند و یا سبک بشمارند، اهل جهنم دانسته و مورد مذمت و سرزنش قرار داده و عذابی دردناک را برای آن ها در نظر گرفته است.

در قرآن مجید آمده است:

اهل بهشت از اهل جهنم می پرسند چه عملی سبب شد که شما اهل جهنم شدید؟

آن ها در پاسخ می گویند:

(لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ) (۲)

ص: ۲۴۵

۱- کافی ج ۳ ص ۲۶۸ ضمن حدیث ۴، تهذیب الاحکام ج ۲ ص ۲۳۹ ضمن حدیث ۹۴۶، فلاح السائل ص ۱۲۷، مضمون

همین حدیث در امالی شیخ صدوق ص ۶۴۱.

۲- سوره ی مدثر، آیه ی ۴۳.

ما از نماز گزاران نبودیم.

و هم چنین در آیه ی دیگر راجع به کسانی که نسبت به نماز بی اعتنا هستند می فرماید:

(فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ) (۱)

پس وای بر نماز گزارانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند.

ب: در لسان روایات معصومین (ع)

کفر نازک الصلاة

عبیده بن زراره می گوید: از حضرت امام جعفر صادق \square پرسیدم گناهان کبیره چیست؟

حضرت \square در جواب فرمودند:

هُنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ \square سَبْعٌ: الْكُفْرُ بِاللَّهِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ، وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَ أَكْلُ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْتِهِ، وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا، وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ، وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ؛

آن گناهان در کتاب جدم امیرالمومنین \square هفت مورد است: ۱ - کفر به خدا، ۲ - قتل نفس، ۳ - عقوق و ناسپاسی حق پدر، ۴ - خوردن ربا پس از علم به حرمتش، ۵ - خوردن مال یتیم به ناحق، ۶ - گریز از جبهه ی جهاد، ۷ - تعرب پس از هجرت (۲)

ص: ۲۴۶

۱- سوره ی ماعون آیه ی ۴ و ۵.

۲- تعرب بعد از هجرت یعنی کسی که از بادیه و بیابان هجرت کرد و به شهر آمد، و جزو جامعه ی اسلامی شد، و به اعتقادات اسلامی معتقد گشت، و به آداب دینی عمل کرد، نباید دیگر تعرب کند، یعنی به خوی و آداب اعراب باز گردد و به میان آنان برود، و از اسلام و مسلمانی دور شود.

دوباره از حضرت پرسیدم آنچه را نام بردید از گناهان کبیره هستند؟

حضرت □ فرمود: «نَعَمْ» آری.

از آن حضرت پرسیدم خوردن یک درهم از مال یتیم از روی ظلم بزرگ تر است یا ترک نماز؟

امام □ فرمودند:

تَرْكُ الصَّلَاةِ؛

ترک نماز.

پرسیدم شما ترک نماز را از گناهان کبیره نشمردید؟!

حضرت در پاسخ فرمود:

أَيُّ شَيْءٍ أَوْلُ مَا قُلْتَ لَكَ؟

آن را که به عنوان اول برایت گفتم چه بود؟

عرض کردم: کفر بود.

امام صادق □ در ادامه فرمود:

فَإِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ كَافِرٌ، يَعْنِي مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ؛(۱)

به راستی که ترک کننده ی نماز بدون سبب و عذری کافر است.

محرومیت از شفاعت

رسول اکرم □ فرمودند:

لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ، فَلَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ؛(۲)

ص: ۲۴۷

۱- کافی ج ۲ ص ۲۷۹ حدیث ۸، وسائل الشیعه ج ۴ ص ۴۲ حدیث ۴۴۶۵

۲- محاسن برقی ج ۱ ص ۷۹، کافی ج ۶ ص ۴۰۰ حدیث ۱۹، ثواب الأعمال ص ۳۰۹

کسانی که نماز را سبک بشمارند، به شفاعت ما نمی رسند، و در کنار حوض کوثر نیز بر من وارد نخواهند شد.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

اکنون با تأملی دوباره به کلام امیرالمومنین \square بهتر درمی یابیم که حضرت در این وصیت چه پیامی دارد.

اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ؛ فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ، وَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ؛

اطاعت کنید خداوند را و تقوای الهی را رعایت کنید در باره ی نماز؛ زیرا که آن بهترین عمل و ستون دین شما است.

اولاً: حضرت \square همه ی مردم مخصوصاً شیعیان خود را از اهل خود دانسته و به آن ها سفارش کرد که نماز را بپا دارید؛ زیرا او که به حق، خود قرآن ناطق است، در این امر نیز تاسی به قرآن نموده که خداوند در قرآن کریم فرستاده اش فرمود:

(وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا) (۱)

خانواده ی خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش.

حضرت امیر \square در آن حال، همه ی مومنین را چون اهل خود فرض نموده آن ها را امر به نماز نموده است.

ثانیاً: حضرت در آن لحظات سخت و حال احتضار، سفارش به نماز کرده است، و قرآن مجید و پیامبران الهی و معصومین \square نیز به این امر سفارش نموده اند رازش این است که نفس سفارش و توصیه نمودن به نماز، از نظر شرع دارای اهمیت و مطلوبیت است، و هر چه بیش تر گفته شود بهتر است.

ص: ۲۴۸

مؤید این مدعا این است که در شرع مقدس به گفتن اذان و اقامه و اظهار آن دستور داده شده است، و این نه تنها برای مؤذن است، بلکه حتی بر نماز گزاری که برای اقامه ی نماز مهیا شده است نیز مستحب مؤکد است که در چنین حالی نیز «حی علی الصلاه» و «قد قامت الصلاه» را بگوید؛ زیرا ترك آن، حقیقت نماز را کم رنگ می کند.

ثالثاً: تعبیر امیرالمومنین □ نسبت به نماز بسیار زیباست که فرمود:

فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ؛

نماز بهترین عمل است.

پروردگار متعال نیز برای انجام این بهترین عمل، بهترین زمان را برای گفت و گو با بنده ی گریز پای خود انتخاب کرد که بنده ی او در چنین ساعتی به سوی راز و نیاز با او بشتابد.

ندای آسمانی «حی علی الصلاه» و «حی علی الفلاح»، و «حی علی خیر العمل» از کنگره ی عرش با آوازی بلند به گوش می رسد، همان گونه که رسول اکرم □ فرمود:

مَا مِنْ صِلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتَهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَي النَّاسِ: أَيُّهَا النَّاسُ! قُومُوا إِلَي نِيرَانِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا بِصَلَاتِكُمْ؛ (۱)

هیچ نمازی وقتش فرا نمی رسد مگر آن که فرشته ای در برابر مردم ندا می دهد که به پا خیزید و آتش هایی را که بر پشت خویش برافروخته اید، با نماز خود خاموش کنید.

ص: ۲۴۹

۱- من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۰۸ حدیث ۶۲۴، أمالی شیخ صدوق ص ۴۹۶، علل الشرایع ج ۱ ص ۲۴۷.

بر شیعه ی امیرالمومنین □ لازم است با شیندن اذان، خویش را برای مناجات عاشقانه با معبود آماده کند و به نماز روی آورد.

رابعاً: «وَإِنَّهَا عَمُودٌ دِينِكُمْ» و نماز عمود و ستون دین شماست.

و تعبیر پر محتوای امیرالمومنین □ که فرمود: ستون دین شماست، نه ستون دین خداست، دلیل آن این است که نماز، انسان را پیوسته به یاد خدا می اندازد، و روح تقوا را در انسان زنده می کند، و او را از فحشا و منکرات و ترک طاعات باز می دارد.

به این ترتیب، خیمه ی دین برپا می ماند، و ترک آن نیز موجب فروپاشی خیمه ی دین می شود؛ زیرا سقف خیمه ی بی عمود، توان استواری و

ایستادگی ندارد.

ص: ۲۵۰

زکات در وصیت امیرالمومنین (ع)

اللَّهُ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ؛ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ؛

خداوند متعال را به یاد آورید و او را اطاعت کنید در باره ی زکات؛ زیرا که زکات آتش خشم پروردگار شما را خاموش می کند.

اهمیت زکات در اسلام

خداوند حکیم عزّ اسمه برای دست یافتن انسان، به برترین و با فضیلت ترین کمال و سعادت در دو سرای دنیا و آخرت، برنامه ای کامل و حکیمانه ای را فراهم نموده، و عمل به آن را به عنوان عملی واجب بر عهده ی بندگان قرار داد تا با به کار گرفتن آن، حوایج مادی و معنوی، روحانی و جسمانی آن ها تامین گردد.

خداوند قادر متعال، اعمال مخصوصی چون نماز و روزه را به عنوان یک امر عبادی بر انسان واجب نموده است تا از این طریق، انسان لباس کبر و غرور و نخوت را از تن بیرون آورده و لباس بندگی بپوشد، و در مقام قدس ربوبی و ملکوتی او سر تعظیم فرود آورده و خاک ساری کند.

بعضی دیگر از وظایف انسان، در برابر مسئولیت اجتماعی است که گاهی در فریضه ای بزرگ و مهم و ارزشمندی چون امر به معروف و نهی از منکر، جلوه می کند که در این صورت بر مکلف لازم و ضروری است تا وارد عرصه شود، و با

گفتار و کردار، آن را پاس بدارد، ره آورد عمل به این فریضه ی الهی دو اثر ارزشمند است که از یک سو جامعه را از هر گونه تباهی و بی بند و باری نجات می بخشد، و اثری دیگر امتیّت را - که یکی از بزرگ ترین نعمت‌ها، از سوی خداوند متعال به بنده گان است - برای همه ی مردم جامعه به ارمغان می آورد.

و برخی از وظایف اجتماعی و مسئولیت انسانی، در مسایل مالی و کمک در اداره ی امور اقتصادی مردم جامعه، در فریضه ای مانند زکات ظهور می کند که این امر مهم، به عنوان یکی از فروع دینی، بر انسان واجب شده، و در مسایل مدوّن فقه اسلامی، حدود و اندازه ی آن کاملاً مشخص، و موارد مصرف آن در قرآن و شریعت بیان شده است که در واقع وجوب این امر از سوی خداوند تبارک و تعالی، مانند سایر برنامه های تربیتی برای سعادت، رشد و تکامل انسان است.

اکنون، با پیروی از بیان شریف امیرالمومنین □ که در باره ی زکات فرمودند:

«اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ؛ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ»

به طور اختصار به بیان اهمیت و جایگاه رفیع آن در کلام نورانی خداوند سبحان و سخنان گهربار اهل بیت □ پرداخته و سپس به برخی از آثار و برکات زکات و عواقب عدم پرداخت، و سبک شمردن این فریضه ی الهی اشاره می کنیم.

واژه ی «زکات» در لغت و اصطلاح

زکات در لغت و در لسان قرآن، به دو معنای «طهارت و پاکیزگی و رشد و نمو» به کار رفته است. (۱)

ص: ۲۵۴

۱- مفردات الفاظ القرآن ص ۳۸۰ و ۳۸۱، مجمع البحرین ج ۱ ص ۲۰۳.

واژه ی زکات در احکام اسلامی به آن اندازه از سهمی اطلاق می شود که بعد از حد نصاب رسیدن مال، انسان مومن آن را از اموال خود جدا نموده و در موارد مقرر - که در قرآن و شریعت معین شده است - به مصرف می رساند که با این عمل و انجام فریضه ی الهی به تزکیه ی نفس و روح خود می پردازد و هم موجب رُشد و نمو و افزایش اموال خود گشته، و هم گامی مثبت در راه رضای خالق و خلق برداشته که (خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ) (۱) مصداق آن شده باشد.

علت وجوب زکات در احکام اسلام

از با ارزش ترین برنامه های اقتصادی در جوامع دینی و مذهبی در شرع مقدس اسلام فریضه ی زکات است که در میان واجبات دینی هیچ واجبی به اندازه ی نماز و زکات مورد تأکید و توجه قرار نگرفته و به انجام آن سفارش نشده است.

خداوند متعال در قرآن کریم، هدف از تشریح زکات را این گونه بیان فرمود:

(وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ) (۲)

به یاد آورید هنگامی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که به جز خدای را نپرستید، به پدر و مادر خود نیکی کنید، (و هم چنین) به خویشاوندان و یتیمان و فقیران (نیز نیکی نمایید)، و به زبان خوش با مردم سخن بگویید، و نماز بپای دارید و زکات مال را خود بدهید.

ص: ۲۵۵

۱- سوره ی توبه آیه ی ۱۰۳: از اموال آن ها صدقه ای (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله ی آن، آن ها را پاک سازی و پرورش دهی.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۸۳.

به روشنی معلوم است که هدف از وجوب پرداخت زکات از سوی شرع مقدّس، در واقع تأمین نیازها و هزینه های گوناگون اداره ی امور جامعه اسلامی، و حذف و یا کم رنگ کردن اختلاف طبقاتی است؛ زیرا مردم جامعه از نظر قدرت مالی در طبقات مختلف در کنار هم زندگی می کنند، عده ای از مردم از مال و ثروت بسیار و بیش از حد نیاز خود، برخوردارند، و از نظر معیشت و اداره ی امور زندگی دچار مشکل نشده و به طور متعادل، در رفاه و آسایش زندگی می کنند.

بعضی دیگر با در اختیار داشتن اموال بسیار، به دام اسراف گرفتار شده و در تمام ابعاد زندگی، به تجمل گرایی روی آوردند، و با بنا نهادن ساختمان های خیره کننده، و پوشیدن لباس های فاخر، در میان مردم به فخرفروشی مشغولند، و با غرور و تکبر زندگی می کنند، و خود را از سایرین ممتاز می دانند.

ولی در مقابل این دو گروه، دسته ای قرار دارند که از نظر مالی و اقتصادی، بسیار ضعیف و ناتوان، و با فقر و تنگ دستی زندگی سخت و مشقت باری را می گذرانند، و تأمین نمودن کم ترین میزان معیشت، یکی از بزرگ ترین دغدغه های آن هاست.

از طرفی، آفت فقر یکی از موانع رشد و ترقی و شکوفایی استعدادهای انسانی شمرده می شود که امام امیرالمومنین علی علیه السلام در بیان کوتاه اما پر محتوا، آن را به عنوان مرگ بزرگ توصیف می کند و می فرمایند: «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ» (۱)

دین مبین اسلام، برای ارتقا بخشیدن سطح کمی و کیفی زندگی مردمان ضعیف و فقر زدایی، و هم چنین تنظیم امور اقتصاد و معیشت، و برای مساعدت و حمایت مردمان ضعیف و ناتوان و نیازمند جامعه، پرداخت های مالی چون

ص: ۲۵۶

۱- نهج البلاغه حکمت ۱۵۴: فقر مرگ بزرگ است.

خمس و زکات را به عنوان یکی از مسایل مهم و ضروری، واجب نموده تا بتواند از طریق ثروت ثروتمندان، و اموال افراد پردرآمد، بزرگ ترین عامل رکود و اختلاف طبقاتی را تا حد امکان بهبود ببخشد.

جایگاه زکات در کلام وحی

خداوند عزّ و جلّ در قرآن کریم در باره ی زکات می فرماید:

(وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ) (۱)

نماز بپادارید و زکات پرداخت نمایید و با رکوع کننده گان رکوع کنید.

در آیه ی شریفه ی دیگر فرمود:

(وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ) (۲)

نماز بپادارید و زکات پرداخت نمایید، و آنچه از کارهای خیری را برای خود از پیش می فرستید، همان را در نزد خداوند جلّ جلاله می یابید.

اهمیت جایگاه زکات در آیات شریفه ی قرآن کریم هنگامی بیش تر هویدا می شود که در کنار نماز - که عمود الدین می باشد - سفارش به آن شده است.

در موارد دیگر از آیات قرآن کریم، پروردگار متعال کسانی را که انجام این فریضه ی الهی را ترک نموده اند، به منزله و ماند افرادی می -شمارد که گویا اصلا ایمان و اعتقادی به آخرت و قیامت ندارند، لذا می فرماید:

(الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ) (۳)

ص: ۲۵۷

۱- سوره ی بقره آیه ی ۴۳.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۱۰.

۳- سوره ی فصلت آیه ی ۷.

آن دسته از کسانی که زکات مال خود را پرداخت نمی کنند، آن ها منکر قیامت هستند.

و هم چنین در باره ی ثروتمندان و مال اندوزانی که از مال خود انفاق نمی کنند فرموده:

(وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) (۱)

و کسانی که طلا و نقره را ذخیره می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند، آن ها را به عذابی بسیار درد ناک بشارت ده.

با توجه به این آیات کریمه، به روشنی پیداست که حضرت امیرالمومنین \square همه را به اطاعت از فرمان خداوند متعال و قرآن کریم وصیت می کند:

وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ.

روشن است که کلام امام، امام کلام است و باید نصب العین همگان

قرار گیرد.

زکات در آئینه ی احادیث

در کتب روایی شیعه و سنی (۲) روایات فراوانی به چشم می آید که

ص: ۲۵۸

۱- سوره ی توبه آیه ی ۳۴.

۲- در صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۷۲ و عمده الفاری ج ۱۸ ص ۱۵۴ از پیامبر اکرم \square چنین روایت می کنند که آن حضرت فرمود: مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهُ مِثْلَ لَهُ مَالُهُ شُجَاعًا أَقْرَعَ لَهُ زَيْبَتَانِ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَأْخُذُ بِلَهْزِمَتَيْهِ - يَعْنِي بِشِدْقَيْهِ - يَقُولُ: أَنَا مَالِكٌ، أَنَا كَنْزُكَ؛ کسی که خداوند به او مالی عطا فرماید-د و زکاتش را ندهد، روز قیامت آن مال به صورت مار کچلی که دو نقطه ی سیاه بر روی چشم دارد، ظاهر می شود، و دور \square \square گردنش می پیچد، سپس استخوان بیخ دو گوشش را می گیرد و می گوید: من مال تو ام، من گنج تو ام. هم چنین در صحیح مسلم ج ۳ ص ۷۰ و سنن کبری بیهقی ج ۴ ص ۱۳۷ از رسول گرامی اسلام \square روایت می کنند که فرمود: مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَمْ يَأْتِ بِهَا زَكَاتًا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ، فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ، فَيَكْوَى بِهَا جَنْبَهُ وَجَبِينَهُ وَظَهْرَهُ، كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ؛ هر صاحب طلا و نقره ای که حق آن (زکاتش) را پرداخت نکند، روز قیامت برایش قطعه هایی از آتش ساخته می شود که در آتش جهنم داغ م-ی گ-ردد، و پ-هل-و و پیش-ان-ی و پشتش با آن داغ گردد، و چون سرد شود دوباره داغ کرده شود در آن روزی که به اندازه ی پنجاه هزار سال است تا در میان بندگان حکم صورت گیرد. و نیز در مورد فضیلت پرداخت زکات در مسند احمد حنبل ج ۲ ص ۳۳۱ و صحیح بخاری ج ۲ ص ۱۱۳ روایتی از آن بزرگوار نقل کردند که فرمود: مَنْ تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ - وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا الطَّيِّبَ - وَإِنَّ اللَّهَ يَتَقَبَّلُهَا بِيَمِينِهِ،

ثُمَّ يُرَبِّيهَا لِصَاحِبِهِ كَمَا يُرَبِّي أَحَدُكُمْ فَلَوْهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ الْجَبَلِ؛ کسی که به اندازه ی خرمایی از کسب حلال صدقه دهد - و خداوند جز پاک را نمی پذیرد - همانا خداوند آن را با دست راست قدرتش قبول می کند و برای صاحبش پرورش می دهد، هم چنان که یکی از شما کره اسب خود را پرورش می دهد تا این که مثل کوه بزرگ شود.

معصومین □ اهمیت و جایگاه خاص زکات را بیان نموده اند که به بعضی از آن ها را اشاره می شود.

رسول مکرم اسلام □ در بیانی لطیف، مومنین را تشویق و ترغیب به پرداخت زکات می کند و می فرماید:

آتُوا الزَّكَاةَ مِنْ أَمْوَالِكُمْ الْمُسْتَحِقِّينَ لَهَا مِنَ الْفُقَرَاءِ وَالضُّعْفَاءِ، لَا تَبْخَسُوهُمْ وَ

ص: ۲۵۹

لَا تُوكِسُوهُمْ، وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ أَنْ تُعْطُوهُمْ؛ فَإِنْ مَنْ أَعْطَى زَكَاهَ مَالِهِ طَيِّبَهُ بِهَا نَفْسُهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ مِنْهَا قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ ذَهَبٍ، وَقَصْرًا مِنْ فِضَّةٍ، وَقَصْرًا مِنْ لَوْلُؤٍ، وَقَصْرًا مِنْ زَبْرَجِدٍ، وَقَصْرًا مِنْ زُمُرَدٍ، وَقَصْرًا مِنْ جَوْهَرٍ، وَقَصْرًا مِنْ نُورِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛

زکات اموال تان را همانا به مستحقین آن که همان فقرا و مساکین هستند بدهید، و به آن ها کم و جنس نامرغوب و پست ندهید؛ زیرا کسی که زکات مالش را با میل و رغبت از بهترین مال بدهد، پروردگار متعال در مقابل هر دانه ای که به عنوان زکات می دهد، کاخی از طلا و قصری از نقره، و کاخی از مروارید، و قصری از زبرجد، و کاخی از زمرد، و قصری از گوهر، و کاخی از نور پروردگار عالمان به او عنایت می فرماید.

حضرت امام جعفر صادق ع به عمار سبابی فرمودند:

يَا عَمَّارُ! أَنْتَ رَبُّ مَالٍ كَثِيرٍ؟

ای عمار! تو اموال بسیاری در اختیار داری؟

عمار عرض کرد: آری فدایت شوم.

امام ع فرمود:

فَتَوَدَّى مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ مِنَ الزَّكَاةِ؟

آیا زکاتی را که خداوند متعال بر تو واجب نموده می پردازی؟

عمار عرض کرد: آری.

امام صادق ع فرمود:

يَا عَمَّارُ! فَتَخْرِجُ الْحَقَّ الْمَعْلُومَ مِنْ مَالِكَ؟

ای عمار آیا حق معلوم را از مال خود بیرون می کنی؟

عمار گفت: آری.

حضرت فرمود:

فَتَصِلُ قَرَابَتَكَ؟

به خویشاوند خود رسیدگی می نمایی؟

عرض کرد: بلی.

امام فرمود:

وَتَصِلُ إِخْوَانَكَ؟

به برادران دینی خود رسیدگی می کنی؟

عمار گفت: آری.

تا آن جا که امام فرمود:

أَمَّا إِنَّهُ مَا قَدَّمْتَ فَلَنْ يَشْبِقَكَ وَ مَا أَخَّرْتَ فَلَنْ يُلْحَقَكَ؛(۱)

آگاه باش هرچه را که از پیش فرستادی از بین نخواهد رفت و به دیگری نخواهد رسید، و آنچه را که پس از خود برجای نهادی به تو نخواهد پیوست.

این بیان شریف امام صادق علیه السلام حامل پیامی است، و آن این که آنچه را که انسان در راه رضایت و خشنودی معبود خود پرداخت می نماید، فانی نشدنی است، و اگر کسی خودش برای فلاح و آسایش خود در سرای دیگر اقدام به عملی نکند، دیگران قادر به چنین کار و خدمتی در حق او نخواهند بود.

برگ عیشی به گور خویش فرستکس نیارد ز پس تو پیش فرست

ص: ۲۶۱

۱- کافی، ج ۳، ص ۵۰۱، حدیث ۱۵؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷، حدیث ۱۵۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰، حدیث ۱۱۴۹۵.

۱- فرو نشاندن غضب پروردگار

یکی از مهم ترین آثار زکات، خاموش نمودن آتش غضب پروردگار است که امیرالمومنین علیه السلام به آن اشاره دارد که پرداخت زکات، غضب پروردگار را زایل می کند «فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ».

البته ناگفته نماند همان گونه که سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام به هنگام مناجات به درگاه ایزد یکتا عرضه می دارد:

«ای کسی که رحمت بی منتهایت بر خشم و غضب تو پیشی می گیرد: یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ»، پیوسته رحمت واسعه ی خداوند مهربان بر قهر و غضب او سبقت می گیرد.

امیرالمومنین علی علیه السلام در جنگ صفین، در یوم الهمیر، هنگامی که آتش جنگ شعله ور شد و کار بر رزمندگان اسلام دشوار گشت، برای سربازان و دوستان خود دعایی خوانده و پروردگار متعال خویش را با همین جمله توصیف فرموده است: «یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» (۱).

و در «قصص الانبیا» خبری روایت شده که بسیار حیرت انگیز است، و آن این که خدای سبحان به مدّت چهار صد سال به دشمن خود فرعون، مهلت داد و او را به عذاب خود مواخذه نکرد، و فرعون نیز در تمام این مدّت با نخوت غرور، ادّعای ربوبیت می کرد.

و سرّ مهلت خداوند به فرعون، به این سبب بود که او با همه ی قدرت و عظمتش از اخلاق شایسته ای برخوردار بود به گونه ای که مردم به آسانی به دربار او

ص: ۲۶۲

۱- مهج الدعوات ص ۹۹، بحار الانوار ج ۹۴ ص ۲۳۹.

راه می یافتند، و مشکلات خود را عنوان می کردند.

او هرگز بر سر سفره ی غذا نمی نشست مگر این که در کنار سفره ی او یتیمان و مساکین هم حضور داشته باشند.

از حضرت امیرالمومنین ع روایت شده که فرمود:

«مهلت دادن خداوند به فرعون به جهت آسان گیری او در اجازه دادن به مردم، و بخشش و اطعام او به طبقات مختلف مخصوصاً نیازمندان بود، و خداوند متعال هم در این دنیای فانی به او مهلت داد تا اعمالی را به انجام برساند» [\(۱\)](#)

با توجه به این خبر شریف، رحمت بی انتهای حق، هر شخص کریم و سخاوتمندی را که از اموال خود به دیگران ببخشد شامل می شود اگر چه آن شخص دشمن او فرعون باشد.

۲ - افزایش مال

یکی از آثار و برکات پرداخت زکات، افزایش و فزونی در اموال است که حضرت امام موسی کاظم ع در این باره می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَضَعَ الزَّكَاةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ، وَ تَوْفِيرًا لِّلْمَوَالِكُمْ؛ [\(۲\)](#)

همانا پروردگار متعال زکات را برای تهی دستان قوت و روزی، و برای شما عطا کنندگان، سبب افزایش اموال تان قرار داد.

امیرالمومنین علی بن ابی طالب ع می فرماید:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ: عَلَّمَنِي عَمَلًا... وَيُثْرِي اللَّهُ مَالِي...

ص: ۲۶۳

۱- قصص الأنبياء جزایری ص ۲۴۲.

۲- کافی ج ۳ ص ۴۵۸ حدیث ۶، وافی ج ۱۰ ص ۴۷ حدیث ۹۱۲۵، وسائل الشیعه ج ۹ ص ۲۱۱ حدیث ۱۱۸۶۰.

فَقَالَ: ... وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَشْرِيَ اللَّهُ مَالَكَ فَزَكَّهُ؛ (۱)

شخصی نزد رسول خدا ﷺ مشرف شد و عرض کرد: کاری را به من بیاموز که وقتی آن را انجام دادم بر مال من افزوده شود، حضرت فرمود: اگر می خواهی خداوند مال تو را زیاد کند، زکات مال خود را پرداخت کن.

۳- زیادی روزی

از آثار و برکات پرداخت زکات، افزایش در رزق می باشد، معلوم است که زیادی روزی، غیر از فزونی مال است، چون رزق در امور مختلفه جریان دارد، و مال یک قسم از اقسام روزی است.

حضرت امام محمد باقر ﷺ فرمودند:

وَ الزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ (۲)

زکات رزق و روزی را افزایش می دهد.

هم چنین صدیقه ی کبری فاطمه ی زهرا ﷺ در خطبه ی فدکیه فرمودند:

فَفَرَضَ اللَّهُ... وَ الزَّكَاةُ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ؛ (۳)

خداوند متعال زکات را به جهت فزونی و فراوانی رزق و روزی

واجب کرد.

ص: ۲۶۴

۱- اعلام الدین ص ۲۶۸، بحار الانوار ج ۸۵ ص ۱۶۴ حدیث ۱۲، مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۴۷۲ حدیث ۵۱۹۴.

۲- امالی شیخ طوسی ص ۲۹۶ ضمن حدیث ۵۸۲، بحار الانوار ج ۹۸ ص ۱۴ حدیث ۲۷۵.

۳- من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۵۶۸ حدیث ۴۹۴۰، وافی ج ۵ ص ۱۰۶۳ حدیث ۳۹۵۰، وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۲ حدیث ۲۲.

یکی دیگر از آثار پرداخت زکات، تأمین کننده ی امتیّت و حفظ و حراست از اموال است، امام جعفر صادق ؑ فرمودند:

مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَضْيِيعِ الزَّكَاةِ فَحَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ؛ (۱)

هیچ مالی در خشکی و یا در دریا از بین نرفت مگر این که نسبت به پرداخت زکات آن کوتاهی شد، پس اموال خود را با پرداخت زکات حفظ کنید.

با توجه به بیان شریف امام صادق ؑ، زکات حصن حصین اموال است.

نتیجه ی ترک زکات

همان گونه که پرداخت زکات آثار حیات بخش را با خود به همراه دارد، عدم پرداخت آن نیز دارای آثاری سوء است که دامن گیر انسان می شود، آن دسته از کسانی که زکات پرداخت نمی کنند از دایره ی اسلام خارج هستند.

امام صادق ؑ در این باره فرمود:

مَنْ مَنَعَ قَيْرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: (۲)

ص: ۲۶۵

۱- محاسن برقی ج ۱ ص ۲۹۵ حدیث ۴۵۸، وسائل الشیعه ج ۹ ص ۲۹ حدیث ۱۱۴۴۰.

۲- رسول خدا ؑ در کلام خود به آیه ی قرآن اشاره دارد که کاملش این است: **إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ**؛ آن ها هم چنان به راه غلط خود ادامه می دهند تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: پروردگار من مرا بازگردانید شاید در آنچه ترک کردم و کوتاهی نمودم عمل صالحی انجام دهم، ولی به او می گویند: چنین نیست! این سخنی است که او ؑ به زبان می گوید، (و اگر باز گردد، کارش هم چون گذشته است)، و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند. سوره ی مومنون آیه

(رَبِّ اَرْجِعُونِ لَعَلِّيْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ) (۱)

هر کس قیراطی (۲) از زکات واجب را نپردازد، نه مومن است و نه مسلمان، بلکه همان کسی است که خدای تعالی درباره اش فرموده: زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گویند: پروردگار من! مرا بازگردانید شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم.

و در آیه ی شریفه ی دیگر می فرماید:

(وَ اَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَأْتِيْ اَحَدَكُمْ الْمَيُوْتُ فَيَقُوْلَ رَبِّ لَوْلَا اَخْرَجْتَنِ اِلَى اَحَدٍ قَرِيْبٍ فَاَصِيْدَقَ وَ اَكُنْ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ) (۳)

از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید پیش از آن که مرگ یکی از شما فرا رسد و بگویند: پروردگارا چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تاخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم!؟

شخصی از رسول خدا ﷺ درباره ی این دو آیه ی شریفه ی پرسید:

ص: ۲۶۶

۱- کافی ج ۳ ص ۵۰۳ حدیث ۳، من لایحضره الفقیه ج ۲ ص ۱۳ حدیث ۱۵۹۳، تهذیب الاحکام ج ۴ ص ۱۱۱ حدیث ۳۲۵، وسائل الشیعه ج ۹ ص ۳۲ حدیث ۱۱۴۵۱.

۲- قیراط واحد وزن است، و در فقه اسلامی به معادل ۱/۲۱ مثقال گفته می شود، در این روایت خواسته اهمیت زکات را به روشنی معلوم سازد، از این واژه استفاده می شود که اگر چه وزن بسیار ناچیزی است ولی ندادن زکات آن کیفر بزرگ را در پی دارد.

۳- سوره ی منافقون آیه ی ۱۰.

(وَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ) (۱)

وای بر مشرکان، همانا آن‌ها که زکات را نمی‌پردازند، و آخرت را منکرند.

حضرت □ فرمود:

يَعَاقِبُ اللَّهُ الْمُشْرِكِينَ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَهُ:

(قَوْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يَرَاؤُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ) (۲)

أَلَا إِنَّ الْمَاعُونَ الزَّكَاةُ؛

خداوند مشرکان را عقاب می‌فرماید، مگر این سخن حق را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

«وای بر نماز گزاران، آنان که در نماز خود غافلند، و آنان که خود نمایی می‌کنند و ماعون را نمی‌پردازند».

بدانید و آگاه باشید که «ماعون» همان زکات است.

سپس رسول اکرم □ فرمود:

وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا خَانَ اللَّهُ أَحَدٌ شَيْئًا مِنْ زَكَاتِهِ مَالِهِ إِلَّا مُشْرِكٌ بِاللَّهِ؛ (۳)

سوگند به آن که جان محمد در دست قدرت اوست، هیچ کس در هیچ چیزی از زکات مال خود به خدا خیانت نکرد (و آن

را پرداخت نمود) مگر آن که مشرک به خداست.

ص: ۲۶۷

۱- سوره ی فصلت آیه ی ۶ و ۷.

۲- سوره ی ماعون آیه ی ۴ - ۷.

۳- دعائم الاسلام ج ۱ ص ۲۴۷، بحار الانوار ص ۲۹ حدیث ۱۳، مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۲۴ حدیث ۷۵۴۴.

اللَّهُ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ؛ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ.

اما توجه به این نکته لازم است که زکات منحصر در امور تسعه (۱) نه گانه نیست، بلکه توسعه دارد، و بسیاری از امور از نظر اخلاقی دارای زکات هستند، حال چه به صورت واجب یا مستحب.

فهم این نکته با تاملی در وصیت حضرت □ کاملاً روشن می گردد، امیرالمومنین □ در وصیت پر محتوای خویش، زکات را به طور مطلق بیان فرموده اند، و قید و شرطی برای آن ذکر نکرد، او که کلام مبارکش فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق است، و عالم و آگاه به همه ی امور، و مشرف بر همه چیز است، چنین وصیت کند: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ».

بیان نورانی آن حضرت، حامل این پیام است که هر چیزی دارای زکات می باشد، و زکات هر چیزی به حسب حال و وضع خودش است.

امیرالمومنین □ در کلام نورانی دیگر با صراحت، جامعیت زکات را بیان نموده و فرمودند: (۲)

ص: ۲۶۸

۱- در این باره به رساله های عملیه ی مراجع عظام تقلید مراجعه شود، امور نه گانه ی متعلق زکات عبارتند از: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند

۲- احادیثی به همین مضمون از معصومین دیگر نیز روایت شده است مانند کلام حضرت امام محمد باقر □ که فرمود: زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ؛ زکات علم این است که آن را به بندگان خدا بیاموزی. کافی ج ۱ ص ۴۱ حدیث ۳، مرآة العقول ج ۱ ص ۱۳۵ حدیث ۳، مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۴۶ حدیث ۷۶۱۵ □ □ و کلام زیبای امام صادق □ که فرمود: لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَ زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَهْلَهُ. بحار الانوار ج ۹۳ ص ۱۳۶ حدیث ۱۶،

زَكَاهُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ، زَكَاهُ الْجَاهِ بَدْلُهُ، زَكَاهُ الْحِلْمِ الْإِحْتِمَالُ، زَكَاهُ الْمَالِ الْإِفْضَالُ، زَكَاهُ الْقُدْرَةِ الْإِنْصَافُ، زَكَاهُ الْجَمَالِ الْعَفَافُ، زَكَاهُ الظَّفَرِ الْإِحْسَانُ، زَكَاهُ الْيَدَنِ الْجِهَادُ وَالصِّيَامُ، زَكَاهُ الْيَسَارِ بُرِّ الْجِيرَانِ وَصَلَمَةُ الْأَرْحَامِ، زَكَاهُ الصَّحَّةِ السَّعْيُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، زَكَاهُ الشَّجَاعَةِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ (۱)

زکات علم نشر آن است، زکات پُست و مقام بخشش است، زکات بردباری تحمّل است، زکات مال بخشش به دیگران می باشد، زکات قدرت انصاف است، زکات زیبایی عفت و پاکدامنی می باشد، زکات پیروزی نیکی کردن است، زکات بدن جهاد و روزه گرفتن می باشد، زکات یسار و توانگری نیکی بر همسایگان و صله ی رحم است، زکات تندرستی کوشش در اطاعت از خداوند، و زکات شجاعت جهاد در راه خدا متعال است.

بر شیعیان و پیروان امیرالمومنین □ لازم است که در پیروی از کلام نورانی آن وجود مقدس کوشا باشند، و گوش جان به وصیت حضرت سپرده و آن را نصب العین خود قرار دهند تا در انجام واجبات و پرداخت زکات و هم چنین در نشر معارف دینی موفق باشند.

ص: ۲۶۹

۱- مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۴۷ حدیث ۷۶۱۶، لازم به یادآوری است که این حدیث در غرر الحکم به صورت تقطیع و پراکنده آمده است.

فصل یازدهم: عظمت ماه صیام در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۲۷۱

اللَّهُ فِي صِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ؛

خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد داشته باشید در باره ی روزه ی ماه مبارک رمضان؛ زیرا که روزه داشتن آن، سپری در برابر آتش دوزخ است.

این قطعه از بیان نورانی مولای متقیان علیؑ مانند سایر سخنان گهربار و دلنشین او، منشا و حیانی دارد.

با مراجعه به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت گرامی پیامبر اسلامؐ، عظمت این نصیحت گران سنگ بیش تر روشن و هویدا می گردد.

واژه ی «رمضان» در لغت

«رمضان» در لغت از «رمضاء» به معنای شدت حرارت گرفته شده و معنای سوزانیدن را به همراه دارد(۱)؛ چون در این ماه شریف گناهان آمرزیده می شود، به این جهت آن را «رمضان» گفته اند.

پیامبر اکرمؐ هم در باره ی نام ماه مبارک «رمضان» می فرماید:

ص: ۲۷۳

۱- العین ج ۷ ص ۳۹، صحاح اللغه ج ۳ ص ۱۰۸۰، لسان العرب ج ۷ ص ۱۶۰: «الرمض و الرمضا: شدّه الحرّ».

سرّ مبارک بودن ماه رمضان با کمی دقت و تأمل در شناخت انسان، آشکار می گردد؛ زیرا انسان این موجود پر رمز و راز عالم، خلقتش متشکل از روح و جسم است، یعنی علاوه بر زندگی مادی و جنبه های حیوانی و نیازهای آن، از فضایل روحی، و زندگی معنوی هم برخوردار است که معرّف حقیقت گوهر وجود اوست.

این که از سایر موجودات اشرف و افضل است، تردیدی نیست، اما در عین حال در تمام امور مادی و معنوی، بسیار نیازمند و ناتوان است، خداوند متعال و حکیم برای رفع نیازهای مادی او نعمت های فراوانی را در نظر گرفته است تا انسان آن نعمت های ارزشمند را به دست آورد و نیاز او بر طرف گردد.

(أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً) (۱).

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان ها و زمین است مسخر شما کرده، و

ص: ۲۷۵

۱- سوره ی لقمان آیه ی ۲۰.

نعمت های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟!

ابر و باد و مه و خورشید فلک در کارند

تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری

اگر انسان بخواهد به زندگی مادی صبغه ی الهی داده و خدا مدارانه زندگی کند، و هم چنین نیاز معنوی خود را بر طرف ساخته و حیات جاویدان و ابدی خود را آباد نماید، بستری دیگر و زمانی ویژه لازم است که آن بستر و زمان استثنایی، ماه مبارک رمضان است که خداوند متعال با واجب نمودن روزه در آن، یک فرصت ویژه را در اختیار بندگان خویش قرار داد.

ماه مبارک رمضان، ماه رُشد و بالندگی و تامین خواسته های معنوی، و هدفمند کردن رفتارهای عملی است، بر جسته ترین و مهم ترین دستاورد این ماه مبارک، تقوا است که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«ای مومنان! روزه بر شما واجب شده همان گونه که بر مردمان پیش از شما نیز واجب بوده است، و این عمل به این علت بر شما واجب شده به امید آن که با انجام این امر مهم پرهیزکاری را پیشه کنید (۱)»

معرفت مقام و عظمت ماه مبارک رمضان

از مهم ترین وظایف همه ی بندگان و مکلفین، کسب آگاهی و معرفت لازم درباره ی عظمت این ماه عزیز و با شرافت است که حضرت سید الساجدین امام زین العابدین ؑ معرفت آن را ملتسانه از پروردگارش طلب می کند و عرضه

ص: ۲۷۶

۱- .سوره ی بقره آیه ی ۱۸۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

می دارد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ، وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ؛(۱)

خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و شناخت فضیلت ماه رمضان و بزرگداشت حرمتش را به ما الهام فرما.

معرفت عظمت و شناخت جایگاه این ماه است که کیفیت برخورد و چگونگی رفتار با آن را بر بندگان روشن می کند، از نشانه های عزت و فضیلت آن این است که پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ به هنگام حلول این ماه، با رفتاری ویژه و قرائت دعا از آن استقبال می کند، و حلول آن را به مومنین بشارت داده، و نسبت به گرامی داشت آن سفارش بسیار نموده اند.

جایگاه و عظمت ماه صیام در کلام رسول الله (ص)

پیامبر اکرم ﷺ در اواخر ماه شعبان المعظم و در آستانه ی ورود رمضان المبارک، با بیان خطبه ای غزّاء، فضیلت و ویژگی های آن را بر شمرده که سرشار از معارف اعتقادی و اخلاقی، و در حقیقت برنامه و دستور العملی کامل، برای سلوک الی الله است.

این بیان نورانی رسول خدا یک دوره برنامه ی مدونی را در حرکت به سوی هدایت الهی، و سعادت ابدیه و عمل به آن، خاصه در ماه مبارک ماه ضیافت خداوند متعال، برای رسیدن به کمالات نفسانیه و مراتب عالیّه ی بشری و درجات سامیه ی انسانی کاملاً مفید است.

پیامبر رحمت ﷺ در باره ی ماه مبارک رمضان می فرماید:

ص: ۲۷۷

۱- صیحه ی سجّادیه دعای ۴۴ برای حلول ماه مبارک رمضان.

ای مردم! همانا ماه خدا به همراه برکت، رحمت و آمرزش به سوی شما روی آورده است؛

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ.

آن حضرت □ در ادامه فرمود:

این ماه با عظمت و با فضیلت، در نزد خداوند مقتدر حکیم و جهان آفرین، از مقام و منزلتی خاص برخوردار است که در بین ماه های سال با فضیلت ترین آن هاست:

«شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ».

و هم چنین روزها و شب ها و ساعات آن، اشرف و افضل از ماه های دیگر است:

«وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ، وَ لَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَ سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ».

ای بندگان خدا! در این ماه با عظمت، و پر خیر و برکت، به مهمانی آفریدگار جهان هستی دعوت شده اید:

«هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ».

او با چنین دعوت مهربانانه و عطوفانه، بار دیگر (۱) مدال افتخار را بر سینه های تان آویخت، و شما را از اهل کرامت و بزرگی قرار داد:

ص: ۲۷۸

۱- مرتبه ی نخست زمانی بود که اراده فرمود انسان را به طور عام تکریم نماید و بر عالمیان فضیلت دهد: □ وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا □؛ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم، و آن ها را در خشکی و دریا (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم، و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم، و آن ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم. (سوره ی اسرا آیه ی ۷۰).

«وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ».

چه کرامتی که نظیر آن یافت نمی شود! کرامتی بزرگ تر و با عظمت تر از این که رسول خدا ﷺ ندا می دهد:

«ای مردم! در این ماه نفس های شما تسبیح حق محسوب می شود:

« أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ ».

و زمان استراحت و خواب تان به عنوان عبادات به حساب می آید: «وَنَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ».

مطمئن باشید که اعمال شما مورد پذیرش خداوند بی نیاز است: «وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ».

و یقیناً دعاهاى شما در نزد خداوند متعال و رحیم به اجابت خواهد رسید: «وَدُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ».

اما آگاه باشید! آفریدگار و معبود خویش را با نیت صادق (نه ریا کارانه و منافقانه)، و با قلبی پاک و بی آرایش (نه قلبی سرشار از حب دنیا و آلودگی های خود خواهانه) بخوانید:

« فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ، وَ قُلُوبٍ طَاهِرَةٍ » (۱)

حکمت وجوب روزه در قرآن کریم

آنچه از عظمت و برتری و فضیلت این ماه عزیز از کلام وحی و بیان شریف پیامبر گرامی اسلام ﷺ گفته شد در سایه ی امساک و خویشتن داری است که عاید انسان خواهد شد.

ص: ۲۷۹

۱- فضائل الاشهر الثلاثة ی شیخ صدوق ص ۷۷، اقبال الاعمال ج ۱ ص ۲۶، وافى ج ۱۱ ص ۳۶۷ ذیل حدیث ۱۱۰۳۳، وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۳۱۳ حدیث ۱۳۴۹۴.

حکمت و جوب روزه و صوم در آیه ی کریمه، دست یابی به تقوا و پرهیزکاری می باشد که این مقام تقوا، بزرگ ترین عامل بازدارنده و یا حرکت دهنده در جنبه های منفی و مثبت در وجود انسان است، و انسان با آراسته شدن به لباس تقوا، در زمینه های دیگر نیز توانمند می گردد(۱)

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)(۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر و تکلیف شده بود، تا پرهیزکار شوید.

حکمت و جوب روزه از لسان کوثر قرآن فاطمه ی زهرا(س)

حضرت فاطمه ی زهراؑ در خطبه ی فدکیه، در باره ی صوم می فرماید:

فَفَرَضَ اللَّهُ... الصِّيَامَ تَبْيِينًا لِلْإِخْلَاصِ؛(۳)

خداوند تبارک و تعالی روزه را برای آشکار شدن اخلاص بنده واجب نموده است.

یکی از خواصی که در صوم بهتر و بیش تر از عبادات دیگر وجود دارد، خالی بودن روزه از ریا است؛ زیرا که تا شخص اظهار نکند که روزه است، معلوم نمی شود که او صائم است، ولی در سایر عبادات نیازی به ابراز نیست، ظاهرش روشنگر آن

ص: ۲۸۰

۱- در بخش دوم از فصل دوم همین نوشتار درباره ی عظمت تقوا، مفصل بحث شده است.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۸۳.

۳- من لا- يحضره الفقيه ج ۳ ص ۵۶۸ ضمن حدیث ۴۹۴۰، وافی ج ۵ ص ۱۰۶۳ حدیث ۳۹۵۰، وسائل الشیعه ج ۱ ص ۲۲ حدیث ۲۲.

می باشد، و لذا روزه خالی از ریا است، و به اخلاص نزدیک تر از سایر عبادات می باشد.

آثار مادی و معنوی صوم

اشاره

در آثار و فواید این عمل عبادی و با فضیلت همین بس که خداوند متعال خود را اجر و ثواب آن قرار داده است که حضرت امام جعفر صادق ع فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزِي عَلَيْهِ؛ (۱)

خداوند تبارک و تعالی (در حدیث قدسی) می فرماید: روزه مال من است، من خودم اجر و جزای آن را می دهم.

لازم به تذکر است که این حدیث قدسی، در متون روایی هم به صورت فعل معلوم «أُجْزِي» و هم فعل مجهول «أُجْزِي» روایت شده است که اگر به صورت معلوم گفته شود معنایش این است که من خودم جزای او را می دهم، و دست دیگری در ادای پاداش آن دخیل نیست.

ولی اگر به صورت مجهول قرائت شود معنایش این می شود که من خودم جزای روزه هستم! و این بالاترین مقامی است که می توان تصور نمود که نفس نفیس ذات قدوس جلّت عظمته، پاداش و جزای روزه ص صائم می باشد، و این معنا موجب حیرت کُمل است و فوق درک عقل بشری، سبحان ما أعظم لطفه.

الف: وجود مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و اجر مجاهدین مخلص

منادی وحی در سیره ی عملی خود، مطلب مهمی را به همین مضمون در جنگ حنین به اصحاب و انصار خود فرمود، هنگامی که ایشان غنائم حاصل از جنگ را

ص: ۲۸۱

۱- کافی ج ۴ ص ۶۳ حدیث ۶، وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۳۹۷ حدیث ۱۳۶۷۹.

تقسیم می نمود، از راه عطوفت و مهربانی و مهرورزی و برای آنکه دل ها را به سمت و سوی اسلام جذب کند کمک های چشم گیر و فراوانی را به مردم مکه و سران قریش مثل ابوسفیان بن حرب تعدد یکصد شتر و به دیگران پنجاه یا چهل شتر تفضل نموده، و اموال بسیاری را به آن ها هدیه کرد.

عطا و بخشش به اندازه ای بود که برخی به پیامبر گرامی اسلام^ﷺ اعتراض نمودند که مشرکان منکر آیین ما بوده اند، اکنون شما خوان کرامت خود را به سمت و سوی آن ها گسترانیده اید؟

رسول اکرم^ﷺ که تمام رفتار و گفتارش جز وحی نیست، و هر گونه عمل او از حکمت سرچشمه می گیرد، در پاسخ آن ها فرمودند:

«روشنایی ها را خاموش کنید، تا در این تاریکی شب تا هر کس مطلبی دارد به راحتی باز گو کند».

پس از رد و بدل شدن مطالب، حضرت در جواب آن ها فرمودند:

«آن ها به دنبال اموال و متاع ناچیز هستند، و من نیز آنان را از برخوردار شدن آن اموال، نا امید نکردم، اما شما که به همراه من هستید من خود را به شما داده ام، و بعد از این، در مکه ی معظمه نمی مانم، و به همراه شما به مدینه ی منوره برمی گردم، اکنون اختیار با شماست، هر کدام را انتخاب کنید، آیا عاشق من هستید و یا به مال چشم دوخته اید؟! من جزای اعمال شما هستم»^(۱)

این بالاترین مراتب کمال است (فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ) ^(۲)

ص: ۲۸۲

۱- طبقات الکبری ج ۲ ص ۱۱۷، سیره نبویه ج ۴ ص ۹۳۵.

۲- سوره ی قمر آیه ی ۵۵.

ب: عطیه ی بی بدیل ویژه ی صائمین مخلص

وجود مبارک پیامبر گرامی اسلام ﷺ در بیانی دیگر از بیانات نورانی و امید بخش خود به صائمین در ماه مبارک رمضان چنین فرمودند:

«هیچ مومنی نیست که ماه رمضان را فقط به حساب خدا روزه بگیرد مگر آن که خداوند تبارک و تعالی هفت صفت را برای او ثابت و لازم فرماید:

اول: هر چه از حرام در پیکر اوست ذوب خواهد شد و از بین می رود.

دوم: به رحمت بیکران خداوند عزّ و جلّ نزدیک می شود.

سوم: کفّاره ی خطای پدرش حضرت آدم ﷺ را پرداخت می نماید.

چهارم: خداوند مهربان لحظه ی جان کندن را بر وی آسان می گرداند.

پنجم: از گرسنگی و تشنگی روز قیامت در امان خواهد بود.

ششم: خداوند بخشنده بهترین طعام ها و شراب های بهشتی را نصیب او می گرداند.

هفتم: خداوند عزّ و جلّ آزادی و برائت از آتش دوزخ را به او عطا می فرماید (۱)

ص: ۲۸۳

۱- مِیَا مِنْ مُؤْمِنٍ یَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ اِخْتِسَابًا اِلَّا اَوْجَبَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ سَبْعَ خِصَالٍ: اَوَّلُهَا: یَذُوبُ الْحَرَامُ مِنْ جَسَدِهِ. وَ الثَّانِيَةُ: یَقْرُبُ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَ الثَّلَاثَةُ: قَدْ كَفَّرَ خَطِيئَةَ أَبِيهِ آدَمَ. وَ الرَّابِعَةُ: يَهْوَنُ اللهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ. وَ الْخَامِسَةُ: أَمَانٌ مِنَ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَ السَّادِسَةُ: يُطْعِمُهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ. وَ السَّابِعَةُ: يُعْطِيهِ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ. خِصَالِ شَيْخِ صَدُوقٍ ج ۲ ص ۳۴۶ حدیث ۱۴، و سائل الشیعه ج ۱۰ ص ۲۴۰ حدیث ۱۳۳۱۷

پس از نگرشی مختصر در بیانات وحی از قرآن و سنت در شرح کلام امیرالمومنین - علیه افضل صلوات المصلین - اکنون بار دیگر بر کنار چشمه ی پر فیض می نشینیم، و با نگاهی عمیق تر به آن می نگریم که حضرت ﷺ فرمودند: «فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ».

با آن که فضایل ماه مبارک رمضان و جایگاه ویژه ی آن را متذکر شدیم، ولی حضرت ﷺ در باره ی روزه گرفتن این ماه صیام، به علت و ریشه ی این تکلیف عظیم الهی اشاره نموده و نکته ی زیبایی را بیان می فرمایند.

او صائمین ماه مبارک را به بهشت، حورالعین، لحوم الطیر و غیر این ها وعده نداده است، بلکه به امری مهم تر اشاره نموده و فرمودند:

«فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ» روزه ی این ماه سپری در برابر آتش سوزان جهنم است.

آن دسته از کسانی که در ماه مبارک موفق به گرفتن روزه می شوند، گرسنگی و تشنگی تحمل می نمایند و خویش را از جهنم و شعله های آتش آن حفظ نموده و طریق جنت عدن را طی کرده و مشمول رحمت خاصه ی حضرت حق جلّ ذکره واقع می شوند.

یقیناً نجات و آزادی از جهنم مهم ترین و اساسی ترین مساله برای هر فرد است؛ زیرا در ادعیه ی متعدده از جمله در دعای عرفه ی حضرت سید الشهداء ﷺ وارد است که حضرت به درگاه الهی عرض می کند:

مولای من! خواسته ی من چیزی است که اگر آن را به من عطا فرمایی قهراً محرومیتم، از غیر آن، ضرری بر من نمی رساند، و اگر آن را از من دریغ کنی اعطای دیگر امور نفعی برایم ندارد، و آن درخواست من رهایی از آتش جهنم است:

اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيْتِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتِيهَا لَمْ

يُنْفَعُنِي مَا أُعْطَيْتَنِي وَ هِيَ فَكَاكُ رَقِيَّتِي مِنَ النَّارِ (١)

و نیز در روایات متعدده^۱ ای از جمله در نصایح خود مولی الموالی^۲ وارد شده است که فرمود:

وَ مَا خَيْرٌ بِخَيْرِ بَعْدَهُ النَّارُ، وَ مَا شَرٌّ بِشَرِّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ، كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ مَحْقُورٌ، وَ كُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِيَةٌ (٢)

خیری که در پی آن آتش باشد خیر نیست، و شری که پس از آن بهشت است شرّ نیست، هر نعمتی غیر از بهشت حقیر و ناچیز است، و هر بلایی غیر از آتش عافیت و سلامتی است.

این جا است که اهمیت کلام حضرتش بهتر روشن می شود که فرمود:

فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ؛

روزه^۳ اش سپر آتش جهنم است.

ص: ۲۸۵

۱- اقبال الاعمال ج ۱ ص ۱۲۷، بحار الانوار ج ۹۷ ص ۳۳۳ ضمن حدیث ۱.

۲- کافی ج ۸ ص ۲۱۴ ضمن حدیث ۴، من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۹۲ ضمن حدیث ۵۸۳۴، بحار الانوار ج ۷۷ ص ۲۸۸ ضمن حدیث ۱.

فصل دوازدهم: جایگاه مساکین در وصیت امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۲۸۷

جایگاه مساکین در وصیت امیرالمومنین (ع)

اللَّهُ فِي الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ؛

خداوند را به یاد بیاورید و از او اطاعت کنید در باره ی فقرا و مساکین، پس ایشان را در معیشت خودتان شریک سازید.

اهمیت و جایگاه فقرا و مساکین در فرهنگ اسلامی

یکی از مهم ترین برنامه های اسلامی، نوع دوستی و کمک به فقرا و مساکین است، در دین مبین اسلام، یاری درماندگان از فضایل اخلاقی می باشد، و بسیار برای آن سفارش شده است، اگر کسی موفق انجام شد، تنها راه پذیرش آن به درگاه خداوند متعال اخلاص در عمل به آن است که اسوه ی سالکان امیرمومنان علی ؑ وقتی درباره ی فقرا و مساکین سفارش می کنند، در تأکید و اهمیت آن می فرمایند:

«خدا را اطاعت کنید، و او را به یاد داشته باشید».

در واقع کلام نورانی امیر بیان ؑ حامل این پیام است که انسان این عمل را فقط و فقط برای خداوند متعال انجام دهد و بس.

در وصیت امیرمومنان \square فقرا و مساکین، به طور جدا گانه ذکر شده اند، و در این گویش تفاوت ظریف و نکته ای لطیف نهفته است، هنگامی که لفظ «فقیر» و «مسکین» در یک جمله کنار یک دیگر قرار بگیرند «مسکین» در مقایسه با «فقیر» کسی است که در حالت اضطرار بیش تری به سر می برد، و به عبارت دیگر «أسوء حالاً» است و به توجه زیادتری نیازمند است.

اما وقتی این دو لفظ به طور جداگانه استعمال می شوند، به یک معنا هستند و آن معنای نیازمند و درماندگی است.

لذا علما و بزرگان فرموده اند: «الْفَقِيرُ وَالْمَسْكِينُ إِذَا اجْتَمَعَا افْتَرَقَا، وَإِذَا افْتَرَقَا اجْتَمَعَا» (۱)

فقیر و مسکین زمانی که با یک دیگر در یک عبارت بیایند به دو معنای مختلف هستند، ولی اگر هریک به تنهایی استعمال شود هر دو به یک معنا می باشند.

اهمیت کمک به نیازمندان در برخی از آیات قرآن کریم

مردمی که در یک جامعه زندگی می کنند به طور عادی وجود فقیر، یتیم و مسکین در میان آن ها امری اجتناب ناپذیر می باشد، خداوند متعال برای رفع نیاز و مشکلات و مساعدت و کمک به این دسته از مردم، تکالیفی را به عهده بندگان قرار داده، و بسیار در باره ی آن سفارش نموده است.

در یکی از آیات قرآن کریم آمده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ) (۲)

ص: ۲۹۰

۱- مکاسب شیخ انصاری ج ۲ ص ۴۸، مصباح الفقیه ج ۱۳ ص ۴۸۰.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۲۵۴.

ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید! پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است (تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید)، و نه دوستی و رفاقت های مادی سودی دارد، و نه شفاعت؛ (زیرا شما شایسته ی شفاعت نخواهید بود).

در آیه ی شریفه ی دیگر می فرماید:

(وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَ كَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا) (۱)

چه می شد اگر آن ها به خدا و روز بازپسین ایمان می آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده (در راه او) انفاق می کردند؟! و خداوند از (اعمال و نیت) آن ها آگاه است.

در آیه ی کریمه ی دیگر فرمود:

(آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ) (۲)

به خدا و رسولش ایمان بیاورید، و از آنچه شما را جانشین و نماینده (ی خود) در آن قرار داده انفاق کنید؛ (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند.

در آیه ی نورانی دیگر، به توانمندان و ثروتمندان چنین فرمان می دهد:

ص: ۲۹۱

۱- سوره ی نساء آیه ی ۳۹: و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، انفاق می کردند، چه زیانی برایشان داشت؟ و خدا به [کار] آنان داناست.

۲- سوره ی حدید آیه ی ۷.

(لِيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا) (۱)

آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند، و آن ها که تنگ دستند، از آنچه که خدا به آن ها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند، خداوند به زودی بعد از سختی ها آسانی قرار می دهد.

و هم چنین در آیاتی دیگر آمده است:

(وَ أَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَحْسَنِ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُنُ مِنَ الصَّالِحِينَ) (۲)

از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید پیش از آن که مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: پروردگارا! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تاخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم!؟

و در سوره ی مبارکه ی مزمل فرمود:

(وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا) (۳)

و بدانید آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خداوند به بهترین وجه و بزرگ ترین پاداش باز خواهید یافت.

و در سوره ی ذاریات می فرماید:

ص: ۲۹۲

۱- سوره ی طلاق آیه ی ۷.

۲- سوره ی منافقون آیه ی ۱۰.

۳- سوره ی مزمل، آیه ی ۲۰.

(وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) (۱)

و در اموال شان برای سائل و محروم حقی معین بود.

کیفیت انفاق از نگاه قرآن

در دین مبین اسلام مهم ترین شرط اساسی هر عملی، کیفیت در آن است، انفاق اگر چه به ظاهر در جهت رفع نیاز گرفتاران و مساکین در نظر گرفته شده است، اما در واقع یکی از بهترین راه های رشد و تکامل معنوی، و از مهم ترین دستگیره های نجات الهی برای انفاق کننده است.

خداوند متعال با چنین فرمانی می خواهد انسان را از هر گونه وابستگی و تعلق خاطر نسبت به اموال، نجات بخشد، و کسب مدال پر افتخار نیکو کاری و احسان را شامل حال کسانی می داند که امور دوست داشتنی خود را در راه خدا انفاق کنند، به دین ترتیب می فرماید:

(لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) (۲)، نه آنچه را کهنه و مندرس شده و از چشم و دل افتاده، و فاقد ارزش و یا دارای کم ترین ارزش است.

لذا اگر کسی آنچه در توان داشت با نیت خالصانه آن را در راه خدا انفاق نمود، در حقیقت موفق به انجام با کیفیت ترین عمل شده است.

آثار انفاق در برخی از آیات الهیه ی قرآن کریم

در نخستین سوره ای که بر پیامبر رحمت ﷺ نازل شد، کنار مطالب ارزشمند دیگر، یکی از بزرگ ترین موانع رشد و تکامل را گوش زد می کند و می فرماید:

ص: ۲۹۳

۱- سوره ی ذاریات، آیه ۶-۱۹.

۲- سوره ی آل عمران آیه ی ۹۲: هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید.

(كَلَّا- إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ * أَلَمْ نَرَاكَ إِذَا فَطَرْنَاكَ أَلَمْ نَجْعَلْ لَكَ قَلْبًا شَاكِرًا) (۱)، اگر انسان بی نیازی را در وجود خود مشاهده کند، مغرور و سرکش می گردد، و به درد طغیان مبتلا می شود، درمان این درد بزرگ، و رهایی از این زنجیر خودخواهی، انفاق در راه خداوند متعال است، به این معنا که مقداری از مال خود را در حد معینی به فقرا و مساکین ببخشد.

و هم چنین در آیه ی دیگر آمده است که صدقه و انفاق باعث تطهیر و تزکیه ی انسان می گردد:

(خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ) (۲)

از اموال آن ها صدقه ای (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله ی آن، آن ها را پاک سازی و پرورش دهی، و (به هنگام گرفتن زکات) به آن ها دعا کن که دعای تو، مایه ی آرامش آن هاست.

و در سوره ی مبارکه ی مبارکه بقره می فرماید:

(مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ) (۳)

مثل آنان که اموال شان را در راه خدا انفاق می کنند، مانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد، و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می کند.

خداوند متعال چهار دسته از رستگاران روز قیامت را در کلامی کوتاه و جامع

ص: ۲۹۴

۱- سوره ی علق آیه ی ۶ و ۷: به یقین انسان طغیان می کند از این که خود را بی نیاز ببیند.

۲- سوره ی توبه آیه ۱۰۳

۳- سوره ی بقره آیه ی ۲۶۱.

بیان و معرفی می کند، و علامت آن ها را بازگو می فرماید:

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤْنَ بِالْحَسَنَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (۱)

کسانی که آن قدر به پروردگار خویش عشق می روزند، در تمام دشواری ها و مصایب و مشکلات و نابسامانی ها و فراز و نشیب روزگار، شکیبایی پیشه می کنند تا خشنودی خداوندگار خویش را کسب نمایند، و گروهی دیگر از کبر و خودخواهی گریزان گشته و سر تعظیم به درگاه خالق بی نیاز خود خم کرده و نماز را به پا می دارد، و کسانی دیگر که خداوند متعال از خوان کرم و با برکت خویش نعمت های خود را به آن ها ارزانی داشته، و آن ها هم آن را در راه معبود خویش در آشکار و نهان انفاق می کنند، و هم چنین کسانی که بدی های دیگران را با خوش خلقی و متانت به نیکی پاسخ می دهند.

آثار انفاق در برخی از احادیث

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

مَنْ أَنْفَقَ عَلَى الضَّيْفِ دِرْهَمًا فَكَأَنَّمَا أَنْفَقَ أَلْفَ أَلْفِ دِينَارٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى؛ (۲)

کسی که به مهمان خود یک درهم انفاق نماید (ثوابش) مانند کسی

ص: ۲۹۵

۱- سوره ی رعد آیه ی ۲۲: و آن ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می کنند، و نماز را برپا می دارند، و از آنچه به آن ها روزی داده ایم، در پنهان و آشکار انفاق می کنند، و با حسنات، سیئات و بدی ها را از میان می برند، پایان نیک سرای دیگر از آن ها است.

۲- ارشاد القلوب ج ۱ ص ۱۳۸.

است که هزار هزار دینار در راه خداوند تبارک و تعالی انفاق کرده باشد.

حضرت امام جعفر صادق ع برای چهار کسی که موفق به چهار عمل شود، بهشت را تضمین نموده که یکی از آن ها انفاق کننده است:

مَنْ يَضْمَنُ لِي أَرْبَعَةً بِأَرْبَعَةٍ فِي الْجَنَّةِ؟... مَنْ أَنْفَقَ وَلَمْ يَخَفْ فَقَرَأَ؛ (۱)

کیست که برایم چهار چیز را در برابر چهار خانه در بهشت عهده دار شود و ضمانت کند؟... کسی که انفاق کند و از فقر نهراسد.

رئیس مذهب حق جعفری امام صادق ع در تفسیر آیه ی شریفه ی (وَلَا تُبْذَرُ تَبْذِيرًا) (۲) فرمودند:

«مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبْذَرٌ، وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ» (۳)

هر کس در راه غیر اطاعت خداوند متعال انفاق نماید مبتلا به اسراف شده است، و کسی که در راه خیر انفاق کند، در آن خرج اقتصاد و میانه روی را رعایت کرده است.

امیرالمومنین ع فرمود:

أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ؛ فَإِنَّ الْمُنْفِقَ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَمَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ أَنْفَقَ وَ سَخَتْ نَفْسُهُ بِدَلِكْ؛ (۴)

از آنچه خدا روزی تان کرده انفاق کنید؛ زیرا انفاق کننده هم چون مجاهد در راه خدا است، هر کس یقین به این دارد که خداوند انفاق را عوض

ص: ۲۹۶

۱- خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۲۲۳ حدیث ۵۲، بحار الانوار ج ۷۶ ص ۴ حدیث ۹.

۲- سوره ی اسرا آیه ی ۲۶: هیچ گونه اسراف و ولخرجی مکن.

۳- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۸۸ حدیث ۵۳، بحار الانوار ج ۷۵ ص ۳۰۲ حدیث ۱

۴- خصال شیخ صدوق ج ۲ ص ۶۱۹ ضمن حدیث ۱۰، وسائل الشیعه ج ۹ ص ۴۰۲ ضمن حدیث ۱۲۳۳۷.

می دهد از دل و سخاوتمندانه انفاق می کند.

مولی الموحدين □ در بیان دیگر می فرماید:

يَا ابْنَ آدَمَ كُنْ وَصِي نَفْسِكَ فِي مَالِكَ، وَاعْمَلْ فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يَعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ؛ (۱)

ای فرزند آدم! تو خود وصی خویش در اموال و ثروت باش، امروز به گونه ای در آن عمل کن که می خواهی بعد از تو (طبق وصیت)

عمل کنند.

و در کلام نورانی دیگر می فرمایند:

تَنَافَسُوا فِي صِدْقِ الْأَقْوَالِ وَ بَدْلِ الْأَمْوَالِ؛ (۲)

در راست گویی و بخشندگی با یک دیگر رقابت کنید.

حضرت علی بن ابی طالب □ در کلام گهربار دیگر فرمودند:

فَاللَّهُ اللَّهُ مَعَسَرَ الْعِبَادِ وَ أَنْتُمْ سَالِمُونَ فِي الصَّحَّةِ قَبْلَ السُّقْمِ، وَ فِي الْفُسَيْحَةِ قَبْلَ الضُّبِقِ، فَاسْتَعْوَا فِي فَكَاكِكِ رِقَابِكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُغْلَقَ رَهَائِنُهَا، أَشْهَرُوا عْيُونَكُمْ، وَ أَضْمِرُوا بُطُونَكُمْ، وَ اسْتَعْمَلُوا أَقْدَامَكُمْ، وَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَكُمْ؛ (۳)

خداوند متعال را به یاد آورید و از او اطاعت کنید ای گروه مردم در حال تندرستی پیش از آن که بیمار شوید، و در حال وسعت پیش از آن که در تنگنای زندگی قرار گیرید، (شما در گرو اعمال خود هستید پس) در راه آزادی خویش پیش از آن که درهای آزادی بر روی شما بسته شود سعی و کوشش کنید، در دل شب چشم ها را بیدار دارید، و شکم ها را لاغر، و

ص: ۲۹۷

۱- نهج البلاغه حکمت ۲۵۴.

۲- غرر الحکم حدیث ۷۵۲۶، عیون الحکم و المواعظ ص ۲۰۰.

۳- نهج البلاغه ضمن خطبه ی ۱۸۳

قدم ها را به کار گیرید و اموال خود را انفاق کنید.

با توجه به آیات و روایاتی که در باره ی اهمیت و آثار انفاق در راه خدا بیان شد، آن آثار را می توان به سه دسته ی فردی، اجتماعی و اخروی تقسیم نمود:

۱- آثار فردی؛ انفاق کننده علاوه بر این که گره از کار دیگران می گشاید، اسباب رفاه و آسایش، و آسان شدن مشکلات، و هم چنین زمینه ی استجاب دعا، رفع بلاها و گرفتاری ها، و افزایش ثروت و تندرستی و طول عمر را برای خویش فراهم می کند.

۲- آثار اجتماعی؛ با انفاق کردن، فقر و تنگ دستی و بسیاری از معضلاتی که به سبب کمبود های مادی و اختلافات طبقاتی دامنگیر جامعه می شود، پیش گیری می نماید، و از سوی دیگر موجب افزایش دوستی، همدلی و برادری می گردد.

۳- از آثار اخروی آن نیز آسانی حساب رسی، سپر آتش، محو گناهان و موجب رستگاری می شود.

هدف از انفاق به فقرا و مساکین در فرهنگ اسلام

ممکن است زندگی انسان ها بر اثر حوادث طبیعی مانند زلزله و رعد و برق و طوفان و سیل، و یا حوادث دیگر دچار نابسامانی شده، و ادامه ی زندگی به نحو مطلوب میسر نباشد، و فقر و تهی دستی دامن گیر آن گردد، وجدان بیدار انسانی این گونه اقتضا دارد که در چنین شرایطی به یاری درماندگان و آسیب دیدگان بشتابد، و در رفع کمبودها و نیازمندی های آن ها اقدام کند که انجام این مسئولیت خطیر در قالب انفاق تحقق می پذیرد.

ممکن است برای کسی این چنین تداعی کند که چرا خداوند متعال خود اقدام به چنین کاری نمی کند، از بندگان می خواهد که برای رفع نیاز آن ها

وارد عمل شوند؟ همان گونه که برخی چنین پنداری را به زبان آوردند که در قرآن کریم نیز از بیان ایشان چنین آمده است:

(وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ نَطْعَمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ) (۱)

و هنگامی که به آنان گفته شود: از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید، کافران به مومنان می گویند: آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را اطعام می کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید!

خداوند حکیم در قرآن کریم در جواب می فرماید:

(إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا) (۲)

بی گمان پروردگار تو برای هر که بخواهد، روزی را گشاده یا تنگ می گرداند، در حقیقت او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.

اما این عمل بستری برای آزمایش و آزمون بزرگ، برای توانمندان و متمکنان مالی است تا صفات برجسته ی سخاوت و کرم و بخشش را در وجودشان شکوفا نمایند، و صفات رذیله ی بخل و حسد را از صفحه ی وجودشان پاک کنند.

در قرآن کریم آمده است:

(وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ) (۳)

و همانان که در اموال شان حقی معلوم است برای سائل و محروم.

ص: ۲۹۹

۱- سوره ی یس آیه ی ۴۷.

۲- سوره ی اسرا آیه ی ۳۰.

۳- سوره ی معارج آیه ی ۲۴ و ۲۵

امیرالمومنین علی(ع) بعد از رسول گرامی اسلام با سخاوت ترین مردم به شمار می رود، تا آن جا که سه شبانه روز با همسرش حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا و دو فرزندش سیدالشباب اهل الجنّه حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین روزی گرفتند و طعام شان را با خلوص نیت و تنها برای رضای خداوند متعال، به مسکین و یتیم و اسیر عطا کردند، و خودشان تنها با آب افطار نمودند.

این عمل آنان به قدری در نزد پروردگار متعال مورد پذیرش قرار گرفت که در شان و مقام و منزلت ایشان فرمود:

(وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِينًا وَ یتیمًا وَ أسیرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُریدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا * إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا یَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِیرًا) (۱)

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان(ع)

انسان کاملی که در سخاوت بی نظیر و در شجاعت و رشادت بی بدیل، ثانی وجود عالم خلقت، ابو الائمّه و خلیل النبوه است، در واپسین لحظات عمر شریفش با فرقی شکافته، در آن شرایط سخت و دشوار، درباره ی فقرا و مساکین سفارش می فرماید:

ص: ۳۰۰

۱- سوره ی انسان آیه ی ۸ - ۱۰: و غذای خود را با این که به آن علاقه و نیاز دارند، به مسکین و یتیم می دهند و می گویند: ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم، ما از پروردگارمان خایفیم در آن روزی که عبوس و سخت است.

اللَّهُ فِي الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ.

امیرالمومنین \square کاملاً به این مسأله آگاه بود که وجود فقرا و مساکین در هر جامعه، اجتناب ناپذیر است، از سوی دیگر ممکن است مردم به دلایل مختلف از یاد آن ها غافل شده و به آنان کم توجهی بشود، از این رو، حضرت \square نه تنها با سفارش درباره ی آن ها، بلکه در تمام طول عمر در عمل کردن به این امر مهم از دیگران پیشی می گیرد تا هشداری بر همه ی انسان ها، علی الخصوص پیروانش باشد.

او شخصیتی است که در حال رکوع انگشتر خود را به سائل داد و آیه ی (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (۱) در شان و منزلتش نازل گشت.

بروای گدای مسکین در خانه ی علی زنکه نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفتمتحیرم ه نامم شه ملک لافتی را (۲)

و هم چنین هنگامی که در ادای نذر خود سه روز روزه گرفتند، طعام سه شبانه روز خود و اهل خانه را به مسکین و یتیم و اسیر هدیه کردند، و این عمل آن گونه در نزد پروردگار بلند مرتبه ی او زیبا جلوه می کند که مشمول سوره ی «هل اتی» می شوند.

ابن ادریس شافعی در وصفش می گوید:

إِلَى مَ إِلَى مَ، وَ حَتَّى مَتَّى

أَعَاتَبُ فِي حُبِّ هَذَا الْفَتَى؟

ص: ۳۰۱

۱- سوره ی مائده آیه ی ۵۵: وَلِيٌّ وَ سرپرست شما تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده اند، همان هایی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

۲- سروده ی شهریار تبریزی

وَ هَلْ زُوِّجَتْ فَاطِمٌ غَيْرَهُ؟

وَ فِي غَيْرِهِ هَلْ أَتَى، هَلْ أَتَى؟! (۱)

اما سرّ سفارش دلسوزانه و مهربانانه ی حضرت □ به مخاطبین حاضر و غایب، برای این است که آن ها را به خطری که در اثر ترک خدمت به فقرا و مساکین در کمین آن ها می باشد هشدار دهد که عدم توجه به آنان موجب خسران عظیم و غیر قابل جبران خواهد بود.

لذا در قرآن کریم از زبان کسانی که به مستمندان توجه نداشتند نقل می کند که به درگاه الهی عرض می کنند:

(رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَقَ وَ أَكُنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ) (۲)

پروردگارا! چرا مرگ مرا مدت کمی به تاخیر نینداختی تا در راه خدا صدقه دهم و از صالحان باشم؟!

و در سوره مبارکه مدثر می فرماید:

آن دسته از کسانی که عمل شایسته انجام داده اند و به بهشت خداوند راه یافتند، از مجرمین در آتش سوزان جهنم می پرسند: چه عملی سبب شده که شما این گونه در آتش سوزان معذید؟

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ .

آن ها در جواب اهل بهشت می گویند: ما از جمله کسانی هستیم که فریضه ی مهم الهی یعنی نماز را ترک کرده و نسبت به حال مساکین بی توجه بوده و با بخل از

ص: ۳۰۲

-
- ۱- کشف الاسرار فی شرح الاستبصار ج ۱ ص ۳۴۶: تا کی تا کی، و تا چه زمان من در مورد محبت این جوانمرد سرزنش خواهم شد؟! مگر فاطمه ی زهرا □ به غیر او تزویج شد؟ و مگر سوره ی هل اتی در باره ی غیر او آمده است؟
 - ۲- سوره ی منافقون آیه ی ۱۰.

اطعام به آن ها خود داری کردیم: (قَالُوا لَمْ نَكْ مِنَ الْمَصْلِينَ * وَلَمْ نَكْ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ) (۱)

وظیفه ی هر شخص است که به کلام پُر مهر و محبت امیر کلام □ لبیک گفته و به آن عمل نماید تا در قیامت در زمره ی فائزین و رستگاران به فضل الهی قرار گیرد و از لطف و رحمت و مغفرت بی پایان حضرت حق جلّ ذکره بهره مند باشد.

ص: ۳۰۳

۱- سوره ی مدّثر آیه ی ۴۰ - ۴۴.

فصل سیزدهم: اهمیت جهاد در کلام امیر مؤمنان علی (ع)

اشاره

ص: ۳۰۵

اهمیت جهاد در کلام امیرمؤمنان علی(ع)

اللَّهُ فِي الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ؛ فَإِنَّمَا يَجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَجُلَانِ: إِمَامٌ هُدَىٰ وَ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهَدَايَاهَا؛

خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی جهاد در راه خدا با اموال تان و جان های تان؛ زیرا دو کس در راه خدا جهاد می کنند: یکی پیشوای هدایت، و دیگری مطیع او و اقتدا کننده ی به هدایت او.

اهمیت جهاد از منظر دین مبین اسلام

جهاد در راه خدا امر بسیار مقدّسی است که در دین اسلام جزو فروع دینی می باشد که فراوان مورد تاکید قرار گرفته است، و حکمت و جوب جهاد، حفظ کیان اسلام است.

جهاد تنها ره آورد دین مقدس اسلام نبوده، بلکه مبارزه با ظالمان و طاغوتیان، سیره ی تمام انبیای الهی بوده، و در ادیان آسمانی دیگر نیز از جایگاهی والا برخوردار است.

خداوند متعال در قرآن کریم برای پیکار و جهاد در راه او، پاداش بزرگی را وعده داده است، و مجاهدان را از صف تارکین جهاد، کاملاً متمایز دانسته و می فرماید:

(لَا يَشْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا(۱)

(هرگز) افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یک سان نیستند، خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان (ترک کنندگان جهاد) برتری مهمی بخشیده، و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیک شان) خداوند وعده ی پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است.

و هم چنین کسانی را که از شرکت در این امر مقدس خود داری می کنند و از خود ضعف و سستی نشان می دهند، مورد نکوهش قرار داده و می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ لِكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّا قَلَّتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضًا رَضِيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ)(۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا هنگامی که به شما گفته می شود: به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید، بر زمین سنگینی می کنید (و سستی به خرج می دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید با این که متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست؟!

ص: ۳۰۸

۱- سوره ی نسا آیه ی ۹۵.

۲- سوره ی توبه آیه ی ۳۸

و نیز کسانی را که از این امر عظیم روی برگرداندند، به عذابی دردناک وعده داده و فرموده است:

(إِلَّا تَنْفِرُوا يَعْذِبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا) (۱)

اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات دردناکی می کند.

در آیه ی شریفه ی دیگر خداوند متعال، عشق و محبت خود را در باره ی مجاهدان در راه حق ابراز می دارد و می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُورٌ) (۲)

در حقیقت خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند، گویی بنایی آهنین هستند.

در آیات فراوان دیگر نیز از اهمیت جهاد سخن به میان آمده که جهاد موجب بقا و عظمت اسلام و تقویت مسلمانان است، و با ترک آن، دشمنان اسلام در صدد تضعیف و براندازی اسلام و آسیب رساندن به مسلمانان بر می آیند.

اهمیت جهاد در کلام عترت طاهرین (ع)

در باره ی عظمت و اهمیت جهاد، احادیث بسیاری از پیامبر اکرم ﷺ و عترت طاهرین  در کتب حدیثی نقل شده است، و در این جا به ذکر چند روایت اکتفا می کنیم.

از حضرت امام جعفر صادق  پرسیدند: کدامین اعمال در نزد خداوند تبارک و

ص: ۳۰۹

۱- سوره ی توبه آیه ی ۳۹.

۲- سوره ی صف آیه ی ۴.

تعالی برتر است؟

حضرت □ فرمودند:

الصَّلَاةُ لَوْفَتْهَا، وَبُرِّ الْوَالِدَيْنِ، وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ (۱)

بهترین کارها نزد خداوند نماز به موقع، سپس نیکی به پدر و مادر و آن گاه جهاد در راه خدای عز و جل است.

پیامبر عظیم الشان اسلام □ فرمودند:

عَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَعَ كُلِّ إِمَامٍ عَدْلٍ؛ فَإِنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ؛ (۲)

هر گاه در هر عصر و زمانی با یکی از پیشوایان عادل زندگی می کنید و امر عظیم جهاد پدید آمد، جهاد در راه خدا را ترک نکنید؛ زیرا جهاد در راه پروردگار بی همتا دری از درهای بهشت است.

امیرمومنان حضرت علی □ در باره ی اهمیت جهاد فرمودند:

فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ، وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ؛ (۳)

به راستی که جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را برای دوستان برگزیده اش گشوده است، جهاد لباس تقوا، زره محکم و مطمئن الهی است.

ص: ۳۱۰

۱- . کافی ج ۲ ص ۱۵۸ حدیث ۴، وسائل الشیعه ج ۴ ص ۱۱۲ حدیث ۴۶۵۱.

۲- دعائم الاسلام ج ۱ ص ۳۴۳، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۵۰ حدیث ۲۴.

۳- نهج البلاغه خطبه ی ۲۷.

در دین مبین اسلام، جهاد به اعتباراتی دارای اقسام مختلف و متفاوت است که مهم ترین آن ها عبارتند از: جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی و جهاد با نفس.

الف: جهاد ابتدایی

این جهاد در واقع یک جهاد دفاعی و پیش گیرانه از حملات دشمن است که موجب توسعه و پیشرفت اسلام می شود. در قرآن کریم آیاتی درباره ی جهاد ابتدایی نازل شده که مسلمانان را به این امر حیاتی و انسان ساز راهنمایی می کند. در سوره ی مبارکه ی توبه چنین می خوانیم:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! با کافرانی که نزدیک شما هستند، پیکار کنید تا در شما شدت و خشونت و قدرت احساس کنند، و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است.

جهاد ابتدایی در واقع به دو منظور انجام می شود، اول این که بستری برای نمایش قدرت و شوکت و توانمندی اسلام و مسلمین است که مسلمانان با قاطعیت، قدرت و توانمندی خود را به منصفه ی ظهور گذاشته، و فکر تعرض را از سر دشمنان خود بیرون نمایند.

مقصود دوم این است که بستری برای تبلیغ و ترویج فرهنگ غنی اسلام است که به منظور مایوس کردن دشمنان و گسترش دین مبین اسلام و اعتلای کلمه ی توحید،

ص: ۳۱۱

جنگ ابتدایی مشروع گردیده که نمونه ی آن جنگ خیبر و فتح مکه است که رسول اکرم ﷺ برای دفع توطئه، جهاد با آن ها را آغاز نمودند؛ زیرا اهل خیبر دارای دین یهود بوده و پیوسته با توطئه و نقشه های شوم، دیگران را علیه اسلام تشویق و تقویت می کردند، و همواره در صدد اذیت و آزار مسلمین بودند که رسول گرامی اسلام ﷺ برای خنثی نمودن توطئه های آنان، حمله به سوی آن ها را چاره ی کار دانست.

در فتح مکه نیز پیامبر ﷺ به منظور باز داشتن کافران قریش از حمله به مسلمانان، و برای از بین بردن شرک و بت پرستی پیش قدم شدند.

البته پر واضح است که این نوع جهاد ابتدایی اختصاص به دستور خاص معصومین ﷺ دارد، یعنی فقط در زمان آن ها مشروع و محقق می شود، و در عصر غیبت، این نوع جهاد، هیچ جایگاه و مفهومی ندارد.

ب: جهاد دفاعی

و اما جهاد دفاعی زمانی است که بیگانگان و کفار به سرزمین اسلام حمله کنند که در این صورت بر تمام مسلمانان، جهاد و دفاع واجب کفایی است که برای حفظ اموال و ناموس و نجات انسان های بی دفاع و رهایی از سلطه ی ظالمان و متجاوزان در مقابل آن ها به مبارزه برخاسته و از کیان خود و اسلام دفاع کنند.

قرآن کریم درباره ی جهاد دفاعی می فرماید:

(وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصِيْلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيْرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيْزٌ) (۱)

ص: ۳۱۲

و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد، و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

با نگاهی به تاریخ صدر اسلام، نمونه های متعددی وجود دارد، اگر چه سپاهیان اسلام از کم ترین امکانات و تجهیزات جنگی برخوردار بودند، اما با داشتن روحیه ای قوی، با توکل به خداوند متعال و ایمان به نصرت و یاری الهی، همواره به دفاع برخواستند.

ج: جهاد با نفس

جهاد با نفس اماره از جایگاه والایی برخوردار است که به تعبیر رسول اکرم ﷺ جهاد اکبر نام گرفته، اگر چه نابود نمودن این نفس سرکش ممکن نیست، اما می توان با تدبّر و توکل به رحمت خاصه ی الهیه، این دشمن را به اسارت در آورد و به بند کشید.

هر چند قرآن فرموده است:

(أَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ) (۱)

نفس های خود را بکشید.

ولی مقصود ناتوان نمودن و در بند کشیدن آن است.

ما کشته ی نفسیم و بسی آه برآید

از ما به قیامت که چرا نفس نکشیم؟! (۲)

ص: ۳۱۳

۱- سوره ی بقره آیه ۵۴

۲- سعدی شیرازی

قرآن کریم از قول حضرت یوسف صدیق □ می فرماید:

(وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ) (۱)

من خویشتن را از گناه تبرئه نمی کنم، همانا نفس اماره به بدی فرمان می دهد، مگر آن که رحم و شفقت خداوند مشمول حال آدمی گردد؛ به راستی که پروردگار من آمرزنده و مهربان است.

پیامبر اکرم □ و ائمه ی معصوم □ جهاد با نفس را با اهمیت تر و مهم تر از جهاد با دشمن دانسته اند، و در این باره روایات فراوانی از آن ذوات مقدس نقل شده که در این جا به ذکر نمونه هایی از آن اکتفا می کنیم.

جهاد اکبر

وجود مبارک حضرت امام به حق ناطق، جعفر بن محمد الصادق □ از جد بزرگوارش حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب □ نقل می فرمایند:

رسول اکرم □ لشکریانی را به سوی مقصدی گسیل داشت: أَنْ النَّبِيِّ □ بَعَثَ بِسَرِيهِ، فَلَمَّا رَجَعُوا هُنْكَامِي كَمَا بَرَّكَتُ بِهَا فَرَمُودُنْد:

مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؛

خوش آمد می گویم به قومی که جهاد کوچک تر را گذراندند در حالی که جهاد بزرگ تر برای آنان باقی مانده است.

عده ای از آن وجود مقدس و نورانی پرسیدند: يَا رَسُولَ اللَّهِ □ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ مقصود شما از جهاد اکبر چیست؟

پیامبر گرامی اسلام □ فرمودند:

ص: ۳۱۴

۱- سوره ی یوسف آیه ی ۵۳.

جِهَادُ النَّفْسِ؛ (۱)

مقصود جهاد با نفس است.

فخر کاینات حضرت محمد مصطفی ﷺ در کلامی دیگر فرمودند:

أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ؛ (۲)

برترین جهاد آن است که انسان با نفس خود که در (بین دو پهلو) او قرار دارد، مبارزه کند.

امیر مومنان ﷺ فرماید:

وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْجِهَادَ الْأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ، فَاسْتَعْلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ؛ (۳)

بدانید که جهاد اکبر، مبارزه با نفس است، پس به جهاد با خویشتن خود پردازید (تا سعادت‌مند شوید).

در وجود انسان دائماً میان بُعد مادی و معنوی، و بُعد خدا خواهانه و خود خواهانه، جنگ و ستیز وجود دارد، کسی که نفس خود را از هوا و هوس باز دارد، مشمول این وعده ی حق است که فرمودند:

(وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ) (۴)

و اما کسی که از مقام پروردگارش ترسان باشد، و نفس را از هوی و

ص: ۳۱۵

۱- کافی ج ۵ ص ۱۲ حدیث ۳، معانی الأخبار ص ۱۶۰ باب معنی الجهاد الأكبر، وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۶۱ حدیث ۲۰۲۰۸.

۲- امالی شیخ صدوق ص ۴۶۶ و ۴۶۷ حدیث ۸، معانی الاخبار ص ۱۶۰ حدیث

۳- غررالحکم ص ۲۲۶ حدیث ۴۵۸۳.

۴- سوره ی نازعات آیه ی ۴۰ و ۴۱.

هوس باز دارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست.

تسلط نفس اماره بر آدمی، منشا تمام ظلم ها و جنایت هاست که انسان را در ورطه ی هلاکت گرفتار می کند.

حضرت امام موسی بن جعفر^۱ درباره ی مبارزه با نفس می فرماید:

جَاهِدْ نَفْسَكَ لِتَرُدَّهَا عَنْ هَوَاهَا؛ فَإِنَّهُ وَاجِبٌ عَلَيْكَ كَجِهَادِ عَدُوِّكَ؛ (۱)

با نفس اماره ی خود پیکار کن تا آن را از تمایلات خود برحذر داری، این مبارزه همانند جهاد و پیکار با دشمنان بر تو واجب است.

فضیلت مجاهد از منظر قرآن و عترت (ع)

در فضیلت مجاهدان در راه خداوند متعال همین بس که اگر آن ها متاع جان و مال خود را در بازار حقیقت به فروش گذاشته اند، بهترین مشتری آن خداوند است که او برای معامله و خریدن متاع آن ها پیش قدم شده است، و آنچه را که در برابر متاع شان به آنان می دهد به مراتب بهتر و با ارزش تر است، و آن فوز عظیمی است که به آن ها عطا می شود، همان گونه که در سوره ی مبارکه ی توبه می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعُودًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) (۲)

ص: ۳۱۶

۱- تحف العقول ص ۳۹۹، وافی ج ۲۶ ص ۲۸۱ ذیل حدیث ۲۵۴۱۹، بحار الانوار ج ۷۸ ص ۳۱۵ ضمن حدیث ۱، مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۱۴۱ حدیث ۱۲۶۵۴.

۲- سوره ی توبه آیه ی ۱۱۱.

خداوند از مومنان جان ها و اموال شان را خریداری کرده که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد، (به این گونه که) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند، این وعده ی حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده، و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده اید، و این است آن پیروزی بزرگ.

حضرت امام جعفر صادق ع از پیامبر گرامی اسلام ص درباره ی فضیلت مجاهدان در راه خدا چنین نقل می فرمایند:

لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ بَابُ الْمُجَاهِدِينَ يَمْضُونَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ مَفْتُوحٌ، وَ هُمْ مُتَقَلِّدُونَ بِسُيُوفِهِمْ وَ الْجَمْعُ فِي الْمَوْقِفِ، وَ الْمَلَائِكَةُ تُرْحَبُ بِهِمْ؛ (۱)

بهشت را دری است که آن را در مجاهدان نام نهاده اند، و مجاهدان از آن در به بهشت وارد می شوند در حالی که شمشیرهای شان را حمایل ساخته اند، و هنوز مردم در موقف محشر ایستاده و معطل می باشند، و فرشتگان به آن ها خوش آمد می گویند.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

کلام امیرالمومنین ع امیر کلام است، و سخن آن حضرت چکیده و عصاره ی قرآن کریم و کاملاً منطبق با آیات الهی است.

اگر در آخرین لحظه ی عمر گران بهایش همه را به جهاد در راه خدا سفارش می فرماید: «اللَّهُ فِي الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ»، خود آن وجود مبارک و

ص: ۳۱۷

۱- امالی شیخ صدوق ص ۵۷۷ حدیث ۸، وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۱۰ حدیث ۱۹۹۰۲.

نورانی نخستین کسی بود که قولاً و فعلاً با جان و مال در اعتلای «کلمه الله» در مبارزه با کافران و دشمنان اسلام از هیچ کوشش و جهاد و تلاشی دریغ نورزید، و به منظور برقراری و توسعه عدالت در میان مسلمانان عملاً وارد صحنه شد.

خطبه های فصیح و بلیغ، نامه ها و وصیت های بی شمار، نصیحت ها و موعظه های راه گشا و سرشار از حکمت که در متون کتب روایی مخصوصاً متون روایی شیعه، و به ویژه در کتاب نفیس و قیم «نهج البلاغه» آمده است، نشانه ی حضور مستمر و پیوسته ی او در جهاد است که با تفسیر آیات نورانی قرآن، و ترویج و تبلیغ سنت گران سنگ پیامبر عظیم الشان اسلام، بی نظیر ترین خدمت را به دین مبین اسلام نموده، و مَهر بطلان بر عقاید ناصحیح و تفسیر های نادرست دشمنان، از متون بی عیب و نقص اسلام زده است، و امیدشان را به یاس مبدل نمود.

از سوی دیگر، جهاد او در تمام مواضع از غزوات و سریه ها شهره ی عام و خاص، و کائنات علی المنار است، و در تمام مدّت رسالت رسول اکرم ﷺ جان بر کف در خدمت حضرتش همیشه آماده بود.

از جمله ایثار و از خود گذشتگی تمام او در «لیله المبیت» است که یکی از بزرگ ترین فضایل و جهادهای مولی الموحّدین امیرالمومنین حضرت علی بن ابی طالب ﷺ به شمار می آید.

هنگامی که با از خود گذشتگی تمام، جان مبارک و شریف را تقدیم نمود، و در بستر حبیب خود حضرت محمد ﷺ خوابید، و نفس خود را به خاطر فدا نمودن برای اشرف مخلوقات حضرت محمد مصطفی ﷺ به مسلخ برد که پروردگار متعال عمل خالصانه ی او را مورد پذیرش قرار داد و آیه ی مبارکه ی:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (۱) را در شان و منزلت، تمجید و تعظیم او نازل فرمود. (۲)

مولای متقیان حضرت علیؑ در ادامه ی وصیت خود، علامت و نشانه ی جهاد کننده گان مخلص در راه خدا را این گونه بیان فرمودند:

فَإِنَّمَا يَجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَجُلَانِ: إِمَامٌ هُدًى وَ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهِدَاهُ؛

دو گروه هستند که در راه خدا جهاد می کند: یکی پیشوای هدایت و دیگری اطاعت کننده ی او که به هدایت او اقتدا می نماید.

ص: ۳۱۹

-
- ۱- سوره ی بقره آیه ی ۲۰۷: بعضی از مردم (با ایمان و فداکار هم چون حضرت علیؑ در ليله المبيت به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبرؑ) جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.
 - ۲- مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۶۴ و ۶۵، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۳۰ حدیث ۱۴۱، تفسیر فخررازی ج ۱۲ ص ۳۸۳، تفسیر قرطبی ج ۳ ص ۲۱، بحرالمحیط ج ۴ ص ۳۰۰، روح المعانی ج ۳ ص ۳۸۳، اسد الغابه ج ۴ ص ۲۵، مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۳۳، مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۳۳۱، تذکره الخواص ابن جوزی ص ۴۱، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۶۲.

فصل چهاردهم: عظمت اهل بیت پیامبر (ص) در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۳۲۱

اللَّهُ اللَّهُ فِي ذُرِّيهِ نَبِيِّكُمْ، فَلَا تُظْلَمَنَّ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ؛

خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی ذریه ی پیامبرتان، مبدا که آن ها در میان شما دست خوش ستم قرار گیرند در حالی که شما برای دفاع از ایشان قادر و توانا باشید.

مقدمه

برنامه ی مکتب پر افتخار اسلام، رهبری و هدایت جامعه ی بشری است، و انسان های کامل و متصل به وحی به فرمان خداوند متعال عهده دار تحقق اهداف عالی و حقایق آن در میان مردم شدند، و قرآن کریم تمام آن ها را به عنوان الگو معرفی می نماید و در این باره می فرماید:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) (۱)

آری برای شما در زندگی آن ها اسوه ی حسنه و سرمشق نیکویی بود

ص: ۳۲۳

برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند، و هر کس سرپیچی کند به خویشتن ضرر زده است؛ زیرا خداوند بی نیاز و شایسته ی ستایش است.

و در آیه ی کریمه ی دیگر فرمود:

(قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ) (۱)

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت.

بعد از سپری شدن رسالت پیامبران گذشته، هنگامی که یگانه ی عالم خلقت پیامبر خاتم حضرت محمد مصطفی ﷺ از سوی خداوند متعال به مقام شامخ و منبع رسالت مبعوث گشت، پروردگار متعال در قرآن کریم او را به عنوان الگو و اسوه ی حسنه برای جهانیان معرفی نموده، و در باره ی آن وجود نازنین و مقدس فرمود:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا) (۲)

مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا ﷺ سرمشق نیکویی بود برای آن ها که امید به رحمت خدا و روز قیامت دارند، و خدا را بسیار یاد می کنند.

بعد از رحلت جان گداز وجود مقدس و نورانی پیامبر گرامی اسلام ﷺ، خداوند متعال عترت طاهرین و اهل بیت گرامی ﷺ او را - که به نص آیه ی

ص: ۳۲۴

۱- سوره ی ممتحنه آیه ی ۴.

۲- سوره ی احزاب آیه ی ۲۱.

تَطْهِيرُ {إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً} (۱) از هر گونه زشتی و پلیدی مبرا و پاکیزه هستند، و طهارت و عصمت آنان تضمین شده است - به عنوان الگوی تمام و کمال و بی عیب و نقص در تمام زمینه ها برگزیده است تا انسان هایی که در آینده، در عرصه عالم خاکی پدید می آیند و طالب حقیقت و پاکدامنی هستند، بتوانند روح تشنه و حقیقت جوی خود را از دریای بیکران علوم آنان سیراب نمایند.

در این قطعه از وصیت امیرالمومنین □ در باره ی عترت پاک پیامبر عظیم الشان اسلام □ با تاکید فراوان سفارش شده است، به دین سبب ابتدا منزلت ایشان را به قدر مقتضی، در قرآن کریم و کلام نورانی اسوه ی تمام هستی حضرت خاتم الانبیا محمد بن عبدالله □ و هم چنین از لسان آن ذوات مقدس بررسی می نمایم.

در حقیقت پی بردن به آن جایگاه رفیع، و منزلت عظیم، ممکن نباشد الا از لسان وحی و بیان خود آن ذات مقدسه، و الا باید گفت:

ای مگس عرصه ی سیمرخ نه جولان گه ی توست

عرض خود می بری و زحمت ما می داری

اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در قرآن مجید

اشاره

قرآن کریم از نظر جایگاه، نسبت به سایر کتب آسمانی دیگر، مهیمن و محیط

ص: ۳۲۵

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳: خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد

بر آن هاست، آنچه در کتب دیگر بوده در این آخرین صحیفه ی آسمانی آمده است، و آنچه ناگفته مانده در قرآن کریم بیان شده، در این کتاب آسمانی آیات فراوانی در شان و مقام و منزلت اهل بیت عصمت و طهارت □ نازل شده است.

۱. آیات سوره ی انسان

یکی از سوره هایی که جایگاه با عظمت و والای اهل بیت پیامبر گرامی اسلام □ را بیان می کند، سوره ی مبارکه ی انسان (دهر) است، بسیاری از مفسران شیعه و سنی بر این عقیده هستند که آیه های {إِنَّ الْأَبْرَاءَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا * يُوفُونَ بِالْغَدْرِ وَ الْغَدْرُ بِالْغَدْرِ وَ يَحَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا * وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَّا نُطْعِمُكُمْ لُؤْجِهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا} (۱) در شان اهل بیت عصمت و طهارت □ یعنی حضرت امیرالمومنین □ حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا □ و حضرت امام حسن مجتبی و امام حسین □ نازل شده است (۲).

ص: ۳۲۶

۱- سوره ی انسان آیات ۵ - ۹: به یقین ابرار و نیکان از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند و از هر جا بخواهند آن را جاری می سازند، آن ها به نذر خود وفا می کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می ترسند، و غذای خود را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می دهند، (و می گویند:) ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.

۲- تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۹۸، تفسیر مجمع البیان ج ۱۰ ص ۴۰۵، مناقب خوارزمی ص ۱۸۰، الاصابه ج ۴ ص ۳۸۷، تفسیر قرطبی ج ۱۹ ص ۱۲۹، العقد الفرید ج ۳ ص ۴۲، تفسیر طبری ج ۷ ص ۱۹۶۸ - ۱۹۷۰، تفسیر درّ المنثور ج ۶ ص ۲۹۷ و ۲۹۹.

شایسته است کیفیت این داستان را از لسان گهربار ثامن الحجج حضرت علی بن موسی الرضا^ع بیان نماییم که ایشان از جد بزرگوارش حضرت علی بن ابی طالب^ع نقل فرموده است.

قاضی حسکانی از دانشمندان نامی اهل سنت، این حدیث شریف سلسله الذهب را این گونه روایت می کند:

حضرت علی بن موسی الرضا^ع از پدر گرانقدرش امام موسی کاظم، از پدرش جعفر بن محمد، از پدرش امام محمد باقر، از پدرش حضرت امام زین العابدین، از پدرش حضرت حسین بن علی، از پدر بزرگوارش حضرت علی بن ابی طالب^ع صلوات الله^ع این گونه نقل می کند:

«هنگامی که امام حسن و امام حسین^ع بیمار شدند، رسول اکرم^ص به عیادت آن ها آمده و به من فرمود:

ای ابا الحسن! شایسته است برای دو فرزند نازنینت به درگاه خداوند تبارک و تعالی نذری نمایی، امیدوارم خداوند متعال به فضل و کرمش، به سبب نذر تو به آن دو نور دیده عافیت و سلامتی عنایت کند»^(۱)

گفتم: من به درگاه خداوند منان نذر کردم که اگر این دو فرزند عزیزم بهبود یابند، سه روز روزه بگیرم.

آن گاه حضرت فاطمه^ع گفت: من نیز نذر می کنم که اگر نوردیدگانم از این

ص: ۳۲۷

۱- لَوْ نَذَرْتَ عَلَيَّ وَلَمَدَيْكَ لِلَّهِ نَذْرًا، أَرْجُو أَنْ يَنْفَعَهُمَا اللَّهُ بِهِ. شواهد التنزيل ج ۲ ص ۳۹۴ حدیث ۱۰۴۲، اقبال الاعمال ج ۲ ص ۳۷۴، وسائل الشیعه ج ۲۳ ص ۳۰۴ و ۳۰۵ حدیث ۲۹۶۱۸.

بیماری بهبودی یابند، سه روز روزه بگیرم.

به لطف حق بیماری آن دو بزرگوار بر طرف شد و آن‌ها بهبودی کامل یافتند، و آن دو بزرگوار نیز در انجام وفای به نذر، به مدت سه روز صائم شدند، اما برای تناول افطار، و تهیه‌ی طعام و برای فراهم نمودن نان، چیزی در منزل نبود.

وجود مقدس امیرمؤمنان \square سه صاع (حدود سه من) جو تهیه کردند، حضرت فاطمه‌ی زهرا \square یک صاع از آن را آسیاب کرد به تعداد افراد خانواده، و پنج قرص نان فراهم نمود.

امیرالمومنین \square بعد از اقامه‌ی نماز به منزل آمدند، هنگامی که غذا را برای افطار در برابر خود نهادند، مسکینی به نزد آن خانواده‌ی جود و کرم آمد، و از آن‌ها تقاضای کمک کرد.

آنان در حالی که هنوز از آن غذا تناول نکرده بودند، همگی طعام خود را به آن مسکین تقدیم نمودند، و آن روز را با آب افطار کردند، و در آن شب نیز هنگام سحر چیزی نخوردند و تنها با نوشیدن مقداری آب روزه‌ی روز دوم را آغاز کردند.

آن عترت طاهرین \square روزه‌ی روز دوم را نیز با کمال توجه به حضرت باریتعالی سپری فرمودند، حضرت صدیقه‌ی طاهره فاطمه‌ی زهرا \square از صاع دیگری از آردی که در اختیار داشت، نان تدارک دید، زمان افطار فرا رسید، و همه‌ی آن‌ها در کنار سفره نشسته بودند، وقتی اراده کردند از آن غذا افطار کنند، یتیمی از راه رسید و دست نیاز به سوی آنان دراز کرد، در این روز نیز همگی غذای خود را به او دادند و خود با آب افطار کردند و روزه‌ی روز سوم را نیز با نوشیدن آب آغاز کردند.

هنگام افطار روز سوم نیز فرا رسید، اما در این هنگام اسیری دقّ الباب کرد و با حالت خسته و در ماندگی اظهار کمک نمود، آنان همگی غذای روز سوم را

مانند دو روز گذشته، به اسیر دادند و با آب افطار نمودند.

حضرت علی بن ابی طالب ؑ به همراه دو نور دیدگانش امام حسن و امام حسین ؑ - که هم چون جوجه به خود می لرزیدند - و حضرت فاطمه ؑ و فضا ی خادمه، به دیدار رسول خدا ؐ رفتند، اما وجود مقدس رسول گرامی اسلام ؐ هنگامی که این منظره را مشاهده کرد فرمود:

إِلَهِي! هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي يُمُوتُونَ جُوعًا، فَأَرْحَمَهُمْ يَارَبِّ وَاعْفِرْ لَهُمْ، هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي فَأَحْفَظُهُمْ وَلَا تَنْسَهُمْ؛

خداوندا! اینان اهل بیت من هستند که از شدت گرسنگی رو به موت نهاده اند، خداوندا! به این ها رحم کن، و آن ها را بیامرز، اینان اهل بیت من هستند، آن ها را حفظ فرما و فراموش شان مکن.

در این هنگام جبرئیل امین بر رسول گرامی اسلام ؐ فرود آمد و گفت: ای محمد! خداوند بر تو درود می فرستد، و می فرماید: دعای تو را در حق آن ها پذیرفتم، از آن ها سپاس گزار و راضی هستم، و این آیات را بخوان، سوره ی مبارکه ی «هل اتی» را قرائت کرد.

از این رو اکثر علما بر این عقیده هستند که سوره ی مبارکه ی «هل اتی» برای بیان فضایل اهل بیت ؑ به دنبال ماجرای مذکور نازل شده است (۱)

۲- آیه ی مبارکه تطهیر

یکی از آیاتی که در شان اهل بیت عصمت و طهارت ؑ نازل شده است، آیه ی تطهیر است، خداوند متعال می فرماید:

ص: ۳۲۹

۱- شواهد التنزیل ج ۲ ص ۳۹۴ - ۳۹۷ حدیث ۱۰۴۲، تفسیر کشاف (زمخشری) ج ۴ ص ۶۷۰، مناقب خوارزمی ص ۱۸۰، تفسیر فخر رازی ج ۳۰ ص ۷۴۶.

(إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً) (۱)

خداوند چنین می خواهد که پلیدی را فقط از شما اهل بیت بزدايد و شما را كاملاً پاكيژه گرداند.

تحقیقات پردامنه و دقیقی که مفسران و محدثان و دانشمندان علوم و معارف اسلامی در کتاب های مبسوط اعتقادی، و بر اساس اسناد و مآخذ معتبر انجام داده اند، نشانه ی اهمیت این موضوع است، و اکثریت آن ها بر این باورند که منظور از این آیه ی شریفه اهل بیت پیامبر خدا ﷺ و پنج تن اصحاب کسا هستند.

جلال الدین سیوطی از علمای بزرگ و از مفسرین برجسته ی اهل سنت است، ایشان در کتاب تفسیر «الدر المنثور» (۲) در ذیل آیه ی شریفه ی تطهیر {إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً} (۳) با نقل بیش از بیست حدیث اثبات می کند که مقصود خداوند متعال از اهل بیت در این آیه، امیرالمومنین و فاطمه ی زهرا و امام مجتبی و امام حسین ﷺ هستند.

هم چنین ابن جریر طبری - که یکی دیگر از مفسران مشهور و صاحب نام اهل سنت است - نیز در کتاب تفسیر خود با نقل بیش از پانزده حدیث، بر این نکته تاکید می کند که منظور از اهل بیت این پنج بزرگوار هستند (۴).

در منابع معتبر شیعه و سنی، روایات بسیاری نقل شده است که مقصود از اهل بیت در آیه ی مزبور، منحصر در پنج نور مقدس، یعنی پیامبر بزرگوار اسلام حضرت

ص: ۳۳۰

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳.

۲- الدر المنثور ج ۵ ص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۳- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳

۴- تفسیر طبری ج ۲۲ ص ۵، جامع البیان ج ۲۲ ص ۵ - ۷.

محمد ﷺ و برادر و به نص آیه ی مباحله جان ایشان یعنی وجود مبارک و نورانی حضرت علی بن ابی طالب ﷺ، و ثمره ی قلب و پاره ی تن پیامبر اکرم ﷺ، آن بزرگ بانوی اسلام حضرت فاطمه ی زهرا ﷺ، و هم چنین سید جوانان اهل بهشت حضرت امام حسن مجتبی و سید الشهداء حسین بن علی ﷺ هستند.

و علمای سنی و شیعه این ماجرا را به شکل گوناگون روایت کردند که مفهوم آن ها مشترک و مربوط به آیه ی تطهیر می باشد.

یکی از آن روایات این است:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ خَرَجَ وَ عَلَيْهِ مِرْطٌ مَرْحَلٌ مِنْ شَعْرِ أَسْوَدَ، فَجَاءَ الْحَسَنُ فَأَدْخَلَهُ، ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَأَدْخَلَهُ، ثُمَّ فَاطِمَةُ ثُمَّ عَلِيٌّ، ثُمَّ قَالَ: (إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)؛ (۱)

پیامبر بیرون آمد در حالی که بر او جامه ای از موی سیاه بود، پس امام حسن مجتبی ﷺ آمد او را وارد کسا کرد، سپس امام حسین ﷺ آمد، او را نیز وارد آن نمود، سپس حضرت زهرا ﷺ آمد، او را هم در آن وارد نمود، سپس امیرالمومنین علی ﷺ آمد، او را نیز در آن جای داد، سپس آیه ی شریفه ی تطهیر را قرائت فرمود که: خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزداید، و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

و روایت دیگر: از ام سلمه نقل شده که پیامبر اکرم ﷺ در خانه و خوابگاه او

ص: ۳۳۱

۱- بحار الانوار ج ۲۱ ص ۲۸۱ حدیث ۱، صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۸۳، مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۴۷، سنن کبری بیهقی ج ۲ ص ۱۴۹، تفسیر طبری، ج ۲۲ ص ۵-۷، تفسیر بیضاوی ج ۴ ص ۳۴۷، تفسیر قرآن العظیم ابن کثیر ج ۳ ص ۴۹۳، الدر المنثور ج ۵ ص ۱۹۸-۱۹۹، مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۳۳۰، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۰-۹۲، احقاق الحق ج ۲ ص ۵۰۳.

بود، و گلیم خبیری بر سر کشیده و خوابید، پس فاطمه^۳ی زهرا^۴ وارد خانه شد در حالی که دیگری در دست داشت که در آن حریره بود، پیامبر خدا^۵ رو به حضرت زهرا^۴ کرد و فرمود:

ادْعِي لِي زَوْجَكَ وَ ابْنَيْهِ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا؛

شوهر و پسرانت حسن و حسین را دعوت کن.

فاطمه^۶ آن ها را خواست، در آن هنگامی که آن ها به اتفاق هم حریره را تناول می کردند، این آیه ی کریمه بر پیامبر اکرم^۷ نازل گردید:

إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا؛

خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزدايد، و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

ام سلمه می گوید: رسول خدا^۸ زیاده ی گلیم را گرفته و آنان را پوشانید، سپس فرمود:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا؛

خدایا! این ها اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آن ها دور و آنان را پاک و پاکیزه قرار ده.

پیامبر اسلام^۹ این آیه را سه بار تکرار کرد، و من سر خود را داخل کسا کردم و عرضه داشتم: ای رسول خدا!^{۱۰} من هم با شما هستم؟

حضرت فرمود: «إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ»^(۱) همانا تو بر طریق و عاقبت به خیر هستی.

ص: ۳۳۲

۱- تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۹۳، فضایل امیر المومنین^{۱۱} ص ۲۱۰، عمده عیون صحاح الاخبار ابن بطریق ص ۳۹ حدیث ۲۲، تاویل الآیات الظاهره ص ۴۴۹، بحار الانوار ج ۳۵ ص ۲۲۴ حدیث ۲۴۰۰، البته در مصادر اهل سنت نیز این مطلب آمده است: سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۲۷، مسند احمد بن حنبل ج ۶ ص ۲۹۲

انس بن مالک که از راویان متعصب و معتبر در نزد اهل سنت است نقل می کند: پس از نزول آیه ی تطهیر، وجود مبارک پیامبر اکرم ﷺ به مدت شش ماه (۱) هنگامی که برای نماز صبح از کنار خانه ی حضرت فاطمه ﷺ می گذشت، آیه ی شریفه ی تطهیر را تلاوت می کرد و می فرمود:

الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ!

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

در روایتی دیگر که ابوسعید خدری از پیامبر عالیقدر اسلام نقل شده است، چنین آمده: پیامبر خدا ﷺ این برنامه را به مدت هشت و یا نه ماه ادامه داد. (۲)

ص: ۳۳۳

۱- شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۱ و ۱۲ و ۱۳.

۲- درباره ی این موضوع احادیثی روایت شده است که متن آن اندکی با یک دیگر متفاوت است، اما وقوع چنین ماجرا را تأیید می کنند و قطعاً متواتر معنوی است، که چند نمونه ی آن ارائه می گردد. ابو حمرا می گوید: من هفت ماه در عهد رسول الله ﷺ در مدینه بودم، آن حضرت را دیدم وقتی فجر طلوع می کرد به در خانه ی علی و فاطمه ﷺ می آمد و می فرمود: الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ! إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. تفسیر قرآن عظیم ابن کثیر ج ۶ ص ۳۶۵. ابو سعید خدری روایت می کند که وقتی آیه ی تطهیر نازل شد، رسول خدا ﷺ نه ماه وقت هر نمازی، در خانه ی فاطمه و علی ﷺ می آمد می فرمود: الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ! يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ! إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. آیات الاحکام استرآبادی ج ۱ ص ۹۸. انس بن مالک روایت کرده که پیامبر اسلام ﷺ به مدت شش ماه وقتی برای نماز صبح می رفت همیشه از در خانه ی فاطمه ﷺ عبور می کرد و می فرمود: الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ! يَا أَهْلَ الْبَيْتِ! إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. احکام القرآن ج ۳ ص ۱۵۳۸، تفسیر قرآن عظیم ابن کثیر ج ۶ ص ۳۶۵. ابو حمرا گفت: نه یا ده ماه در خدمت پیامبر بودم، و او هر صبح گاه از خانه بیرون می آمد دو طرف در سرای علی ﷺ را به دست می گرفت و می فرمود: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد. سپس می فرمود: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. تفسیر حبری ص ۵۸۱. علمای دیگر نیز روایاتی را به این مضمون نقل کردند. الکشف و البیان ج ۸ ص ۴۴، فتح الغدیر ج ۳ ص ۴۲، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۴۹۷، و ج ۲ ص ۱۸ و ۲۰ و ۲۱، در المثور ج ۴ ص ۳۱۳، و ج ۵ ص ۱۹۹.

۳- آیه ی مبارکه ی مباحله

یکی دیگر از آیاتی که در شان اهل بیت پیامبر ﷺ نازل شده، آیه ی مباحله است، در قرآن کریم آمده است:

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) (۱)

ص: ۳۳۴

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۶۱: پس هر کس با تو (درباره ی حضرت عیسی) مجادله کرد پس از آن که به وحی خدا به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و شما فرزندان و زنان و نفوس خود را بخوانیم تا با هم به مباحله برخیزیم، پس لعن خدا را بر دروغ گویان قرار دهیم.

ابتدا لازم است به طور اختصار، شان نزول آن را از تفاسیر شیعه و سنی ذکر نماییم، گروهی از نصارای نجران در مدینه به محضر مبارک پیامبر گرامی اسلام ﷺ مشرف شدند، و درباره ی تولد حضرت عیسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - به مناظره و محاجه پرداختند.

از پیامبر گرامی اسلام پرسیدند: مردم را به چه آیینی دعوت می کنی؟

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «آن ها را به آیین یکتاپرستی می خوانم که شهادت دهند معبودی جز خداوند یکتا نیست، و من فرستاده ی خداوند هستم، و حضرت عیسی ﷺ هم بنده و مخلوق اوست، مانند سایر مردم می خورد و می آشامد و سخن می گوید».

بار دیگر از پیامبر خدا ﷺ پرسیدند: اگر بنده و مخلوق است، پدرش چه کسی بود؟

در این هنگام به رسول گرامی اسلام ﷺ وحی شد که از ایشان بپرس: شما درباره ی حضرت آدم چه می گوئید، آیا او بنده و مخلوقی نبود که می خورد و می آشامید و سخن می گفت و نکاح می کرد؟

رسول خدا ﷺ هم همه ی آن ها را از ایشان پرسید، آن ها در پاسخ گفتند آری! او بنده و مخلوق بود، و آنچه را شما فرمودید انجام می داد.

حضرت ﷺ از آنان پرسید:

«اگر بنده بود و مخلوق، پدرش چه کسی بود؟».

مسیحیان مبهوت شدند، در این هنگام آیه ی شریفه نازل شد:

(إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) (۱)

ص: ۳۳۵

مثل عیسی در نزد خدا هم چون آدم است که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: موجود باش، او هم فوراً موجود شد.

رسول خدا ﷺ برای این که بتواند برای همیشه راه جدل و محاجّه ی با آن ها را در این باره ببندد، به فرمان حق پیشنهاد مباحله (۱) می دهد، و آن ها نیز برای فیصله دادن مساله، از طریق مباحله آماده شدند، و قرار شد که روز بعد همگی برای مباحله آماده شوند (۲).

آن ها در این فاصله، برای کیفیت عمل و راهنمایی گرفتن به شخصیت های بزرگ و روسای نجران مراجعه کردند، بزرگان آن ها گفتند:

اگر فردا محمد ﷺ به همراه فرزندان و خانواده اش برای مباحله حاضر شد، از مباحله صرف نظر کنید، ولی اگر به همراه انصار و یارانش در صحنه ی مباحله حاضر شد، بدون هیچ تردی با ایشان مباحله کنید؛ زیرا چنین عملی نشانه ی این است که او پاسخ قانع کننده ای در اختیار ندارد.

روز موعود فرا رسید، پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ در حالی که دست

ص: ۳۳۶

۱- واژه ی «مباحله» ریشه و اصل لغوی آن از ماده «بهل» بر وزن اهل به معنای رها کردن و قید و بند را از چیزی برداشتن است، ابتهال در دعا به معنای تضرع و واگذاری کار به خدا است. اگر آن را گاهی به معنای هلاکت و لعن و دوری از خدا گرفته اند نیز به خاطر این است که رها کردن و واگذار کردن بنده به حال خود، این نتایج را به دنبال می آورد، و از نظر مفهوم متداول که از آیه ی فوق گرفته شده، به معنای نفرین کردن دو نفر به یک دیگر است. به این ترتیب که افرادی که با هم گفت و گو در باره ی یک مساله ی مهم مذهبی دارند، در یک جا جمع شوند و به درگاه خدا تضرع کنند و از او بخواهند که دروغ گو را رسوا و مجازات کند. لسان العرب ج ۱۱ ص ۷۳، مجمع البحرین ج ۲ ص ۲۸۵

۲- شواهد التزیل ج ۱ ص ۱۵۵ و ۱۵۶ حدیث ۱۹۸، تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۰۴، بحار الانوار ج ۲۱ ص ۲۷۶ و ۲۷۷ ذیل حدیث ۱۱.

امیرالمومنین علی بن ابی طالب \square در دست مبارکش بود، وجود مبارک امام حسن و حسین \square در پیش روی او راه می رفتند، و حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا \square پشت سرش بود، برای مباحله به راه افتاد.

هم چنین نصارای نجران در حالی بیرون آمدند که اُسقف اعظم آن ها نیز پیشاپیش آنان بود، وقتی چشمان اُسقف اعظم به وجود مبارک رسول گرامی اسلام \square و همراهانش افتاد، پرسید: همراهان او چه نسبتی با او دارند؟

در پاسخ گفتند: این پسر عمو و هم چنین داماد و محبوب ترین انسان ها در نزد او است، و این دو پسر فرزندان دختر او از علی \square هستند، و آن بانو دخترش فاطمه \square است که عزیزترین مردم نزد او، و نزدیک ترین افراد به قلب او است.

در روایتی آمده است: اُسقف اعظم به آن ها گفت: من صورت هایی را می بینم که اگر از خداوند تقاضا کنند کوه ها را از جا بر کند، خداوند متعال چنین خواهد کرد، هرگز با آن ها مباحله نکنید که هلاک خواهید شد، و یک نصرانی تا روز قیامت بر صفحه ی زمین نخواهد ماند (۱)

در این هنگام اُسقف اعظم به محضر پیامبر گرامی اسلام \square عرض کرد: ای ابوالقاسم! ما با تو مباحله نمی کنیم، بلکه حاضر به مصالحه هستیم، با ما مصالحه کن، پیامبر اکرم \square با آن ها مصالحه نمود (۲)

ص: ۳۳۷

۱- اقبال الاعمال ج ۲ ص ۳۷۰، تفسیر کشاف (زمخشری) ج ۱ ص ۳۶۸ و ۳۶۹، تفسیر فخر رازی ج ۸ ص ۲۴۷۱. در این تفسیر به طور مفصل این ماجرا بیان شده است.

۲- صورت مصالحه طبق نقل زمخشری در تفسیر کشاف ج ۱ ص ۳۶۹ و فخر رازی در تفسیر کبیر ج ۸ ص ۲۴۷ و سید بن طاووس در اقبال الاعمال ج ۲ ص ۳۵۰ چنین بود که گفتند: با تو به این صورت مصالحه می کنیم که شما با ما جنگ نکنید، و ما را نترسانید، و از دین مان برنگردانید، و در مقابل آن، ما در هر سال دو هزار حله و قواره لباس کامل به شما بدهیم؛ هزار \square قواره در ماه صفر و هزار حله در ماه رجب، و نیز سی دست زره آهنین جنگی به شما تحویل دهیم. و در مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۷۰ سی راس اسب و سی نفر شتر نیز اضافه ذکر شده است.

این آیه شریفه، هم بیان کننده ی برهانی قاطع برای معرفی اهل بیت واقعی پیامبر اکرم ﷺ است، و هم مدعیان دروغین را از دایره ی اهل بیت خارج کرده و فضیلت و برتری آل محمد ﷺ را به وضوح برای عالیمان آشکار می سازد، و هم چنین نکات بسیار مهم و اساسی را بیان می کند:

اول این که مراد از {وَأَنْفُسِنَا وَ أَنْفُسِكُمْ} کسی جز حضرت علی بن ابی طالب - علیه أفضل صلوات المصلین - نیست؛ زیرا که انسان نفس خودش را نمی خواند، این سخن بیان کننده ی این نکته است که حضرت امیرالمومنین ﷺ نفس رسول خداست، اگر چه در ظاهر متعدد، ولی در واقع نور واحد هستند.

به این سبب چون پیامبر بزرگوار اسلام حضرت رسالت پناه محمد مصطفی ﷺ از سایر انبیای عظام برتر و برجسته تر است، حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب ﷺ نیز از سایر انبیا برتر و با فضیلت تر است که این حدیث شریف:

(مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ نُوحًا فِي طَاعَتِهِ، وَ إِبْرَاهِيمَ فِي خَلَّتِهِ، وَ مُوسَى فِي قُرْبَتِهِ، وَ عِيسَى فِي صِيْفِ مَوْتِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ)؛ (۱)

ص: ۳۳۸

۱- هر کس می خواهد حضرت آدم ﷺ را در علمش، و نوح ﷺ را در طاعتش، و ابراهیم خلیل ﷺ را در خلقتش، و حضرت موسی ﷺ را در قربتش، و حضرت عیسی ﷺ را در صفوتش ببیند، به حضرت علی بن ابی طالب ﷺ بنگرد. فهرست منتخب الدین ص ۴۳۲، بحار الانوار ج ۲۱ ص ۲۸۳.

با صراحت به این نکته دلالت دارد که اوصاف برجسته در انبیای سلف و ارباب شرف، در وجود مقدس حضرت علی بن ابی طالب جمع بود، و او به غیر از وجود مقدس و نورانی پیامبر خاتم، افضل از جمیع انبیای الهی است (۱).

دوم این که وجود مقدس امام حسن و امام حسین □ فرزندان و ذریه ی

ص: ۳۳۹

۱- در تفسیر فخر رازی ج ۸ ص ۲۴۸ چنین آمده: كَانَ فِي الرَّيِّ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْحَمَصِيُّ، وَكَانَ مُعَلِّمَ الْأَثْنَى عَشْرِيَّةً، وَكَانَ يَزْعُمُ أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَفْضَلُ مِنْ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ سِوَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: وَالَّذِي يَدُلُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ تَعَالَى: □ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ □، وَلَيْسَ الْمُرَادُ بِقَوْلِهِ: «وَأَنْفُسَنَا» نَفْسَ مُحَمَّدٍ □؛ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ لَا يَدْعُو نَفْسَهُ، بَلِ الْمُرَادُ بِهِ غَيْرُهُ. وَ أَجْمَعُوا عَلَيَّ أَنَّ ذَلِكَ الْغَيْرَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَدَلَّتِ الْآيَةُ عَلَيَّ أَنَّ نَفْسَ عَلِيٍّ هِيَ نَفْسُ مُحَمَّدٍ، وَلَمَّا يُمَكِّنُ أَنْ يَكُونَ الْمُرَادُ مِنْهُ أَنَّ هَذِهِ النَّفْسَ هِيَ عَيْنُ تِلْكَ النَّفْسِ، فَالْمُرَادُ أَنَّ هَذِهِ النَّفْسَ مِثْلُ تِلْكَ النَّفْسِ، وَذَلِكَ يَفْتَضِي الْأَسْبِيَاءَ فِي جَمِيعِ الْوُجُوهِ، تَرَكَ الْعَمَلَ بِهَذَا الْعُمُومِ فِي حَقِّ النَّبِيِّ، وَفِي حَقِّ الْفَضْلِ؛ لِإِقْيَامِ الدَّلَائِلِ عَلَيَّ أَنَّ مُحَمَّدًا □ كَانَ نَبِيًّا وَ مَا كَانَ عَلِيٌّ كَذَلِكَ، وَ لِإِنْعَادِ الْجَمَاعِ عَلَيَّ أَنَّ مُحَمَّدًا □ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَيَبْقَى فِيمَا وَرَاءَهُ مَعْمُولًا بِهِ. ثُمَّ الْجَمَاعُ دَلَّ عَلَيَّ أَنَّ مُحَمَّدًا □ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ □، فَيَلْزَمُ أَنْ يَكُونَ عَلِيٌّ أَفْضَلَ مِنْ سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ، فَهَذَا وَجْهُ الْأَسْبِيَاءِ بِظَاهِرِ هَذِهِ الْآيَةِ. ثُمَّ قَالَ: وَيُؤَيِّدُ الْأَسْبِيَاءَ بِهَذِهِ الْآيَةِ، الْحَدِيثُ الْمَقْبُولُ عِنْدَ الْمُوَافِقِ وَالْمُخَالِفِ، وَهُوَ قَوْلُهُ □: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَنَوْحًا فِي طَاعَتِهِ، وَإِبْرَاهِيمَ فِي خُلَّتِهِ، وَمُوسَى فِي هَيْبَتِهِ، وَعِيسَى فِي صِفْوَتِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ». فَالْحَدِيثُ دَلَّ عَلَيَّ أَنَّهُ اجْتَمَعَ فِيهِ مَا كَانَ مُتَفَرِّقًا فِيهِمْ، وَذَلِكَ يَدُلُّ عَلَيَّ أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَفْضَلُ مِنْ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ سِوَى مُحَمَّدٍ □.

رسول الله می باشند؛ زیرا رسول اکرم ﷺ فرمود که: «فرزندان خود را بخوانید» {فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ}، اما خود آن بزرگوار حسنین ﷺ را احضار کرد که بیانگر این است که آن دو گوهر گران بها فرزندان ایشان می باشند.

و آنچه که این مدعا را تایید و تاکید می کند، این قول خداوند متعال در سوره ی مبارکه ی انعام است که فرمود:

{وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوْسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى} (۱)

نام مبارک حضرت عیسی بن مریم ﷺ نیز در جمع پیامبرانی که به عنوان ذریه ی حضرت ابراهیم ﷺ شمرده شدند، به چشم می آید، و این در حالی است که حضرت ﷺ فقط از جانب مادر به حضرت ابراهیم خلیل ﷺ منتسب است نه از جانب پدر، و این بیان کننده ی این مطلب است که فرزند دختر نیز به عنوان فرزند محسوب می شود که خود حضرت ﷺ فرمود:

ابْنَايَ هَذَانِ اِمَامَانِ؛ قَامَا اَوْ قَعَدَا؛ (۲)

این دو فرزند من دو امام هستند؛ بپا خیزند (و جنگ کنند) یا بنشینند (و دست از حق خود باز داشته و صلح کنند).

سوم این که اگر پیامبر گرامی اسلام نسبت به مومنین بر نفوس شان اولویت داشت: {الَّتِي اُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ} (۳) در نتیجه باید حضرت مولی الموالی امیرالمومنین ﷺ نیز بر تمام نفوس آدمیان اولی باشد.

ص: ۳۴۰

۱- سوره ی انعام آیه ی ۸۴ و ۸۵.

۲- ارشاد شیخ مفید ج ۲ ص ۳۰، اعلام الوری ص ۲۰۹، بحار الانوار ج ۲۱ ص ۲۷۸.

۳- سوره ی احزاب آیه ی ۶.

در نتیجه اگر پیامبر گرامی اسلام ﷺ به عنوان پیشوای جهانیان بود و اطاعت او نیز واجب است، پس اطاعت ولی الله الاعظم حضرت علی مرتضیٰ ﷺ نیز بر مردم فرض و واجب است.

همان طوری که در سوره ی مبارکه ی نسا تصریح می فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (۱)

۴- آیه ی مبارکه ی موَدّت

اشاره

از آیات دیگر که در شان و منزلت اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ نازل شده، آیه ی موَدّت است که خداوند متعال فرمود:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ) (۲)

بگو من از شما هیچ گونه اجر و پاداشی بر این امر دعوت و رسالت نمی خواهم مگر موَدّت و محبت نسبت به نزدیکانم.

خداوند منان در آیه ی مورد بحث، اجر و مزدی را برای رسول گرامی خود معین کرده، و آن موَدّت و محبت و ارادتِ خالصانه نسبت به ذوی القربی و درحقیقت افراد بسیار نزدیک پیامبر اکرم ﷺ است.

شان نزول

مرحوم طبرسی ﷺ در «مجمع البیان» در باره ی شان نزول آیه ی موَدّت حدیثی

ص: ۳۴۱

۱- سوره ی نسا آیه ی ۵۹: ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر (اوصیای پیامبر) را.

۲- سوره ی شوری آیه ی ۲۳.

را از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل نموده است که خلاصه اش چنین است:

وقتی که پیامبر اکرم ﷺ وارد شهر مدینه شد و مورد استقبال گرم و بی نظیر انصار قرار گرفت، آن ها که از دوستان و دلباختگان پیامبر ﷺ بودند، با مشورت یک دیگر به محضر مبارک رسول خدا ﷺ مشرف شدند و عرضه داشتند:

اگر مشکلات مالی سدّ راه ترویج دین، و پیش برد حکومت اسلامی، و تحقق آرمان های حقیقی دین شد، اموالی که در اختیار ما قرار دارد، بدون هیچ گونه قید و شرطی در اختیار شما می باشد، و به هر طریقی که صلاح می دانید، از آن بهره برداری نمایید، در این هنگام این آیه ی کریمه ی {قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ} نازل شد، و پیامبر اکرم ﷺ آیه شریفه را تلاوت فرمود.

انصار در حالی که از شدت خوشحالی و فرح به وجد آمده بودند، با رضایت و تسلیم، محضر فخر کاینات حضرت رسالت پناه محمد بن عبدالله ﷺ را ترک کردند.

اما منافقان سیه دل که داعیه ی شکست دین با عظمت اسلام را در سر می پروراندند، از این فرصت استفاده کرده و نزول چنین آیه ای را بر رسول خدا ﷺ منکر شده، و با تبلیغات سوء در میان مردم شایعه کردند که هدف محمد ﷺ این است تا از این طریق ما را بعد از خود در برابر خویشاوندانش خوار و ذلیل نماید.

اما طولی نکشید که خداوند متعال با نزول آیه ی دیگر، توطئه و نقشه های آنان را نقش بر آب کرد و فرمود:

(أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَ يَمْحُ اللَّهُ

الْبَاطِلَ وَ يَحِقُّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ(۱)

آیا می گویند: او بر خدا دروغی بسته است؟ در حالی که اگر خدا بخواهد بر دلت مُهر می نهد، و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می کند، اوست که به راز دل ها داناست.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ بی درنگ پیکری به سراغ انصار فرستاد و آیه ی شریفه را به همراه محتوای آن به گوش شان رساند، در این هنگام گروهی از آن ها نادم و شرمسار، با چشمی اشکبار، ناراحت و پشیمان به سوی پیامبر رحمت برگشتند که با توبه ی آن ها، باران عفو و رحمت حق باریدن گرفت، و خداوند متعال با فرستادن فرشته ی وحی، نوید جان بخش قبول توبه را به گوش پیامبر رحمت خود زمزمه کرد و فرمود:

(وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ)(۲)

و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می پذیرد، و از گناهان در می گذرد، و آنچه می کنید می داند(۳)

با توجه به آیه ی کریمه، و شان نزول آن، این نتیجه به دست می آید که مودّت اهل بیت ﷺ پاداش و اجر و مزد رسالت است.

ذوی القربی

اما «ذوی القربی» چه کسانی هستند و مصداق آن کیست؟ در میان علما

ص: ۳۴۳

۱- سوره ی شوری آیه ی ۲۴.

۲- سوره ی شوری، آیه ی ۲۵.

۳- مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۹.

گفت و گوشت، شایسته است در این باره نیز به رسول گرامی اسلام \square مراجعه نماییم، و او را در روشن نمودن شبهات، داور و حَکَم قرار دهیم که خداوند متعال می فرماید:

(فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيَسْأَلُوا تَسْلِيمًا) (۱)

ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند مگر آن که تو را در مورد آنچه میان آنان مایه ی اختلاف است داور گردانند، سپس از حکمی که کرده ای در دل های شان احساس ناراحتی (و تردید) نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند.

پیامبر گرامی اسلام \square مقصود از ذوی القربی را بیان فرمودند، و مراد آن را توضیح داده و مصداق آن را نیز معین نموده است که توضیح آن در احادیث شیعه و سنی (۲) آمده است، طبق این روایات، ذوی القربی فقط اهل بیت عصمت و طهارت پیامبر گرامی اسلام \square هستند.

ابن عباس می گوید: هنگامی که آیه ی کریمه ی مودت نازل گردید، از رسول خدا \square پرسیدند: مقصود شما از ذوی القربی و خویشاوندان - که محبت و مودت آنان بر ما فرض و واجب است - چه کسانی هستند؟

پیامبر خدا \square فرمود:

عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةٌ وَ ابْنَاهُمَا؛ (۳)

ص: ۳۴۴

۱- سوره ی نسا آیه ی ۶۵.

۲- صحیح بخاری ج ۳ ص ۵۰۲، مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۲۲۹.

۳- مناقب علی بن ابی طالب ص ۳۱۶ حدیث ۵۲۱، ذخائر العقبی ص ۲۵، استجلاب ارتقاء \square \square الغرف ج ۱ ص ۳۲۳ و ۳۲۴ حدیث ۴۹، تفسیر فخر رازی ج ۲۷ ص ۵۹۵، معجم کبیر طبرانی ج ۱۱ ص ۳۵۱، شواهد التنزیل ج ۲ ص ۱۹۴.

علی و فاطمه و دو فرزند آن ها هستند.

و چون در آیه ی شریفه ی دیگری می فرماید: {مَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ} (۱)، این نکته روشن می شود که مودت اهل بیت، و عرض ادب به ساحت مقدسه ی آن بزرگواران که به عنوان وظیفه ی لازمه برای هر مکلفی است، و آنچه را که آیه کریمه بیان فرمود صرفاً برای هدایت و نجات انسان از ضلالت است، و لذا می فرماید: {مَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ}.

و در زیارت جامعه ی کبیره و ادعیه ی دیگر نیز وارد است:

وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا؛ (۲)

خداوند درود و صلوات ما بر شما را رحمت برای ما و کفاره ی گناهان مان قرار داد.

و این نکته قابل تذکر است که قبولی ولایت آنان، مانند پذیرفتن رسالت پیامبر اسلام موجب سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت خود انسان هاست، و نتیجه اش به نفع خود انسان ها خواهد بود.

نگاهی به دو روایت

الف: حدیث شریف ثقلین

حدیث ثقلین از جمله احادیثی است که میان شیعه و سنی به تواتر رسیده

ص: ۳۴۵

-
- ۱- سوره ی سبا آیه ی ۴۷: هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام برای خود شماست
 - ۲- کافی ج ۴ ص ۵۵۹ حدیث ۱، تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۸۰ ذیل حدیث ۱۵۷، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۲۰۳ ضمن حدیث ۱.

است اگر چه در برخی نقل ها، بعضی از واژه های آن متفاوت بیان شده اند. (۱)

از کسانی که این روایت را نقل می کند، زید بن ارقم است، ایشان می گوید: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مِمَّا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعِيدِي، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، وَهُوَ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛ (۲)

همانا من در میان شما چیزی را به یادگار می گذارم که اگر به آن تمسک کنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد، یکی از آن ها بزرگ تر از دیگری است و آن کتاب خداست که مانند ریسمانی آویخته از آسمان به سمت زمین است، و دیگری عترت و اهل بیت من هستند، این دو هرگز از

ص: ۳۴۶

۱- در بعضی از منابع روایی مانند: سنن ترمذی ج ۲ ص ۳۰۸، تفسیر قرآن العظیم ابن کثیر ج ۴ ص ۱۱۳، معجم کبیر طبرانی ج ۳ ص ۶۳ حدیث ۲۶۷۸، نظم درر السمطين ص ۲۳۱، ینابیع الموده ص ۳۰ و ۴۱ و ۳۷۰ بدل از «ما إن تمسکتُم» لفظ «ما إن أخذتم» آمده است. در مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۳، معجم کبیر طبرانی ج ۳ ص ۶۴ حدیث ۲۶۸۱، الصواعق المحرقة ص ۱۵۰ نقل شده است که رسول الله ﷺ فرمودند: إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله وعترتي أهل بيتي، ما إن تمسكتُم بهما... فلا تقدموا هما فتهلكوا، ولا تقصروا عنهما فتهلكوا، ولا تعلموهم؛ فإنهم أعلم منكم. در مسند احمد بن حنبل ج ۳ ص ۱۴ و ج ۵ ص ۱۸۲ و ۱۸۹، الدر المنثور ج ۲ ص ۶۰ و مصنف ابن ابی شیبہ ج ۱۰ ص ۱۵۴، کنز العمال ج ۱ ص ۱۵۴ حدیث ۸۷۲ و دیگران به جای «ثقلين» لفظ «الخليفتين» آمده.

۲- رجوع شود به عمده عیون صحاح الاخبار ابن بطریق ص ۷۲ حدیث ۸۹، بحار الانوار ج ۲۳ ص ۱۱۸ حدیث ۳۶ و ج ۲۹ ص ۳۴۰ حدیث ۷، مرآة العقول ج ۳ ص ۲۳۱، کنز العمال ج ۱ ص ۱۵۴ حدیث ۸۷۳، اسد الغابه ج ۲ ص ۱۲، سنن ترمذی ج ۲ ص ۳۰۸، تفسیر قرآن العظیم ابن کثیر ج ۴ ص ۱۱۳، الدر المنثور ج ۶ ص ۳۰۶.

یک دیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

با توجه به حدیث شریف ثقلین، قرآن کریم و عترت پاک و مطهر رسول گرامی اسلام ﷺ به عنوان دو مرجع کامل و بی عیب و نقصی هستند که حسن عاقبت و سعادت را برای بشریت تضمین می کنند، و انسان بدون تمسک به این دو ثقل گرانقدر، به هیچ عنوان راهی برای دست یابی سعادت دنیوی و اخروی خود ندارد، لذا فرمود:

مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي؛

مادامی که چنگک بیاندازید و متمسک به این دو شوید، هرگز گمراه نخواهید شد.

ب: حدیث شریف سفینه

از جمله احادیثی که جایگاه با عظمت خاندان وحی را بیان می کند، حدیثی است که به حدیث سفینه مشهور می باشد، این روایت اصل و اساس نجات انسان را از ضلالت و شقاوت، در تبعیت و اطاعت و پیروی از عترت پاک پیامبر ﷺ می داند.

ابوذر غفاری - که از صحابه ی خاص و از یاران با وفای پیامبر گرامی اسلام ﷺ است - می گوید: روزی پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ (۱)

ص: ۳۴۷

۱- امالی شیخ طوسی ص ۶۰ ضمن حدیث ۸۸ و ص ۳۴۹ حدیث ۷۲۱ و ص ۷۳۳ ضمن حدیث ۱۵۳۲، احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۳۸۰، بحار الانوار ج ۲۳ ص ۱۲۳ حدیث ۴۸، مستدرک حاکم نیشابوری ج ۲ ص ۳۴۳، مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۶۸، معجم صغیر طبرانی ج ۲ ص ۱۳۹، کنز العمال ج ۱۲ ص ۹۸ حدیث ۳۴۱۶۹.

مَثَل اهل بیت من در میان شما مَثَل کشتی نوح است، هر کس داخل آن شد و به این کشتی سوار گردید، نجات می یابد، و هر کس تخلف کند و نپذیرد و وارد آن نگردد غرق می شود.

خاندان پاک رسول خدا ﷺ بهترین هادی و تنها نور هدایت گر به سوی حق هستند، و تمام مراتب راستی و درستی در اختیار آنهاست.

آن دسته از کسانی که سوار بر کشتی هدایت و نجات اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ می شوند، کامیاب و رستگار می باشند، و آن گروهی که از آن ها روی گردانند، در هلاکت و گمراهی به سر می برند، در واقع کنایه از ولایت پذیری و اطاعت آن هاست.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

اول این که امیرالمومنین ﷺ در باره ی اهل بیت پیامبر می فرماید:

لَا يَقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ ﷺ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ (۱)

به راستی آل محمد ﷺ دارای چه ویژگی هایی هستند که امیر بیان حضرت علی بن ابی طالب ﷺ مقام و منزلت آن ها را این گونه بیان می کند و می فرماید:

در بین این امت هیچ کس با آل محمد ﷺ قابل مقایسه و همتایی نیست؛ زیرا آن ها قرآن ناطق و مهم ترین عامل نجات و رهایی هستند، سعادت، پیروزی، کامیابی و رستگاری فقط و فقط در سایه سار اطاعت بی چون چرای اهل بیت عصمت طهارت ﷺ ممکن و میسر است و بس.

دوم این که امیرمومنان علی ﷺ در آخرین وصیت خود فرمودند:

ص: ۳۴۸

اللَّهُ اللَّهُ فِي ذُرِّيهِ نَبِيِّكُمْ، فَلَا تُظْلَمَنَّ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ (۱)

گویا آن حضرت با این وصیت نورانی، چشم پوشی بسیاری از مردم بی وفا و عهد شکن و بی ایمان را از مقام و منزلت اهل بیت گرامی پیامبرﷺ، و رها کردن آن ها را پیش بینی کردند که این گونه به دفاع و حمایت آن ها سفارش نمودند.

او می دانست در آینده ی نزدیک، اهل بیت پیامبرﷺ با تمام عزت و عظمتی که دارند، مورد انکار دنیا پرستان هوا مدار قرار می گیرند. نه تنها مردم فرصت طلب از آن ذوات مقدسه می گریزند، بلکه با عداوت و دشمنی به جنگ با اهل بیت عصمت و طهارتﷺ بر خواهند خواست.

سفارش حضرت به صورت کنایه به حوادثی اشاره دارد که در پیش روی این خاندان پاک و مطهر است، و اطلاق کلام ایشان می تواند مصادیق فراوانی را دربر گیرد.

ممکن است اشاره ای به آن حادثه ی تلخ و ناگوار بعد از رحلت غم انگیز رسول خداﷺ باشد که امامﷺ با دلی پر خون و چشمی اشکبار، و سینه ای پر درد، مشغول غسل دادن بدن پاک و مطهر رسول اکرمﷺ و تدارک دفن آن حضرت بود، ولی آن ها در سقیفه ی بنی ساعده، مشغول دفن حق مسلم امیرالمومنینﷺ بودند که بزرگ ترین ظلم در عالم هستی را محقق ساختند.

ممکن است اشاره به هجوم بی باکانه ی آن هایی باشد که با خاموش شدن

ص: ۳۴۹

۱- از خداوند پرهیزید و او را اطاعت کنید در باره ی اهل بیت پیامبر، مبادا آن ها در میان شما مظلوم واقع شوند در حالی که شما توان دفاع و حمایت از آن ها را داشته باشید.

نور پر فروغ خورشید رسالت، وقیهانه به بیت وحی حمله ور شدند، و پاره ی تن و میوه ی قلب رسول خداﷺ را در بین دیوار و در مجروح کرده و دردآورترین فاجعه ی عالم را رقم زدند.

یا این که مظلومیت امام مجتبیﷺ را یاد آور شده که بدن نازنین و مطهر سبط اکبر بعد از شهادت، آماج تیرها قرار می گیرد، و ظلم بی نظیری را در عالم به نمایش می گذارند.

و شاید هم به حادثه ی غمبار و داهیه ی عظاما و مصیبت کبرای کربلا اشاره داشته باشد که در آینده ی نه چندان دور پس از شهادت ایشان تحقق پیدا می کند.

این وصیت حضرتﷺ به گونه ای دامنه اش وسیع و گسترده است که مقید به زمان خاصی نیست، لذا تا زمان ظهور فرزند دلبنده یوسف فاطمهﷺ قطب عالم وجود حضرت بقیه الله الاعظم حضرت مهدی موعودﷺ را نیز شامل می شود.

اکنون که خورشید عالم خلقت در پس ابرهای سیاه غیب قرار دارد، اگر چه افاضه ی او به جهان انسانیت منقطع نیست، ولیکن به طور مستقیم، جامعه انسانی از وجود نازنین او محروم است، شایسته است. در زمان غیبت ولی الله اعظم، قطب عالم امکان حضرت صاحب الزمانﷺ، به وصیت حضرت سید الاوصیا امیرالمومنین علی مرتضیﷺ لبیک گوئیم، و به یاری اهل بیت مظلوم پیامبر بشتابیم، و در غربت و مظلومی آنان اقامه ی شعائر نمایم، و تحقق این امر با شناخت وظایف مان در زمان غیبت میسر است.

آنچه که رضایت و خشنودی آن ها را فراهم می کند، مزین شدن به لباس تقوا و

پاکدامنی و پارسایی است که امیر بیان حضرت علی بن ابی طالب \square در این باره می فرماید:

أَعْيُونِي بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَفَّةٍ وَ سَدَادٍ؛^(۱)

شما با پرهیز کاری و تلاش فراوان و پاکدامنی مرا یاری دهید.

زیبنده است که شیعه ی امیرالمومنین \square به فرمایش حضرت امام جعفر صادق \square که فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ، وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ، وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ، وَ حُسْنِ الْجَوَارِ، وَ كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا»^(۲) با انجام واجبات و ترک محرمات و پیشه کردن اعمال درست انسانی به یاری آن ها شتافته، و مایه ی آبرو و عزت و سربلندی اهل بیت پاک پیامبر \square باشیم، و همگی ندبه کنان با چشمی اشکبار، طلوع خورشید پنهان در پس ابرهای غیبت را به انتظار می نشینم و فرجش را از خداوند منان مسالت داریم إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

ص: ۳۵۱

۱- نهج البلاغه، نامه ی ۴۵، نامه ی حضرت \square به عثمان بن حنیف.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۸، حدیث ۱۵۵۰۴: بر شما باد که تقوی و پرهیزکاری و ورع و تلاش و کوشش و راست گویی و ادای امانت و خوش اخلاقی و خوش رفتاری با همسایگان همه را مراعات کنید، و باعث افتخار ما باشید نه باعث ننگ و عار ما.

اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ الَّذِينَ لَمْ يَحْدِثُوا حَدَثًا، وَلَمْ يُؤْوُوا مُحَدِّثًا؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَوْصَى بِهِمْ، وَ لَعَنَ الْمُحَدِّثَ مِنْهُمْ وَ مِنْ غَيْرِهِمْ وَ الْمُؤْوَى لِلْمُحَدِّثِ؛

خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی آن گروه از اصحاب پیامبرتان که بدعتی به وجود نیاوردند، و بدعت گذاری را پناه ندادند؛ زیرا رسول خدا ﷺ در باره ی اصحاب خود سفارش فرمود، و بدعت گذار از صحابه و غیر صحابه و چه آن کسانی را که بدعت گذاران را پناه دهند، لعنت فرمود.

مولای متقیان علی (ع) به تاسی از پیامبر گرامی اسلام در این بخش از وصیت، تکریم و احترام نسبت به صحابه را به همراه تاکید، به همه ی مخاطبان خود سفارش فرمودند.

اما اطلاق کلام امیر بیان با دو قید بسیار مهم همراه است که راز این قید با استناد امیرمومنان (ع) به کلام پیامبر عالیقدر اسلام ﷺ کاملاً مشخص، و صحابه ی حقیقی از صحابه ی مدعی و دورغین و بدعت گذار - که تنها نام صحابی بودن را یدک می کشند - متمایز می گردد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود:

«ملعونند آن دسته از کسانی که آیین و عقیده ی جدیدی را که بر خلاف دین و

شریعت است، در دین داخل کنند، و چه آن هایی که بدعت گذاران را در زیر چتر حمایت خود قرار داده و از آنان محافظت می نمایند، بر اثر این عمل زشت، رحمت بیکران حق شامل حال شان نخواهد شد» (۱)

بدعت در لغت و اصطلاح

واژه ی «بدعت» یعنی چیزی نو پیدا و بی سابقه، و هم چنین به آیین نو، و رسم و عقیده ی تازه بر خلاف دین را «بدعت» می گویند (۲)

و در اصطلاح عبارت است از: «ما اُبْتَدِعَ مِنَ الدِّينِ بَعْدَ الْاِكْمَالِ» آنچه را که بعد از اكمال و اتمام دین، به صورت نو پیدا در دین به وجود آمده، در حالی که اصل و اساسی در قرآن و سنت نداشته باشد (۳)

واژه ی «بدعت» در قرآن کریم به همراه مشتقات، در موارد اندکی با الفاظ «بدیع» (۴) یا «بَدْعًا» (۵) یا «اِبْتَدَعُوا» (۶) بیان شده است، اما الفاظ و جملاتی که معنای

ص: ۳۵۶

۱- معانی الاخبار ص ۲۶۵ حدیث ۲، بحار الانوار ج ۲۷ ص ۶۶ ذیل حدیث ۱۴: مَنْ أَحْدَثَ حَدَثًا، أَوْ آوَى مُحَدَّثًا، فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ.

۲- فرهنگ معین فارسی، ج ۱، ص ۴۸۴.

۳- لسان العرب ج ۸ ص ۶، مفردات الفاظ القرآن ص ۱۱۱، مجمع البحرین ج ۴ ص ۲۹۸ و ۲۹۹.

۴- سوره ی بقره آیه ی ۱۱۷: ﴿بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾؛ هستی بخش آسمان ها و زمین اوست، و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می گوید: موجود باش، سپس آن، فوری موجود می شود.

۵- سوره ی احقاف آیه ی ۹: ﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرَىٰ مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنِ اتَّبَعِ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾؛ بگو: من پیامبر نوظهوری نیستم، و نمی دانم با من و شما چه خواهد شد، من تنها از آنچه بر من وحی می شود پیروی می کنم، و جز بیم دهنده ی آشکاری نیستم.

۶- سوره ی حدید آیه ی ۲۷: ﴿وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْمًا بِرَبِّهِمْ ابْتَدَعُوا مَا كَتَبْنَا هِيَ عَلَيْهِمْ إِلَّا- اِتِّغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ﴾. و در دل کسانی که از او پیروی کردند رافت و رحمت قرار دادیم، و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند ما بر آنان مقرر نداشته بودیم گرچه هدف شان جلب خشنودی خدا بود.

بدعت را برساند (ولکن از ماده ی بدعت نباشد) در قرآن کریم بسیار آمده است که به چند مورد آن اشاره می کنیم.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

(فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ) (۱)

وای بر آن ها یهودی ها که کتاب تورات را با دست خود می نویسند و سپس به افراد عوام می گویند: این کتاب از جانب خدا است.

و هم چنین در آیه ی دیگر فرموده:

(مِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرُفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ) (۲)

گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند، آن ها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند، آن ها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می کنند (و در آن نوعی بدعت ایجاد می کنند).

ص: ۳۵۷

۱- سوره ی بقره آیه ی ۷۹.

۲- سوره ی مائده آیه ی ۴۱.

با توجه به مفهوم این دو آیه ی شریفه، معنای بدعت و هویت بدعت گذار آشکار می گردد که در آیه ی نخست کسانی را که با تبعیت از هوای نفس، به دست خود کتابی را می نویسند و آن را به نام خداوند، به مردم عرضه می دارند تا آن ها را در حیرانی و نگرانی نگه داشته و از دست یابی به حقیقت محروم کنند، با جمله ی «یکتبون» از آنان سخن می گوید.

و کسانی را که به سخنان رسول اکرم(ص) گوش فرا داده اما با تغییر کلمات و تحریف معانی آن، موجب گمراهی بی سوادان و یا کم سوادان چشم و گوش بسته می شوند تا آن ها را بی خبر از فرامین حقیقی دینی نگه دارند، با جمله ی {يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ}، معرفی می کند.

از این رو، دسته ی اول را مورد مذمت قرار داده و نفرین می نماید: {فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ}.

و دسته ی دوم را، در این سرای فانی به رسوایی و خاری، و در آن سرای جاودانی، به عذابی بسیار عظیم وعده داده است: {لَهُمْ فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ} (۱).

بدعت در برخی روایات

حضرات معصومین □ مساله ی بدعت را به طور کلی نفی و مذمت نموده، و در مواضع مختلفی به مناسبت، در باره ی آن سخن به میان آورده اند، و مسلمانان را نسبت به آثار سوء و زیان بار آن هشدار داده اند که به برخی آن موارد اشاره می شود:

ص: ۳۵۸

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

سَيَكُونُ أَقْوَامٌ مِنْ أُمَّتِي يَتَعَاطَى فَمَهَاؤُهُمْ عَضَلَ الْمَسَائِلِ، أَوْلَيْكَ شِرَارُ أُمَّتِي؛ (۱)

زمانی فرا می رسد که عده ای از داناان امت من مسایل پیچیده را به هم مخلوط نموده و اشتباه (و بدعت ایجاد) می کنند، آنان بدترین افراد امت من می باشند.

مولی الموحدين حضرت امیرالمومنین ﷺ فرمودند:

وَ أَمَّا أَهْلُ الْبِدْعَةِ فَالْمَخَالِفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ لِكِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ، الْعَامِلُونَ بِرَأْيِهِمْ وَ أَهْوَائِهِمْ وَ إِن كَثُرُوا؛ (۲)

اهل بدعت کسانی هستند که با فرمان الهی و کتاب آسمانی قرآن و سخنان پیامبر اکرم مخالفت می ورزند، و طبق خواسته ها و هواهای نفسانی خویش رفتار می کنند (آن ها اهل بدعتند) هر چند جمع زیادی باشند.

ظهور بدعت در جامعه ی اسلامی

تاریخ شاهد مصیبت غمباری بوده است، و آن را برای آیندگان حکایت می کند که گروهی خیره سر و مسلمان نما، در حیات پیامبر(ص) دست به بدعت و تحریف می زدند، و گستاخانه به رسول اکرم(ع) در اجرای برخی از امور اعتراض می کردند.

ص: ۳۵۹

۱- منیه المرید ص ۲۸۵، نظیر این روایت در کنز العمال ج ۱۰ ص ۲۱۱ حدیث ۲۹۱۱۵ و مجمع الزوائد ج ۱ ص ۱۵۵ با عبارت «یغلطون» به جای «یتعاطی» آمده است.

۲- احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۶۸، بحار الانوار ج ۳۲ ص ۲۲۲ ضمن حدیث ۱۷۳ و ج ۳۲ ص ۲۵۸ ضمن حدیث ۱۹۹، کنز العمال ج ۱۶ ص ۱۸۴ ضمن حدیث ۴۴۲۱۶.

روزی به پیامبر خدا ﷺ پیشنهاد دادند تا جمله ی «حی علی خیر العمل» را از اذان نماز بردارند که حضرت (ع) فرمود:

«جملات اذان وحی الهی است و در اختیار من نیست»

اما بعد از وفات جانسوز نبی مکرم اسلام ﷺ آن جمله را برداشته و از آن پس، بلال موذن آن حضرت لب فرو بست و دیگر اذان نگفت (۱)

اما وقتی خورشید اسلام غروب کرد، زبان به کامان، مانند شب پره بازیگر میدان شدند، خُلق و خوی شرک و جاهلی آن ها سر باز کرد، و بدعت ها شروع شد، مدعیان دروغین اسلام با غضب خلافت، سنگ بدعتی را بنا نهادند که منشا تمام بدعت ها، کج روی ها، ضلالت و گمراهی ها شده است.

آن ها بعد از رحلت پیامبر ﷺ با حذف ظاهری مساله ی امامت، راه روشن هدایت را بسته، و بزرگ ترین شاهراه ضلالت را به همراه ظلم و خشونت در مقابل بشریت باز گذاشتند، و بعد از بسته شدن پرونده عمرشان، معاویه، وارد عرصه شد، و سیره ی شوم خلفای گذشته را با شدت بیش تر ادامه داد.

او با استخدام مزدورانی چون: ابو هریره، عمرو بن عاص، مغیره بن شعبه، عروه بن زبیر، و سمره بن جندب، هزاران حدیث دروغ در متون روایی وارد کرد، و بدعت های فراوانی را در جامعه ی اسلامی بنیان نهاد (۲)

ص: ۳۶۰

۱- من لا- يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۸۴ حدیث ۸۷۲، روضه المتقین ج ۲ ص ۲۲۷، بحار الانوار ج ۱۰۸ ص ۳۰۲، النص و الاجتهاد ص ۱۲۸ شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید ج ۱۲ ص ۱۹۵. البته بدعت های فراوانی را آن ها بنا نهادند که علاقمندان می توانند درباره ی این موضوع به کتاب شریف «اجتهاد در مقابل نص» تالیف مرحوم سید شرف الدین مراجعه کنند.

۲- . بحار الانوار ج ۳۰ ص ۴۰۱ و ج ۳۳ ص ۲۱۵، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۶۳ و ۷۳، بحار الانوار ج ۳۲ ص ۲۱۵

یکی از عوامل مهم و اساسی در جهت فروپاشی جامعه ی اسلامی، بدعت است، بدعت می تواند منشا تمام فتنه ها، آشوب ها، و گمراهی ها و اختلافات باشد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود:

سَتَفْرِقُ أُمَّتِي عَلَى بَضْعٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، أَعْظَمُهَا فِتْنَةٌ عَلَى أُمَّتِي قَوْمٌ يَقِيسُونَ الْأُمُورَ بِرَأْيِهِمْ، فَيَحْرَمُونَ الْحَلَالَ وَ يَحَلِّلُونَ الْحَرَامَ؛ (۱)

به زودی امت من به هفتاد و سه گروه تقسیم می گردند که فتنه انگیز ترین آنان در میان امت اسلام (اهل بدعت یعنی) آن فرقه ای است که بر اساس قیاس عمل نموده و حرام را حلال و حلال را حرام می کنند.

امیرالمومنین \square می فرماید:

إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ مِنْ أَهْوَاءِ تُتَّبَعُ، وَ أَحْكَامٍ تُتَّبَدَعُ، يَخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ؛ (۲)

همواره آغاز پیدایش فتنه ها، پیروی از هوس های آلوده و احکام و قوانین مجعول و اختراعی است، احکامی که با کتاب خدا مخالفت دارد.

ص: ۳۶۱

۱- بحار الانوار ج ۲ ص ۳۱۲ حدیث ۷۴، مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۲۵۷ حدیث ۲۱۲۷۴، کنز العمال ج ۱ ص ۲۱۱ حدیث ۱۰۵۸ با اندکی اختلاف.

۲- نهج البلاغه ضمن خطبه ی ۵۰، کافی ج ۱ ص ۵۴ ضمن حدیث ۱، بحار الانوار ج ۲ ص ۲۹۰ ضمن حدیث ۸.

حضرت مولی الموالی امیرالمومنین \square می فرماید:

وَمَا أُحْدِثُ بِدْعَهُ إِلَّا تَرَكْتُ بِهَا سُنَّةَهُ، فَاتَّقُوا الْبِدْعَ، وَالزُّمُومَا الْمَهْيِعَ؛ إِنَّ عَوَازِمَ الْأُمُورِ أَفْضَلُهَا، وَإِنَّ مُحْدِثَاتِهَا شِرَارُهَا؛ (۱)

هیچ بدعتی در دین ایجاد نمی شود مگر آن که سنتی (نیکو) ترک گردد، بنابراین، از بدعت ها بپرهیزید، و همواره ملازم راه راست و جاده ی آشکار باشید، امور اصیل پیشین (و آیین پاک حق) که صحت و درستی آن مورد تردید نیست، برترین امور است، و بدترین آن ها بدعت ها و سنت های نوین است.

اکنون برای بهتر فهمیدن کلام دلنشین امیر بیان \square لازم و ضروری است صحابه ای که مورد رحمت و مرحمت، و دعای رسول گرامی اسلام \square قرار گرفته اند، و نام با مستی دارند، و آن دسته از کسانی که تنها نام صحابی بودن رسول خدا را یدک می کشیدند و مورد لعن و نفرین او واقع شدند، از یک دیگر متمایز شوند تا به وضوح مقصود آن حضرت \square از صحابه روشن گردد.

واژه ی صحابه در لغت و اصطلاح

واژه ی «صحابه» در لغت به معنای معاشرت و ملازمت می باشد، صَحِبْتُهُ: أَصْحَبُهُ صُحْبَةً، فَأَنَا صَاحِبٌ، و جمع این واژه «صَحْب» و «أَصْحَاب» و «صَحَابَه» آمده است (۲)

ص: ۳۶۲

۱- نهج البلاغه خطبه ی ۴۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۵، حدیث ۲۱۲۸۰.

۲- مصباح المنیر ج ۲ ص ۳۳۲، البدایه و النهایه ج ۳ ص ۱۱.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات می نویسد: «وَلَا يُقَالُ فِي الْعُرْفِ إِلَّا لِمَنْ كَثُرَتْ مُلَازِمَتُهُ» (۱)

و در بین عرف، مصاحب به کسی می گویند که ملازمت و همراهی زیادی با فرد داشته باشد.

لذا به مقتضای لغت و عرف، صاحب و مصاحب رسول گرامی اسلام ﷺ کسی است که بیشترین معاشرت و ملازمت را با آن حضرت داشته باشد، بنا بر دیدگاه بعضی حتی دیدن رسول خدا ﷺ و نشستن با او نیز می تواند مصداق مصاحبت باشد (۲)

به این ترتیب، هیچ یک از قیود اسلام و کفر، مومن و منافق دخیل در صدق صحابه نیستند.

و اما درباره ی واژه ی اصطلاحی «صحابه»، در میان علمای علم اصول و دانشمندان علم حدیث گفت و گو است، آن ها ضمن این که به مسلمان بودن صحابه اتفاق نظر دارند، اما در تعریف و تشخیص صحابه ی حقیقی، دو دیدگاه متفاوت دارند.

اصولی ها بر این باورند که صحابه در باره ی کسانی صدق می کند که به مدّت طولانی و به طور مستمر با پیامبر اکرم ﷺ حشر و نشر داشته، و در این فرصت هم آداب دینی و اجتماعی خویش را از او بیاموزند، و هم در تمام مراحل افکار و اعمال مطیع و منقاد ایشان بوده و از آن حضرت تاسی نمایند کما این که راغب در «مفردات» معنا نمود (۳)

ص: ۳۶۳

۱- مفردات الفاظ قرآن ص ۴۷۵.

۲- مصباح المنیر ج ۱ ص ۳۳۳.

۳- مقیاس الهدایه ج ۳ ص ۲۹۶، درجات الرفیعه ص ۱۰.

اما محدّثان در تعریف صحابه با یک دیگر هم صدا نیستند، بلکه هر یک از آن‌ها تعریف جدایی از دیگری دارند.

برخی معتقدند هر مسلمانی که فقط رسول خدا(ص) را ببیند صحابی محسوب می‌شود (۱).

بعضی‌ها دیدگاه‌شان این است که صحابه کسی است که پیامبر اکرم(ص) را ملاقات کرده، و به ایشان ایمان آورده، اگر چه در این میان مرتد شده باشد، ولی سرانجام با اعتقاد به آیین اسلام بمیرد (۲).

گروهی دیگر بر این باورند که صحابی به کسانی می‌گویند که زمان رسول گرامی اسلام(ص) را درک کرده باشند حتی اگر آن حضرت را ندیده باشند (۳).

جامعه در زمان پیامبر(ع)

مردم در زمان حیات پیامبر ﷺ که از آنان به عنوان «صحابی» یاد می‌کنند، به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱- دسته‌ای که در حیات پیامبر اکرم(ص) حضور داشته، و وجود مبارکش را درک نمودند، دعوت توحیدی او را شنیدند، اما با لجاجت و عداوت و تعصبی کور، به دعوت رسول خدا(ص) لبیک نگفته، و با پافشاری بر عقاید باطل هم‌چنان اندیشه‌های سخیف جاهلی، و بت پرستی را ادامه داده، و هرگز ایمان نیاوردند.

ص: ۳۶۴

۱- مقیاس الهدایه ج ۲ ص ۳۲۷.

۲- الرعایه لحال البدایه شهید ثانی ص ۳۳۹، درجات الرفیعه ص ۹، الإصابه فی تمییز صحابه ج ۱ ص ۷ و ۸ و ۱۵۸.

۳- . مراجعه شود به مقیاس الهدایه ج ۲ ص ۳۲۵-۳۲۸

۲ - گروهی دیگر، ابتدا به دعوت پیامبر خدا ﷺ لیبک گفته و به ایشان ایمان آورده و دین اسلام را پذیرفته اند، و با شرکت در غزوات و مصرف اموال خود، در اعتلای کلمه ی توحید تلاش و کوشش نمودند، ولی سرانجام با خود خواهی و تکبر، هوای نفس خویش را به عنوان معبود خویش برگزیدند، و با بدعت گذاری در دین، مسیر حقیقی دین را منحرف، و جامعه را از شرکت در مسیر اصلی خود باز داشته اند که در نتیجه هم خود مبتلا به سوء عاقبت شدند، و هم مسلمین را از وصول به هدایت ائمه ی طاهرین (ع) محروم نمودند.

و با صراحت می توان گفت که: آن ها مصداق کامل این آیه ی شریفه هستند که خدای متعال فرمود:

(أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ) (۱)

۳ - گروهی خود مؤسس و بنیان گذار بدعت نبودند، اما با سکوت در برابر تحریفات و اندیشه های باطل، و هم چنین پذیرفتن و تن دادن به رفتارهای غلط و غیر دینی، و با همکاری با آن ها در تمام زمینه ها، سبب تقویت بدعت گذاران شدند، و هم از آنان محافظت نموده اند.

۴ - دسته ای دیگر، هنگامی که مشرف به اسلام شدند، در طول زندگی خود، حیات طیبه را برای خود برگزیدند، و در هیچ شرایطی نسبت به حقایق اصول دین و آیات الهیه ی قرآن مجید، و احکام صادره ی آن، شک و تردیدی به خود

ص: ۳۶۵

۱- سوره ی جاثیه، آیه ی ۲۳: آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده، و خداوند او را با آگاهی (بر این که شایسته ی هدایت نیست) گمراه ساخته، و بر گوش و قلبش مهر زده، و بر چشمش پرده ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی شوید؟!

راه نداده، و برای پیش برد اهداف عالی و مقدس دین اسلام، و اجرای تمام دستورات الهی، در تمام عرصه ها حاضر شدند.

این گروه با مجاهدات و تقدیم اموال، از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزیدند، و سرانجام با عقیده ای سالم، عملی صالح، و قلبی سلیم، دعوت حق را لبیک گفته و مسلمان و مومن به دیدار معبود خود شتافتند: {فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ} (۱)

بعد از بررسی جامعه ی زمان پیامبر اکرم (ص)، و شناخت افکار و عقاید مردم و تفکیک آنان از یک دیگر، حال دیدگاه متفکران اسلامی در باره ی این چند طایفه می تواند راه را برای فهم بیش تر از وصایت رسول اکرم (ص) و امیرالمومنین □ و تمیز میان صحابه ی مومن و فاسق، نزدیک تر کند.

الف: برخی به نام فرقه ی «کاملیه»، آنان چون با اصحاب غلو هم فکر و هم عقیده بودند، تمام افراد صحابه را کافر می دانند (۲)

ب: در مقابل آن ها، علما و اندیشمندان اهل سنت دو دسته شدند، گروهی از آنان همه ی صحابه را از هر گونه خطا و اشتباه مصون و مبرا دانسته و آن ها را امین و عادل (۳) و به یقین اهل بهشت می دانند، و در گفتارشان بر آنچه که گفته شده تصریح دارند (۴)، و گاهی قدم را فراتر گذاشته و در این باره ادعای اجماع کردند (۵)

ص: ۳۶۶

۱- سوره ی بقره آیه ی ۱۳۲.

۲- اللباب فی تهذیب الانساب ج ۳ ص ۷۸، اجوبه المسائل ص ۱۵.

۳- الکفایه فی علم الروایه ص ۶۳، الاصابه فی تمییز الصحابه ج ۱ ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

۴- الاستیعاب ج ۱ ص ۱۹، اسد الغابه ج ۱ ص ۱۲، احیاء علوم الدین ج ۱ ص ۱۶۱

۵- الإصابه فی تمییز الصحابه ج ۱ ص ۱۶۲، الاستعیاب ج ۱ ص ۱۲۹.

به گفته ابن حجر عسقلانی: تمامی صحابه عادل اند و به جز اندکی بدعت گذار کسی با آن مخالفت نکرده و باید به پاکی و درستی اصحاب پیامبر ﷺ معتقد باشیم چون ثابت است تمامی صحابه اهل بهشت اند و هیچ یک وارد جهنم نمی شوند (۱).

اما جمعی دیگر از متفکران بزرگ سنی مذهب، این ادعای اجماع را نسبتی ناروا به علما دانسته و آن را منکر شدند، و معتقدند که صحابه مانند سایر مردم هستند، ممکن است بعضی از آن ها عادل و درستکار و گروهی دیگر ظالم و ستمکار باشند که در واقع این اندیشه، با تفکر علمای شیعه هماهنگ است (۲).

ج: دیدگاه سوم نظر امامیه است، فقها و متکلمین و اندیشمندان مذهب حقه ی شیعه معتقدند اگر چه ممکن است صحابه بودن شرافت باشد، اما نمی تواند موجب مصونیت شخصی از نواقص و احياناً مصونیت آن ها از فسق و کفر و ارتداد شود، و هم چنین ملاک برای تمام خوبی ها و بری بودن از تمام زشتی ها نیست.

علمای شیعه معتقدند که صحابه مانند سایر مردمند و در میان آن ها عادل و ظالم، مومن فاسق و منافق وجود دارد.

با مروری کوتاه بر تاریخ، پرده ی ابهام برداشته، و حقیقت امر از پس آن آشکار می گردد. تاریخ دو چهره از صحابی هم پیمان و مومن، و پیمان شکن و منافق را در صفحه ی خود به نمایش می گذارد و عقاید و رفتار آن ها را روایت می کند.

تعداد انگشت شماری از آنان مانند: سلمان، مقداد، ابوذر، عمار از کسانی

ص: ۳۶۷

۱- الإصابه فی تمییز الصحابه ج ۱ ص ۱۶۲.

۲- شرح المقاصد ج ۵ ص ۳۱۰ و ۳۱۱، الإصابه فی تمییز الصحابه ج ۱ ص ۱۶۳، النصایح الکافیة ص ۱۶۷ و ۱۶۸، ارشاد الفحول ص ۱۵۸.

بودند که تا آخرین لحظه در محضر مبارک رسول اکرم ﷺ حضور مستمر داشته و مطیع اوامر و نواهی او بوده اند، و بعد از پیامبر بر عهد و پیمان غدیری خود استوار بوده و از غاصبین خلافت بیزاری جستند، و خود را در حصن حصین ولایت امیرالمومنین (ع) قرار داده و تا آخرین لحظات زندگی ثابت قدم بوده، و دست از دامن پر مهر و مبارک آن حضرت برنداشتند.

اما مع الاسف جمع کثیری از صحابه، عقل و دین خود را از کف داده و در مسیر ناریان قرار گرفتند، اگر چه در رکاب حضرتش زحمت های زیادی کشیده و با حضور در جنگ های مختلف حماسه ها آفریدند، اما بعد از رحلت رسول اکرم (ص) بزرگ ترین واقعه ی سرنوشت ساز اسلام یعنی غدیر خم را منکر شده، و مهم ترین وصیت خاتم الانبیا ﷺ را نادیده گرفتند، در نتیجه خود را از جمع غدیریان کنار کشیده و با تشکیل سقیفه ی بنی ساعده، بدعتی نو در دین پدید آوردند (۱).

آن ها در خفا با یهودیان و دشمنان قسم خورده ی پیامبر ﷺ در مدینه هم پیمان شدند، آشکارا در مقابل ولی الله مطلق، خیرالاصیاء، امام الاتقیاء حضرت علی بن ابی طالب ﷺ قد علم کرده، و با کمال قساوت و بی شرمی، حقانیت و فضایل او را نادیده گرفته، و مقام منیع امامت او را - که از طرف خداوند متعال معین شده بود - انکار کردند، و خود ظالمانه بر مسند خلافت تکیه زدند.

مع الاسف و کل الاسف به این هم اکتفا ننموده، به خانه ی وحی هجوم آورده اند، آن خانه ای که رسول اکرم (ص) شش ماه موقع هر نماز آیه ی تطهیر را نزد در آن خواندند (۲).

ص: ۳۶۸

-
- ۱- مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۵۵ و ۵۶، سنن کبری بیهقی ج ۸ ص ۱۴۲.
 - ۲- شرح مفصل آن به همراه احادیث و نقل تاریخ در فصل چهاردهم همین نوشتار در عنوان عظمت اهل بیت پیامبر در کلام امیرالمومنین (ع) آمده است.

سپس به صلاه می ایستادند.

با آتش زدن در آن خانه ای که ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ (۱)؛ سبعت و ظلم را به اتمام رسانده و حبیبه و بضعه الْمُصْطَفَى را مجروح ساخته و حضرت محسن را به شهادت رساندند (۲).

و چقدر عالی سروده شیخ صالح حلی □:

و مُجْمَعِي حَطَبٍ عَلَى الْبَيْتِ الَّذِي

لَمْ يَجْتَمِعْ لَوْلَاهُ شَمْلُ الدِّينِ

و الدَّاخِلِينَ عَلَى الْبُتُولِ بَيْتِهَا

و الْمُسْقِطِينَ لَهَا أَعَزَّ جَنِينِ (۳)

چنگ در ما یملک آن خاندان وحی انداخته و فدک را غاصبانه از کف آنان ربودند، ظلم را به انتها رسانده که هر ظلمی در عالم پس از آن متصور شود، ناشی و مسبب از آن ظلم عظیم است که بر بشریت الی یوم القیامه وارد شد.

و به دین وسیله خود را مشمول لعن دایمی و ابدی ذات حضرت احدیت و خاتم المرسلین و ائمه ی طاهرین □ و لعن لاعنین الی یوم الدین قرار دادند.

مقصود از صحابه در کلام پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع)

بار دیگر نگاه ویژه و دقیق به وصیت امیرالمومنین لازم است، حضرت فرمود:

اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ الَّذِينَ لَمْ يَخْدُوا حَدَثًا، وَ لَمْ يُؤُوا مُخَدِّثًا؛ فَإِنَّ رَسُولَ

ص: ۳۶۹

۱- سوره ی نور آیه ی ۳۶: در خانه هایی که خدا رخصت داده که قدر و منزلت آن ها رفعت یابد، و نامش در آن ها یاد شود، در آن خانه ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند.

۲- کتاب سلیم بن قیس ج ۲ ص ۵۸۵ و ۵۸۶، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۹۷ و ۱۹۸ حدیث ۲۹.

۳- بیت الاحزان شیخ عباس قمی ص ۱۲۹: گروهی که همزم جمع کردند بر در خانه ی کسی که اگر او نبود پراکندگی در دین جمع نمی شد، و کسانی که به خانه ی بتول وارد شدند و عزیزترین جنین او را سقط نمودند

اللَّهُ ﻻَ أُؤْصِي بِهِمْ، وَ لَعَنَ الْمُحَدِّثَ مِنْهُمْ وَ مِنْ غَيْرِهِمْ، وَ الْمُؤْوِي لِلْمُحَدِّثِ.

با توجه به آنچه که گفته شده، مقصود از صحابه در کلام رسول اکرم ﷺ و امیرالمومنین (ع) کسانی هستند که مطیع محض خاتم الانبیا و تابع حتم آیات الهی بوده، و نیز ولایت و امامت و خلافت امیرمومنان ﷺ را پذیرفته، و از غاصبان خلافت بیزاری جستند، و با تبرّی و تولّی و لباس تقوا، عمر خود را سپری نموده که موفق به کسب مدال: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ الْفَائِزُونَ» [\(۱\)](#) شدند.

وصیت امیرالمومنین ﷺ، مهم ترین چراغ راه برای همه ی شیعیان آن حضرت می باشد. آرزومندان سعادت اخروی و علاقمندان خاندان علوی، وقتی می توانند در سایه ی عرش الهی، سر در دامن پُر مهر خاتم الانبیا و سید الاوصیا و بضعه ی پاک مصطفی و ائمه ی هدی بگذارند، و به آسایش ابدی دست یابند که تولّی و تبرّی را درهم آمیخته و به آن معتقد شوند، و در عمل، با برائت از خلفا و هم پیمانان شان تنها علی و آل علی ﷺ را جانشین واقعی و به حق رسول خدا ﷺ دانسته و از آن ها پیروی کنند.

ص: ۳۷۰

۱- امالی شیخ مفید ص ۶۶، روضه الواعظین ص ۲۹۶، بحار الانوار ج ۲۵ ص ۴۵.

فصل شانزدهم: اهمیت حقوق زنان در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۳۷۲

اللَّهُ فِي السَّاءِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، لَا تَخَافُنَّ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمَةً، يَكْفِيكُمْ اللَّهُ مَنْ أَرَادَكُمْ وَبَغَى عَلَيْكُمْ؛

خداوند را اطاعت کنید و او را به یاد بیاورید در باره ی زنان و بردگان تان، مبادا که در راه اطاعت و اجرای احکام خدا از سرزنش سرزنش کننده ای بهراسید؛ زیرا خدا شرّ کسی را که قصد شما کند، و ستم بر شما روا دارد، از شما دفع می کند.

مقدمه

بدون شک نیمی از جامعه ی انسانی را زنان تشکیل می دهند، و جامعه بدون وجود آنان، نعمت حیات و بقا را از دست خواهد داد، در دین مبین اسلام، زن از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است، و دین اسلام با بینشی که برای زن ارائه داده دیدگاه روشنفکران و اندیشمندان غیر اسلامی را، در باره ی زنان به چالش کشیده و تعصب جاهلی و استفاده ی ابزاری از آنها را مردود و ناپسند، می داند.

ابتدا به جایگاه و اهمیت زن در فرهنگ اسلامی، از لسان قرآن و عترت

می پردازیم تا سرّ سفارش ویژه ی امیر بیان را در باره آنان به قدر وسع دریابیم.

جایگاه و اهمیت زنان در قرآن کریم

اشاره

کیفیت خلقت انسان - اعم از زن و مرد - متشکل از روح و جسم مادی می باشد، ولی شرافت و برتری او نیز در بُعد روحانی جلوه می کند.

خداوند متعال در قرآن کریم، هر دو بُعد از خلقت آن را یاد آور شده و کیفیت خلقت جسمانی و روحانی را بیان فرموده است.

در مورد آفرینش جسم او می فرماید:

(الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ) (۱)

همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده، و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.

و در خلقت روح او با بیان دلنشین فرمود:

(إِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) (۲)

پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم.

در این میان اشاره ای در باره ی اختلاف جنسیت انسان نشده است، ما نیز به دلیل اهمیت موضوع، ابتدا به طور اختصار به کیفیت آفرینش او از دو بُعد مادی و معنوی، از منظر آیات قرآن کریم می پردازیم، سپس به شخصیت و جایگاه زن در بُعد معنوی و روحانی آشنا می شویم.

ص: ۳۷۴

۱- سوره ی سجده آیه ی ۷.

۲- سوره ی حجر آیه ی ۲۹.

خداوند متعال، هنگامی که موضوع خلقت انسان را بیان می کند تفاوت

ص: ۳۷۴

۱- لازم به ذکر است که همه ی آیاتی که درباره ی خلقت انسان بیان شده است هیچ گونه تفاوتی در آن مشاهده نمی شود. در سوره ی مبارکه ی حج آیه ی ۵ می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مِّمَّ مَخْلُوقَةٍ وَغَيْرِ مَخْلُوقَةٍ لِّبَيِّنٍ لَّكُمْ وَنُقُرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُّتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مَن بَعْدَ عِلْمٍ شَيْنًا وَ تَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِّن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ)؛ ای مردم! اگر در رستخیز شک دارید (به این نکته توجه کنید که) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده) که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم)، و جنین هایی را که بخواهیم تا مدّت معینی در رحم (مادران) قرار می دهیم (و آنچه را بخواهیم ساقط می کنیم)، بعد شما را به صورت طفل بیرون می آوریم، سپس هدف این است که به حدّ رشد و بلوغ خویش برسید، در این میان بعضی از شما می میرند، و بعضی آن قدر عمر می کنند که به بدترین مرحله ی زندگی (و پیری) می رسند، آن چنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی دانند، (از سوی دیگر)، زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می فرستیم به حرکت درمی آید و می روید، و از هر نوع گیاهان زیبا می رویاند. و در سوره ی الرحمان آیه ی ۱۴ فرمود: (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِّن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ) انسان را از گل خشکیده ای هم چون سفال آفرید. و در سوره ی علق آیه ی ۲ می فرماید: (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِّن عَلَقٍ)؛ همان کس که انسان را از خون بسته ای خلق کرد.

میان زن و مرد را نادیده می انگارد و می فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً) (۱)

ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید، همان کسی که همه ی شما را از یک انسان آفرید، و همسر او را نیز از جنس او خلق کرد، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.

مقصود از «نفس» در آیه ی کریمه، اصل ذات و طینت انسان است که زن و مرد در این باره با یک دیگر برابرند.

و در آیه ی شریفه ی دیگر نیز، وقتی موضوع آفرینش را مطرح می کند، خلقت انسان را از خاک دانسته، اما نشانی از تفاوت زن و مرد در آن یافت نمی شود، می فرماید:

(الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ) (۲)

او همان کسی است که هر چه را آفریده است نیکو آفریده، و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد.

۲ - آفرینش روح در بعضی از آیات

هدف عالی قرآن کریم، هدایت و تربیت و شکوفایی صفات برجسته ی انسان است، فرامین و دستوراتی را هم در این باره به همراه دارد، چون ملاک و محور سنجش تمام ارزش ها و ضد ارزش ها به بُعد روحانی انسان بستگی دارد،

ص: ۳۷۶

۱- سوره ی نسا آیه ی ۱

۲- سوره ی سجده آیه ی ۷.

مخاطب پروردگار متعال هم روح انسان است.

و هم چنین هنگامی که ارزش ها و شرافت های انسانی را بر می شمارد، و مرز میان مسلمان و کافر، مومن و منافق، عابد و عاصی را مشخص و آن دو را از یک دیگر متمایز می نماید، هرگز حصری که ناظر به زن و یا مرد بودن آن ها باشد به چشم نمی آید، اکنون به مواردی چند در این زمینه اشاره می کنیم:

۱- هدایت: قرآن کریم برای هدایت همه ی انسان ها نازل شده است، لذا در سوره ی مبارکه ی بقره می فرماید:

(شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ) (۱)

ماه رمضان ماهی است که قرآن برای راهنمایی مردم در آن نازل شده است.

و هیچ گونه اختلاف جنسیت در آن دخیل نیست.

۲- میزان تکلیف: هنگامی که از بُعد مسایل معنوی، رشد و تکامل انسان سخن می گوید، باز هم سخن از انسانی است که در گرو اعمال خویش می باشد:

(كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ) (۲)

هر کسی در گرو عمل و دستاورد خویش است.

و تکالیفی را که برای بشر در نظر گرفته شده است در محدوده ی توان و قدرت اوست: {لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا} (۳)

و هر اندازه تلاش و کوشش کرده، به همان مقدار بهره مند خواهد شد: {لَيْسَ

ص: ۳۷۷

۱- سوره ی بقره آیه ی ۱۸۵.

۲- سوره ی مدثر آیه ی ۳۸.

۳- سوره ی بقره آیه ی ۲۸۶: خداوند هیچ کس را جز به اندازه ی توانایش تکلیف نمی کند

لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۱)، در این باره نیز تفاوتی میان زن و مرد نیست.

۳- پذیرش اعمال: ملاک پذیرش و قبولی کردار انسان، صالح بودن عمل است، و هرگاه عملی با چنین وصفی همراه باشد، از هر انسانی سر بزند، در زمره مومنان قرار گرفته، و از حیات طیبه برخوردار می گردد، فرقی میان زن و مرد وجود ندارد.

خداوند متعال در قرآن کریم فرمود:

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (۲)

و خداوند تبارک و تعالی پیام جان بخش خود را به گوش همه می رساند که هرگز اجر و پاداش هیچ مومنی را ضایع نمی کند، در این باره می فرماید:

(وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ) (۳)

و هم چنین در آیه ی کریمه ی دیگر با بیان نام «محسنین» این موضوع را به مناسبت بازگو می کند و می فرماید:

(فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (۴)

در نتیجه، وقتی موضوع پاداش و ثواب به نیکوکاران و عقاب گناه کاران در قیامت را یادآور می شود، هر انسانی، چه مذکر و چه مؤنث، هر عملی از او سر

ص: ۳۷۸

-
- ۱- سوره ی نجم آیه ی ۳۹: این که برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست
 - ۲- سوره ی نحل آیه ی ۹۷: هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مومن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم، و پاداش آن ها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد
 - ۳- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۷۱.
 - ۴- سوره ی یوسف آیه ی ۹۰: خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند.

بزند، نسبت به همان عمل جزا داده می‌شود، لذا خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

(مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا بِمِثْلِهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ) (۱)

ابعاد معنوی زن

خداوند متعال هنگامی که می‌خواهد جایگاه انسان را در مقابل با همسر بیان نماید، به چند بُعد از ابعاد زن‌ها اشاره می‌فرماید.

الف: آن‌ها را موجب آرامش مردان معرفی می‌کند و می‌فرماید:

از آیات و نشانه‌های آفریدگار متعال این است که برای خودتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) (۲)

و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.

ب: زن را مهم‌ترین تکیه‌گاه کانون پُر مهر خانواده دانسته و می‌فرماید:

(وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (۳)

خداوند هیچ‌یک از زن و مرد را در مسایل اخلاقی و انسانی بر دیگری علو و

ص: ۳۷۹

۱- سوره ی غافر آیه ی ۴۰: هر کس بدی کند، جز به مانند آن کیفر داده نمی‌شود، ولی هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد - خواه مرد یا زن - در حالی که مومن باشد آن‌ها وارد بهشت می‌شوند، و در آن روزی بی‌حسابی به آن‌ها داده خواهد شد.

۲- سوره ی روم آیه ی ۲۱.

۳- سوره ی روم آیه ی ۲۱.

برتری نداده یعنی نه مرد را مبرا از گناه و معصیت دانسته، و نه زن را عامل وسوسه و گناه شمرده است، بلکه این دو را برای یک دیگر لباس و پوشش قرار داده است:

(هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) (۱)

ج: چون زن ها مسئولیت سنگین تربیت فرزندان و سامان بخشیدن امور داخلی منزل را به عهده دارند، در باره ی تعامل و معاشرت با آن ها مکرر سفارش نموده و در آیه ای بیان فرموده:

(وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (۲)

و با آن ها به شایستگی رفتار کنید.

و در آیه ی کریمه ی دیگر می فرماید:

(آتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (۳)

و صداق و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید.

و راجع به خوراک و پوشاک آنان فرمود:

(وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (۴)

و خوراک و پوشاک آنان به طور شایسته، بر عهده ی پدر است.

امّا نکته ی قابل توجه این که اگر تفاوت های اندکی درباره ی زن و مرد، در این آیین آسمانی به چشم می آید، مربوط به نقش هر یک بر اساس مسئولیت ها و

ص: ۳۸۰

۱- سوره ی بقره آیه ی ۱۸۷.

۲- سوره ی نسا آیه ی ۱۹.

۳- سوره ی نسا آیه ی ۲۵.

۴- سوره ی بقره آیه ی ۲۳۳.

لیاقت‌ها، و هم چنین ظرفیت و فیزیکی جسمانی آن‌ها می‌باشد، و حقوق آنان نیز بر اساس همان قابلیت‌ها و ظرفیت‌های معین، تنظیم و تدارک شده است.

اگر دیگران به عنوان دفاع از حقوق زنان، آن تفاوت‌ها را تحقیر، و تزییع حقوق فردی و اجتماعی آنان می‌دانند، از دو حال خارج نیست که یا از حکمت و اسرار نهفته‌ی در آن بی‌خبر و جاهل هستند، و یا برای سوء استفاده‌ی از آن‌ها، تجاهل می‌کنند.

جایگاه زن در احادیث

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در خطبه‌ای فرمود:

اللَّهُ اللَّهُ فِيهَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، أَطْعَمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ، وَ أَلْبَسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ، وَ لَا تُكَلِّفُوهُمْ مَا لَا يَطِيقُونَ؛ فَإِنَّهُمْ لَحَمٌ وَ دَمٌ، وَ خَلْقٌ أَشْكَالُكُمْ، فَمَنْ ظَلَمَهُمْ فَأَنَا خَصْمُهُمْ وَ اللَّهُ حَاكِمُهُمْ؛ (۱)

خداوند متعال را اطاعت کنید و او را به یاد آورید در باره‌ی زنان تان، آن‌هایی که به ملک شما در آمدند، آنچه را که خود تناول می‌کنید به آن‌ها هم بدهید، آنچه را که می‌پوشید بر آنها نیز بپوشانید، کاری را که از توان آن‌ها خارج است، بر آنان تکلیف نکنید؛ زیرا آن‌ها هم، گوشت و خونی بیش نیستند، و آفرینش آن‌ها مانند شماست، هر آن کس که به آن‌ها ظلم کند و ستم روا دارد، من با آن‌ها دشمنم، و خداوند متعال نیز حاکم بر آن‌هاست.

حضرت امام جعفر صادق ﷺ می‌فرماید:

لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ: وَ هِيَ الْمُوَافَقَةُ

ص: ۳۸۱

۱- عوالی اللئالی ج ۱ ص ۲۵۶، مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۳۷۹ حدیث ۱۵۶۵۵.

لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَ مَحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا، وَ حُسْنَ خُلُقِهِ مَعَهَا، وَ اسْتِعْمَالَهُ اسْتِمَالَهُ قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا، وَ تَوْسِعَتُهُ عَلَيْهَا؛ (۱)

بر مرد در تعامل و هم دلی با همسرش سه نکته ضروری است: مرد با زن موافق باشد تا محبت و موافقت او را جلب کند، با او خوش اخلاق باشد، از او به گونه ای دل جوئی کند که در چشمانش با هیبت و زیبا جلوه نماید، و در زندگی او (با فراهم کردن امکانات رفاهی) گشایش ببخشد.

از امیرالمومنین □ روایت نقل شده که می فرماید:

«روزی پیامبر گرامی اسلام □ بر ما وارد شد، حضرت زهرا در کنار دیگی نشسته بود، و من عدس پاک می کردم، پیامبر □ فرمود: ای ابالحسن! گفتیم: لیبیک یا رسول الله! فرمود: از من بشنو، و من سخن از جانب پروردگارم می گویم، هیچ مردی نیست که همسرش را در خانه یاری دهد مگر این که برای او به تعداد همه ی موهایی که در بدن اوست یک سال عبادت پروردگار - به گونه ای که روزهای آن روزه و شب های آن به عبادت مشغول باشد - به شمار می آید».

پیامبر اکرم □ در ادامه فرمود:

يا عَلِيُّ! لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يَرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ (۲)

یا علی به عیال و همسر خدمت نمی کند مگر صدیق یا شهید یا مردی

ص: ۳۸۲

۱- اعلام الدین ص ۱۲۰، تحف العقول ص ۳۲۲، بحار الانوار ج ۷۸ ص ۲۳۷.

۲- جامع الاخبار ص ۱۰۲، مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۴۸ حدیث ۱۴۷۰۶: دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ □ وَ فَاطِمَةُ □ جَالِسَةً عِنْدَ الْقَدْرِ وَ أَنَا أُتْقَى الْعَيْدَسَ، قَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! قُلْتُ: لَبَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: اسْمِعْ وَ مَا أَقُولُ إِلَّا مَا أَمَرَ رَبِّي، مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ عِبَادَةٌ سَنَةٍ؛ صِيَامُ نَهَارِهَا وَ قِيَامُ لَيْلِهَا.

که خدا برایش خیر دنیا و آخرت را خواسته باشد.

حضرت سید الساجدین امام زین العابدین \square در باره ی حقوق زنان فرمودند:

«خداوند متعال او را مایه ی آرامش و آسایش و همدم و پرستار تو قرار داده، و بایسته است که هر یک از شما به سبب همسری، خدای را سپاس دارد و بداند که این نعمت خداوند بر اوست، و باید با نعمت خدا نیک رفتار باشد و گرامیش دارد، و با او سازگاری کند، و اگر چه حق تو بر عهده ی او سخت تر و فرمان پذیری او از تو در آنچه دوست می داری و نا پسند می شماری تا جایی که گناه نباشد، بر او لازم تر است، ولی زن نیز حق مهرورزی و حق همدمی و حق آرامش در برآوردن لذتی که در انجام آن ناگزیر است، باید فراهم شود، و این حقوق بسیار عظیم است، لاحول ولا قوه الا بالله» (۱)

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

امیرالمومنین (ع) در این وصیت پر محتوی و در آخرین لحظات حیات خود نسبت به زنان و ملک یمن سفارش می کند که مبدا حقوق آنان ضایع گردد، به لحاظ این که از نظر جسم ضعیف هستند:

ص: ۳۸۳

۱- تحف العقول ص ۲۶۲، بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۱۴ ضمن حدیث ۲، مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۱۶۰ ضمن حدیث ۱۲۶۶۴:
أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَيِّكِنًا وَ مُسْتَرَاحًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً، وَ كَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ، وَ يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ، وَ وَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَ يَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ، وَ طَاعَتُكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَحَبَّتْ وَ كَرِهَتْ مِمَّا لَمْ تَكُنْ مَعْصِيَةً؛ فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَ الْمُؤَانَسَةِ وَ مَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءَ اللَّهِ الَّتِي لَمَّا بِيَدٍ مِنْ قَضَائِهَا، وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

اللَّهُ اللَّهُ فِي النَّسَاءِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ.

آنچه که در آیات کریمه و احادیث اهل بیت □ بیان شد، مبین این است که زن از نظر شرافت و حیثیت انسانی، همتا و برابر با مرد می باشد، و تنها ملاک برتری و شرافت میان آن ها همان تقواست:

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (۱)

گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

اما صد افسوس که امروزه یکی از بزرگ ترین معضلات جامعه این است که جای زن و مرد در اجتماع عوض شده است.

زنی که باید در دامن پُر محبت خود فرزندانِ خوب تربیت کند و تحویل اجتماع دهد، و همسر و فرزندان خود را از ناپاکی ها و آلودگی ها با مهرورزی و عطوفت تمام حفظ نماید، اما این جایگاه انسانی خود را چه بسا از دست داده، و از مقام و منزلت مادری و همسری تنزل نموده و در غیر جایگاه خود به امور غیر اساسی اشتغال یافته، و این سبب اُفت و تنزل جایگاه خانواده و به تبع آن نزول و انحطاط جامعه خواهد شد.

و سزاوار است به عنوان شیعه ی امیرالمومنین □ پیام دلنشینش را به گوش جان بشنویم و بدان عمل کنیم، و با زنان به شایستگی عمل، و جایگاه حقیقی آن ها را حفظ نماییم، و سعی شود آن ها مقام پر عظمت مادری و همسری خود را برای حفظ کیان خانواده و جامعه در دست داشته باشند.

ص: ۳۸۴

فصل هفدهم: شیوه گفتار و امر به معروف در کلام امیرالمومنین (ع)

اشاره

ص: ۳۸۵

شیوه گفتار و امر به معروف در کلام امیرالمومنین (ع)

قُولُوا لِلنَّاسِ حُسَيْنًا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيَوَلَّى اللَّهُ أَمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ؛

با مردم با روش نیکو سخن بگویید، همان طور که خداوند عزّ و جلّ به شما امر فرموده است، مبدا امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمایید که اگر چنین کنید خدا اشرارتان را بر شما مسلط می کند آن گاه دعا می کنید، ولی دعای تان بر علیه آن ها مستجاب نمی شود.

تکلم از ویژگی های انسان

در میان همه ی مخلوقات جهان آفرینش، تنها موجودی که از قدرت تکلم برخوردار می باشد، انسان است، سخن گفتن یکی از مهم ترین، عالی ترین و بارزترین نعماتی است که انسان را از سایر مخلوقات ممتاز می کند.

خداوند متعال می فرماید:

ص: ۳۸۷

انسان نمونه‌ی کامل عالم بزرگ است، و جهان آفرینش با تمام عظمتش در وجود او منعکس شده همان طور که امیرالمومنین \square نیز به این امر مهم اشاره می‌فرماید:

«وَتَحَسَّبُ (۲) أَنْكَ جِزْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ أَنْطَوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ» (۳)

این موجود محیر العقولی که هزاران سال از خلقت آن می‌گذرد، با پیشرفت علوم تجربی و موفقیت‌های چشم‌گیری که در شناخت فیزیکی او به عمل آمده، هنوز نتوانستند به تمام حقایق وجود جسمی او دست یابند تا چه رسد به مسایل روحی و روانی که اسراری در پس هزاران پرده‌ی زخیم از آفرینش آن نهفته است.

او آن‌گونه توانمند و خلاق آفریده شده که تمام افکار و اندیشه‌های خود را باتکلم و نوشته به ظهور می‌رساند.

اگر چه واژه‌ی «قول» به معنای گفتن و تکلم کردن است، ولی در واقع اعم از گفتار و رفتار است، و مقصود امیر مومنان \square در سفارش به حُسن گفتار، مطلق معاشرت است.

توصیه‌ی حضرت (ع) برای این است که در برخورد با دیگران در گفتار و رفتار، روش صحیح و عملی شایسته‌ای را اتخاذ نماییم و از هرگونه غرور، خودبینی و خودپسندی پرهیزیم.

ص: ۳۸۸

۱- سوره‌ی الرحمن آیه‌ی ۳ و ۴: خداوند انسان را آفرید و سخن گفتن را به او آموخت.

۲- در وافی «تَزَعَم».

۳- دیوان منسوب به امام علی \square ، ص ۱۷۵، روضه المتقین ج ۲ ص ۸۱، وافی ج ۲ ص ۳۱۹ ذیل حدیث ۷۷۷: آیا گمان می‌کنی که جرم کوچکی هستی، در حالی که عالم بزرگ تر در تو نهفته است!؟

اگر قرآن کریم در موارد مختلف از قول «معروف» (۱) و قول «لین» (۲) سخن به میان می آورد و نسبت به آن سفارش می کند، در واقع می خواهد کرامت و حرمت انسان ها را حفظ کند.

حضرت امام حسن عسکری \square در ذیل این آیه ی کریمه {وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا} فرمودند:

وَقُولُوا لِلنَّاسِ الَّذِينَ لَا مَوُونََهُ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حُسْنًا، عَامِلُوهُمْ بِخُلُقٍ جَمِيلٍ؛

با کسانی که بار آن ها بر دوش شما سنگینی نمی کند به نیکی رفتار نمایید و با اخلاق خوب و حُسن رفتار با آن ها گفت و گو کنید (۳).

وصیت مولای متقیان \square از سوی خداوند متعال، و در دستور رسالت تمام پیامبران الهی نیز بوده است، و پیشینیان نیز به این امر مهم سفارش شده اند، لذا پروردگار متعال می فرماید:

(إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ... وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) (۴)

چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم... و با مردم (به زبان) خوش

ص: ۳۸۹

۱- سوره ی بقره آیه ی ۲۳۵: \square لَا تُؤَاعِدُوهُمْ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا \square ؛ با زن ها پنهانی قرار و پیمانی نگذارید مگر این که به طرز پسندیده ای (به طور کنایه) اظهار کنید.

۲- سوره ی طه آیه ی ۴۴: \square وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا \square ؛ با نرمی با او (فرعون) سخن بگویید..

۳- تفسیر منسوب به امام عسکری \square ص ۳۲۶، بحار الانوار ج ۷۱ ص ۱۸۴ حدیث ۴۴.

۴- سوره ی بقره آیه ی ۸۳

امیرمومنان \square بعد از سفارش به حُسن معاشرت با مردم، مسأله ی مهم امر به معروف و نهی از منکر را متذکر می شوند که با توجه به آن، کاملاً گفتار به معنای اعم را تصدیق می کند و می فرماید:

وَلَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيَوْلِي اللَّهُ أَمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ.

حضرت \square در بیانی کوتاه، مهم ترین اصل اتحاد و انسجام جامعه، و هم چنین بزرگ ترین عامل تزلزل و فروپاشی جامعه ی به هم پیوسته را بیان فرمودند، و راه رهایی از چالش های مخرب و ویران گر را نشان داده است که در واقع فرمایش ایشان در موضوع «امر به معروف و نهی از منکر» به دو قسم تقسیم می شود:

قسم اول: این که امیرالمومنین (ع) در این وصیت پیش از آن که آثار مثبت امر به معروف و نهی از منکر را بشارت دهد، از آثار سوء و نامطلوب ترک آن سخن به میان می آورد.

و به جای آن که ثمره ی خیر و سعادت است که در پرتو امر به معروف و نهی از منکر نصیب انسان و جامعه می شود را وعده دهد، از آثار منفی ترک آن، به عنوان دو آفت بسیار بزرگ که دامن گیر شخص و جامعه می شود، خبر می دهد که در واقع خطری را گوش زد می فرمایند که هم به زندگی فردی و سلوک معنوی انسان ضرر می زند، و هم جامعه را در سقوط و تباهی می کشاند که یکی از آن، تسلط اشرار و ظالمین بر مردم خیر و نیکوکار، و دیگری عدم استجابت دعا به درگاه خداوند متعال است.

قسم دوم: این که چه ارتباطی میان ترک امر به معروف و نهی از منکر و تسلط اشرار

و عدم استعجاب دعا وجود دارد که امیرالمومنین \square این گونه در سفارش خود با تاکید از آن خبر می دهد.

برای کشف این نکته، ابتدا لازم است جایگاه این امر مهم از دیدگاه اسلام به قدر مقتضی مورد بررسی قرار گیرد.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر از جمله مهم ترین واجبات الهی در دین مبین اسلام هستند که مشهور علما و بزرگان دین، آن را واجب کفایی (۱) و بعضی نیز چون مرحوم محقق و شیخ طوسی \square آن را واجب عینی (۲) دانسته اند.

این فریضه ی الهی وظیفه ی همگانی است، دین وظیفه ی همه ی مردم را در جامعه، پاسداری از حفظ ارزش ها و دفاع از اصول ارزشی آن می داند، و هرگونه کوتاهی و سهل انگاری را مورد مذمت قرار می دهد؛ زیرا اگر مردم آرزو دارند که در جامعه ای سالم همراه با امتیّت و انسجام زندگی کنند، باید با حفظ و پاس داشت ارزش ها، و نفی ضد ارزش ها به آرزوی خود جامعه ی عمل بیوشانند.

الف: دستور الهی

خداوند تبارک و تعالی ابتدا همه ی بندگان را به سه اصل ارزشی و معروف مهم، و اساسی فرمان می دهد، هم چنین در ادامه از سه اصل ضد ارزشی باز می دارد و می فرماید:

ص: ۳۹۱

۱- تفسیر الکشاف (زمخشری) ج ۱ ص ۳۰۲، روح المعانی ج ۳ ص ۳۴۴.

۲- شرائع الاسلام ج ۱ ص ۳۱۰، التبیان ج ۳ ص ۵۴۸ و ۵۴۹.

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) (۱)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر و ظلم و ستم نهی می کند، خداوند به شما اندرز می دهد شاید متذکر شوید.

ب: از ویژگی های رسول اکرم

یکی از مهم ترین ویژگی های رسول اکرم در مسیر رسالت و هدایت انسان ها این است که مردم را به آنچه که دین آن را معروف می شمارد، فرمان می دهد، و از اموری که در نزد دین نکره و ناشناخته است باز می دارد، خداوند متعال در تورات و انجیل نیز آن را یکی از ویژگی های پیامبر اکرم می داند و می فرماید:

(الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ) (۲)

آن هایی که از فرستاده ی خداوند متعال پیامبر امی پیروی می کنند که صفات او را در تورات و انجیلی که نزد آن هاست، مکتوب می یابند، (آن پیامبر) آن ها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد، اشیای پاکیزه را برای آنان حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند.

ص: ۳۹۲

۱- سوره ی نحل آیه ی ۹۰.

۲- سوره ی اعراف آیه ی ۱۵۷.

ج: امر به معروف شرط رسیدن به مقام صالحان

خداوند متعال در قرآن کریم، صالحان را بسیار مدح و ستایش نموده، و هر گاه می خواهد به بندگان مطیع و رسول گرامی خود بشارت به نعمت دهد، دیدار حضور و هم نشینی با پیامبران و صادقان و شهدا و صالحان را به آن ها مژده می دهد (۱)، اما رسیدن به مقام صالحان نیز در سایه ی امر به معروف ونهی از منکر است که خداوند کریم می فرماید:

(لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّهَ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ * يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمَرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولِيكَ مِنَ الصَّالِحِينَ) (۲)

آن ها همه یک سان نیستند، از اهل کتاب جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می کنند، و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می خوانند، در حالی که سجده می نمایند به خدا و روز قیامت ایمان می آورند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و در انجام کارهای نیک، پیشی می گیرند، و آن ها از صالحانند.

ص: ۳۹۳

۱- اشاره به آیه ی ۶۹ سوره ی مبارکه ی نسا است که می فرماید: (وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا)؛ و کسی که از خدا و پیامبر اطاعت کند، در زمره ی کسانی خواهد بود که خداوند ایشان را گرامی داشته و نعمت داده است، و آن ها را با پیامبران و صادقان و شهدان و شایستگان قرار داده، و آنان چه نیکو هم نشینانی هستند.

۲- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۱۳ و ۱۱۴.

قرآن کریم که به عنوان ثقل اکبر و غنی ترین کتاب آسمانی و هدی للمتقین است، وظیفه ی برخی از مردم را امر به معروف و نهی منکر می داند، و در این باره چنین فرموده:

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (۱)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند، و آن ها همان رستگارانند.

هم چنین در آیه ی شریفه ی دیگر می فرماید:

(كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) (۲)

شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند، (از این رو

ص: ۳۹۴

۱- سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۴.

۲- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۱۰ و در سوره ی توبه آیه ی ۷۱ فرمود: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ). مردان و زنان با ایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند، و خدا و رسولش را اطاعت می کنند، به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد، به راستی که خداوند توانا و حکیم است.

که) امر به معروف و نهی از منکر می کنید، و به خداوند ایمان دارید.

وظیفه ی ائمه اطهار جامعه، در امر به معروف و نهی از منکر، در واقع کار خیری است که مورد رضایت حضرت حق - جلّ جلاله - است، و آن دسته از کسانی که به چنین فریضه ای اهمیت داده و آن را احیا می کنند، و ارزش های آن را حفظ می نمایند، از گروه مومنان و در زمره ی صالحان و رستگارانند.

پروردگار متعال - که رحمت و سعادتش تمام عالم را فرا گرفته است - نشانه ی رحمت او در این آیه نیز کاملاً مشهود است.

این که امر به معروف را بر نهی از منکر مقدم داشت، یکی از اسرارش این است که همیشه رحمت حق بر غضب او غلبه دارد، و کسانی که اقدام به این امر مهم می نمایند، در واقع اول خود را از رحمت بی منتهای خالق متعال برخوردار می گردانند، و سپس در سایه ی آن رحمت، به دیگران نیز آن حلاوت را خواهند چشاند.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در روایات

در باره ی اهمیت امر به معروف و نهی از منکر بحث گسترده ای از ابعاد و جهات مختلفه ای در روایات وارد شده است که در این جا تنها به ذکر چند روایت قناعت می شود:

حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ مِنْهُاجُ الصُّلَحَاءِ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ، بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ، وَ تَأْمَنُ الْمِزَانُ، وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ، وَ

ص: ۳۹۵

تُرَدُّ الْمَظَالِمُ، وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ، وَ يَنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛ (۱)

امر به معروف و نهی از منکر راه و روش انبیا و طریقه ی صالحان است، فریضه ی بسیار بزرگی که با آن، سایر فرایض برپا می گردد، راه ها امن و امان، و کسب ها حلال می شود، حقوق غضب شده به صاحبانش بازگردانده شده و زمین ها آباد می گردد، و از دشمنان انتقام گرفته خواهد شد، و تمام امور سامان می یابد.

و هم چنین حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمود:

فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أُتُوفَ الْكَافِرِينَ؛ (۲)

پس آن که امر به معروف نمود، پشت مومنان را محکم کرده، و کسی که از کار زشت منع فرمود، بینی کافران را به خاک سایید.

و در گفتاری دیگر، نشانه های آمر به معروف و ناهی از منکر را متذکر می شود و می فرماید:

فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ، فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ، وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ، فَذَلِكَ مُتَمَسِّكٌ بِخِصْلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ، وَ مُضَيِّعٌ خِصْلَهُ.

وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ، فَذَلِكَ الَّذِي ضَمَّعَ أَشْرَفَ الْخِصْلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدَةٍ، وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ

ص: ۳۹۶

۱- کافی ج ۵ ص ۵۶ حدیث ۱، تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۸۱ حدیث ۳۷۲، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۱۱۹ حدیث ۲۱۱۳۲.

۲- نهج البلاغه حکمت ۳۱، بحار الانوار ج ۶۸ ص ۳۴۸ حدیث ۱.

قَلْبِهِ وَ يَدِهِ، فَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ؛ (۱)

گروهی از مردم با دست و زبان و قلب به مبارزه با منکرات برمی خیزند، آن ها تمام خصلت های نیک را به طور کامل در خود جمع کرده اند، و گروهی دیگر تنها با زبان و قلب به مبارزه برمی خیزند اما با دست نه، این ها به دو خصلت نیک تمسک جسته اند و یکی را از دست داده اند.

و گروهی دیگر تنها با قلب شان مبارزه می کنند و اما مبارزه با دست و زبان را ترک کرده اند، این گروه بهترین خصلت ها را از این سه، ترک گفته و تنها یکی را گرفته اند، و گروهی دیگر نه با زبان و نه با قلب و نه با دست با منکرات مبارزه نمی کنند، این ها در حقیقت مردگان زنده نمایند.

حضرت امام جعفر صادق ع فرمودند:

الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ، فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ خَدَلَهُمَا خَدَلَهُ اللَّهُ؛ (۲)

امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق از مخلوقات خداوند متعال هستند، و کسی که آن دو را یاری کند خداوند متعال او را عزیز می نماید، و کسی که آن دو را خوار و ذلیل نماید خداوند نیز او را ذلیل خواهد نمود.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

روش امر به معروف و نهی از منکر عمل این گونه است که انسان دیگران را به خیر و خوبی دعوت کند، و آن ها را از شرور و بدی ها باز دارد، اما این امر مهم و

ص: ۳۹۷

۱- نهج البلاغه حکمت ۳۷۶، وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۱۳۴ حدیث ۲۱۱۷۰.

۲- کافی ج ۵ ص ۵۹ حدیث ۱۱، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۱۲۵ حدیث ۲۱۱۴۶.

دقیق و پرثمر دارای مراتب و درجاتی است که به طور اختصار بیان می شود.

مرتبہ ی اول آغاز از خویشتن

انسان باید ابتدا امر به معروف ونهی از منکر را از خویشتن شروع نماید، همان طور که خداوند متعال فرمود:

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ، إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ) (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید، اگر شما هدایت یافتید، گمراهی کسانی که گمراه شدند به شما زیانی نمی رساند، بازگشت همه ی شما به سوی خداست، و آن گاه شما را از آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد نمود.

و هم چنین در آیه ی دیگر می فرماید:

(أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (۲)

آیا مردم را به نیکی نمودن دعوت می کنید اما خودتان را فراموش می نمایید با این که شما کتاب (آسمانی) را می خوانید؟! آیا اندیشه نمی کنید و تعقل ندارید؟!

و در سوره ی مبارکه ی صف فرمود:

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ) (۳)

ص: ۳۹۸

۱- سوره ی مائده آیه ی ۱۰۵.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۴۴.

۳- سوره ی صف آیه ی ۲ و ۳.

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی می گویید که انجام نمی دهید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید و آن را انجام ندهید.

مرتبه ی دوم خانواده

خانواده یک کانون مهم اجتماعی است که انسان ها از آن وارد عرصه های مختلف اجتماعی می شوند که هر یک نقش مهمی را برای زمان حال مردم جامعه و هم چنین آیندگان، رقم می زنند.

اگر تربیت صحیح از این مکان آغاز شود، سلامت جامعه نیز تامین می شود، لذا همان گونه که تامین معاش اهل خانه و فرزندان، و فراهم نمودن مونه و مایحتاج آن ها، بر عهده ی پدر و مدیر خانواده است، فراهم نمودن بستر دینی و آموزش برنامه های تربیتی و تعلیم، و تامین اعمال و اخلاق و رفتارهای ارزشی نیز وظیفه پدر و مادر و مسئول خانواده است.

لذا خداوند متعال می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا) (۱)

ای کسانی که آورده اید! ابتدا خود و سپس اهل خود را از آتش جهنم حفظ نمایید.

مرتبه ی سوم خویشاوندان

در آغاز امر رسالت خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

ص: ۳۹۹

(وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۱)

و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن.

مرتبۀ ی چهارم عموم مردم

پروردگار سبحان می فرماید:

(الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) (۲)

همان کسانی که هر گاه در زمین به آن ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه ی کارها از آن خداست.

مذمت ترک امر به معروف و نهی از منکر

امیرالمومنین (ع) در باره ی کسانی که امر به معروف را ترک کنند، فرمودند:

وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيْتٌ الْأَحْيَاءِ؛ (۳)

گروهی دیگر از مردم نه با زبان و نه با قلب و نه با دست با منکرات مبارزه نمی کنند، پس چنین افراد مردگانی میان زندگانند.

امام المتقین يعسوب الدين حضرت علي (ع) در خطبه ی قاصعه، ترک امر به معرف و نهی از منکر را موجب شیوع فساد و فحشا در زمین می داند، و تارکین این امر مهم را محروم از رحمت الهی می شمارد و می فرماید:

ص: ۴۰۰

۱- سوره ی شعرا آیه ی ۲۱۴.

۲- سوره ی حج آیه ی ۴۱.

۳- نهج البلاغه حکمت ۳۷۶، وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۱۳۴ حدیث ۲۱۱۷۰

فَإِنَّ اللَّهَ سَيُجَاهِدُ لَمْ يَلْعَنِ الْقُرْنِ الْمَاضِي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لَتَرْكِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي، وَالْحُلَمَاءَ لَتَرْكِ التَّنَاهِي؛ (۱)

خداوند مردم دوران پیشین را از رحمت خود دور نساخت جز به خاطر این که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند، پس خداوند تبارک و تعالی بی خردان از آن ها را به خاطر گناه و نافرمانی، و خردمندان را برای این که نهی از منکر را ترک کردند، لعنت نمود.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

اشاره

اکنون به وصیت آن حضرت، نگاهی دوباره بیاندازیم تا از این چشمه ی پر فیض، قدحی بر داریم و از دریای فیض وجودش جرعه ای بنوشیم.

امیرالمومنین (ع) فرمود:

لَا تَتْرُكَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيَوْلِيَ اللَّهُ الْأَمْرَ شِرَارَكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ؛

مبادا که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید که اگر چنین کنید، خداوند اشرار تان را بر شما مسلط می کند، و آن گاه دعا می کنید ولی دعای تان مستجاب نمی شود.

۱- وظیفه ی همگانی

هنگامی که همه را مخاطب قرار می دهد، نشانگر این است که این یک وظیفه ی عمومی می باشد، و بر همگان لازم است هر لحظه با دست و زبان، امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و نیز تفاوتی میان گناهان کوچک و بزرگ نیست، و در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نباید از ملامت ملامت

ص: ۴۰۱

۱- نهج البلاغه خطبه ی ۱۹۲ معروف به خطبه ی قاصعه.

کنندگان ترسید؛ زیرا مجاهدان در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت گری نمی ترسند (۱)

۲ - انذار حضرت در ترک آن

اشاره

اگر با ترس و مسامحه و محافظه کاری امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترک شود، زمام امور و اداره ی آن جامعه بدست افراد نالایق و بی خرد خواهد افتاد و در نتیجه بنیان شرافت و اژاگون می گردد.

رابطه ی میان ترک امر به معروف و نهی از منکر و تسلط اشرار

پیوند میان این دو با اندک تامل و درنگی واضح و آشکار می شود؛ زیرا در جامعه ای که مردم دین محور نباشند، و ارزش های دینی اهمیتی برای آن ها نداشته باشد، و هر گونه رفتارهای ناشایست و حرام را مرتکب شوند، و به اعمال و رفتار مبتذل روی آورند، و از فسق و فجور گرفته تا تزییع حقوق دیگران را در عرصه های مختلف جامعه، پذیرا باشند، و نسبت به رفتار های منکر و ضد دینی بی تفاوت ظاهر شوند، و سکوت اختیار کنند، قهراً انسان های جسور و حاکمان ستمگر، از فرصت استفاده نموده، و زمام امور مردم را در دست می گیرند که در آن روزگار است باید گفت: علی الإسلام السلام.

۳ - سرّ عدم استجاب دعا

اما سرّ ارتباط میان ترک امر به معروف و نهی از منکر و مستجاب نشدن دعا را

ص: ۴۰۲

۱- اشاره به آیه ی ۵۴ سوره ی مبارکه ی مائده است که فرمود: (يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ)

می توان این گونه تحلیل کرد که اگر این فرضیه ترک شود احکام اسلامی تعطیل می گردد، و این پیامد شوم و این مصیبت غمّیّار به واسطه ی سوء اختیار و کوتاهی خود انسان، دامن گیر جامعه می شود، در نتیجه دعا به اجابت نمی رسد، در واقع آنچه را که مردم در دام آن گرفتار آمدند، نتیجه ی اعمال سوء آن ها است.

امام رئوف، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَيَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيَسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ، فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ؛ (۱)

باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، و الا خداوند بدترین شما را بر شما مسلط می کند، در این زمان حتی اگر نیکان هم در چنین شرایطی دعا کنند دعای آن ها مستجاب نخواهد شد.

در حدیث دیگر آمده است که خداوند عزّ و جلّ به حضرت شعیب پیامبر علیه السلام وحی فرستاد:

أَنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ، أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ، وَ سِتِينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ، فَقَالَ علیه السلام: يَا رَبِّ! هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغْضَبُوا لِغَضَبِي؛ (۲)

من یک صد هزار نفر از قوم تو را عذاب خواهم نمود، چهل هزار نفر از اشرار و شصت هزار نفر از اخیار و خوبان.

حضرت شعیب علیه السلام عرضه داشت: پروردگارا! اشرار به علت شرارتشان

ص: ۴۰۳

-
- ۱- کافی ج ۵ ص ۵۶ حدیث ۳، تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۱۷۶ حدیث ۳۵۲، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۱۱۸ حدیث ۲۱۱۳۰.
 - ۲- کافی ج ص ۵۶ ضمن حدیث ۱، مشکاه الأنوار ص ۵۱، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۱۴۶ حدیث ۲۱۱۰۱.

مستحق عذاب هستند، ولی اختیار چرا (عذاب می شوند)؟.

خداوند عزّ و جلّ به او وحی فرمود:

اختیار و خوبان با گنه کاران راه سازش و بی تفاوتی پیش گرفتند، و هرگز به جهت خشم من خشمگین نشدند.

در هر حال، مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که تمام انبیا و اوصیای الهی □ و هم چنین تمام مردم به انجام آن مامورند.

تحلیل دیگر این که داشتن مدینه‌ی فاضله، به همراه آسایش و امتیّت در سایه‌ی امر به معروف و نهی از منکر محقق می‌شود؛ زیرا با این فریضه‌ی الهی دست ستمگران و اشرار از سر مردم کوتاه خواهد شد.

اگر همه‌ی مردم در جامعه به فرمان امیرالمومنین (ع) گوش فرا دهند و اوامر او را در زندگی پیاده کنند، هم دنیای آن‌ها تامین می‌گردد و با عزت، قدرت و سربلندی خواهند زیست، و هم آخرت آن‌ها قرین سعادت و خوشبختی خواهد بود. روحی لك الفداء یا امیرالمومنین.

ص: ۴۰۴

فصل هجدهم: اهمیت تعاون و همکاری در کلام امیر مؤمنان (ع)

اشاره

ص: ۴۰۵

عَلَيْكُمْ يَا بَنِي! بِالْتَّوَّاضِعِ وَالْتَّيَّاذِلِ وَالْتَّيَّارِ، وَإِيَّاكُمْ وَالتَّقَاطِعِ وَالتَّدَابِرِ وَالتَّفَرُّقِ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى
الْإِثْمِ وَالعُدْوَانِ، وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛

بر شما باد ای فرزندان من! به ایجاد و تحکیم ارتباط و بذل کردن در راه کمک رسانی به یک دیگر، و خوبی نسبت به هم دیگر، و دوری نمایند از بُریدن و جدایی و روی برتافتن و پشت نمودن و پراکنده شدن، باید بر اجرای برّ و تقوی همکاری کنید، و در کار گناه و ظلم دست یاری به یک دیگر ندهید، و از خشم خدا بپرهیزید؛ زیرا که کیفر خداوند سخت شدید است.

مقدمه

از مسایل بسیار مهم، مساله ی پیوند میان انسان ها و ارتباط عاطفانه با یک دیگر به همراه مودّت و محبّت است که این مساله دارای فواید فراوان و خیر کثیر است، از این رو خداوند متعال همگان را به حُسن معاشرت، و ارتباط با یک دیگر تشویق و ترغیب می نماید، از سوی دیگر، عداوت، دشمنی، بی عاطفه گی، کینه ورزی و هم چنین پراکندگی و جدایی و قطع رابطه نسبت به

یک دیگر را، زشت و ناپسند دانسته و از هم گسستن را مذمت می نماید(۱).

این فقره از وصیت امیر بیان علی(ع) متشکل از دو بخش است: بخشی را که در آن امر می فرمایند (اوامر)، و بخشی را که نهی نموده اند (نواهی)، که در ضمن این گفتار کوتاه هم به بزرگ ترین عامل نجات، و اساسی ترین ابزار رشد و تکامل جامعه سفارش نمود، و هم مهم ترین خطر رکود و عقب ماندگی فرهنگی، و سقوط در ورطه ی جهل و دشمنی را، به مخاطبان حاضر و غایب خویش گوش زد کرد.

این کلام امیرالمومنین(ع) می باشد، و کلام امیر، امیر کلام است، برای داشتن یک جامعه ی اسلامی ایده آل، سه اصل مهم ارزشی و سازنده ی دینی و اجتماعی یعنی به هم پیوستن، بخشش نمودن و نیکی کردن را به عنوان یک راهکار اجتماعی ارائه داد: «بِالتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَادُلِ وَ التَّبَارِ».

و هم از سه آفت بسیار خطرناک و ضد ارزشی مانند: قطع رابطه، و روی برگرداندن از یک دیگر و افتراق و جدایی برحذر داشته اند و فرمودند: «وَ إِيَاكُمْ وَ التَّقَاطِعَ وَ التَّدَابُرَ وَ التَّفَرُّقَ».

سپس حضرت ﷺ در ادامه ی فرمایش وصیت خود، به بخش پایانی آیه ی پنجم سوره ی مبارکه ی مائده اشاره کرده که خداوند متعال در آن فرموده است:

ص: ۴۰۸

۱- اشاره به آیه ی ۲۲ و ۲۳ سوره ی مبارکه ی محمد ﷺ است که فرمود: (فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ)؛ اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! آن ها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوش های شان را کر و چشم های شان را کور کرده است.

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛

یک دیگر را در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری، و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است.

اگر به واژه های استفاده شده در کلام مولای متقیان امیرمومنان علی(ع)، و هم چنین به الفاظ نورانی آیه ی کریمه - که از سوی آن حضرت □ به آن اشاره شده است - نگاهی دقیق داشته باشیم، فرمایش امیرالمومنین(ع) در سفارش به این امر مهم بهتر هویدا می گردد.

واژه شناسی

واژه ی «تواصل» از ریشه ی «وصل» هر گونه ارتباط و پیوند معنوی و مادی و عاطفی را شامل می شود، و «تبادل» از ریشه ی «بدل»(۱) از قبیل ذکر خاص بعد از عام است.

«تقاطع» نیز به معنای هر گونه قطع رابطه است، و «تدابیر» از ریشه ی «دبر» به معنای پشت کردن(۲)، با یک دیگر قهر و دشمنی نمودن است، و این دو واژه هم از قبیل ذکر خاص بعد از عام است؛ زیرا تقاطع هر نوع قطع پیوند را شامل می شود.

الفاظی که در آیه ی کریمه آمده، و توصیه ای که امیرالمومنین □ فرموده

ص: ۴۰۹

۱- صحاح اللغة ج ۴ ص ۱۶۳۲، العين ج ۸ ص ۱۸۷، لسان العرب ج ۱۱ ص ۵۰: «الْيَدْلُ: ضد المَنْع، بَدَلَهُ يَبْدِلُهُ وَ يَبْدُلُهُ بَدْلًا: أَعْطَاهُ وَ جَادَ بِهِ».

۲- . لسان العرب ج ۴ ص ۲۷۲: «التَّدَابِيرُ: الْمُصَارَمَةُ وَ الْهِجْرَانُ، مَأْخُوذٌ مِنْ أَنْ يُؤَلَّى الرَّجُلُ صَاحِبَهُ دُبْرَهُ وَ قَفَاهُ، وَ يُعْرِضُ عَنْهُ بِوَجْهِهِ وَ يَهْجُرُهُ»

است، کاملاً با یک دیگر هماهنگ هستند، زیرا «تعاون» از ریشه «عون» و به معنای یاری کردن و یاری رساندن و کمک و امداد، آمده است (۱)، ولی مفهوم تعاون در موضوع بحث کنونی، همکاری و مشارکت متقابل است، به این معنا که انسان هایی که در کنار یک دیگر زندگی می کنند، اگر در جهت آسایش و رفاه هم دیگر، یار و مددکار یک دیگر باشند، جامعه سرشار از مهر و محبت و انسانیت خواهد بود.

با توجه به کلماتی که حضرت(ع) در وصیت خود بیان نموده اند، و چون از باب تفاعل است باید از جانب طرفین باشد، یعنی همه موظف هستند که با یک دیگر ارتباط حسنه داشته باشند، و به هم دیگر بذل و بخشش نمایند.

این فرمایش ایشان بر گرفته از کلام رسول اکرم ﷺ است که فرمود:

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا وَ تَهَادَوْا؛ (۲)

امت من در خیر هستند مادامی که با یک دیگر محبت داشته باشند و به هم هدیه دهند.

و نیز این فرمایش امیر بیان ﷺ همان سنت نبوی است که فرمود:

إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ؛ (۳)

شما نمی توانید تمام مردم را با اموال خود شاد کنید، پس به وسیله ی اخلاق خود به آن ها کمک کنید و دلجویی نمایید.

یعنی وقتی که ممکن نیست بذل مال شود تا همه ی مردم از ما خشنود باشند،

ص: ۴۱۰

۱- المنجد ص ۲۰۱.

۲- عیون اخبار الرضا ﷺ ج ۲ ص ۲۹ حدیث ۲۵، وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۲۵۴ حدیث ۲۰۴۳۴.

۳- من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۹۴ حدیث ۵۸۳۹، وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۱۶۱ حدیث ۱۵۹۵۴.

ولی می توان با خُلق حَسَن در رفتار و منش نیک، به مردم محبت نمود و رضایت مندی را در جامعه ترویج نمود.

و لذا مُتَّبِی، شاعر معروف عرب فرمایش پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ را به صورت شعر ذکر کرده:

لَا خَيْلَ عِنْدَكَ تُهْدِيهَا وَلَا مَالٌ فَلْيَسْعِدِ النَّطْقُ إِنْ لَمْ يَسْعِدِ الْحَالُ (۱)

نه آن قدر اسب و مال داری که به مردم هدیه دهی، اگر چنین است پس کمک گیر از نطقِ حسن و سخن نیک و جلب عطوفت و مهر و رضایت از مردم با زبان نیک و لسان لَیِّن و خیر.

امیرالمومنین (ع) به همین مطلب سفارش می فرماید: که کلام او بر خواسته از قرآن است: «عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَاذُلِ» به یک دیگر تواصل کنید صله نمایید، بذل و بخشش و نیکی و خیر و خدمت کنید.

در نتیجه باید توجه داشت، مقصود حضرت ﷺ از «تواصل» غیر از صله ی رحم است، در واقع امیرالمومنین (ع) در مقام تاکید این نکته است که به هر طریق ممکن، اعم از گفتار و عمل، و هم چنین رفتار انسانی مانند: تکریم و خوش رویی و خوش خُلقی نسبت به یک دیگر، احسان و نیکوکاری روا دارید، و در یاری رساندن به هم، هرگز کوتاهی نکنید.

اکنون برای دست یافتن بیش تر و بهتر به معنا و مفهوم کلام مولای متقیان (ع) به قدر وسع، لازم است این مساله را به طور اختصار از منظر قرآن و عترت پی بگیریم و اهمیت آن را جويا شویم.

ص: ۴۱۱

در بسیاری از آیات کلام الله مجید (۱) به نیکوکاری و احسان به یک دیگر در انواع

ص: ۴۱۲

۱- هم چنین آیات زیر نیز در مورد تعاون و همکاری اجتماعی اشاره دارد: در سوره ی مبارکه ی نسا آیه ی ۸۶ فرمود: ﴿وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَاَحْسَنَ مِنْهَا اَوْ رُدُّوْهَا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيْبًا﴾؛ هر گاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید، یا (لا اقل) به همان گونه پاسخ گویند، به راستی که خداوند حساب همه چیز را دارد. و در سوره ی نور آیه ی ۲۷ فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه ی خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید، و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید. و در آیه ی شریفه ی ۶۱ همین سوره می فرماید: (لَيْسَ عَلَى الْمَاعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَاعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالَكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْهُم مِّمَّا تَحْتَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ). بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه های خودتان (خانه های فرزندان یا همسران تان که خانه ی خود شما محسوب می شود بدون اجازه ی خاصی) غذا بخورید، و هم چنین خانه های پدران تان، یا خانه های مادران تان، یا خانه های برادران تان، یا خانه های خواهران تان، یا خانه های عموهای تان، یا خانه های عمه های تان، یا خانه های دایی های تان، یا خانه های خاله های تان، یا خانه ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه های دوستان تان. بر شما گناهی نیست که به طور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید، و هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشان سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه، این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می کند، باشد که ببینید. و در سوره ی حجرات آیه ی ۱۱ و ۱۲ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعِيدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾. ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن ها از این ها بهتر باشند، و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و یک دیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید، و با القاب زشت و ناپسند یک دیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید، و آن ها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند. ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها بپرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان ها گناه است، و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید، و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده ی خود را بخورد؟! (به یقین) همه ی شما از این امر کراهت دارید، تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

مختلف آن سفارش شده است.

پروردگار عالمیان برای این که انسان را از خطرهایی که در کمین اوست آگاه کند، حتی نوع سخن گفتن در میان انسان ها را مایه ی به هم پیوستگی و تواصل می داند.

ص: ۴۱۳

لذا به اسوه ی محبت و مهربانی، و سرشار از خُلق عظیم پیامبر گرامی اسلام ﷺ این گونه سفارش می فرماید که «به بندگان من اعلام کن، هنگامی که با یک دیگر تکلم می کنند، سخنی شایسته و نیکو و در خور انسانیت بر زبان جاری کنند؛ زیرا دشمن قسم خورده و حيله گری چون شیطان پیوسته در کمین است تا شعله ی آتش و اختلاف و نزاع را میان انسان ها افروخته تر کند، و عداوت و دشمنی را در میان شان قوت ببخشد؛ زیرا او دشمنی آشکار برای انسان است»:

(وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا) (۱)

نهی از تکبر و فخر فروشی

چون تواصل و تباذل یک اصل اساسی در جامعه ی اسلامی است، هر آنچه مانع اجرای این اصل باشد از نظر شرع مقدس مردود است مگر این که جهت خاصی داشته باشد، و لذا تکبر و تفاخر چون مانع از تواصل می باشند، و جریان اصل تباذل را از حرکت می اندازند، نهی از فخر و کبر شده است.

در قرآن کریم سفارش لقمان حکیم به بیانی شیوا و شیرین به پیامبر اکرم ﷺ وحی شده است، هنگامی که آن بزرگوار با کلامی حکیمانه فرزند برومند خویش را به مهم ترین مسایل اعتقادی، اخلاقی، رفتاری و اجتماعی سفارش می کند، زیر بنایی ترین عامل پیوند میان انسان ها را در نظر می گیرد، و او را در بازداشتن از انجام عملی بسیار مهم، و خطری بسیار بزرگ که موجب اختلاف و فروپاشی میان انسان های مومن می شود، منع نموده و چنین توصیه می کند:

ص: ۴۱۴

مبادا هنگامی که با مردمی روبرو می شوی آن ها را با تکبر و غرور مورد بی اعتنائی قرار داده و نسبت به آنان فخر بفروشی، و به آنان بی مهری روا داری، و به گونه ای متکبرانه در کنار آن ها راه بروی که موجب تحقیر آنان شود که اگر چنین کنی، از بزرگ ترین و با ارزش ترین نعمتی که همان محبت و دوستی خداوند متعال می باشد، محروم خواهی شد:

(وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ) (۱)

خدای سبحان در سوره ی مبارکه ی حجرات می فرماید:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (۲)

مومنان برادر (دینی) یک دیگرند، بنابراین (در همه ی نزاع ها و اختلافات) میان برادران تان صلح و آشتی برقرار کنید، و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

گفتار پسندیده به همراه عطف و مهربانی و ارتباط برادرانه، و دوری از هرگونه خود برتر بینی و تکبر که در سفارشات آیات کریمه ی قرآن آمده، موجب تحکیم بخشیدن روابط انسانی و تقویت احساس مشترک در میان یک دیگر می شود.

تعاون یک ضرورت اجتماعی

انسان غالباً طالب و علاقمند به باهم بودن می باشد، و به اجتماع تکیه دارد،

ص: ۴۱۵

۱- سوره ی لقمان آیه ی ۱۸: (پسرم!) با بی اعتنائی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.

۲- سوره ی حجرات آیه ی ۱۰

رفع نیازهای خود را، با در کنار یکدیگر بودن، میسر و ممکن می‌داند.

از سوی دیگر، آیینی که او به آن عقیده مند است، و بر اساس آن برنامه های تربیتی خود را تنظیم می‌کند، می‌تواند قوی ترین عامل در جهت حفظ اجتماع و اصلاح جامعه از نابه سامانی ها باشد، و این ادعا با کاوشی کوتاه به احکام اسلامی، کاملاً مبرهن است که اغلب احکام دین اسلام نظیر: حج، نماز، جهاد و زکات و... بر پایه ی اجتماع بنا گذاشته شده است.

هدف از اجتماع و تعاون و همکاری در جامعه ی اسلامی، برخوردار بودن از اجتماعی سالم و منزله از هر گونه ضد ارزش ها، و در حقیقت عاملی در جهت سعادت و خوشبختی دنیوی و رستگاری اخروی انسان ها است.

به همین خاطر نه تنها آخرین پیامبر الهی حضرت محمد ﷺ، بلکه تمام انبیای الهی (ع) مامور بودند که انسان ها را نسبت به حفظ و حراست از اجتماع آگاهی دهند، و در این باره سفارش نمایند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (۱)

توصیه ی حضرت حق جل جلاله به سه نکته ی مهم و محوری، در واقع آن را سبب دست یافتن به رستگاری و سعادت حقیقی می‌داند که یکی از آن ها شکیبایی و بردباری در مقابل گناه و معصیت است، و آن را به عنوان یک خویشتن داری فردی با جمله ی «اصبروا»، و صبر و بردباری جمعی را در مقابل

ص: ۴۱۶

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۲۰۰: ای کسانی که ایمان آورده اید! صبور باشید و یک دیگر را به صبر سفارش کنید، و متوجه روابط خود باشید، و تقوای الهی پیشه کنید که رستگاری از آن شماس.

مصایب و معصیت های اجتماعی با جمله ی «صابروا» توصیه می کند.

و در ادامه، تلاش مداوم و ارتباط سازنده در جهت یاری و کمک به هم دیگر و جذب نیروهای مفید و کارآمد را با جمله ی «رابطوا» سفارش می نماید، و چون این گونه رفتار باید با محوریت تقوا صورت گیرد، همگان را به پرهیزکاری و خویشتن داری فرمان داده است.

تعاون و همکاری در روایات عبرت طاهربن(ع)

اشاره

برای تکمیل بحث، به بوستان آل محمد(ص) سری می زنیم، با توجه به کتب حدیثی و با بهره گیری از احادیث و روایات ائمه ی معصومین(ع) به مواردی در این باره اشاره می کنیم:

۱. حیات پرخیر

حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله ﷺ می فرماید:

لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى؛ (۱)

مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر کنند، و در نیکی و پرهیزکاری یک دیگر را یاری نمایند.

۲. حق واجب

حضرت مولی الموالی امیرالمومنین ﷺ فرمودند:

ص: ۴۱۷

۱- تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۸۱ حدیث ۳۷۳، عوالی اللثالی ج ۳ ص ۱۸۸ حدیث ۲۲، بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۹۴ حدیث

مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَهُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ، وَالتَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ؛(۱)

از جمله حقوق واجب خداوند متعال بر بندگان، خیرخواهی به اندازه ی توان، و یاری کردن یک دیگر برای برپایی حق در میان خودشان می باشد.

۳. آداب اجتماعی

حضرت امام جعفر صادق □ چنین سفارش فرموده است:

عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ، وَحُسْنِ الْجَوَارِ لِلنَّاسِ، وَإِقَامَةِ الشَّهَادَةِ، وَحُضُورِ الْجَنَائِزِ؛ إِنَّهُ لَا يُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ، إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ، وَالنَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ؛(۲)

بر شما باد به نماز در مساجد، و نیکی به همسایگان، و ادای شهادت، و حاضر شدن در تشیع جنازه ها؛ زیرا شما ناچار از زندگی با مردم هستید، و به راستی کسی نیست که تا زنده است از مردم بی نیاز باشد، و ناچار مردم باید با هم دیگر سازش داشته باشند.

۴. امنیت در آخرت

حضرت امام موسی کاظم □ کمک رسانی به هم نوعان را سبب امان آنان در روز قیامت بیان می فرماید:

ص: ۴۱۸

۱- نهج البلاغه خطبه ی ۲۱۶، کافی ج ۸ ص ۳۵۲ حدیث ۵۵۰، بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۵۱ حدیث ۱۴.

۲- کافی ج ۲ ص ۶۳۵ حدیث ۱، وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۶ حدیث ۱۵۴۹۹، بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۶۲ حدیث ۲۴.

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ، يَشْعُونَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ، هُمُ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ أَدْخَلَ عَلَىٰ مُؤْمِنٍ سُورًا فَرِحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

(۱)

خداوند متعال بندگان خاصی در زمین دارد که در برآوردن حوایج مردم کوشش می کنند، آن ها از مشکلات و سختی های روز قیامت در امانند، و کسی که قلب مومنی را مسرور سازد خداوند قلب او را در قیامت خوشحال خواهد ساخت.

۵. خیانت کار به خدا و رسول او

حضرت امام جعفر صادق ع فرمود:

أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ مَنْعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًّا وَجْهَهُ، مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ، مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَىٰ عُنُقِهِ، فَيَقَالُ: هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَىٰ النَّارِ؛ (۲)

هر مومنی که بتواند خودش یا به وسیله ی دیگری، نیاز مومنی را برآورده کند ولی از آن سر باز زند، خداوند متعال در روز قیامت او را با روی سیاه، و چشمان کبود، و دست های بسته ی به گردن آویخته، ایستاده نگه می دارد، سپس گفته می شود: این خیانت کاری می باشد که به خدا و رسول خیانت کرده است، پس از آن امر می شود (که او را) به آتش بیندازند.

ص: ۴۱۹

۱- کافی ج ۲ ص ۱۹۷ حدیث ۲، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۳۶۶ حدیث ۲۱۷۷۶، بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۳۳۲ حدیث ۱۰۶.

۲- کافی ج ۲ ص ۳۴۷ حدیث ۱، وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۳۸۷ حدیث ۲۱۸۳۶، بحار الأنوار ج ۷ ص ۲۰۱ حدیث ۸۴.

با توجه به کلمات و سفارشات معصومین (ع) میزان ارزشمندی کمک به یک دیگر و یاری رساندن به هم نوعان، کاملاً روشن می‌گردد، لذا می‌توان با تلاش صادقانه، روشنی بخش زندگی یک دیگر باشیم.

آثار قهر و آشتی در آینه‌ی روایات

احادیث کثیری در مدح و ستایش وصال و آشتی، و هم‌چنین در مذمت و نکوهش قهر و جدایی، در منابع معتبر روایی از عترت طاهرین (ع) نقل شده است، ولی احادیث در باره‌ی قهر به گونه‌ای با عتاب ویژه همراه است که توجه به آن‌ها برای هر انسان مسلمان ضروری است.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند که حضرت علیه السلام فرمودند:

أَيُّمَا مُسْلِمِينَ تَهَاجَرَا فَمَكَّنَّا ثَلَاثًا لَا يَضْطَلِحَانِ إِلَّا كَانَا خَارِجِينَ مِنَ الْإِسْلَامِ، وَلَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا وَلَايَةٌ، فَأَيُّهُمَا سَبَقَ إِلَى كَلَامِ أَخِيهِ كَانَ السَّابِقَ إِلَى الْجَنَّةِ يَوْمَ الْحِسَابِ؛ (۱)

دو مسلمانی که از یک دیگر قهر کنند و سه روز بر آن حال بمانند و صلح نکنند، هر دو از اسلام خارج می‌شوند و میان‌شان پیوند دینی نیست، و هر کدام در سخن گفتن با برادر مسلمانش پیشی گیرد، روز حساب در رفتن به بهشت پیشی خواهد گرفت.

امام صادق (ع) در بیان نورانی دیگر در این باره فرمودند:

ص: ۴۲۰

۱- کافی ج ۲ ص ۳۴۵ حدیث ۵، وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۶۲ حدیث ۱۶۲۲۵، بحار الانوار ج ۷۵ ص ۱۸۶ حدیث ۵.

لَا يَزَالُ إِبْلِيسُ فَرِحًا مَا اهْتَجَرَ الْمُسْلِمَانِ، فَإِذَا التَّقْيَا اضْطَكَّتْ رُكْبَتَاهُ، وَتَخَلَّعَتْ أَوْصَالُهُ، وَنَادَى: يَا وَيْلَهُ مَا لَقِيَ مِنَ الثُّبُورِ! (١)

هنگامی که دو مسلمان از یک دیگر قهر کنند، ابلیس پیوسته شادی می کند، ولی هنگامی که باهم آشتی می کنند، زانوهای خود را به هم می کوبد و گویا پیوندهای اعضای او از هم جدا می شود، و به خاطر آن مصیبت و هلاکتی که به او رسیده فریاد می زند: وای بر من.

و هم چنین آن حضرت (ع) در بیانی دیگر فرموده اند:

لَا يَفْتَرِقُ رَجُلَانِ عَلَى الْهَجْرَانِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ أَحَدُهُمَا الْبِرَاءَةَ وَاللَّعْنَةَ؛ (٢)

هر گاه دو نفر با هم دیگر قهر می کنند، یکی از آن دو مستحق لعن است.

از این بیان نورانی امام ششم حضرت امام جعفر صادق ع این نکته بدست می آید که لازم است آن دو، به صورت منطقی با یک دیگر گفت و گو کنند، و به طور مسالمت آمیز مشکل خود را حل نمایند.

پیام های جاودان در برداشت از کلام مولای متقیان (ع)

اکنون بار دیگر به وصیت ارزشمند و سراسر حکیمانه ی امیرالمومنین (ع) مراجعه می کنیم که فرمود:

عَلَيْكُمْ يَا بَنِي بِلْتَوَاصِلِ وَ التَّبَادُلِ وَ التَّبَارِ، وَ إِيَاكُمْ وَ التَّقَاطُعِ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّفَرُّقِ؛

ص: ۴۲۱

۱- کافی ج ۲ ص ۳۴۶ حدیث ۷.

۲- کافی ج ۲ ص ۳۴۴ حدیث ۱، وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۶۱ حدیث ۱۶۲۵۳، بحار الانوار ج ۷۵ ص ۱۸۴ حدیث ۱.

ای فرزندان نسبی و معنوی من! به گوش باشید با یک دیگر در ارتباط و بذل و بخشش نمایید نسبت به هم نیکوکار و درست پیمان باشید، هرگز به اختلافات دامن نزنید و از هر گونه جدایی و از هم پاشیدگی دوری کنید.

این سفارش حضرت(ع) در آخرین لحظات عمر شریفش، مانند مشعلی فروزان در جهت روشن ساختن مسیر زندگی انسان هاست؛ زیرا کیفیت یک جامعه ی اسلامی و انسانی، به میزان تعاون و همبستگی آن ها نسبت به یک دیگر است.

هر اندازه صفا و صمیمیت و هم دلی و رفاقت آن ها بیش تر و پربارتر باشد، رشد و شکوفایی فرهنگی، دینی و انسانی آنان نیز بیش تر می باشد، و در نتیجه از جامعه ای پویا و رو به رشد و کامل تری برخوردار خواهیم شد.

لذا امیر پاک دامنان عالم حضرت علیؑ با قرائت آیه ی {تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ}، بر وصیت خود تاکید می کند تا همگان حلاوت مهرورزی و دوستی را بچشند، و از چشمه ی زلال و سیال دین، نهال روابط حسنه و خدا پسندانه را آبیاری کنند.

باشد که بیان امیر کلام را، سر فصل زندگی خود قرار داده تا از شعاع نور جان بخشش عاقبتی سبز به همراه رستگاری و سعادت را کسب نماییم.

پایانی رستگاران

حَفِظَكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ، وَ حَفِظَ فِيكُمْ نَبِيَّكُمْ، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ وَ رَحْمَهُ اللَّهَ.

خداوند شما اهل بیت را حفظ کند، و احترام پیامبران را در جمع شما محفوظ بدارد، و من شما را به خدا می سپارم، و با شما وداع می گویم.

سپس پیوسته به ذکر لا إله إلا الله سرگرم شد تا در نخستین شبِ دهه ی آخر، در شب جمعه بیست و یکم ماه مبارک رمضان، چهل سال پس از هجرت، روح پاک و روان تابناکش - که درود و رحمت خدا بر او باد - به مقام قرب الهی شتافت.

این پیام جان بخش از امامی معصوم و شخصیتی بود که آنی و کم تر از آنی از یاد پروردگار متعال خویش غافل نشد، و در طول عمر شریفش به هر طریق ممکن در تبیین، ترویج، تشریح و تبلیغ دین مبین اسلام کوشید، و تا پای جان از ارزش های اسلامی و انسانی دفاع کرد، و تمام مردم را مانند فرزندان خویش می دانست، و برای رضای خداوندگار خویش به آنان عشق می ورزید، و در راه هدایت و یاری رساندن به آن ها از هیچ تلاشی دریغ نورید، هر لحظه که ممکن بود به هر کس که روبرو می شد، در فراخور فهم و ظرفیتش به او توجه می نمود.

پاک و مطهر به دنیا آمد، و عارف، موحد، پاکدامن در مقام عصمت و امامت، و در جمال و جلال آئینه ی تمام نمای حق شد، و با در اختیار داشتن مدال پر افتخار مقام با عظمت امیرالمومنین بودن از سوی خداوند تبارک و تعالی

زندگی نمود(۱)، و سرانجام این انسان کامل، و مستجمع جمیع صفات پسندیده و قرآن به ظهور آمده، در شب نوزدهم ماه مبارک سال چهلیم هجری به ضربت شقی ترین مردم مجروح شد، و در شب جمعه بیست و یکم ماه مبارک رمضان همان سال، در شب قدر، رستگاران به دیدار معبودش شتافت.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ وَزْدَ حُبِّهِ وَحُبَّ أَهْلِ بَيْتِهِ فِي قُلُوبِنَا وَقُلُوبِ ذُرِّيَّتِنَا أَبَدَ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ لِقَائِكَ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ص: ۴۲۴

۱- در این باره احادیث متعددی است که یکی از آن‌ها در بحار الأنوار ج ۳۷ ص ۸۱ حدیث ۸۱ آمده، متن حدیث چنین است: عبدالله بن عباس می گوید «روزی با رسول خدا در یکی از کوچه های مدینه راه می رفتیم که علی بن ابی طالب از راه رسید و به رسول خدا این گونه سلام کرد: «السلام علیک یا رسول الله و رحمه و برکاته»، پیامبر نیز در پاسخ فرمود: «وعلیک السلام یا امیرالمؤمنین». تعجب کردم و به پیامبر گفتم: ای رسول خدا آنچه درباره ی پسر عمویم علی، گفتمی از روی محبت و دوستی شخصی بود یا لقبی از ناحیه خداوند؟ رسول خدا فرمود: نه به خدا سوگند آنچه درباره علی گفتم با چشم خود دیده ام. پرسیدم ای رسول خدا چه دیده اید؟ حضرت فرمود: در شب معراج به هر دری از درهای بهشت نظر می کردم روی آن نوشته شده بود «علی بن ابی طالب از هفتاد هزار سال پیش از خلقت آدم، امیرالمومنین بوده است».

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. اجوبه المسائل: سیّد عبدالحسین شرف الدّین عاملی، نشر مجمع عالمی اهل بیت قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۵ق.

۴. احتجاج: ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (از علمای قرن ششم ق)، نشر مرتضی مشهد مقدس، ۱۴۰۳ ق.

۵. احیاء العلوم: ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی (متوفای ۵۰۵ ق)، نشر دارالمعرفه بیروت.

۶. ارشاد الفحول: شیخ محمد بن علی شوکانی، (متوفای ۱۲۵۵ق)، نشر مطبعه ی مصطفی حلبی، قاهره.

۷. ارشاد القلوب: ابو محمد حسن بن ابی الحسن دیلمی (متوفای ۸۴۱ق)، نشر شریف رضی قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۲ ق.

ص: ۴۲۵

۸. ارشاد: ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق)، نشر کنگره ی جهانی شیخ مفید قم، سال ۱۴۱۳ ق.
۹. استجلاب ارتقاء الغرف: شمس الدین محمد بن عبد الرحمان سخاوی (متوفای ۹۰۲ هجری قمری)، نشر دار البشائر الاسلامیه.
۱۰. الاستیعاب: ابن عبدالبرّ نمیری قرطبی (متوفای ۴۶۳ ق)، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۵ ق.
۱۱. أسد الغابه: ابوالحسن علی بن محمد جزری معروب به ابن اثیر (متوفای ۶۳۰ ق)، نشر دار الکتب العربی بیروت.
۱۲. الاصابه فی تمییز الصحابه: شهاب الدین احمد بن علی بن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ق)، نشر دارالکتب العلمیه بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۵ ق.
۱۳. اعلام الدین: حسن ابن ابی الحسن دیلمی (از علمای قرن هشتم ق)، نشر موسسه ی آل البيت قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۸ ق.
۱۴. اعلام الوری بأعلام الهدی: ابو علی فضل بن حسن بن فضل طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق)، نشر اسلامیه تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۹۰ ق.
۱۵. اعلام الوری: امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق)، نشر اسلامیه تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۹۰ ق.
۱۶. اعیان الشیعه: سید محسن امین (متوفای ۱۳۷۱ ق)، نشر دار التعارف للمطبوعات بیروت.
۱۷. اقبال الاعمال: سید علی بن موسی بن طاوس (متوفای ۶۶۴ ق)، نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، سال ۱۳۷۶ ش.

۱۸. الالفین: حسن بن یوسف بن علی بن مطهر معروف به علامه ۶۶۱ حلی (متوفای ۷۲۶ ق)، نشر مکتبه الفین کویت، سال ۱۴۰۵ ق.

۱۹. امالی: ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (متوفای ۳۸۱ ق)، نشر موسسه ی بعثت قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۷ ق.

۲۰. امالی: شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (متوفای ۴۶۰ ق)، نشر دارالثقافه قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۴ ق.

۲۱. بحار الانوار: علامه محمد باقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۱ ق)، نشر موسسه ی الوفاء بیروت، سال ۱۴۰۳ ق.

۲۲. البدایه والنهایه: اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ ق)، نشر دار احیاء التراث العربی بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۰۸ ق.

۲۳. بشاره المصطفی: عماد الدین ابوجعفر محمد ابن ابی القاسم طبری (متوفای ۵۵۳ ق)، نشر کتابخانه ی حیدریه ی نجف اشرف، چاپ دوم، سال ۱۳۸۳ ق .

۲۴. بصائر الدرجات: محمد بن حسن بن فروغ صفّار (متوفای ۲۹۰ ق)، نشر موسسه ی اعلمی تهران، سال ۱۴۰۴ ق.

۲۵. بیت الاحزان: شیخ عباس بن محمد رضا قمی (متوفای ۱۳۵۹ ق)، نشر دار الحکمت قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۲ ق. ۲۶. دیوان منسوب به امیرالمومنین (ع): نشر دار نداء الاسلام قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۱ ق.

۲۷. تاریخ الخلفاء: جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ ق)، چاپخانه ی مطابع معتوق اخوان بیروت.

۲۸. تاریخ الاسلام: شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (متوفای ۴۷۸ ق)، نشر دار الکتب العربی بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۱۱ ق.

۲۹. تاریخ بغداد: احمد بن علی بن ثابت معروف به خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳ ق)، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، سال ۱۹۳۱ م.

۳۰. تاریخ طبری: ابوجعفر محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ ق)، نشر دار التراث بیروت، سال ۱۹۶۷ م.

۳۱. تاریخ مدینه دمشق: ابوالحسن علی بن حسین معروف به ابن عساکر (متوفای ۵۷۱ ق)، نشر دار الفکر بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۷ ق.

۳۲. تاریخ یعقوبی: احمد ابن ابی یعقوب بن جعفر بن واضح یعقوبی (متوفای سال ۲۸۴ ق)، نشر دار صادر بیروت.

۳۳. تاویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره: سید شرف الدین علی استرآبادی (متوفای ۹۴۰ ق)، نشر موسسه ی نشر اسلامی قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۹ ق.

۳۴. تحف العقول: حسن بن علی بن شعبه حرانی (قرن چهارم ق)، نشر جامعه ی مدرسین قم، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴ ش.

۳۵. تذکره الخواص: شمس الدین یوسف بن قزاوغلی معروف به سبط ابن جوزی (متوفای ۶۵۴ ق)، نشر شریف رضی قم، سال ۱۴۱۸ ق.

۳۶. ترجمه ی امام علی ؑ از تاریخ مدینه ی دمشق: ابوالقاسم علی بن الحسن معروف به ابن عساکر (متوفای ۴۹۹ ق)، نشر موسسه ی محمودی بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۰۰ ق.

۳۷. تصحیح اعتقادات الامامیه: محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق)، نشر کنگره ی شیخ مفید قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴ ق.

۳۸. تصنیف غرر الحکم: عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی (متوفای ۵۵۰ ق)، نشر دفتر تبلیغات قم، چاپ اول، سال ۱۳۶۶ ش.

۳۹. تفسیر ابن کثیر: اسماعیل بن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ ق)، نشر دار المعرفه بیروت، سال ۱۴۰۶ ق.

۴۰. تفسیر التبیان: شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (متوفای ۴۶۱ ق)، نشر دار احیاء التراث العربی بیروت.

۴۱. تفسیر التحریر و التنویر: محمد طاهر بن عاشور (متوفای ۱۳۹۴ ق)، نشر موسسه ی تاریخ عربی بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۲۰ ق.

۴۲. تفسیر بحر المحيط: محمد بن یوسف بن علی بن حیان (متوفای ۷۴۵ ق)، نشر دارالفکر بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۲۰ ق.

۴۳. تفسیر برهان: سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰ ق)، نشر بنیاد بعثت قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۵ ق.

۴۴. تفسیر بیضاوی: قاضی ناصر الدین عبدالله بن عمر بن محمد شیرازی بیضاوی (متوفای ۷۹۱ ق)، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، سال ۱۴۰۸ ق.

۴۵. تفسیر ثعلبی (الکشف والبیان): ابواسحاق احمد بن ابراهیم معروف به ثعلبی (متوفای ۴۲۷ ق)، نشر دار احیاء التراث العربی بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۲۲ ق.

۴۶. تفسیر حبری: ابو عبدالله حسین بن حکم بن مسلم حبری (متوفای ۲۸۶ ق)، نشر موسسه ی آل البيت بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۰۸ ق.

۴۷. تفسیر درّ المنثور: جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ ق)، نشر کتابخانه ی آیه الله العظمی مرعشی نجفی قم، سال ۱۴۰۴ ق.

۴۸. تفسیر روح المعانی: شهاب الدین محمود بن عبد الله آلوسی بغدادی (متوفای ۱۲۷۰ق)، نشر دارالکتب العلمیه بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۵ ق.

۴۹. تفسیر روض الجنان: جمال الدین حسین بن علی نیشابوری معروف به ابو الفتوح رازی (متوفای ۵۵۶ق)، نشر بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی مشهد، سال ۱۴۰۸ ق.

۵۰. تفسیر شریف لاهیجی: قطب الدین محمد بن شیخ علی لاهیجی (متوفای ۱۰۹۰ق)، نشر دفتر نشر داد تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۳ ش.

۵۱. تفسیر عیاشی: محمد بن مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی (متوفای ۳۲۰ق)، نشر موسسه ی اعلمی بیروت، سال ۱۴۱۱ق.

۵۲. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان: نظام الدین حسن بن محمد بن حسین خراسانی نیشابوری معروف به نظام اعرج (متوفای ۷۲۸ق)، نشر دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۶ ق.

۵۳. تفسیر فتح القدر: محمد بن علی بن محمد شوکانی (متوفای ۱۲۵۰ق)، نشر عالم الکتب بیروت.

۵۴. تفسیر فخر رازی: فخرالدین محمد بن عمر رازی (قرن ششم ق)، نشر دار احیاء التراث العربی بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۲۰ق.

۵۵. تفسیر فرات: ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی (قرن چهارم ق)، نشر وزارت ارشاد اسلامی تهران، چاپ اول، سال ۱۴۱۰ق.

۵۶. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم قمی (قرن سوم ق)، نشر دارالکتاب قم، سال ۱۳۶۷ ش.

۵۷. تفسیر کشاف: محمود بن عمر بن محمد بن عمر خوارزمی معروف به زمخشری (متوفای ۵۳۸ ق)، نشر دار الکتب العربی بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۰۷ ق.

۵۸. تفسیر مجمع البیان: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق)، نشر ناصر خسرو تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.

۵۹. تفسیر منسوب به امام عسکری: امام حسن عسکری (متوفای ۲۶۰ ق)، نشر مدرسه ی امام مهدی قم، سال ۱۴۰۹ ق.

۶۰. تفسیر نور الثقلین: شیخ عبد العلی بن جمعه حویزی (متوفای ۱۱۱۲ ق)، نشر موسسه ی اسماعیلیان قم، چاپ چهارم، سال ۱۴۱۲ ق.

۶۱. تفسیر قرطبی: محمد بن احمد (قرن هفتم ق)، نشر ناصر خسرو تهران، چاپ اول، سال ۱۳۶۴ ش.

۶۲. توحید: ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، نشر جامعه ی مدرسین قم، چاپ اول، سال ۱۳۹۸ ق.

۶۳. تهذیب الاحکام: شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (متوفای ۴۶۱ ق)، نشر دار الکتب الاسلامیه تهران، چاپ اول، سال ۱۳۶۵ ش.

۶۴. ثواب الاعمال: ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، نشر انتشارات شریف رضی قم، سال ۱۳۶۴ ش.

۶۵. جامع الاخبار: تاج الدین محمد بن محمد شعیری (قرن ششم ق)، نشر چاپخانه ی حیدریه ی نجف اشرف.

۶۶. خصال: ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، نشر جامعه ی مدرّسین قم، سال ۱۴۰۳ ق.

۶۷. الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه: سید علی خان مدنی شیرازی (متوفای ۱۱۲۰ ق)، نشر مکتبه بصیرتی قم، سال ۱۳۹۷ ق.

۶۸. دعائم الاسلام: ابوحنیفه نعمان بن محمد بن منصور تمیمی مغربی (متوفای ۳۶۳ ق)، نشر موسسه ی آل البیت □ قم، چاپ دوم، سال ۱۳۸۵ ق.

۶۹. دعوات: شیخ قطب الدین ابو الحسن یا ابو الحسین سعید بن عبد الله بن حسین بن هبه الله راوندی (متوفای ۵۷۳ ق)، نشر مدرسه امام مهدی □ قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۷ ق.

۷۰. ذخائر العقبی: محب الدین احمد بن عبد الله طبری (متوفای ۶۹۴ ق)، نشر کتابخانه ی قدسی قاهره، سال ۱۳۵۶ ق. ۷۱. الرعایه فی علم الدرایه: زین الدین بن علی بن احمد عاملی معروف به شهید ثانی (متوفای ۹۶۵ ق)، نشر کتابخانه ی آیه الله العظمی مرعشی نجفی قم، چاپ دوم، سال ۱۴۰۸ ق.

۷۲. روضه الواعظین: ابوعلی محمد بن حسن بن علی قتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ق)، نشر منشورات رضی قم، سال ۱۳۸۶ ق.

۷۳. الزهد: ابو محمد حسین بن سعید اهوازی (قرن سوم)، نشر سید ابوالفضل حسینیان، سال ۱۴۰۲ ق.

۷۴. سبل الهدی والرشاد: محمد بن یوسف صالحی شامی (متوفای ۹۴۲ ق)، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۴ ق.

۷۵. سنن ابن ماجه: ابو عبدالله محمد بن يزيد قزوینی (متوفای ۲۷۳ق)، نشر دار الفکر للطباعه و النشر.
۷۶. سنن ابی داود: ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی ازدی (متوفای ۲۷۵ق)، نشر دار الفکر بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۰ ق.
۷۷. سنن ترمذی: ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره (متوفای ۲۷۹ ق)، نشر دار الفکر بیروت.
۷۸. سنن دارمی: عبدالله بن بهرام دارمی (متوفای ۲۵۵ ق)، نشر دار احیاء سنّه نبویه.
۷۹. سنن کبری: احمد بن حسین بن علی بیهقی (متوفای ۴۵۸ ق)، نشر دار الفکر.
۸۰. سیره نبویه: ابن هشام حمیری (متوفای ۲۱۸ ق)، نشر مکتبه محمد علی صبیح و اولاده بمصر، سال ۱۳۸۳ ق.
۸۱. شذرات الذهب: ابوالفلاح عبد الحی بن احمد العکری (متوفای ۱۰۸۹ ق)، نشر دار ابن کثیر دمشق، چاپ اول، سال ۱۴۰۶ ق.
۸۲. شرائع الاسلام: محقق نجم الدین جعفر بن حسن حلّی (متوفای ۶۷۶ ق)، نشر موسسه ی اسماعیلیان قم، سال ۱۴۰۸ ق.
۸۳. شرح نهج البلاغه: عبد الحمید ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶ ق)، نشر کتاب خانه ی آیت الله العظمی مرعشی نجفی قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۴ ق.
۸۴. شواهد التنزیل: عبیدالله بن عبدالله بن احمد معروف به حاکم حسکانی (متوفای ۴۹۰ ق)، نشر وزارت ارشاد اسلامی تهران، چاپ اول، سال ۱۴۱۱ ق.

۸۵. صحاح: اسماعیل بن حماد جوهری (متوفای ۳۹۳ ق)، نشر دار العلم للملایین بیروت، چاپ چهارم، سال ۱۴۰۷ ق.

۸۶. صحیح بخاری: ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بخاری (متوفای ۲۵۶ ق)، نشر دار الفکر للطباعه و النشر.

۸۷. صحیح مسلم: ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (متوفای ۲۶۱ ق)، نشر دار الفکر بیروت.

۸۸. صحیفه ی سجادیه: امام زین العابدین □ .

۸۹. صواعق المحرقه: احمد بن حجر هیتمی (متوفای ۹۷۴ ق)، نشر مکتبه القاہرہ لصاحبها، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.

۹۰. طبقات الکبری: ابو عبد الله محمد بن سعد بن منیع مشهور به کاتب واقدی (متوفای ۲۳۰ ق)، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۰ ق.

۹۱. الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف: سید علی بن موسی بن طاوس (متوفای ۶۶۴ ق)، نشر خیام قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۰ ق.

۹۲. عُیَّده الداعی: جمال الدین احمد بن محمد بن فهد حلّی (متوفای ۸۴۱ ق)، نشر دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول، سال ۱۴۰۷ ق.

۹۳. علل الشرائع: ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، نشر کتابفروشی حیدریه ی نجف اشرف، سال ۱۳۸۵ ق.

۹۴. عمدہ عیون صحاح الاخبار: یحیی بن حسن اسدی معروف به ابن بطریق (متوفای ۶۰۰ ق)، نشر جامعه ی مدرسین، قم، سال ۱۴۰۷ ق.

ص: ۴۳۴

۹۵. عمده القاری: ابو محمد محمود بن احمد معروف به عینی (متوفای ۸۵۵ ق)، نشر دار احیاء التراث العربی بیروت.
۹۶. عوالی اللآلی: محمد بن زین الدین محمد بن علی بن ابراهیم معروف به ابن ابی جمهور احسائی (قرن نهم ق)، نشر دار سید الشهداء قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۵ ق.
۹۷. عیون اخبار الرضا (ع): ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، نشر جهان، سال ۱۳۷۸ ق.
۹۸. الغدیر: علامه شیخ عبدالحسین بن احمد امینی نجفی (متوفای ۱۳۹۲ ق)، نشر مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۶ ق.
۹۹. غیبت: شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (متوفای ۴۶۱ ق)، نشر موسسه معارف اسلامی قم، سال ۱۴۱۱ ق.
۱۰۰. فرائد السمطین: ابراهیم بن محمد بن مؤید (متوفای ۷۳۰ ق)، نشر موسسه ی محمودی بیروت، چاپ اول، سال ۱۳۹۸ ق.
۱۰۱. فرهنگ بزرگ سخن انوری: دکتر حسن انوری، نشر انتشارات سخن تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۸۲ ش.
۱۰۲. فرهنگ معین: دکتر محمد معین (متوفای ۱۳۵۰ ش)، نشر انتشارات آدنا، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۱ ش.
۱۰۳. فصول المختاره: ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان ملقب به شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق)، نشر کنگره ی جهانی شیخ مفید قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۳ ق.

۱۰۴. الفضائل: شاذان بن جبرئیل قمی (قرن پنجم ق)، نشر رضی قم، چاپ دوم، سال ۱۳۶۳ ش.

۱۰۵. فضائل الاشهر الثلاثة: ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، نشر مکتبه الداوری قم.

۱۰۶. فضائل امیرالمومنین □: ابن عقده ی کوفی.

۱۰۷. فضائل الخمسه من الصحاح الستة: سید مرتضی حسینی فیروزآبادی (متوفای ۱۴۱۰ ق)، نشر موسسه ی اعلمی مطبوعات، چاپ سوم، سال ۱۳۹۳ ق.

۱۰۸. فضائل الصحابه: احمد بن محمد بن حنبل شیبانی (متوفای ۲۴۱ ق)، نشر موسسه ی رسالت بیروت، سال ۱۴۰۳ ق.

۱۰۹. فقه الرضا(ع): منسوب به امام رضا علی بن موسی □، نشر کنگره ی جهانی امام رضا □ مشهد، سال ۱۴۰۶ ق.

۱۱۰. فلاح السائل: سید علی بن موسی بن طاوس (متوفای ۶۶۴ ق)، نشر بوستان کتاب قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۶ ق.

۱۱۱. فهرست: منتجب الدین بن بابویه (متوفای ۵۸۵ ق)، نشر کتابخانه ی آیه الله العظمی مرعشی نجفی قم، سال ۱۳۶۶ ش.

۱۱۲. فیض القدير شرح جامع صغیر: محمد عبد الرؤوف مناوی (متوفای ۱۰۳۰ ق)، نشر دار الکتب العلمیه بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۵ ق.

۱۱۳. قصص الانبياء □: محدث سید نعمت الله جزایری (متوفای ۱۱۱۲ ق)، نشر کتاب خانه ی آیت الله العظمی مرعشی نجفی قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۴ ق.

۱۱۴. کافی: ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی (متوفای ۳۲۹ ق)، نشر دار الکتب الاسلامیه تهران، سال ۱۳۶۵ ق.

١١٥. الكامل فى التاريخ: محمد بن محمد بن عبدالكريم معروف به ابن اثير (متوفى ٦٣٠ ق)، نشر دار صادر للطباعه بيروت، سال ١٣٨٦ ق.
١١٦. كتاب سليم بن قيس: شيخ ابو صادق سليم بن قيس هلالى عامرى كوفى (متوفى ٧٦ ق)، نشر الهادى قم، چاپ اول، سال ١٤١٥ ق.
١١٧. كتاب العين: خليل بن احمد فراهيدى (متوفى ١٧٥ ق)، نشر هجرت قم، چاپ دوم، سال ١٤١٠ ق.
١١٨. كشف الاسرار فى شرح الاستبصار: سيد نعمت الله جزايرى (متوفى ١١١٢ ق)، نشر موسسه ي دار الكتاب قم، چاپ اول، سال ١٤٠٨ ق.
١١٩. كشف الغمّه: على بن عيسى اربلى (متوفى ٦٩٢ ق)، نشر دارالاضواء بيروت، چاپ دوم، سال ١٤٠٥ ق.
١٢٠. كفايه الاثر: على بن محمد خزاز قمى (قرن چهارم ق)، نشر بيدار قم، سال ١٤٠١ ق.
١٢١. الكفايه فى علم الروايه: ابو احمد بن على معروف به خطيب بغدادى (متوفى ٤٦٣ ق)، نشر دار الكتاب العربى بيروت، چاپ اول، سال ١٤٠٥ ق.
١٢٢. كنز العمّال: علاء الدين على متقى بن حسام الدين هندى (متوفى ٩٧٥ ق)، نشر موسسه ي رسالت بيروت، سال ١٣٩٩ ق.
١٢٣. اللباب فى تهذيب الانساب: عزّ الدين ابن اثير جزرى (متوفى ٦٣٠ ق)، نشر دار صادر بيروت.
١٢٤. اللباب فى علوم الكتاب: عمر بن على بن عادل دمشقى حنبلى (متوفى ٨٨٠ ق)، نشر دارالكتب العلميه بيروت، چاپ اول، سال ١٤١٩ ق.
١٢٥. لسان العرب: ابوالفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور (متوفى ٧١١ ق)، نشر دار الفكر بيروت.

۱۲۶. لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۱۲۷. لوامع صاحبقرانی: محمد تقی مجلسی (متوفای ۱۰۷۰ ق)، نشر انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، سال ۱۳۷۷ ش.

۱۲۸. مجمع البحرین: شیخ فخر الدین بن محمد طریحی (متوفای ۱۰۸۵ ق) نشر مرتضوی تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۷۵ ش.

۱۲۹. مجمع الزوائد: علی ابن ابی بکر حافظ هیثمی (متوفای ۸۰۷ ق)، نشر دار الکتب العلمیه بیروت.

۱۳۰. مجموعه ی ورام: ورام ابن ابی فراس (متوفای ۶۰۵ ق)، نشر مکتبه الفقیه قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۰ ق.

۱۳۱. محاسبه النفس: سید علی بن موسی بن طاوس (متوفای ۶۶۴ ق)، نشر مرتضوی تهران، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۶ ش.

۱۳۲. محاسن: احمد بن محمد بن خالد برقی (متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، نشر دار الکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، سال ۱۳۷۱ ق.

۱۳۳. مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول: علامه مولی محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ق)، نشر دار الکتب الاسلامیه تهران، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴ ق.

۱۳۴. المستدرک علی الصحیحین: ابو عبدالله حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ق)، نشر دار المعرفه بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۰۶ ق.

۱۳۵. مستدرک الوسائل: میرزا حسین نوری (متوفای ۱۳۲۰ ق)، نشر موسسه ی آل البيت قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۸ ق.

۱۳۶. مسند ابی یعلی: احمد بن علی بن مثنی تمیمی (متوفای ۳۰۷ ق)، نشر دار المامون دمشق، چاپ اول، سال ۱۴۰۴ ق.

۱۳۷. مسند احمد: ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل شیبانی (متوفای ۲۴۱ ق)، نشر دار صادر بیروت.
۱۳۸. مصباح الشریعه: منسوب به حضرت امام صادق علیه السلام، نشر موسسه علمی مطبوعات، سال ۱۴۰۰ ق.
۱۳۹. مصباح الفقیه: آقا رضا همدانی (متوفای ۱۳۲۲ ق)، نشر جامعه علمی مدرسین قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۶ ق.
۱۴۰. مصباح کفعمی: شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی کفعمی (متوفای ۹۰۵ ق)، نشر دار الرضی قم، چاپ دوم، سال ۱۴۰۵ ق.
۱۴۱. مصباح المنیر: احمد بن محمد فیومی (متوفای ۷۷۰ ق)، نشر موسسه علمی دار الهجره قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴ ق.
۱۴۲. المصنّف: عبدالله بن محمد ابن ابی شیبّه (متوفای ۲۳۵ ق)، نشر دار السلفیه بومبای هند، چاپ اول، سال ۱۴۰۳ ق.
۱۴۳. معانی الاخبار: ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، نشر موسسه علمی نشر اسلامی قم، سال ۱۳۶۱ ش.
۱۴۴. معجم الاوسط: ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (متوفای ۳۶۰ ق)، نشر کتابفروشی معارف ریاض، چاپ اول، سال ۱۴۰۷ ق.
۱۴۵. معجم صغیر: ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (متوفای ۳۶۰ ق)، نشر دار احیاء تراث عربی بیروت.
۱۴۶. معجم کبیر: ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (متوفای ۳۶۰ ق)، نشر دار احیاء تراث عربی بیروت، چاپ دوم.

۱۴۷. معرفه الصحابه: ابونعیم احمد بن عبدالله بن احمد (متوفای ۴۳۰ ق)، نشر کتابفروشی حرمین ریاض.

۱۴۸. مفاتیح الجنان: شیخ عباس بن محمد رضا قمی (متوفای ۱۳۵۹ ق).

۱۴۹. مفردات الفاظ قرآن: حسین بن محمد راغب اصفهانی (متوفای ۴۲۵ ق)، نشر دار القلم بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۲۷ ق.

۱۵۰. مقباس الهدایه: شیخ عبد الله مامقانی (متوفای ۱۳۵۱ ق)، نشر دلیل ما قم، چاپ اول، سال ۱۴۲۸ ق.

۱۵۱. مکارم الاخلاق: رضی الدین حسن بن فضل طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق)، نشر شریف رضی قم، چاپ ششم، سال ۱۳۹۲ ق.

۱۵۲. مناقب: ابوالمؤید موقّق بن احمد مکی خوارزمی (متوفای ۵۶۸ ق)، نشر موسسه ی نشر اسلامی قم، چاپ چهارم، سال ۱۴۱۱ ق.

۱۵۳. مناقب آل ابی طالب: ابوجعفر رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸ ق). نشر موسسه ی علامه قم، سال ۱۳۷۹ ق.

۱۵۴. مناقب علوی: محمد بن علی بن الحسین علوی (قرن پنجم ق)، نشر دلیل ما قم، چاپ اول، سال ۱۴۲۸ ق.

۱۵۵. مناقب علی بن ابی طالب: ابوالحسن علی بن محمد بن محمد واسطی معروف به ابن مغازلی (متوفای ۴۸۳ ق)، نشر کتابفروشی اسلامیة تهران، سال ۱۴۰۲ ق.

۱۵۶. من لا یحضره الفقیه: ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، نشر جامعه ی مدرسین قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۳ ق.

۱۵۷. منهاج البراعه شرح نهج البلاغه: ميزا حبيب الله هاشمی خویی (متوفای ۱۳۲۴ ق)، کتابخانه ی السلامی تهران، چاپ چهارم، سال ۱۴۰۰ ق.

۱۵۸. منیه المرید: شیخ زین الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی معروف به شهید ثانی (متوفای ۹۶۶ ق)، نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم، سال ۱۴۰۹ ق

۱۵۹. مهج الدعوات: سید علی بن موسی بن طاوس (متوفای ۶۶۴ ق)، نشر دارالذخائر قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۱ ق.

۱۶۰. نزهه الناظر وتنبیه الخاطر: حسین بن محمد بن حسن حلوانی (قرن پنجم ق)، نشر مدرسه ی امام مهدی □ قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۸ ق.

۱۶۱. النصائح الکافیة: محمد بن عقیل بن عبدالله علوی (متوفای ۱۳۵۰ ق)، نشر دار الثقافه قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۱۶۲. نهج الحق: حسن بن یوسف بن علی بن مطهر معروف به علامه آی حلی (متوفای ۷۲۶ ق)، نشر موسسه ی دارالهجره قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۷ ق.

۱۶۳. نهج الفصاحه: ابو القاسم پاینده، نشر دنیای دانش تهران، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۲ ش.

۱۶۴. وافی: محمد محسن بن شاه مرتضی بن شاه محمود فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ق)، نشر کتابخانه ی امام امیرالمومنین □ اصفهان، چاپ اول، سال ۱۴۰۶ ق.

۱۶۵. وسائل الشیعه: شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ق)، نشر موسسه ی آل البيت □ قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۹ ق.

۱۶۶. ینایع المودّہ: سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (متوفّای ۱۲۹۴ق)، ناشر: دار الاسوه للطباعه و النشر، چاپ اول، سال ۱۴۱۶ق.

ص: ۴۴۲

{أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ} , ٣٩٨

{أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ} , ٣٦٥

{أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا} , ١٨٥

{اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ} , ١٠٦

{أَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ} , ٣٨٠

{إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ... وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا} , ٣٨٩

{إِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي} , ٣٧٤

{أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ} , ٩٢

{اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا} , ١٣٣

{أَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ} , ٣١٣

{إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} , ٣٠٩

{الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأَنْثَى بِالْأُنْثَى} , ٧١

{الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ} , ٣٧٤ , ٣٧٦

{الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ} , ٤٠٠

{الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ} , ٢٥٧

{الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ

الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ } , ٣٩٢

{النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ} , ٣٤٠

{أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِإِ اللَّهُ يَخْنِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَ يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ} ,

٣٤٣

{آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ} , ٢٩١

{أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا} , ١٣٥

{إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ} , ١٠٦

{إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا * يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا* وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا} , ٣٢٦

{إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمِذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَطَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ} , ٣٩٦

{إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ} , ١٣٥

{إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا} , ١٧٨

{إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ} , ٣١٦

{إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ} , ١٧٩

{إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ} , ١٠٢

{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ يَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ} , ٣٩٢

{إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا} , ٢١٩

{إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا}, ٢٩٩

{إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ}, ١١٦

{إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا}, ١٠٣

{إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ}, ٣٣٥

{إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوفَةَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ}, ٢٣٦

{إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}, ١٤٣, ٤١٥

{إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ}, ١٩٢

{إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ}, ٣٠١

{إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...}, ٣٦

{إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ}, ١٠٥

{إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا}, ٣٣٠

{إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا}, ٣٢٥

{إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ}, ٨٦

{أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ}, ١٨٦

{بَيْتِكُمْ مَبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ}, ٢١٤

{بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ}, ١٠٣

{تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ}, ٤٠٩

{تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ}, ٤٢٢

{تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ}, ١٨٥

{ثُمَّ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ}, ٩٣, ٩٤

{جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا}، ٧١

{جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ}، ٢١٨

{خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ}، ٣٨٨

ص: ٤٤٥

{خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ}, ٣٧٥

{خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ عَلَقٍ}, ٣٧٥

{رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَآيِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ
الْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ}, ١١٧

{رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ}, ١١٧, ١٢٨

{شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ}, ٣٧٧

{طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ}, ٢٣٢

{فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ}, ١٤١

{فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ}, ١٩٣

{فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ}, ١٩٤

{فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا}, ٢٣٧

{فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ}, ١٧٤

{فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ}, ٢٣٦

{فَطَرَهُ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ}, ١٩٢

{فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ}, ٣٤٠

{فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ}, ٣٦٦

{فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ}, ٩٩, ١١٤

{فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا}, ٣٤٤

{فَلَمَّا رَأَاهُ مُشْرِقًا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ
كَرِيمٌ}, ٤٤

{فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ}, ٧١

{فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعِيدٍ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ
فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ}، ٨٩

{فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ سوره*وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ}، ١٥٧

ص: ٤٤٦

{قَهْلَ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ - وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ}, ١٥٥

{قَوْلِيلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ}, ٣٥٧

{قَوْلِيلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ}, ٣٥٨

{قَوْلِيلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ}, ٢٤٦

{قَوْلِيلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ}, ٢٤٧

{فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ}, ٣٦٩

{فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ}, ٢٨٢

{فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا}, ٢٢٠

{قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ}, ٤٤

{قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ}, ٤٤

{قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ}, ٢٤٦

{قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى}, ٢٣٧

{قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ}, ٣٢٤

{قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ}, ٢١٦

{قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَرِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ}, ٣٤١

{قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى}, ٣٤٢

{قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا}, ٣٢

{كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ}, ١٨٥

{كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ}, ١٨٥

{كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ}, ٥٢

{كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ}، ٤٠

{كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَهُ}، ١١٤

{كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَهُ}، ٣٧٧

{كَلاَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ}، ٢٩٤

{كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ}، ٣٩٤

{كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ}، ١٣٣

{لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ
وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا}، ٣٠٨

{لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا}، ٣٧٨

{لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا}، ٣٢٤

{لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ}، ٣٢٣

{لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ}، ٧٢

{لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ}، ٢٩٣

{لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ}، ٣٥٨

{لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى}، ٣٧٨

{لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ}، ٩٣

{لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا}، ٢٩٢

{مَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ}، ٣٤٥

{مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا}، ٢٣٢

{مَنْ الذِّينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَ مِنَ الذِّينَ هَادُوا سَبِيلَ الْمَكِذِبِ سَبِّمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ

الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ}، ٣٥٧

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا - يُجْزَى إِلَّا - مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ
حِسَابٍ {, ٣٧٩

ص: ٤٤٨

{مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ}، ٣٧٨

{مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا}، ٦٩

{هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ}، ٢٧٤

{هُنَّ لِيَابِسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَابِسٌ لَهُنَّ}، ٣٨٠

{و- مَا هُوَ عَلَى الْعَيْبِ بِضَنِينٍ}، ٣٢

{وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ}، ١٠٢

{وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا}، ١٧٨

{وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ}، ٢٥٥

{وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ}، ١٥٢

{وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ}، ١٧٣

{وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهَّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ}، ٢١٧

{وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمِنًا وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى}، ٢١٩

{وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ}، ٢١٧

{وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ}، ١٣٥

{وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ}، ٢٣٧

{وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ}، ٢٥٧

{وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ}، ٢٥٧

{وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى}، ٢٠٦

{وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ}، ١١٣

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾, ١٤٣

﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾, ٢٥٨

﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾, ١٥٥

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾, ٣١٥

﴿وَأَمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾, ٢٣٧

﴿وَأَمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾, ٢٤٨

﴿وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾, ٣٧٨

﴿وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾, ١٠٤

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ﴾, ١٧٧

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحِدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَئْتِ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾, ١٤٣

﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ﴾, ٣٩٩

﴿وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ﴾, ٣٣٨

﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَيُوتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصِدَّقَ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ * وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾, ٢٦٦

﴿وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ﴾, ٢٧٥

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ﴾, ١١١

﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾, ٣٨٠

{وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ} , ١٠٦

{وَإِذَا التُّونُ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ} , ١٢٠

{وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ} , ٣٨٠

{وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ} , ٣٨٠

{وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ} , ٢١٨

{وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ} , ٢١٤

{وَ قُلْ لِعِبَادِيَ يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا} , ٤١٤

{وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا} , ٣٨٩

{وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ} , ١٣٣

{وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ} , ١٨٤

{وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ} , ٤٠

{وَ لَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا} , ٢٩٦

{وَ لَا تَصْعُرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ} , ٤١٥

{وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ} , ١١٥

{وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابَسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ} , ٤٠

{وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا} , ١٩٣

{وَ لَنْ كُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} , ٣٩٤

{وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...} , ٢٧٨

{وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ} , ٥٥

{وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ} , ٩٩

﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ﴾, ١٠٠

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾, ٧٢

﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى﴾, ١٠١

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾, ٢١٥

﴿وَمَا أُبْرِيئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾, ٣١٤

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾, ١١٩

﴿وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾, ٨٧

{وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا}، ٢٩١

{وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ}، ١٨٤

{وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ}، ١١٠

{وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ}، ٣١

{وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ}، ٩١

{وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ}، ٣١٩

{وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا}، ٢١٤

{وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ، وَسُلَيْمَانَ، وَأَيُّوبَ، وَيُوسُفَ، وَمُوسَى، وَهَارُونَ، وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ، وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى}،
٣٤٠

{وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ}، ١٠٣

{وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا}، ١٠٤

{وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا}، ١٠٤

{وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا}، ٦٩

{وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ}، ١٩٣

{وَأَهْدَى لِلْعَالَمِينَ}، ٢٢٠

{وَأَهْدَى وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ}، ١٨٦

{وَأَهْدَى وَبُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ}، ١٨٦

{وَأَهْدَى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ}، ١٨٦

{وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ}، ٣٤٣

{وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَيْنَهُ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ}، ١١٦

{وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا}، ٥٤

{وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ، ١٥٨

{وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ! وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ}، ٢٤٧

ص: ٤٥٢

{وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ}، ١٧٦

{وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا} * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا * إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا}، ٣٠٠

{وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ}، ٢٩٥

{يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَاذْخُلِي جَنَّتِي}، ١٠٦

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ... يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ}، ١٠٥

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ}، ٤١٦

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ}، ٣٩٨

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ}، ٣١١

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا}، ٣٩٩

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ}، ٢٧٦

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى}، ٧٠

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ}، ٣٠٩

{يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّا جَعَلْنَا لَكَ مِنْ خِزْيَانِ اللَّهِ فِي سَحَابٍ مِمَّا نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا خَضِرًا نَتْبَأُ الْحُبْلَىٰ وَأَتْرَابَهُ}، ١٥٧

فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ، ٣٠٢

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □ وَ سَيَّلَ عَنِ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَعْلَمَ أَمْ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ فَقَالَ مَا كَانَ عِلْمُ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ عِنْدَ الَّذِي عِنْدَهُ

عِلْمُ الْكِتَابِ إِلَّا بِقَدْرِ مَا تَأْخُذُ الْبُعُوضُهُ بِجَنَاحِهَا مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ. ٤٥

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ, ٣٠٣

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ, ٣٩٤

{يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ}, ٤٠١

{يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ}, ٣٥٨

{يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ}, ٣٣

ص: ٤٥٤

« أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ », ٩٨

« هِيَ أَرْحَامُ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) أَمَرَ بِصَلَاتِهَا وَ عَظَمَهَا، أَلَا تَرَى أَنَّهُ جَعَلَهَا مِنْهُ, ١٥٣

«... فَاللَّهُ اللَّهُ مَعَشَرَ الْعِبَادِ وَ أَنْتُمْ سَالِمُونَ فِي الصَّحَّةِ قَبْلَ السُّقْمِ وَ فِي الْفُسْحَةِ قَبْلَ الضُّيْقِ فَاسْعَوْا فِي فَكَاكِ رِقَابِكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُغْلَقَ رَهَائِئُهَا أَسْهَرُوا عُيُونَكُمْ وَ أَضْمِرُوا بُطُونَكُمْ وَ اسْتَعْمِلُوا أَقْدَامَكُمْ وَ أَنْفِقُوا أَمْوَالَكُمْ, ٢٩٧

«... وَ الزَّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ, ٢٦٤

«... وَ الصِّيَامَ تَبْيِينًا لِلْإِخْلَاصِ», ٢٨٠

« أَلَمَّا أُخْبِرَكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَ الصَّدَقَةِ وَ الصَّلَاةِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ صِيْلَامُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَ هِيَ الْحَالِقَةُ », ١٤٤

« آتُوا الزَّكَاةَ مِنْ أَمْوَالِكُمُ الْمُسْتَحِقِّينَ لَهَا مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ الضُّعَفَاءِ لَا تَبْخُسُوهُمْ وَ لَا تُؤْكِسُوهُمْ وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ أَنْ تُعْطُوهُمْ، فَإِنَّ مَنْ أَعْطَى زَكَاةَ مَالِهِ طَيَّبَهُ بِهَا نَفْسُهُ؛ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ مِنْهَا قَصِيرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ ذَهَبٍ، وَ قَصْرًا مِنْ فِضَّةٍ، وَ قَصْرًا مِنْ لَوْلُؤٍ، وَ قَصْرًا مِنْ زَبْرُجَدٍ، وَ قَصْرًا مِنْ زُمُرُودٍ، وَ قَصْرًا مِنْ جَوْهَرٍ، وَ قَصْرًا مِنْ نُورِ رَبِّ الْعَالَمِينَ, ٢٦٠

« إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ, ١٤٤

« إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ, ١٦١

« أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ مَنْ آوَى الْيَتِيمَ وَ رَحِمَ الضَّعِيفَ وَ أَشْفَقَ عَلَى الْوَالِدِيهِ وَ رَفَقَ بِمَمْلُوكِهِ, ١٧٥

« اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ مُقَطَّعٌ فِي أُمَّ الْكِتَابِ », ١٩١

« أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ », ٩٢

« أَصِيكُمْ وَ نَفْسِي عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ », ١٠٨

« اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا فِائِي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ صَلَاحٌ, ١٤٧

« اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا فِائِي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ صَلَاحٌ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عِيَامَةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ إِنَّ الْمُبِيرَةَ الْحَالِقَةَ لِلدِّينِ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ », ١٣١

«أَعْيُنِي بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَفْوٍ وَ سَدَادٍ»، ٣٥١

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» الصَّلَاةُ لِأَوَّلِ لَوْقَتِهَا، ٢٤٢

«أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ»، ٣١٥

«أَلَا إِنَّ الْمَاعُونَ الزَّكَاةَ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا خَانَ اللَّهُ أَحَدٌ شَيْئاً مِنْ زَكَاهِ مَالِهِ إِلَّا مُشْرِكٌ بِاللَّهِ، ٢٦٧

«أَلَا إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي»، ١٢٣

«الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ، فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ، ٣٩٧

«التُّقَى رَيْسُ الْأَخْلَاقِ»، ١٠٧

«الْجَارُ ثَمُّ الدَّارِ»، ٢٠٥

«الْحُجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ»، ٢٢٢

«الْحُجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ اللَّازِمُ لَهُمَا فِي ضَمَانِ اللَّهِ إِنْ أَبْقَاهُ أَذَاهُ إِلَى عِيَالِهِ وَإِنْ أَمَاتَهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ، ٢٢٤

«الرَّمْضُ وَالرَّمْضَانُ: شَدَّتِ الْحَرَّ»، ٢٧٣

«الصَّلَاةُ لَوْقَتِهَا وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»، ٣١٠

«الصَّلَاةُ لَوْقَتِهَا.... وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ١٦٦

«الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ، - وَفِيهَا مَرَضَاءُ الرَّبِّ (عَزَّ وَجَلَّ)، فَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ، - وَالْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَهُدَى وَإِيمَانٌ وَنُورٌ الْمَعْرِفَةِ، - وَبَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ، وَرَاحَةٌ لِلْيَدَيْنِ، - وَكَرَاهَةٌ لِلشَّيْطَانِ، وَسَلَامٌ عَلَى الْكُفَّارِ، - وَإِحَابَةٌ لِلدُّعَاءِ، وَقَبُولٌ لِلأَعْمَالِ، - وَزَادَ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ، - وَشَفِيعٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ، وَأَنْبَسٌ فِي قَبْرِهِ، - وَفِرَاشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ، وَجَوَابٌ لِمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، - وَتَكُونُ صِيْلَاءُ الْعَبِيدِ عِنْدَ الْمُحْشَرِ تَاجاً عَلَى رَأْسِهِ، - وَنُوراً عَلَى وَجْهِهِ، وَلِبَاساً عَلَى بَدَنِهِ، - وَسِتْراً بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ، - وَحُجَّةٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الرَّبِّ (جَلَّ جَلَالُهُ)، - وَنَجَاةٌ لِيَدَيْهِ مِنَ النَّارِ، وَجَوَازاً عَلَى الصِّرَاطِ، - وَمِفْتَاحاً لِلْجَنَّةِ، وَمُهَوِراً لِلْحُورِ الْعِينِ، وَثَمَناً لِلْجَنَّةِ، بِالصَّلَاةِ يَبْلُغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا، - لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ وَتَحْمِيدٌ وَتَكْبِيرٌ، - وَتَمْجِيدٌ وَتَقْدِيسٌ وَقَوْلٌ وَدَعْوَةٌ.

٢٤٣

«الصلوة معراج المؤمن، ٢٣٨

«الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزِي عَلَيْهِ، ٢٨١

«الْعَالِمِ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوَابِسُ»، ١٢٨

«الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ»، ٢٥٦

«الْقُرْآنُ هُوَ الدَّوَاءُ»، ١٨٧

«الْكُفْرُ بِاللَّهِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ، وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَ أَكْلُ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ، وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا، وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ، وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرِهِ، ٢٤٦

«اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ الَّذِينَ لَمْ يُحَدِّثُوا حَدَثًا وَ لَمْ يُؤْوُوا مُحَدِّثًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صِ أَوْصَى بِهِمْ وَ لَعَنَ الْمُحَدِّثَ مِنْهُمْ وَ مِنْ غَيْرِهِمْ وَ الْمُؤْوَى لِلْمُحَدِّثِ»، ٣٥٥

«اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ الَّذِينَ لَمْ يُحَدِّثُوا حَدَثًا وَ لَمْ يُؤْوُوا مُحَدِّثًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صِ أَوْصَى بِهِمْ وَ لَعَنَ الْمُحَدِّثَ مِنْهُمْ وَ مِنْ غَيْرِهِمْ وَ الْمُؤْوَى لِلْمُحَدِّثِ»، ٣٦٩

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الْآيَاتِمَ فَلَا تُغَيِّرُوا أَقْوَاهُمْ وَ لَا تَضَيِّعُوا بِحَضْرَتِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَشْتَعِنِي أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ كَمَا أَوْجَبَ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ النَّارَ، ١٧١

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ»، ٣١٧

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ الْفَرِيضَةِ»، ٢٦٨

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَ إِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ»، ٢٣٥

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقَنَّكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ»، ١٨٣

«اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ فَلَمَّا يَخْلُونَ مِنْكُمْ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَّ لَمْ تَنَاطَرُوا فَإِنَّ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ مِنْ أُمَّةٍ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ، ٢١٣

«اللَّهُ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَوْصَى بِهِمْ وَ مَا زَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صِ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورِّثُهُمْ»، ١٩٩

«اللَّهُ اللَّهُ فِي ذُرِّيَةِ نَبِيِّكُمْ فَلَا تُظْلَمَنَّ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ»، ٣٢٣

«اللَّهُ اللَّهُ فِيمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، أَطْعَمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ، وَ أَلْبَسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ، وَ لَا تُكَلِّفُوهُمْ مَا لَا يُطِيقُونَ، فَإِنَّهُمْ لَحَمٌ وَ دَمٌ، وَ خَلْقٌ أَشْكَالِكُمْ، فَمَنْ ظَلَمَهُمْ؛ فَأَنَا حَصْمُهُمْ، وَ اللَّهُ حَاكِمُهُمْ»، ٣٨١

«اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ أَتَوَسَّلُ، وَ مِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي، مَنْ طَلَبَ حَاجَتَهُ إِلَى النَّاسِ

فَإِنِّي لَا أَطْلُبُ حَاجَتِي إِلَّا مِنْكَ، وَحَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ وَ رِضْوَانِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي عَامِي هَذَا إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلاً، حَجَّه مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً خَالِصَةً لَكَ، تُقَرَّرُ بِهَا عَيْنِي «وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي»،

٢٢٩

«الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحَبِّ، الْبَاغُونَ لِلْبُرَاءِ الْعَيْبِ»، ١٤٦

«الْمُضْلِحُ لَيْسَ بِكَذَّابٍ، ١٤٦

«إِلَهِي أَضِيحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَيَّ نَفْسِي، وَ أَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قَلَّةِ حِيلَتِي، فَأُنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَ تَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمَسِيكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمُهِينُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ، ١١٨

«إِلَهِي هَذِهِ صِلَاتِي صِلَيْتَهَا لَا لِحَاجَةٍ مِنْكَ إِلَيْهَا وَ لَا رَغْبَةٍ مِنْكَ فِيهَا إِلَّا تَعْظِيمًا وَ طَاعَةً وَ إِجَابَةً لَكَ إِلَى مَا أَمَرْتَنِي إِلَهِي إِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ أَوْ نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِهَا أَوْ سُجُودِهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَ الْعُفْرَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، ٢٣٩

«إِلَهِي هُوَلاءِ أَهْلِ بَيْتِي، يَمُوتُونَ جُوعًا، فَارْحَمَهُمْ يَارَبِّ! وَاعْفِرْ لَهُمْ، هُوَلاءِ أَهْلِ بَيْتِي فَاحْفَظْهُمْ وَ لَا تَسْهَمْ، ٣٢٩

«الْيَمِينُ وَ الشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ»، ١٤٠

«أَمَرَ النَّاسَ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ - لِنَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضَيَّعًا، ١٩١

«إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ □ حَجَّ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ حَجَّةً مَاشِيًا»، ٢٢٢

«إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصِلُ رَحْمَةً وَ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيَمُدُّهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً، ١٥٨

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْرَأَ أَوْ يَعْمَلَ عَمَلًا فَيَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - فَإِنَّهُ تُبَارَكُ لَهُ فِيهِ، ٨٧

«أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَاحًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً وَ كَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ، ٣٨٣

«إِنَّ اللَّهَ عِبَادًا يَسْعُونَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ آمَنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ أَدَخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُرُورًا فَرِحَ اللَّهُ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ٤١٩

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكَّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ أَمَرَ

ص: ٤٥٨

بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يُشْكِرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يُشْكِرِ اللَّهَ وَ أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ .

١٥٤

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَضَعَ الرِّكَاهَ قُوتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِلْمَوَالِكُمْ, ٢٦٣

«أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ فِي الْفِصَاحِ حَيَاةً طَوِيلًا مِنْهُ وَ رَحِمَهُ، لِئَلَّا يَتَعَدَى النَّاسُ حُدُودَ اللَّهِ», ٧٣

«أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ بِسَرِّيهِ فَلَمَّا رَجَعُوا, ٣١٤

«إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قَبِلَتْ قَبِلَ مَا سِوَاهَا», ٢٣٦

«إِنَّ رَبِّكُمْ تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَغَفَرَ لِمُحْسِنِكُمْ وَشَفَعَ مُحْسِنَكُمْ فِي مُسِيئِكُمْ, ٢٢٧

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ خَرَجَ وَ عَلَيْهِ مِرْطٌ مَرَّحَلٌ مِنْ شَعْرٍ أَسْوَدَ فَجَاءَ الْحَسَنُ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ فَاطِمَةُ ثُمَّ عَلِيٌّ ثُمَّ قَالَ
إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا, ٣٣١

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي بَيْتِهَا عَلَى مَنْامِهِ لَهَا عَلَيْهِ كِسَاءٌ خَيْرِيٌّ فَجَاءَتْ فَاطِمَةُ بِبُرْمَةٍ فِيهَا حَرِيرَةٌ فَصَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ادْعَى لِي
زَوْجِكَ وَ ابْنَيْهِ حَسَيْنًا وَ حُسَيْنًا فَدَعَتْهُمْ فَبَيْنَمَا هُمْ يَأْكُلُونَ إِذْ نَزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ هَذِهِ الْآيَةُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا قَالَتْ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِفَضْلِ الْكِسَاءِ فَعَشِيَتْهُمْ إِيَّاهُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ
الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا قَالَتْهَا النَّبِيُّ ﷺ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَأَدْخَلْتُ رَأْسِي فِي الْكِسَاءِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ أَنَا مَعَكُمْ فَقَالَ إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ,
٣٣٢

«إِنَّ ضَيْفَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جُلَّ رَجُلٌ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ, ٢٢٦

«إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ التَّقْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى, ١٠٧

«أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ», ٦٤

«انظُرُوا ذَوِي أَرْحَامِكُمْ فَصَلُّوهُمْ، يُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْحِسَابَ, ١٦٨

«أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ, ٢٧٩

«إِنَّمَا أُمِرُوا بِالْحَجِّ لِعَلِهِ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ طَلَبِ الزِّيَادَةِ - وَ الْخُرُوجِ مِنْ كُلِّ

ص: ٤٥٩

مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِبًا مِمَّا مَضَى - مُسْتَأْنَفًا لِمَا يَسْتَقْبِلُ، ٢٢٥

«إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ مِنْ أَهْوَاءٍ تُتَّبَعُ وَ أَحْكَامٍ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ، ٣٦١

«إِنَّمَا سُمِّيَ الرَّمْضَانُ لِأَنَّهُ يَزِمُصُ الدَّنُوبَ، ٢٧٤

«إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ □، مِنْ دَخَلَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، ٣٤٧

«إِنِّي أَحَبُّ الصَّلَاةِ، ٢٣٩

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخِرِ وَ هُوَ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»، ٣٤٧

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا»،

١٣٤

«أَنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ □ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَعْضُبُوا لِعَضْبِي»، ٤٠٣

«آه مِنْ قَلْبِهِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ، ١١٠

«أَوْصَى الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَ الْعَائِبَ مِنْهُمْ وَ مَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَ إِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرِهِ سَنَةٌ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ، ١٥٤

«أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ رَأْسُ الْأَمْرِ كُلِّهِ، ١٠٧

«أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ خَيْرٌ مَا أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ، الْمُسْلِمَ أَنْ يَحُضَّهُ عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنْ يَأْمُرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ، ١٠٠

«أَوَّلُ مَا يُحَاسِبُ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قَبِلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا وَ إِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا، ٢٤٥

«أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟»، ٣١٠

«إِيَّاكُمْ وَ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنْ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوَجِّدُ مِنْ مَسِيرِهِ أَلْفَ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَحِمٍ، ١٦١

«أَيُّمَا مُسْلِمِينَ تَهَاجَرَا فَمَكَثَا ثَلَاثًا لَا يَضْطَلِحَانِ إِلَّا كَانَا خَارِجِينَ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا وَلَايَةٌ فَأَيُّهُمَا سَبَقَ إِلَى

ص: ٤٦٠

كَلَامَ أَخِيهِ كَانَ السَّابِقَ إِلَى الْجَنَّةِ - يَوْمَ الْحِسَابِ, ٤٢٠

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ, ٤١٩

«أَيُّنَ تُرِيدُ يَا عَبْدَ اللَّهِ! فَقَالَ: أُرِيدُ الْكُوفَةَ، فَلَمَّا عَدَلَ الطَّرِيقَ بِالذَّمِّيِّ، عَدَلَ مَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □؛ فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ: أَلَسْتَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تُرِيدُ الْكُوفَةَ؟ فَقَالَ لَهُ □: بَلَى! فَقَالَ: لَهُ الذَّمِّيُّ: فَقَدْ تَرَكْتَ الطَّرِيقَ، فَقَالَ لَهُ □ قَدْ عَلِمْتُ قَالَ: فَلِمَ عَدَلْتَ مَعِيَ وَقَدْ عَلِمْتَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □ هَذَا مِنْ تَمَامِ حُسْنِ الصُّحْبَةِ، أَنْ يُشَيِّعَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ هُنَيْئَةً إِذَا فَارَقَهُ، وَكَذَلِكَ أَمَرْنَا نَبِيَّنَا □ فَقَالَ لَهُ الذَّمِّيُّ: هَكَذَا قَالَ؟ قَالَ □: نَعَمْ! قَالَ الذَّمِّيُّ: لِمَا جَرَمَ أَنْتَ يَا تَبَعَهُ مَنْ تَبَعَهُ لِأَفْعَالِهِ الْكَرِيمَةِ فَأَنَا أُشْهِدُكَ أَنَّ عَلَى دِينِكَ وَرَجَعَ الذَّمِّيُّ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ □ فَلَمَّا عَرَفَهُ أَسْلَمَ, ٢٠٩

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ», ٢٧٨

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ - مِنْ بَيَاضِ الْعَيْنِ إِلَى سَوَادِهَا, ٨٨

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ, ٢٢١

«تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءِ الْإِمَامِ ٢٢١, □»

«ثُمَّ إِنِّي أَوْصِيكَ يَا حَسَنُ - وَجَمِيعَ أَهْلِ بَيْتِي وَوُلْدِي وَمَنْ بَلَغَهُ», ٦٤

«ثُمَّ إِنِّي أَوْصِيكَ يَا حَسَنُ وَجَمِيعَ وُلْدِي وَأَهْلِ بَيْتِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ رَبُّكُمْ، فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ, ٩٧

«ثُمَّ قَالَ: اكْتُبْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هَذَا مَا أَوْصِي بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَوْصِي أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا □ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ, ٧٦

«جَاهِدْ نَفْسَكَ لِتُرَدَّهَا عَنْ هَوَاهَا فَإِنَّهُ وَاجِبٌ عَلَيْكَ كَجِهَادِهِ, ٣١٦

«جُعِلَ قَوْهَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ, ٢٣٨

«حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا، وَ وَازُنُوها قَبْلَ أَنْ تَوَازَنُوا»، ١١٣

«خَيْرُ بَيُوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يُحْسِنُ إِلَيْهِ وَ شَرُّ بَيُوتِكُمْ بَيْتٌ يُسَاءُ إِلَيْهِ، ١٧٤

«رابطت المدينة سبعة أشهر على عهد رسول الله ﷺ قال: رأيت رسول الله ﷺ إذا طلع الفجر جاء إلى باب علي و فاطمه رضى الله عنهما، فقال: «الصلاة الصلاة، إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً»، ٣٣٣, ٣٣٤

«رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ ﷺ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةَ جُمُعَتِهَا، فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً، حَتَّى اتَّصَحَّ عَمُودُ الصُّبْحِ، وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ تَسْتَمِيهِنَّ وَ تُكثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ، وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ، فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَّةَ! لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ؟ فَقَالَتْ: يَا بَنِيَّ! الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ، ٢٠٥

«رَبِّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ»، ١١٩

«رَكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا، ٢٣٩

«زَكَاهُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ»، ٢٤٨

«سَتَفْرِقُ أُمَّي عَلَى بَضْعٍ وَ سَبْعِينَ فَرْقَةً أَعْظَمُهَا فِتْنَةٌ عَلَى أُمَّي قَوْمٌ يَقْسِمُونَ الْأُمُورَ بَرَأِيَهُمْ فَيَحْرُمُونَ الْحَلَالَ وَ يُحَلِّلُونَ الْحَرَامَ، ٣٤١

«سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرٌّ وَالدِّيَةِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا، ١٦٥

«شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ»، ٢٧٨

«صَدَقَهُ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِضْلَاحَ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبُ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا»، ١٤٥

«صِلُهُ الْأَرْحَامَ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكُفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنْسِي فِي الْأَجْلِ، ١٥٩

«صِلُهُ الرَّحِمَ تَعْمُرُ الدِّيَارَ وَ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ وَ إِنْ كَانَ أَهْلُهَا غَيْرَ أَحْيَارِ، ١٥٩

«ضَرَبَهُ عَلِيٌّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ»، ١١٠

«طَيِّبُ دَوَارٍ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ مِنْ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمِي وَ آذَانِ صُمَّ وَ أَلْسِنَةِ بُكُمْ،

١٨٧

«عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ، فِي كُلِّ بَابٍ أَلْفُ بَابٍ»، ٤٣

«عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ ابْنَاهَا»، ٣٤٤

«عَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَعَ كُلِّ إِمَامٍ عَدَلٍ فَإِنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، ٣١٠

«عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالْمَوْرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَآدَاءِ الْأَمَانَةِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَحُسْنِ الْجَوَارِ وَكُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا»، ٣٥١

«عَلَيْكُمْ يَا بَنِي بِلْتَوَاصِلِ وَالتَّبَادُلِ وَالتَّبَارُّ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّقَاطُعِ وَالتَّدَابُرِ وَالتَّفَرُّقِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»، ٤٠٧

«عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ لِلنَّاسِ وَإِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَحُضُورِ الْجَنَائِزِ إِنَّهُ لَا يَدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتِهِ وَالنَّاسِ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ، ٤١٨

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَيْدِهِ □ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ □ وَكُلَّ شَيْءٍ إِخْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ قَامَ أَبُو بَكْرٍ وَعَمْرٌ مِنْ مَجْلِسِهِمَا فَقَالَا يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ التَّوْرَةُ قَالَ لَا قَالَا فَهُوَ الْإِنْجِيلُ قَالَ لَا قَالَا فَهُوَ الْقُرْآنُ قَالَ لَا قَالَ فَأَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ □ هُوَ هَذَا إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ»، ٤١

«فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِّيَاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ»، ٢٧٩

«فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ وَافْهَمُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا مُفْتَرَضَةً طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ بِإِحْسَانٍ وَعَلَى الْبِيَادِيِّ وَالْحَاضِرِ وَالْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَنْ صَدَّقَهُ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لِمَنْ سَمِعَ لَهُ وَأَطَاعَ لَهُ، ٣٨

«فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّهَا وَلِيَانِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ، ٣١٠

«فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ، ٢٨٤

«فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ»، ٢٨٤

«فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَجُلَانِ إِمَامٌ هَدَى وَ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهِدَاهَا، ٣١٩

«فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ»، ٢٤٢

«فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ، ٢٤٩

«فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجًّا, ١٣٩

«فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجًّا, ١٢٤

«فَرَضَ اللَّهُ... الْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدَّمَاءِ وَ إِقَامَهُ الْحُدُودَ إِعْظَامًا لِلْمَحَارِمِ, ٧٣

«فَقُولُوا عِنْدَ افْتِتَاحِ كُلِّ أَمْرٍ صَغِيرٍ وَ عَظِيمٍ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - أَيْ أَسْتَعِينُ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ بِاللَّهِ, ٨٨

«فَلَا يَسْبِقَنَّكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ, ١٨٩

«فَلَا يَسْبِقَنَّكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ», ١٩٤

«فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أُتُوفَ [الْمُنَافِقِينَ] الْكَافِرِينَ, ٣٩٦

«قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ», ٢٢٨

«قوله □ من أن يرى آدم في علمه و نوحاً في طاعته و إبراهيم في خلته و موسى في قزيبته و عيسى في صفوته فليُنظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ

أَبِي طَالِبٍ», ٤٧

«قُولُوا لِلنَّاسِ حُسَيْنًا كَمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ النُّكْرِ فَيَقُولَى اللَّهُ أَمْرُكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ

فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيْكُمْ, ٣٨٧

«كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ □ إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ أَفْشَرَ جِلْدَهُ وَ أَصْفَرَ لَوْنَهُ وَ ارْتَعَدَ كَالسَّعْفَةِ, ٢٤١

«كَأَنِّي دُعِيتُ فَأَجَبْتُ - وَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ - كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى

الْأَرْضِ - وَ عَثَرْتِي أَهْلُ بَيْتِي فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا, ١٣٤

«كُلُّ أَرْبَعِينَ دَارًا جِيرَانٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ, ٢٠٢

«كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُذَكَّرُ بِسْمِ اللَّهِ فِيهِ فَهُوَ أَتْبَرُ, ٨٧

«كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوَى أَشَدَّ اهْتِمَامًا مِنْكَ بِالْعَمَلِ بِغَيْرِهِ», ١٠٧

«لَا تَتْرُكَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقُولَى اللَّهُ الْأَمْرُ شِرَارُكُمْ - ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ, ٤٠١

«لَا تَخَاصِمُهُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ وَ لَكِنْ خَاصِمُهُمْ بِالسُّنَنِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا, ١٩٠

«لا تسبوا علياً فإنه ممسوسٌ في ذاتِ الله تعالى»، ٩٠

«لا تكلني إلى نفسي طرفه عينٍ»، ١٢٨

«لا غنى بالزوج عن ثلاثه أشياء فيما بينه وبين زوجته، وهى الموافقة ليجتلب بها موافقتها ومحبتها و هواها، وحسن خلقه معها واستعماله استعماله قلبها بالهيئة الحسنه فى عينها وتوسعت عليه، ٣٨٢

«لا يزال إيليس فرحاً ما اهتجر المسلمان فإذا التقيا اصطكت ركبته وتخلعت أوصاله ونادى يا ويله ما لقي من الثبور»، ٤٢١

«لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة»، ٢١٩

«لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة»، ٢٢٥

«لا يزال الشيطان هائباً لابن آدم ذعراً منه - ما صلى الصلوات الخمس لوقتهن - فإذا ضيعهن اجترأ عليه فأدخله فى العظام، ٢٤٢

«لا يفترق رجلا على الهجران إلا استوجب أحدهما البراءة واللغنه وربما استحق ذلك كلاهما فقال له معتب جعلنى الله فداك هذا الظالم فما بال المظلوم قال لأنه لا يدعو أخاه إلى صلبته، ٤٢١

«لا يقاس بال محمد من هذه الأمه أحد»، ٣٤٨

«لا ينال شفاعتى من استخف بصلاته - فلا يرد على، ٢٤٨

«لا يزال الناس بخير ما أمروا بالمعروف ونهوا عن المنكر وتعاونوا على البر والتقوى»، ٤١٧

«لتأمرن بالمعروف وتنهين عن المنكر أو ليستعملن عليكم شراركم فيدعو خياركم فلا يستجاب لهم»، ٤٠٣

«لكل شىء زكاة وزكاة العلم أن يعلمه أهله»، ٢٦٩

«للجنة باب يُقال له باب المجاهدين يمضون إليه فإذا هو مفتوح وهم متقلدون بسؤوفهم والجمع فى الموقف والملائكة ترحب»، ٣١٧

«لو كشف الغطا ما ازددت يقيناً»، ٢٦

«ليس بكاذب من أصلح بين اثنين»، ١٤٧

«ليس منا من لم يحاسب نفسه فى كل يوم»، ١١٤

«ما ابتدع من الدين بعد الإكمال»، ٣٥٦

«مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ كِتَابًا إِلَّا وَفَاتِحَتُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَإِنَّمَا كَانَ يُعْرَفُ انْتِقِضَاءُ السُّورَةِ بِنُزُولِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اِبْتِدَاءً لِلْآخَرِ، ٨٦

«مَا شَكَّكَتُ فِي الْحَقِّ مُذْ أَرَيْتُهُ»، ٢٦

«مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَضْيِيعِ الزَّكَاهِ فَحَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاهِ، ٢٦٥

«مَا عَبَدْتُكَ شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ»، ٩٤

«مَا مِنْ صِلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتَهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَيْ النَّاسِ أَيُّهَا النَّاسُ قُومُوا إِلَى نِيرَانِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا
بِصَلَاتِكُمْ، ٢٤٩

«مِنَّا مِنْ مُؤْمِنٍ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ اخْتِسَابًا إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ سَبْعَ خِصَالٍ أَوْلَاهَا يَذُوبُ الْحَرَامُ مِنْ جَسَدِهِ وَالثَّانِيهِ
يَقْرُبُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالثَّلَاثَةُ قَدْ كَفَرَ خَطِيئَةَ أَبِيهِ آدَمَ وَالرَّابِعَةُ يُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَيِّئَاتِ الْمَوْتِ وَالخَامِسَةُ أَمَانٌ مِنَ الْجُوعِ
وَالعَطَشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّادِسَةُ يُطْعِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ وَالسَّابِعَةُ يُعْطِيهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ قَالَ صَدَقَتْ يَا
مُحَمَّدُ!، ٢٨٣

«مَا يَتَّبِعُنِي لِامْرِئٍ مُسْلِمٍ - أَنْبِيَّتَ لَيْلَهُ إِلَّا وَوَصِيَّتَهُ تَحْتَ رَأْسِهِ»، ٥٣

«مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ، ٣١٤

«مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضِّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ، ٣٩

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَنُوحًا فِي طَاعَتِهِ وَإِبْرَاهِيمَ فِي خَلْقِهِ وَمُوسَى فِي قُرْبَانِهِ وَعِيسَى فِي صِدْقِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ، ٣٣٨»، □

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ، ٢٠٦

«مَنْ اعْتَدَلَ يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ»، ١٢٠

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُسَأَلَ لَهُ فِي أَجَلِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ، ١٥٩

«مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَنْقَطِعَ يَتِيمُهُ أَوْ يَشْتَغِي بِنَفْسِهِ أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْجَنَّةَ كَمَا أَوْجَبَ النَّارَ لِمَنْ أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ»، ١٧٥

«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ، ١٩٠

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ □ أَخِي وَوَصِيِّ وَمَوَالِيهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ، ٣٩

«مَنْ كَفَلَ يَتِيمًا بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فَأَدْخَلَهُ إِلَى طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ الْبَتَّةَ إِلَّا أَنْ يَعْمَلَ ذَنْبًا لَا يُغْفَرُ. ١٧٥

«مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ»، ٢٢٦

«مَنْ مَسَحَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ يَتِيمٍ تَرَحُّمًا لَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مَرَّتْ عَلَيْهِ يَدُهُ حَسَنَةً، ١٧٧

«مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ، ٢٦٥

«مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ، ٤١٨

«مَنْ يَضْمَنُ لِي أَرْبَعَةَ بَارِبَعِهِ آيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ» يك از آنها کسی است «...مَنْ أَنْفَقَ وَ لَمْ يَخَفْ فَقْرًا...، ٢٩٦

«هَلْ تَدْرُونَ مَا حَقُّ الْجَارِ مَا تَدْرُونَ مِنْ حَقِّ الْجَارِ إِلَّا قَلِيلًا أَلَا لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ مَنْ لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بِوَأْتِقَهُ فَإِذَا اسْتَقْرَضَهُ أَنْ يُقْرِضَهُ وَ إِذَا أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَأَهُ وَ إِذَا أَصَابَهُ شَرٌّ عَزَّاهُ لَا يَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ فِي الْبِنَاءِ يَحْجُبُ عَنْهُ الرِّيحَ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ إِذَا اشْتَرَى فَآكِهَهُ فَلْيُهْدِ لَهُ فَإِنْ لَمْ يُهْدِ لَهُ فَلْيُدْخِلْهَا سِرًّا وَ لِمَا يُعْطَى صَبِيئَانَهُ مِنْهَا شَيْئًا يُغَايِظُونَ صَبِيئَانَهُ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْجِيرَانُ ثَلَاثَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ لَهُ ثَلَاثَةٌ حُقُوقٍ حَقُّ الْإِسْلَامِ وَ حَقُّ الْجَوَارِ وَ حَقُّ الْقَرَابَةِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ حَقَانِ حَقُّ الْإِسْلَامِ وَ حَقُّ الْجَوَارِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَهُ حَقٌّ وَاحِدٌ الْكَافِرُ لَهُ حَقُّ الْجَوَارِ، ٢٠٤

«هُوَ شَهْرٌ دُعِيْتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ»، ٢٧٨

«وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمُرِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ ائْتِغَاءً وَجْهَكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»، ٢٢٢

«وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْجِهَادَ الْأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ فَاشْتَغِلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ»، ٣١٥

«وَ اعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُغْشَى، وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ، وَ الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يُكْذِبُ، وَ مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ، ١٨٩

«وَ الْحَجَّ تَسْتِيهِ لِلدِّينِ، ٢٢٢

«وَ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَجُلَانِ إِمَامٌ هُدَى وَ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهَدَايَاهَا»، ٣٠٧

«وَ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ، ٢٥٣، ٢٦٨

«وَ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ»، ٢٥٨

«وَ اللَّهُ فِي الرِّكَاهِ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ»، ٢٥٤

«وَ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ»، ٢٤٨

«وَ اللَّهُ فِي الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ»، ٢٨٩

«وَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقَنَّكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ»، ١٨٧

«وَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقَنَّكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ»، ١٩٥

«وَ اللَّهُ فِي النَّسَاءِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ لَا تَخَافَنَّ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّئِيمَةً يَكْفِيكُمْ اللَّهُ مَنْ أَرَادَكُمْ وَ بَغَى عَلَيْكُمْ»، ٣٧٣

«وَ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ فَلَمَّا يَخْلُونَ مِنْكُمْ مَيَّا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرِكَ لَمْ تُنَاطِرُوا فَإِنَّ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أَمَّهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ»، ٢٣٠

«وَ اللَّهُ فِي صِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ»، ٢٨٤

«وَ أَمَّا الْبِدْعَةُ فَالْمَخَالِفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ كِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ الْعَامِلُونَ بِرَأْيِهِمْ وَ أَهْوَائِهِمْ وَ إِنْ كَثُرُوا»، ٣٥٩

«وَ أَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ، فَإِنَّ تَضَيُّعَهُ بِالْتَفْضِيلِ وَ الْإِنْصَافِ، وَ تَكْرِمُهُ كَمَا يُكْرِمُكَ، وَ لَا تَدَعُهُ يَسْبِقُ إِلَيْهِ مَكْرَمَةً، فَإِنْ سَبَقَ كَأَفَاتِهِ، وَ تَوَدُّهُ كَمَا يُوَدُّكَ، وَ تَرْجُوهُ عَمَّا يَهُمُّ بِهِ مِنْ مَعْصِيَةٍ، وَ كُنْ عَلَيْهِ رَحِمَةً، وَ لَا تَكُنْ عَلَيْهِ عَذَابًا، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، ٢٠٨

«وَ أَمَّا حَقُّ جَارِكَ، فَحِفْظُهُ غَائِبًا، وَ إِكْرَامُهُ شَاهِدًا، وَ نُصْرَتُهُ إِذْ كَانَ مَظْلُومًا، وَ لَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً، فَإِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سُوءًا، سَتَرْتَهُ عَلَيْهِ، وَ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ، نَصِيحَتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ، وَ لَا تُسْلِمُهُ عِنْدَ شَدِيدِهِ، وَ تُقِيلُ عَثْرَتَهُ، وَ تَغْفِرُ ذَنْبَهُ، وَ تُعَاشِرُهُ مُعَاشِرَةَ كَرِيمَةٍ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، ٢٠٧

«وَ إِنْ الرَّجُلَ لَيَقْطَعَنَّ رَحِمَهُ وَ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ سَنَةً - فَيُبْتَرُهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ»، ١٦٠

«وَ إِنْ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَمْنَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقَضِي عَرَائِبُهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلْمَاتُ إِلَّا بِهِ»، ١٨٤

«وَ إِنْ الْمُبِيرَةَ الْحَالِقَةَ لِلدِّينِ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ»، ١٤٧

«وَ إِيَّاكَ وَ مَصَاحِبَهُ الْقَاطِعِ لِرَحِمِهِ - فَإِنِّي وَ جَدُّهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ثَلَاثِ مَوَاضِعَ»، ١٥٦

«وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّقَاطِعَ وَ التَّدَابِرَ وَ التَّفَرُّقَ»، ٤٠٨

«وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِيِ وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ»، ٢٧٨

«وَتَزَعَمُ أَنَّكَ جِزْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ أَنْطَوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ»، ٣٨٨

«وَتَمَسَّكَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَاسْتَنْصَحَهُ، وَ أَحِلَّ حَلَالَهُ وَ حَرَّمَ حَرَامَهُ، ١٨٨

«وَتَنَافَسُوا فِي صِدْقِ الْأَقْوَالِ وَ بَذَلِ الْأَمْوَالِ، ٢٩٧

«وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ مَغْفِرَةً لَنَا وَ كَارَهُ لِدُنُوبِنَا»، ٣٤٥

«وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ»، ٢٧٩

«وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ»، ٢٧٩

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَيْجَ بَيْتِهِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلنَّاسِ يَرُدُّونَهُ وَرُودَ الْأَنْعَامِ وَيَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وَوَلَوْهَ الْحَمَامِ جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَمًا لِتَوَاضَعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَ إِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ وَ اخْتِارَ مِنْ خَلْقِهِ سَيِّمَاعًا أَحِبَّاءُوا إِلَيْهِ دَعْوَتُهُ وَ صَدَقُوا كَلِمَتَهُ وَ وَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ وَ تَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ يُخْرِزُونَ الْأَرْبَابَ فِي مَنَاجِرِ عِبَادَتِهِ وَ يَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عَلَمًا وَ لِلْعَائِدِينَ حَرَمًا فَرَضَ حَجَّهُ وَ أَوْجَبَ حَقَّهُ وَ كَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَادَتَهُ فَقَالَ سُبْحَانَهُ «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»، ٢٢٣

«وَقَالَ طَالَمَا وَ اللَّهُ جَلَا بِهِ الْكَرْبُ عَنْ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ لَكِنَّ الْحَيْنَ وَ مَصَارِعَ السُّوءِ، ١٢٦

«وَقُولُوا لِلنَّاسِ الَّذِينَ لَا مَوْونَهُ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حُسْنًا عَامِلُوهُمْ بِخَلْقِ جَمِيلِ، ٣٨٩

«وَلَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ النُّكْرِ فَيُولَّى اللَّهُ أَمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيْكُمْ»، ٣٩٠

«وَلَا ظَلَلْتُ وَ لَا ضَلُّ بِي، ٢٥

«وَلَا يُقَالُ فِي الْعُرْفِ، إِلَّا لِمَنْ كَثُرَتْ مُلَازِمَتُهُ، ٣٦٣

«وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبِدْتُكَ»، ٩٤

«وَمَا أُحَدِّثُ بِدَعْوَةٍ إِلَّا تُرِكَ بِهَا سُنَّتُهُ فَاتَّقُوا الْبِدْعَ وَ الزُّمُومَ الْمَهْيَعَةَ إِنَّ عَوَازِمَ الْأُمُورِ أَفْضَلُهَا وَ إِنَّ مُحَدِّثَاتِهَا شِرَارُهَا، ٣٦٢

«وَمَا زَالَ جَبْرَيْئِيلُ ﷺ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِّثُهُ، ٢٠٧

«وَمَنْ أَنْفَقَ عَلَى الضَّيْفِ دِرْهَمًا فَكَأَنَّمَا أَنْفَقَ أَلْفَ أَلْفِ دِينَارٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى, ٢٩٥

«وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ», ٩٨

«وَنَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ», ٢٧٩

«وَأَثَلْتُ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِمْ رُخْصَةً - أَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ - وَالْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ - وَبُرَّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ, ١٦٦

«وَمِنْهُمْ تَارِكٌ لِانْتِكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَيَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتٌ, ٤٠٠

«يَا ابْنَ آدَمَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ وَاعْمَلْ [فِي مَالِكَ] فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يُعْمَلَ [يُعْمَلَ] فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ [مَنْ بَعْدَكَ], ٢٩٧

«يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوَحِّشَةِ! وَالْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ! وَالْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ! يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ! يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ! يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ! أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ، أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَيَكُنْتُ، وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحْتُ، وَأَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ، هَذَا خَبْرٌ مَا عِنْدَنَا، فَمَا خَبْرٌ مَا عِنْدَكُمْ، ثُمَّ التَّفَتُّ إِلَى أَصْحَابِهِ، فَقَالَ: [وَاللَّهِ]؛ لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ، لَأَخْبَرُوكُمْ، أَنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ التَّقْوَى», ١٠٩

«يَا بَنِيَّ أَنْتَ وَلِيُّ الْأَمْرِ وَوَلِيُّ الدِّمِّ», ٦٧

«يَا جَابِرُ! الصَّلَاةُ تَثْبِيْتُ لِلْإِخْلَاصِ وَتَنْزِيَهُ عَنِ الْكِبْرِ, ٢٤٥

«يَا رَبِّ، مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أَظَلَّهُ عَرْشُكَ؟! فَقَالَ هَذَا كَانَ بَارًا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَمْسَسِ بِالنِّمِيمَةِ, ١٦٧

«يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ, ٣١٤

«يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَلَّمَنِي عَمَلًا... وَيُثِرِي اللَّهُ مَالِي... قَالَ ﷺ وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُثِرِيَ اللَّهُ مَالَكَ، فَزَكِّهِ, ٢٦٤

«يَا عَلِيُّ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ... وَمَنْ وَجَدَ سَعَةً فَمَاتَ وَلَمْ يَحْجِجْ - يَا عَلِيُّ تَارِكُ الْحَجِّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ كَافِرٌ - يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ - مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا - وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ, ٢٢٠

«يَا عَلِيُّ لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ, ٣٨٢

«يَا عَلِيُّ مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَغَيْرِكَ وَمَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَغَيْرِي, ٣١

«يَا عِيسَى! إِنَّكَ مَسْئُولٌ فَارْحَمِ الضَّعِيفَ كَرَحْمَتِي إِيَّاكَ وَ لَا تَقْهَرِ الْيَتِيمَ»، ١٧٣

«يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ»، ٢٤٢

«يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكُفْبِهِ وَ عِنْدَ النِّكَاحِ، ١٦٧

«يَمْلَى اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»، ٩٣

«يُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْحِسَابَ»، ١٥٦

«اسْتَعَدَّ لِسَفْرِكَ وَ حَصَّلَ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ أَجْلِكَ»، ١١١

الصلوة قربان كل تقى، ٢٣٩

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ، ٢٧٧

الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ فَذَلِكَ مَتَمِّسُكَ بِخِصْلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُضَيِّعُ خِصْلَةٍ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ - [فَذَاكَ] فَذَلِكَ الَّذِي ضَيَّعَ أَشْرَفَ الْخِصْلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدِهِ، ٣٩٦

بِالتَّوَاضُلِ وَ التَّبَاذُلِ وَ التَّبَارُّ، ٤٠٨

بِتَقْوَى اللَّهِ رَبِّكُمْ، ١٠٨

زَكَاهُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ زَكَاهُ الْحَيَاةِ يَذُلُّهُ زَكَاهُ الْحِلْمِ الْإِحْتِمَالُ زَكَاهُ الْمَالِ الْإِفْضَالُ زَكَاهُ الْقُدْرَةِ الْإِنْصَافُ زَكَاهُ الْجَمَالِ الْعِفَافُ زَكَاهُ الظَّفَرِ الْإِحْسَانُ زَكَاهُ الْبَدَنِ الْجِهَادُ وَ الصِّيَامُ زَكَاهُ الْيَسَارِ بُرِّ الْجِيرَانِ وَ صِلَةُ الْأَرْحَامِ زَكَاهُ الصَّحَّةِ السَّعْيُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ زَكَاهُ الشَّجَاعَةِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ٢٤٩

قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تَحْجُبُ الدُّعَاءَ، ١٦٠

مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَدَّرٌ - وَ مَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ، ٢٩٦

وَ الَّذِي نَفَسَى بِيَدِهِ لَوْ طُوِيَ لِي الْوَسَادَةِ فَأَجْلَسُ عَلَيْهَا لَقَضَيْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ وَ لِأَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَ لِأَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ وَ لِأَهْلِ الْفُرْقَانِ بِفُرْقَانِهِمْ، ٤٢

وَ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ»، ٢٧٩

وَفِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِيَ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، ٢٠٥

ولكم يا أمه محمد في القصاصِ حياة؛ لأن من همم بالقتل؛ يعرف أنه يقتص منه، فكف لذلك عن القتل الذي كان

ص: ٤٧١

حِياهُ لِلَّذِي كَانَ هَمٌّ بِقَتْلِهِ، وَحِياهُ لِهَذَا الْجَانِي الَّذِي أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَ، وَحِياهُ لِغَيْرِهِمَا مِنَ النَّاسِ، إِذْ عَلِمُوا أَنَّ الْقِصَاصَ وَاجِبٌ،
لَا يُجْسِرُونَ عَلَى الْقَتْلِ مَخَافَةَ الْقِصَاصِ، يَا أُولِي الْأَلْبَابِ! أُولَى الْعُقُولِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، ٧٣

يَا عَمَّارُ! أَنْتَ رَبُّ مَالٍ كَثِيرٍ، قَالَ: نَعَمْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ؛ قَالَ: فَنُودِيَ يَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ مِنَ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، يَا عَمَّارُ! إِنَّهُ مَا
قَدَّمْتَ فَلَنْ يَسْبِقَكَ وَ مَا أَخَّرْتَ فَلَنْ يَلْحَقَكَ، ٢٦١

ص: ٤٧٢

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

